

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم رب الشهداء

بلاجویان دشت کربلایی	کجایید ای شهیدان خدایی
پرنده ترزمرغان هوایی	کجایید ای سبک روحان عاشق
کشی دست نوازش بر سر ما	کجایی ای امام و رهبر ما
شهادت نامه را با خون نوشتند	شهیدان نوگل باغ بهشتند
خدایا نوبتم کی خواهد آمد	رفیقان رفته اند نوبت به نوبت
زخیل عاشقان جا مانده ام من	همه رفتند و تنها مانده ام من
به مایچه ارکان زان سو نخندید	در باغ شهادت را بنزدید
شهادت را نصیب ما بر گردان	امیر المؤمنین مولای مردان
به کرد شمع خود پروانه کرد	مرا عشق حسین دیوانه کرده
ولی من مانده ام بارو سیاهی	همه سوی خدا گردیده راهی
مرا با دیدنت حاجت روا کن	گل نرگس بیا و در دم دو کن
گل پیغمبر ما را نگهدار	خدایا تا طور دولت یار

فرہنگ نامہ شہداء و آزادگان روحانی

استان گھگیلوہ و بویر احمد

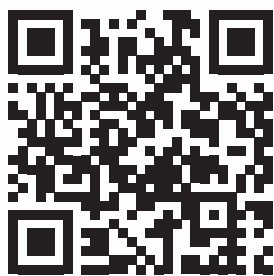
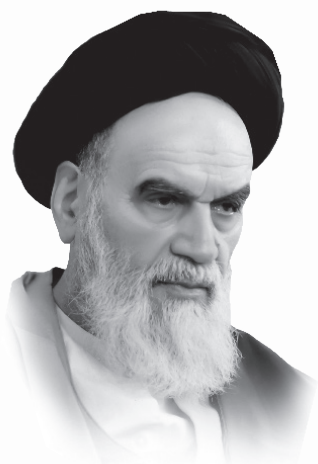
عنوان و نام پدیدآور فرهنگ نامه شهدا و آزادگان استان کهگیلویه و بویراحمد
 مؤلف و گردآورنده: ساعد نیکبخت و با همکاری جمعی از روحانیون رزمنده و
 جانباز کل کشور
 شابک دوره: ۹-۱۹-۸۱۱۵-۶۰۰-۹۷۸
 شابک اصلی: ۸-۱۶-۸۱۱۵-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع: جنگ ایران و عراق
 موضوع شهدا و آزادگان استان کهگیلویه و بویراحمد
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۵۲ د / ۱۶۲۵ DSR
 رده بندی دیویی: ۹۲۲ - ۰۸۲۴ / ۹۵۵
 شماره کتاب شناسی: ۹۷۵۸۸۴۷

شهدای روحانی

عنوان: فرهنگ نامه شهدا و آزادگان استان کهگیلویه و بویراحمد
 مؤلف و گردآورنده: ساعد نیکبخت با همکاری جمعی از روحانیون رزمنده
 گرافیک و اجرا: گروه هنری پتوس ۹۱۹۲۹۵۸۷۷۳
 چاپخانه: بوستان کتاب / قم

صفحه آرائی: سید حجت الله صمدانی
 نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۱
 شابک: ۹-۱۹-۸۱۱۵-۶۰۰-۹۷۸

با تقدیر و تشکر از همکاری مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه فتح، بنیاد شهید و امور
 ایثارگران، رئیس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه، سازمان بسیج طلاب و روحانیون، کنگره شهدای
 استان کهگیلویه و بویراحمد و تشکر ویژه از حجج اسلام سید غلامعباس طاهرزاده و کمال جهانبخشی
 که در گردآوری این کتاب ما را یاری نمودند.



سایت حضرت امام خمینی رحمته الله علیه

<http://www.imam-khomeini.ir/fa>



سایت حضرت آیت الله خامنه‌ای حفظه الله

<https://farsi.khamenei.ir>

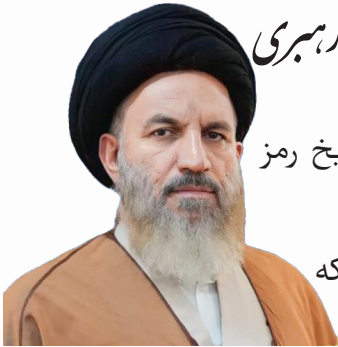
خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاقت را گلگون کرده
است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان
و مفقودین حوزه‌ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است.

امام خمینی رحمته الله علیه

شهدای روحانیت سند همیشه زنده حضور قاطع در جبهه‌های
حق علیه باطل است.

امام خامنه‌ای مدظله العالی

خترانی نماینده مردم استان گسکلیویه و بویراحمد در مجلس خبرگان رهبری



ایشان در این آیین اظهار داشت: روحانیت در طول تاریخ رمز احیای دین و مردان ایمان و عمل بوده‌اند.

آیت‌الله سید شرف‌الدین ملک حسینی با بیان اینکه آنان که دین را آموختند و آن را در جامعه جاری کردند، مردان علم و

ایمان بودند گفت: کسانی که عالم‌اند و عامل این‌ها رفعت‌های خداوند را خواهند دید.

آیت‌الله ملک حسینی با بیان اینکه این رفعت‌ها گاه جهاد و مقاومت و گاه ایثار و شهادت است، این‌ها منزلت‌های آن‌ها است، گفت: عالمان هدایت‌گران تاریخ بودند می‌آموختند و آموزش می‌دادند.

وی تمام قوم لر را شیعه دانست و افزود: رمز این قوم همیشه روحانیت سادات و سادات روحانی بود و نقش روحانیت در تشیع استان انکار ناپذیر است.

آیت‌الله ملک حسینی به جایگاه بزرگی حقیقی روحانیت در نگاه مردم اشاره کرد و گفت در نگاه‌ها آنچنان بزرگ بودند که مردم باور داشتند شان دین با تکیه بر آن‌ها مستحکم است.

نماینده مردم استان در مجلس خبرگان رهبری به نقش روحانیت در طول تاریخ اشاره کرد و گفت: روحانیت در طول تاریخ همیشه مرد میدان بودند، جنگیدند و کشته شدند و ضروری است که یاد تمام حماسه آفرینان را گرامی داشت.

وی با بیان اینکه یادواره‌ها باید راهوارهای شهیدان باشند، افزود: باید در مسیر تعیین شده گام گذاشت تا به مقصد رسید.

آیت‌الله ملک حسینی با بیان اینکه شهدا به مسئولان می‌گویند خون دادیم برای نظام باید خدمت کنید، افزود: شرم کنید اگر خدمت نمی‌کنید به جامعه‌ای که وظیفه خدمت به آن‌ها دارید

باسمه تعالی

روحانیت نقش بی بدیلی در ترویج فرهنگ دینی و اسلامی برای اقشار مختلف جامعه دارد، از آنجایی که روحانیت همیشه درکنار مردم بوده و در سختی‌ها و ناملایمات مردم را تنها نگذاشته است در دوران جنگ تحمیلی نیز این نقش مهم و بزرگ را در کنار نقش اصلی که هدایت و راهبری جامعه است در هم آمیخته و با حضور در جبهه‌های جنگ نه تنها به هدایت رزمندگان در زمینه‌های دینی و اعتقادی پرداخته بلکه حضوری جدی در میدان نبرد نیز داشته است.

بی‌شک شهادت در مکتب اسلام، گوهری گرانبقدر و مدالی پرافتخار است که خداوند به بهترین و رستگارترین بندگان خود ارزانی می‌دارد و تکریم مقام شهید و شهادت، مصداق تعظیم شعائر الهی است.

شهدای عالیقدر روحانیت در طول تاریخ پرافتخار حوزه‌های علمیه تشیع همانند گوهرهای درخشانی هستند که تمام صفحات این تاریخ شکوهمند را روشن ساختند و اسوه نمونه دیگران بوده‌اند.

از شهید اول و شهید ثانی «قدس سره» گرفته تا شهدای روحانی معاصر که در صحنه‌های گوناگون قبل و بعد از انقلاب اسلامی، خون‌های پاک و مطهرشان، مایه حفظ و استمرار و بقا و تعمیق دین و معارف دینی گسسته است و درس «عمل درکنار علم» و «بصیرت» و «شناخت وظیفه» را به همه ما آموخته‌اند؛ و از این رو مسئولیت ما در قبال این مجاهدت‌ها، سنگین و خطیر خواهد بود، و وظیفه ما اولاً شناخت و فهم درست پیام‌های شهیدان و مجاهدان راه حق و ثانیاً عمل و الزام به آن پیام‌های حیاتبخش و ثالثاً نشر و ترویج و تعلیم آن پیام‌های ماندگار خصوصاً به نسل جوان است.

یاد و نام همه شهیدان و الامقام بالاخص شهدا و ایثارگران روحانی استان کهگیلویه و بویراحمد را گرامی می‌داریم و به ارواح تابناک آنان سلام و تهنیت و درود می‌فرستیم.



حجت الاسلام و المسلمین سید نصیر حسینی
نماینده ولی فقیه و امام جمعه یاسوج

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

شهیدان راه خدا شاهدان زنده و جاوید الهی شاهد بر رفتار و کردار بشریتند؛ و خدایشان آنان را به وصف خویش که فرمود «ان الله علی کل شیء شهید» نام گذاری کرد تا همچنان که در جوار قرب الهی روزی می خورند، شاهد اعمال بندگان باشند.
چند نکته:

۱. سیر تدوین کتاب حاضر بر اساس جمع آوری اسناد و مدارک معتبر شهید و تأییدیه از بنیاد شهید و امور ایثارگران و حوزه علمیه قم انجام شده است.
۲. کتاب حاضر حاوی کد ملی از بنیاد شهید و شماره پرونده حوزوی هر شهید پس از اخذ مدرک رسمی ایشان از معاونت آموزش حوزه های علمیه می باشد.
۳. این کتاب با نرم افزارهای شهدای روحانیت پشتیبانی می شود که حاوی امکانات گسترده ای همچون فیلم و عکس و خاطرات و غیره است.
۵. در اول هر صفحه بارکد طراحی شده که مخاطبان و خوانندگان محترم با اسکن آن به منابع مربوطه ارجاع داده خواهند شد.
۶. وب سایت مربوط به مشخصات آزادگان محترم استان کهگیلویه و بویراحمد در قسمت مربوط به آزادگان آمده است.
۷. سازمان دهی کتاب: در ابتدا، فهرست به ترتیب حروف الفبا آورده شده است که:
فصل اول شهدای روحانی استان کهگیلویه و بویراحمد
فصل دوم شهدایی که به نحوی مرتبط با استان کهگیلویه و بویراحمد
فصل سوم ایثارگران روحانی استان کهگیلویه و بویراحمد
فصل چهارم جانبازان روحانی استان کهگیلویه و بویراحمد
فصل پنجم روحانیون آزاده روحانی استان کهگیلویه و بویراحمد،
فصل ششم روحانیون پدر شهید روحانی استان کهگیلویه و بویراحمد،

فصل هفتم ضمام، اطلاعات شهدای روحانی استان کهگیلویه و بویراحمد براساس سال شهادت، لیست مدارس علمیه استان کهگیلویه و بویراحمد، وضعیت جمعیتی استان کهگیلویه و بویراحمد، آمار مدارس و مساجد استان کهگیلویه و بویراحمد، متن مدیر شعبه مشارکت روحانیت در دفاع مقدس، گردان ویژه فاتحین لشکر ویژه ۲۵ کربلا، جانبازان بالای ۷۰ درصد

فصل هشتم آزادگان و نمودار شهدای روحانی به همراه آمار

فصل نهم لیست ۱۵۵ عملیات دفاع مقدس، امامزاده‌های مدفون در ایران، آمار کلی شهدای جنگ تحمیلی، مادران چند شهیدی دفاع مقدس، عکس‌های مربوط به حضور علما و طلاب استان کهگیلویه و بویراحمد در دفاع مقدس؛ تحت عنوان تصاویر و ویژه نامه آمده است.

۸. تقدیر و تشکر می‌نمایم از همسنگران و همکاران عزیزم خصوصاً حجج اسلام آقایان سید غلام عباس طاهرزاده، محمدرضا فرمانی، محمدحسین صادقی مجرد، سید مهدی رئیس‌زاده، حفیظ‌الله فولادی، حسینی، کمال جهان‌بخش، علیرضا علی‌پور، سیدابراهیم افتخاری، فرزاد افتخاری، صفدر دلاور، سید خحت‌الله صمدانی و مرحومین: حجت الاسلام دکتر محمد اسعدی، مرحوم محمود واحدی، محی‌الدین علی‌پور و همه کسانی که به طریقی ما را در تدوین این مجموعه یاری نمودند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

ساعد نیکبخت

خادم الشهداء

مهرماه ۱۴۰۳ ش

مقدمہ مؤل محترم مرکز خدمات حوزه های علمیہ

سخن پیرامون شهیدان و قلم زدن در این باره، امریست بس دشوار، چرا که ایشان با ایمان راستین خود دیده از اسباب فناء فرو بسته و با نظر به وجه الله و لقاء حضرت معبود شتافتند و به جایگاه والای «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» رسیدند و متصف به وصف خالق خویش «وَبِیْقَیِّ وَجْهٌ رَبِّکَ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ» (الرحمن / ۲۷) برای همیشه تاریخ ماندگار گشتند.

در این میان عالمان دین و اسلام شناسان حقیقی که بر اساس این روایت از امام صادق علیه السلام در من لایحضر الفقیه «إِذَا كَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ جَمَعَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ النَّاسَ فِی صَعِیدٍ وَاحِدٍ، وَوَضَعَتِ الْمَوَازِینُ، فِیوزُنُ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدادِ الْعُلَمَاءِ، فِیرَجَحُ مِدادُ الْعُلَمَاءِ عَلَی دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ» مرکبشان در روز قیامت ارجح از دماء شهدا می باشد. به این رتبه رفیع نیز اکتفا ننموده و به فرموده، به تعبیر امام راحل عظیم الشان «رضوان الله تعالی علیه» رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند فصل دیگری از مجاهدت را در پیش گرفته و پیش قراول نهضت های اصیل اسلامی، با شهادت، اسارت و جانبازی خود این چنین آزادمردانه عمر خویش را در مسیر قادر متعال به خدمت گرفتند.

تجلی این ایثارگری ها و جانفشانی های اعلام دین را می توان در ندای لبیک ایشان به دعوت بنیانگذار جمهوری اسلامی حجرتنا علیه السلام و تاسیس حکومت اسلامی در عصر غیبت به وضوح شاهد بود. حال هر چند جنگ ۸ ساله دفاع مقدس به پایان رسیده، اما مبارزه همچنان باقی است. مبارزه ای که به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، موضوع آن عبارت است از تمدن و جنگ در آن، جنگ تمدن هاست بی شک لازمه کامیابی در این نبرد، به ویژه در گام دوم انقلاب اسلامی، احیای روز افزون هویت اصیل اسلامی است، چرا که اگر ملتی هویت خویش را به خوبی دریافت، آن وقت به درستی غیرت سازی کرده، صف دوست را از دشمن شناخته و هرگز در دام فتنه ها اسیر نخواهد گردید.

از آن جا که بخش مهمی از هویت جامعه اسلامی ما، ریشه در معرفت ایشان نسبت به مبارزات نستوه رهبران دینی‌شان دارد لذا تولید آثار فاخر در این باره و نشر آن می‌تواند بستر مناسب برای تحقق تمدن نوین اسلامی باشد.

در این راستا، گام اول تولید اثری است که بتواند اسامی و مشخصات دقیق شهدا و آزادگان روحانی را احصا کرده، مستندسازی نموده در قالب یک مجموعه‌ای منظم ارائه نماید. لذا مرکز خدمات حوزه‌های علمیه در دوره ریاست فاضل و اندیشمند ارجمند، حجت الاسلام والمسلمین سید جمال الدین میرمحمدی «زید عزه» بر آن شد تا به عنوان نهاد خدمتگزار روحانیت، در صدد تالیف این منبع ارزشمند برآید، تا مرجعی باشد موثق برای محققان و مروجان فرهنگ جهاد و شهادت.

در پایان از محقق گرامی جناب آقای ساعد نیکبخت که از فرماندهان خستگی ناپذیر ۸ سال دفاع مقدس می‌باشد و سایر پژوهشگران و فضایی ارجمندی که با تلاش بی‌وقفه خود در طول سالیان متمادی این مجموعه فاخر را گردآوری نموده‌اند، نهایت سپاسگزاری و قدردانی به عمل می‌آید

مرکز خدمات حوزه‌های علمیه



مرکز خدمات حوزه‌های علمیه

فهرست

فصل اول

۱

- ۱..... شهدای روحانی استان کهگیلویه و بویر احمد
- ۲..... آرادای عباس
- ۶..... پدیدار علی قلی
- ۱۰..... پردال تیمور (مرتضی)
- ۱۶..... پرواز خیرالله
- ۲۲..... ترسه (موسوی) سید قاسم
- ۲۶..... تعوی پور سید علی اصغر
- ۳۰..... تعوی سوق عبدالمحمد
- ۳۶..... جاکیان (باقریان) باقر
- ۴۲..... جشان زاده (مبشری) رمضان
- ۴۸..... جشان زاده (مبشری) محمدرضا
- ۵۴..... چمانی (زرنگاریان) رضا
- ۶۰..... حسینی سید ابوالنصیب
- ۶۴..... حسینی چم سید محمد قاسم
- ۶۸..... حسینی سواره سید عبدالعلی
- ۷۲..... خرسندیان محمد (بهادر)
- ۷۸..... خورشیدی آزاد عبدالرضا
- ۸۲..... خورشیدی آزاد مسعود
- ۸۸..... دالمن سید خدایار
- ۹۴..... دانشره سید حکمت الله
- ۱۰۰..... راستگو علی

۱۰۴	رضا توفیقی سید محمد لطیف
۱۰۸	رہبر کرامت اللہ
۱۱۴	سیروس سید رمضان
۱۱۸	صالحی زادہ سید محمد نقی
۱۲۴	صفری بیدک فتح اللہ
۱۳۰	عمادی کریم
۱۳۶	غلامی بیدک سید محمد علی
۱۴۲	غر بی سید ہمت اللہ
۱۴۸	محبی پور عبداللہ
۱۵۴	موسوی سید یونس
۱۵۸	نورالدینی علی (سید علی)
۱۶۴	ہاشمی پور سید یعقوب
۱۶۸	ہاشمی محمد آباد سید بشیر

۱۷۴ فصل دوم

۱۷۴	شہدایی کہ بہ نحوی مرتبط با استان کہگیلویہ و بویر احمد ہستند
۱۷۶	بشارت محمد تقی
۱۸۴	ردانی پور مصطفی
۱۹۰	میثمی عبداللہ

۱۹۶ فصل سوم

۱۹۶	ایثارگران
-----	-------	-----------

۲۰۰ فصل چہارم

۲۰۰	جانبازان
۲۰۱	اندیشہ سید اسحاق
۲۰۱	محمدیان سید حقیقت

۲۰۲ فصل پنجم

روحانیون آزاده ۲۰۲

موسوی نژاد سید لطیف ۲۰۴

نجابت سید صادق ۲۰۶

فصل ششم: ۲۰۹

روحانیون پدر شهید ۲۰۹

مرحوم آیت الله ملک حسینی سید کرامت الله ۲۱۰

ملک حسینی شهید سید عبد الهادی ۲۱۰

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی سید امرالله ۲۱۴

شهید هاشمی سید بشیر ۲۱۴

حجت الاسلام صالحی زاده سید بمونی ۲۱۶

حجت الاسلام و المسلمین صالحی زاده سید محمد تقی ۲۱۶

حجت الاسلام و المسلمین رضاتوفیقی سید عبد النبی ۲۱۸

روحانی شهید رضاتوفیقی سید محمد لطیف ۲۱۸

فصل هفتم: ۲۲۰

ضمائم ۲۲۰

اطلاعات شهدای روحانی استان کهگیلویه و بویر احمد ۲۲۱

براساس سال شهادت ۲۲۱

لیست مدارس علمیه استان کهگیلویه و بویر احمد ۲۲۳

خواهران ۲۲۳

برادران ۲۲۳

وضعیت جمعیتی استان کهگیلویه و بویر احمد ۲۲۴

آمار مدارس و مساجد استان کهگیلویه و بویر احمد ۲۲۴

متن مدیر شعبه مشارکت روحانیت در دفاع مقدس ۲۲۵

گردان ویژه فاتحین لشکر ویژه ۲۵ کربلا ۲۲۶

جانبازان بالای ۷۰ درصد ۲۳۲

فصل هشتم: ۲۳۶

- آزادگان..... ۲۳۶
- نمودار شهدای روحانی..... ۲۴۲
- آمار شهدای روحانی ۳۲ رده استانی بر اساس محل تدفین شهدا..... ۲۴۴
- آمار شهدای روحانی بر اساس نوع مسئولیت و ارائه خدمت:..... ۲۴۵
- نمودار آمار شهدای روحانی بر اساس نوع مسئولیت و ارائه خدمت:..... ۲۴۶
- آمار شهدای روحانی شاغل در نهادها و سازمان‌های کشور..... ۲۴۷
- نمودار آمار شهدای روحانی شاغل در نهادها و سازمان‌های کشور..... ۲۴۸
- آمار شهدای روحانی بر اساس تحصیلات حوزوی..... ۲۴۹
- آمار شهدای روحانی ۳۲ رده استانی در یک نگاه..... ۲۵۰
- آمار شهدای روحانی از تاریخ ۱۳۹۸/۰۱/۰۱ تا ۱۳۷۵/۱۲/۱۹..... ۲۵۱

فصل نهم: ۲۵۲

- لیست ۱۵۵ عملیات دفاع مقدس..... ۲۵۲
- امامزاده‌های مدفون در ایران..... ۲۵۶
- آمار کلی شهدای جنگ تحمیلی..... ۲۵۷
- مادران چند شهیدی دفاع مقدس..... ۲۵۸
- تصاویر ماندگار..... ۲۵۹
- ویژه نامه..... ۲۷۵
- نقش روحانیت استان کهگیلویه و بویراحمد قبل و بعد از انقلاب اسلامی..... ۲۷۶
- حجت الاسلام والمسلمین تقوی میراحمد..... ۲۸۶
- حجت الاسلام والمسلمین متقی کاشانی سید علی..... ۲۸۸
- حجت الاسلام والمسلمین شیخ بیاتی محمد علی..... ۲۹۰
- آیت الله شه‌میری قربانعلی..... ۲۹۴

فصل اول

شهدای روحانی استان گگیلیویه و

بویر احمد



آزادی عباس



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۲۴/۰۵/۰۲، یاسوج
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۷۵/۰۲/۱۲، بیمارستان ساسان تهران

آغاز حیات جاودان بعد از: ۴۰ سال و ۹ ماه و ۱۰ روز
وضعیت تأهل: متأهل نام پدر: طفرقه
شغل پدر: کشاورز نام مادر: معصومه
مذهب: شیعه رشته: تجربی
تحصیلات کلاسیک: دوم دبیرستان (متوسطه دوم)
تحصیلات حوزوی: سطح ۳ عامل جنایت: بعث عراق
عنوان: بسیجی سمت: تبلیغ رزمی
نحوه شهادت: بمباران شیمیایی و مصدومیت
مزار مطهر: زادگاهش

روحانی مجاهد و باصفا شیخ عباس آزادی در دوم مرداد ۱۳۴۳، در شهر یاسوج از استان کهگیلویه بویراحمد دیده به جهان گشود.

پدرش طفرقه و مادرش معصومه نام داشت. تا سال دوم متوسطه درس خواند. پس از تشکیل حوزه علمیه در شهرستان یاسوج توسط حضرت حجت الاسلام شیخ محمد علی بیاتی از روحانیون قدیمی و پرتلاش و متنفذ استان، دانش آموز بسیجی عاشق انقلاب و امام جزء اولین کسانی بود که مشتاقانه جهت خدمت در سنگر حوزه علمیه ثبت نام کرد و به مدرسه ولی عصر یاسوج پیوست.

شیخ عباس آزادی دوره مقدمات و سطح یک حوزه را در یاسوج طی کرد و سپس جهت ادامه به مشهد مقدس عزیمت کرد و به تحصیل علوم دینی و حوزوی تا (سطح ۳) پرداخت. سپس ازدواج کرد و صاحب چهار پسر شد. از سوی بسیج به جبهه رفت و بر اثر بمباران شیمیایی مصدوم شد. دوازدهم اردیبهشت ۱۳۷۵، در بیمارستان ساسان تهران بر اثر عوارض ناشی از عوارض شیمیایی به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای زادگاهش شهرستان

یاسوج به خاک سپرده شد.

شهید آزادی با استعداد سرشاری که داشت به عشق فراگیری علوم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در پاسخ به ندای خدای متعال «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^(۱).

و (هنگامی که رسول فرمان خروج برای جنگ دهد) نباید مؤمنان همگی بیرون روند (و رسول را تنها گذارند) پس چرا از هر طایفه‌ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم دین مهیا نباشند تا قوم خود را چون به نزدشان بازگشتند بیم رسانند، باشد که (از نافرمانی خدا) حذر کنند.

با شور و عشق و نشاط در تحصیل علوم و معارف الهی قدم گذاشت.

پس از حدود دو سال تحصیل و تدریس در مدرسه علمیه ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام یاسوج، جهت ادامه تحصیل در سطوح عالی‌تر عازم مشهد مقدس گردید و در جوار ساحت مقدس حضرت ثامن الحجج امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در مدرسه علمیه حضرت آیت الله موسوی نژاد به تکمیل مدارج علمی پرداخت. پس از اقامت سه ساله در مشهد مقدس جهت ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مهاجرت نمود و به ادامه تحصیلات حوزوی پرداخت.

شهید آزادی درکنار تحصیل دروس حوزوی و آموزش‌های اساتید فرهیخته همچون حجت الاسلام شهید میثمی و حجت الاسلام مروج و حجت الاسلام بیاتی از همان روزهای اول جنگ هرگاه شرایط فراهم می‌شد، در جبهه‌ها حضور می‌یافت. و در کنار رزمندگان اسلام به امر تبلیغ معارف دینی می‌پرداخت.

شهید آزادی، رزمنده‌ای مخلص و مبلغی موفق و محبوب بود. در سال ۱۳۶۵، پس از کسب آموزش‌های رزمی ویژه به اتفاق سایر دوستان طلبه عازم جبهه‌های جنوب شد و در خطوط مختلف جبهه حضور یافت در زمان عملیات کربلای چهار در «آبادان» زیر بمباران شیمیایی دشمن مجروح و جانباز شیمیایی شد اگرچه از این حادثه به سبب گازهای شیمیایی همیشه رنج می‌بردند، اما با روحیه و توان فوق العاده به تلاش و مجاهدت مستمر خویش در میادین علم و جهاد ادامه می‌دادند.

حجت الاسلام شهید آزادی هم زمان با شرکت در درس‌های سطح حوزه، در یک دوره چهارساله آموزش عالی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شرکت کرد و پس از گذراندن دروس مربوط



شماره ملی شهید: ۲۴۳۰۹۵۹۳۲۱

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۰۴

کد مرکز خدمات: ۶۹۰۹

۱. آیه ۱۲۲ سوره توبه

موفق به دریافت دانش نامه کارشناسی ارشد گردید.

روحانی پرتلاش درکنار تحصیل در مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام و مدرسه علمیه جانبازان در قم به تدریس ادبیات عرب و کتب درسی حوزه به طلاب مبتدی نیز مشغول بود. این روحانی مجاهد، یک مبلغ و عالم وارسته و موفق و رزمنده‌ای فداکار بود؛ بارها در جبهه‌های جنوب و غرب حضور یافت و سرانجام در عملیات کربلای چهار، در سال ۱۳۶۵ مصادوم شیمیایی شد. با این که از آن سال تا لحظات آخر عمر از ناحیه ریه و گوارش به سبب گازهای شیمیایی رنج می‌برد، اما با روحیه‌ی عالی و توان فوق العاده به تلاش و مجاهدت خویش در میادین علم و جهاد ادامه داد.

شهید بزرگوار با این که مدت‌ها بود از ناحیه ریه و تحت مسمومیت‌های شیمیایی احساس ناراحتی می‌کرد. کرامت روحی و عزت نفس این شهید بزرگوار مانع از این بود که جهت مداوا و درمان به مراکز درمانی و... مراجعه و درمان مسمومیت شیمیایی خود را دنبال کند می‌سخت و می‌ساخت و برای رضای خدا تحمل می‌کرد. سرانجام حجت الاسلام شیخ عباس آزادی این مجاهد با اخلاص، در بعد از ظهر چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت ۱۳۷۵ مصادف با سالروز شهادت استاد مطهری پس از آن که مدتی در بیمارستان ساسان تهران بستری بودند به سوی حق شتافتند و به آرزوی خود رسید و سعادت ابدی شهادت را نصیب خود کرد و به جمع شهدای سرافراز جنگ تحمیلی پیوست. شهید آزادی با شهادتش اگرچه خانواده، دوستان و اطرافیان خود را عزادار و در غم فقدان خود اشک بر دیدگان آن‌ها جاری کرد ولی با انتخابش در دفاع از اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی خود را جاودانه ساخت و افتخاری شد برای خانواده، حوزه علمیه، اطرافیان، شهر و استان کهگیلویه و بویراحمد. روحش شاد و یادش تا ابد جاودانه باد.

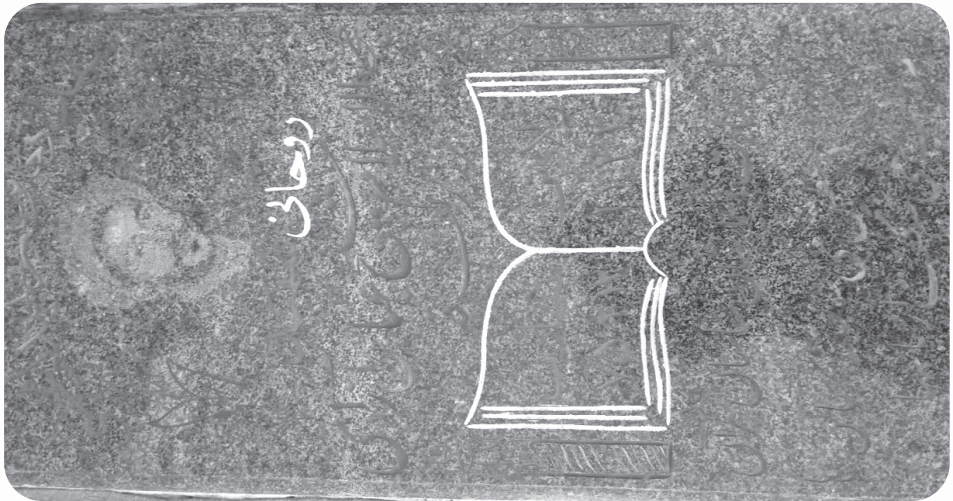
خصوصیات اخلاقی رفتاری شهید شیخ عباس آزادی

شهید عباس آزادی انسانی متواضع و فروتن بود هرچه به علم و معرفتش افزوده می‌شد تواضعش هم بیشتر متجلی می‌شد شهید آزادی در عین حال که پیرامون مسائل مختلف سیاسی و جناح‌های گوناگون سیاسی اظهار نظر می‌کرد ولی هیچگاه دیگر جریان‌های مخالف و غیر همفکر را تخطئه نمی‌کرد و دیگران را به صبر و بردباری و تحمل نظرات دیگران توصیه می‌کرد ولی از توطئه دشمنان خارجی و داخلی غافل نبود و همگان را به تبعیت بی‌چون و چرا از رهبری حضرت امام خمینی توصیه می‌کرد و معتقد بود همگان باید در زیر چتر ولایت فقیه برای توسعه آبادانی ایران اسلامی تلاش نمایند و از تفرقه و جدایی بیزار بود و همیشه کلامش معطر به آیه شریفه "وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا" بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 شهادت حضرت پیر الانوار (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
 بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و مصوبه ۵۵۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور
 به آقای عباس آزادی یابوچ
 فرزند شرفه دارای کد ملی ۲۴۳۰۹۵۹۳۲۱ صادره از مرویشت
 متولد ۱۳۴۳ دارای شماره پرونده ۷-۱۸۰۴ کوای سطح سه اعطاء می گردد.
 مدیر حوزه های علمیه
 علیرضا عراقی
 معاون آموزش حوزه های علمیه
 مهدی زکرمی
 مرکز مدیریت حوزه های علمیه
 این گواهی بر صفا دارای اعتبار حقوقی و استنادی می باشد



جهت مشرف شدن به مزار شهید بارگه را اسکن کنید.





پدیدار علی قلی



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۶/۰۲/۰۲، دهدشت
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۷/۰۲/۰۳، ماووت عراق

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۰ سال ۲ ماه ۱ روز	نام پدر: محمد قلی
شغل پدر: کشاورز	نام مادر: آفتاب
مذهب: شیعه	تحصیلات حوزوی: سطح دو
تحصیلات کلاسیک: دیپلم	رشته: انسانی
سمت: رزمی تبلیغی	نحوه شهادت: اصابت ترکش
عنوان: بسیجی	عامل جنایت: بعث عراق
مزار مطهر: زادگاهش	

طلبه شهید علی قلی پدیدار در تاریخ دوم اسفند ۱۳۴۶، در روستای تنگ هیگون از توابع شهرستان دهدشت به دنیا آمد. نام پدر محمد قلی کشاورز بود و مادرش آفتاب نام داشت. شهید علی قلی تا سوم دبیرستان در رشته انسانی درس خواند. سپس بدلیل علاقه‌ای که به معارف دینی و دروس حوزوی داشت در مدرسه علمیه دهدشت ثبت نام و به تحصیل علوم حوزوی و دینی پرداخت در سال ۱۳۶۳ در مدرسه علمیه دهدشت در محضر حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای تقوی و دیگر مدرسین بزرگوار به تحصیل دروس حوزوی مشغول و تا سال ۱۳۶۶ در آنجا به تحصیلات علوم مقدماتی حوزه ادامه داد و بعد جهت ادامه دروس عالی و تخصصی به شهر مقدس قم مهاجرت کرد و ادامه دروس حوزه را تا سطح دو ادامه داد. همزمان با تحصیلات حوزه پیام فرمان امام خمینی رحمة الله علیه مبنی به اهمیت جنگ و ضرورت حمایت همه آحاد ملت از رزمندگان جبهه اسلام در مقابل یورش سپاهیان صدام را شنید و با

جان و دل لیبیک گفت و جهت مشارکت در دفاع مقدس به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. و در سوم اردیبهشت ۱۳۶۷، در ماوت عراق بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. مزار شریفش در روستای تنگ هیگون شهرستان دهدشت در کنار دایمی بزرگوار و شهیدش به خاک سپرده شد.

خصوصیات اخلاقی و رفتاری شهید:

روحانی شهید سرافراز علی قلی پایدار جوانی بود بردبار و متعهد به اقامه نماز در اول وقت و اقامه نماز شب و شرکت در نمازهای جماعت و جمعه، تلاش و جدیت در کار و کوشش از صفات بارز این سرباز فداکار اسلام بود که آخر الامر مزد صفا و اخلاص و فداکاری و از جان گذشتگی خالصانه خود را از خدای متعال باریختن خون پاکش گرفت. روحش شاد و یادش ماندگار.

بخشی از وصیت نامه شهید خطاب به دشمنان:

ملت ما شکست ناپذیر است. ای تمام دنیای شرق و غرب که سیل اعتراضات را بسوی اسلام روا داشته‌اید بدانید که ملت ما شکست ناپذیر است و سر تسلیم درمقابل هیچ یک از شما فرود نخواهد آورد.

خطاب به خویشان و اقوام:

از همه خویشان و اقوام دعوت می‌کنم که در مرحله اول تقوای الهی را رعایت کنید چرا که اساس خلقت و زندگی انسان بر معیارهای تقوای الهی است مرحله بعد اخوت، برادری را دربین همدیگر رعایت کنید.

توصیه به خواهران:

خواهرانم، به همگی شما توصیه می‌کنم که خود را از تماس با نامحرم نگاه بدارید و حجاب خود را حفظ فرمایید؛ چرا که حجاب شماها کوبنده‌تر از خون رنگین و سرخ من است. با حجاب



شماره ملی شهید: ۴۲۳۱۴۴۸۱۸۳

ش.پ. حوزه: ۷-۱۰۸۶

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۱۹

خود قلب دشمن را نشانه بگیرید.^۱


درد دلی با ملت ایران :

همین که در میان بسیجیان قرار می‌گیرم دلم آرام و تسکین [می‌یابد] می‌روم به جنگ با کفار و همچون مولایم علی ضربه بر دشمنان دین و قرآن وارد می‌کنم و تا این که دشمن نتواند قد علم کند در مقابل اسلام.

خدایا هم اکنون می‌خواهم در مدرسه عشقت یعنی بسیج مستضعفین ثبت نام نمایم و به سوی آرمان‌های مقدس تو روانه و دفاع مقدس را [به] همراهی خیل یاران تو این بسیجیان مظلوم و این عاشقان به لقاء الله پیوسته و این عزیزان دل از دنیا بریده تا محو نابودی کفر جهانی ادامه دهم و تا پیروزی نهایی اسلام بر کفر جهانی از پای نخواهم نشست و ای تمامی دنیای شرق و غرب که سیل اعتراضات را به سوی اسلام روا داشته‌اید بدانید که ملت ما شکست ناپذیر است و سر تسلیم در مقابل هیچ یک از شما فرود نخواهد آورد مخصوصاً توای صدام آمریکایی بدان که ملت ما همیشه مصمم است و وحدت خود را از دست نخواهد داد و تو ملت شریف ما را به همه چیز و همه سلاح امتحان نمودی اما اراده آهنین و پولادین آن‌ها را ملاحظه کردی و هرچه بمب شیمیایی بر سر رزمندگان ما بود فرو ریختی ولی اثری نکرد بلکه ملت ما مصمم‌تر گردید و در مجالس خود قوی‌تر و در نمازهای جمعه خویش بیشتر شرکت کردند چرا که (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ) دست خدا بالای همه دست‌ها است و هیچ کس قادر نیست که از دست خدا بالاتر رود و انشاء الله روزی خواهد رسید که تو و حامیان تو به دست همین بسیجیان خدایی گردن شماها آنقدر فشار داده شود که دیگر نتوانی از جای خودت بلند شوی و در مقابل اسلام محمدی قد علم کنی به امید اینکه آئروز هرچه زودتر و نزدیکتر باشد.^۲

۱. مهدی دادجو؛ (۱۳۹۰) گزیده موضوعی وصیت نامه شهداء جلد ۲، چاپ تهران: نشرشاهد، چاپ اول

۲. منبع: محمدعلی آقا میرزایی، بسیج: گزیده ی موضوعی وصیت نامه شهدا، تهران، سازمان بنیاد شهید و امورایثارگران، نشر



شماره: ۶۹۱/۱۰۳۰
تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

بوقیقت نذوقه ستمال
و عیانت حضرت بتره انده الاظم (علی الله تعالی فرج الشریف)
بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و شماره ۱۵۵۰۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

بر آقای **علی قلی پیدار**
فرزند محمد قلی به شماره شناسنامه ۸۲۷ صادره از یاسوج متولد ۱۳۴۶
دارای شماره پرونده ۷-۱۰۸۶ کوایی سطح دو اعطاء می گردد.

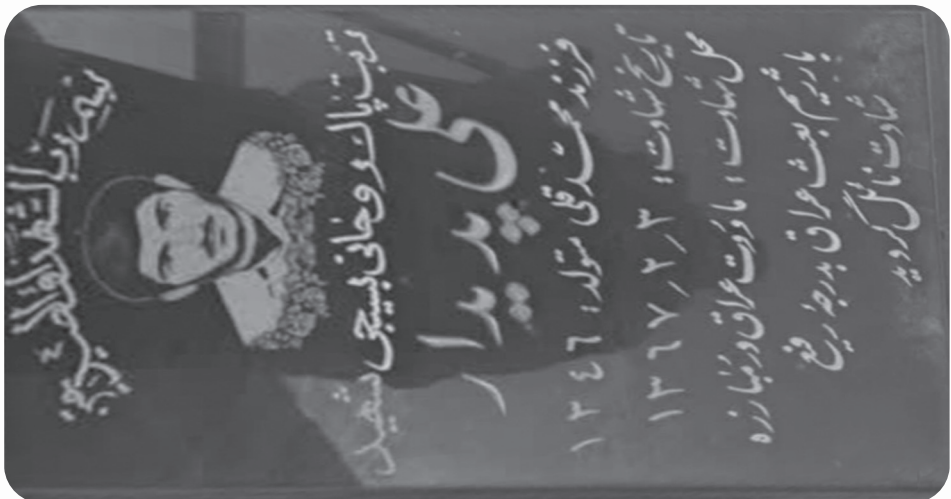
معاون آموزش حوزه های علمیه
معاونت امور اداری و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مدیر حوزه های علمیه
طهرشاه اصفهانی
معاونت امور اداری و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بر موجب سمیت فوق این کلمه درای اعتبار متعلقه استعفا می باشد.



جهت مشرف شدن به مزار شهید بارگله را اسکن کنید.





پردال تیمور (مرتضی)



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۵/۷/۱، باشت

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۰، شلمچه

آغاز حیات جاودان: ۲۰ سال و ۳ ماه و ۱۹ روز
 وضعیت تأهل: مجرد
 نام پدر: سیاوش
 شغل پدر: نام معلوم
 نام مادر: شوکت
 رشته: تجربی
 تحصیلات کلاسیک: دوم دبیرستان (متوسطه دوم)
 عنوان: بسیجی
 تحصیلات حوزوی: سطح دو
 سمت: رزمی تبلیغی
 عامل جنایت: بعث عراق
 نحوه شهادت: اصابت ترکش
 مزار مطهر: شهر دوگنبدان زادگاهش

حجت الاسلام شهید پردال در اول مهرماه سال ۱۳۴۵ در روستای کلکه شهرستان باشت در حوالی گچساران متولد شد. دوران ابتدایی خود را با نمرات خوب و عالی به پایان رساند. دوران تحصیلات راهنمایی شهید مقارن بود با انقلاب اسلامی و مبارزات ملت ایران به هبری امام خمینی رحمة الله علیه با حکومت مستبد پهلوی شهید مرتضی پردال که دوران نوجوانی و جوانی خود را در کنار خانواده سپری می کرد و در راهپیمایی ها و تظاهرات مردمی شرکت می کرد. با شروع جنگ تحمیلی و حملات صدام به مناطق مسکونی شهرها آتش خشم علیه اشغالگران و صدامیان در دلش شعله می کشید و عشق جبهه و جنگ در جان و قلب پاکش موج میزد. زمانی که سال اول و دوم دبیرستان (رشته تجربی) را تمام کرد با توجه به عشق و علاقه

وافرش به علوم دینی و تحصیلات حوزوی با کسب رضایت خانواده راهی حوزه علمیه شد و ابتدا در شهر اصفهان و آنگاه در سال ۶۳، راهی حوزه علمیه قم شد و تا سطح دو دروس حوزه را طی کرد.

در همان طول مدت تحصیلات حوزوی چندین بار به جبهه اعزام گردید و در عملیاتهای زیادی شرکت داشت آخرین بار در حالی که معاون گردان ویژه فاتحین طلاب (از لشکر ۲۵ کربلا) بود در شلمچه در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۲ به درجه رفیع شهادت نائل شد و در گلزار شهدای گچساران در کنار همزمانش به خاک سپرده شد.

بخشی از مناجات‌های شبانه حجت الاسلام شهید مرتضی پردال

خدای من ای آنکه مقصد عارفانی، ای آنکه دل عاشقان بیادت شیدا است، ای آنکه سراسر محبت و جلال و جمالی، ای آنکه محبوب منی، ای آنکه بر خرمن عاشقان آتش عشق افروخته‌ای، ای آنکه بیادت دلها به سوز و گداز افتاده اند، ای آنکه همه آمال و آرزوهای منی.... محبوب من معشوق من تا کی باید انتظار کشیدن، تا کی خون دل خوردن، تا کی در غم تو سوختن، تا کی مانده و آلوده گشتن، تا کی آه حسرت برکشیدن مولایم ای جان من و هستی و وجود من تا به کی در این خرابه منزل بی صفا زنده بودن.... گم گشته ام توئی مولای من مرا دریاب

بخشی از وصیت نامه روحانی شهید حجت الاسلام شیخ مرتضی پردال:

با سلام به امام عزیزم، او که عظیمترین حق را برگردن ما دارد، او که ما را از آتش قهر خدائی و از لجنزار شیطانی بسوی رضوان الهی رهنمود ساخت. و با سلام و درود به روح پاک و طیبه شهداء که آزادی ما را از شر شیطان درون و برون امضاء نموده و مسئولیت حسین گونه شان را در برابر طاغیان و گردنکشان انجام داده و چراغ روشنگر راه و طریق معبود گشتند. خدمت خانواده محترم و دوستان عزیز و تعهد و ملت شهید پرور چند کلمه‌ای را به عنوان وصیت ذکر می‌کنم. قبل از هر چیز حضور مبارك و عزیزان سلام و درود می‌فرستم و امیدوارم که به بزرگواریتان اگر حقی به گردن این حقیر دارید حلال کنید (خداوند انشاءالله همه ما را قرین رحمتش بفرماید). عزیزان همه خوب می‌دانید که هدف از خلقت چه بوده و در این دنیا چه امتحاناتی برای



شماره ملی شهید: ۴۲۶۹۰۸۷۱۶۱

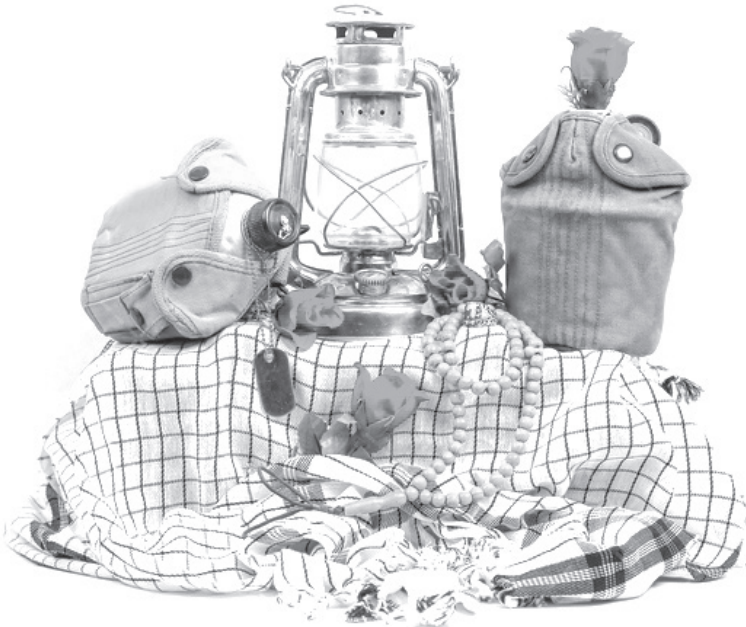
ش.پ. حوزه: ۷-۴۰۳


کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۳۱

انسان مقدر شده پس بهوش باشید مبادا در این آزمایشات خسران و زیان ببرید. سعی کنید نفس سرکش را مهار کرده و رضای خداوند متعال را در همه امور کسب کنید و خداوند را در تمام احوال حاضر و ناظر ببینید و بقول امام (عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید) و یا بگفته دیگر اعمالتان را نظر کرده، اگر برای خداست آنرا انجام دهید این شرط پیروزی و رستگاری شماست. اگر غیر از این طریقه پیش گیرید بگفته قرآن و (قدخاب من دسیها) به خاک مذلت و ضلالت می افتید. مسئله دیگر اینکه در بین ما سوطن و نمائی و توهین و بهتان و غیبت بطور و سיעی شیوع دارد و همچنین دیگر اعمال رذیله برادران بدانید که این موارد انسان را به قعر زشتیها و رذالتها می کشاند شما را به حق خون مظلوم کربلا سوگند می دهم از این پستیهای اخلاقی خصوصا تهمت دوری کنید، در خودسازی از رهنمودهای امام عزیز یاری و کمک بگیرید شاید خداوند نور ایمانش را در قلبها جاری کند. دیگر اینکه تا آنجا که می توانید در مساجد و دیگر مجالس روحانی و در نماز جماعت شرکت کنید و از روح معنوی این مجالس ایمان خویش را تقویت کنید، اگر می خواهید عملی را انجام دهید ابتدا نظر کنید ببینید اگر رضای خدا در آن است و لو خلاف رضای خلق باشد آن را انجام دهید در همه احوال روحانیت را بررهبری امام عزیزمان جلودار و از خط اصلیشان هیچگاه خارج نشوید، زیرا همه اسلام در روحانیت نهفته است و خارج شدن از این دژ مستحکم به منزل خروج از دین خداست، اوقات زندگی را غنیمت شمرده از آن برای آخرت توشه بگیرید. سعی کنید انقلاب را خالص تقدیم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کرده و دعا کنید از سربازان واقعی او باشیم اگر می خواهید فرزندانمان در آغوش اسلام بزرگ شوند آن ها را به حوزه های علمیه بفرستید زیرا آنجا محل زندگی بزرگانی چون ملاصدرا و امام عزیز و علامه طباطبائی و دیگر علما بوده است. در پایان از همه عزیزان التماس دعا دارم و دعایمان کنید اگر کشته شدم خداوند مرا جزء شهدا به حساب بیاورد و با مولای عارفین حضرت حسین ابن علی علیه السلام محشور بفرماید. به امید الهی برای همه آنانکه برای اسلام خدمت میکنند و به امید ظهور بقیه الله الاعظم حضرت حجت بن الحسن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قبولی سربازی ما برای لشکرش.

خاطرات یکی از هم حجره ای های حجت الاسلام شهید شیخ مرتضی پردال :

یکی از بیشترین و بزرگترین و بهترین حالاتی که در این شهید عارف وجود داشت بعد معنوی و عبادی او بود. شهید پردال از همان اوایل طلبگی دارای روح معنوی خاصی بود و از همان جا شروع به رشد معنوی و عبادی نموده بود.... شبها بعد از اتمام مطالعه و درس اگر در حجره تنها بود درب حجره را از داخل قفل می کرد و لامپ حجره را خاموش و در تاریکی شب تنها به راز و نیاز با معبود و معشوق خود می پرداخت. گاهی اوقات که نیمه های شب از کنار حجره اش رد می شدم لحظه ای توقف می کردم و به حجره تاریک او نگاه می کردم احساس می کردم اینجا حجره عشق است و حجره ای است که ملائکه الله در آنجا حضور دارند. گاهی اوقات پرده حجره را می کشید و چراغ کوچک و کم نوری را در پشت حجره روشن می نمود و من از پشت در حجره او نظاره گر بعضی از حرکات او بودم می دیدم که او چگونه سجده های طولانی می رود در هنگام قنوت می دیدم که همانند یک عاشق نیازمند دست های خود را به طرف آسمان بلند کرده و در حال راز و نیاز می باشد. نماز شب او در سخت ترین اوقات ترك نمی شد زمستان و تابستان گرسنگی و تشنگی و خستگی و بی حالی در نماز شب او اثری نمی گذاشت. در ماه رمضان بعد از افطار مدتی مطالعه می کرد و سپس به بنده پیشنهاد می کرد که به حرم حضرت معصومه علیها السلام برویم و هنگامی که در حرم بودیم تا اذان صبح مشغول راز و نیاز بود و همانند مولایش امام سجاد علیه السلام سر بر مهر می گذاشت و سجده های طولانی می نمود و بعد می دیدم که با چشم های اشک آلود سر از مهر بر می دارد در شبانه روز بیش از هفده الی هیجده ساعت به مطالعه می پرداخت و به تفسیر قرآن علاقه وافری داشت و مرتب در درس تفسیر قرآن استاد معظم حضرت آیت الله جوادی آملی حضور داشت.





شهادت خاندان مشعل
و عیالت حضرت بزرگواران امام زین العابدین علیه السلام خیر البریه

بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه مصوبه ۱۵۵۰۵/۱ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

بر آقای تیمور پردهال

فرزند میاوش بر شماره شناسنامه ۳۲۱ شماره از دو کتبدان متولد ۱۳۴۵

دارائی شماره پرونده ۷-۴۰۳ کواچی سطح دو اعطاء می گردد.


شهادت خاندان مشعل
و عیالت حضرت بزرگواران امام زین العابدین علیه السلام خیر البریه

شهادت خاندان مشعل
و عیالت حضرت بزرگواران امام زین العابدین علیه السلام خیر البریه

بر موجب مصوبت فوق الذکر سازمان اداری استخدامی و استخدامی می باشد.



جهت مشرف شدن به هزار شهید بارگه را اسکن کنید.



تیمور پردهال

فرزند میاوش

متولد ۱۳۴۵ هـ در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۲ در عملیات کربلای پنجم منطقه سلمچه در مبارزه با رژیم بعث عراق به فیض شهادت نائل آمد.

همچو زاله که داغ او ازلی است
دل با داغ زاده ای دارم
چون شهیدم به خون خود غلطان
دل در خون فتنده ای دارم

پایه شهید و امور ایثارگران شتران کچی ران



پرواز خیرالله



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۵/۰۱/۰۱، قلعه رئیسی دهدشت
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۰۶، غرب کشور

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۹ سال ۱۱ ماه ۵ روز

وضعیت تأهل: متاهل نام پدر: مرتضی

شغل پدر: کشاورز نام مادر: جان خانم

مذهب: شیعه عنوان: بسیجی

تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی

تحصیلات حوزوی: سطح یک

سمت: رزمی تبلیغی عامل جنایت: بعث عراق

نحوه شهادت: اصابت گلوله به گردن

مزار مطهر: زادگاهش

طلبه شهید شیخ خیرالله پرواز در تاریخ ۱۳۴۵/۰۱/۰۱ در روستای ده گرو سفلی (قلعه رئیسی) از توابع شهرستان دهدشت به دنیا آمد. پدرش مرتضی و مادرش جان خانم نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. سپس به فراگیری علوم دینی و حوزوی تا سطح یک پرداخت. به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. ششم اسفند ۱۳۶۴، در فاو عراق بر اثر اصابت گلوله به گردن، شهید شد. مزار پاکش در زادگاهش روستای ده گرو زیارتگاه عاشقان پاک سیرت است. طلبه پاک دل شیخ خیرالله پرواز دوران طفولیت را با سختی‌های زندگی روستایی و عشایری با انواع محرومیت‌ها و مشکلات در کنار خانواده مستضعف خود همراه با پدر و مادر و دیگر

اعضای خانواده با فقر ولی عزتمندانه و با روحیه بالای مذهبی سپری کرد. از همان ابتدای درس در بین شاگردان به حسن خلق و استعداد ناب در تحصیل مشهور بود.

اوایل مهر ۱۳۶۰ از طریق شخصیت بزرگوار و چهره درخشان کهگیلویه، حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج احمد تقوی رحمة الله علیه که دانشگاهی از اسلام و معارف به نام مدرسه علمیه در شهرستان دهدشت بنا نموده بود. و به تربیت طلاب و مبلغین علاقمند همت گماشت،

شهید خیرالله پرواز از آنجایی که روحانیت را واسطه فیض الهی و نماینده اسلام در بیان حق و ابلاغ گر اسلام و مدافع شرف و انسانیت و پیشگام و پیش قدم در خدمات اسلامی به مردم و بشریت می‌شناخت همین امر سبب تمایل شدید وی به روحانیت شیعه و اهل بیت علیهم السلام شد از این رو، مشتاقانه جذب این مرکز علم و فقهت گردد و با اخلاص و پشتکار در این مسیر قدم برداشت و با افتخار عضوی از این کانون عالم پرورش.

شهید پرواز طلبه‌ای بود بسیار ساده و متعهد در سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و صاحب یک دختر شد. ازدواجش با وضع حرکت مردم در روستا کاملاً مغایر بود با کوتاهترین برنامه حتی بدون هیچ گونه خرج و مخارجی و تشکیل مجالس با توکل به خداوند قدم در راه ازدواج و تشکیل زندگی مشترک گذاشت.



شماره ملی شهید: ۶۰۰۹۹۱۷۵۷۳
ش.پ. حوزه: ۷-۴۰۴
کد مرکز خدمات: ۴۴۴۸۴۳

با اینکه به تحصیل علوم حوزوی مشغول بود ولی با توجه به مسئله جنگ با وجود گرفتاری‌های زندگی و فقر مالی، در میان ایام تحصیل چند باری رهسپار میدان‌های جنگ تحمیلی شد.

این روحانی مبارز در عملیات پیروزمندانه والفجر ۸ در محور جنوب در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۶ بر اثر اصابت گلوله دشمن به گردنش شهید شد و به معبود خویش پیوست. و مزارش در روستای محل زادگاهش قرار دارد.
روحش شاد و یادش ماندگار.

ویژگی‌های شهید از زبان هم‌رزمش حجت الاسلام قدرت اله خرم روز:

شهید خیرالله پرواز به جهت حفظ و حراست از دین و انقلاب به منظور اطاعت از آن پیر فرزانه انقلاب امام خمینی با سرعت به جبهه‌های حق علیه باطل شتافت و جان خود را درطبق اخلاص تقدیم اسلام کرد.

در خصوص ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد این شهید والا مقام گفت:
شهید خیرالله پرواز از تواضع خاصی برخوردار بود. احترام و منش منحصر به فرد آن روحانی شهید به دیگران زبازد عام و خاص در منطقه بود. برای آحاد جامعه احترام خاصی قائل بود و به والدین خود بسیار تکریم و احترام می‌گذاشت.



روحانی شهید خیرالله پرواز از زبان امام جمعه دیشموک حجت الاسلام راون:

شهید خیرالله پرواز از جمله شهدایی بود که در زمان جنگ روشنگری می‌کرد و در کنار بسیجیان و پاسداران و نیروهای نظامی در جنگ مشارکت داشت.

حجت الاسلام راوند گفت: شهید خیرالله پرواز هم با زبان و هم به صورت عملی مردم را جذب جبهه و جنگ می‌کرد و با پوشیدن لباس رزم در مقام عمل، علم و دانایی را به منصفه ظهور می‌گذاشت.

امام جمعه شهر دیشموک ادامه داد:

طلبه شهید خیرالله پرواز در وصیت نامه‌اش همه را به اتحاد و برادری دعوت می‌کرد و در کنار تبلیغ دین به جهاد می‌پرداخت و در را خدا کشته شد که چنین حرکتی نمونه بارز جهاد علما در راه خداست.

بخشی از وصیت نامه این شهید و روحانی مبارز را مرور می‌کنیم

این انقلاب را با تمام وجود حافظ باشید و بکوشید برای تداوم انقلاب اسلامی ایران گامی بردارید. به این انقلاب نق نزنید. ماها هرچه برای این انقلاب کار کنیم باید خود را مقصر بدانیم، مشکلات هست اما سربلندی و کمال و رشد در مشکلات است شرطش صبر است و بی‌تابی نکردن. قدر این حکومت الهی را بدانید قدر نعمت‌های آن را بدانید، خود انقلاب اسلامی نعمتی است بزرگ، شکر کنید تا تداوم پیدا کند تکفیر نکنید والا ازتان گرفته خواهد شد.



وصیت شهید خیرالله پرواز به برادران طلبه و روحانی :

رمز موفقیت یک روحانی چند چیز است :


جهد و کوشش و زحمت کشیدن و مشکل دیدن. فراز و نشیب‌های زندگی در برابرش استقامت کردن و با مشکلات مبارزه کردن خصوصاً در ابتدای طلبگی.

قرآن زیاد بخوانید که قرآن سراسرش ذکر است و این باعث می‌شود که همیشه خود را در محضر خدا ببیند و همین باعث می‌شود که گناه نکنید اگر دانستنی‌هایتان از قرآن باشد عالی‌تر و بهتر درس می‌خوانید اینطور نباشد که فقط به مردم بگویید و مردم را فقط ارشاد کنید. اول خودتان را ارشاد و تبلیغ کنید بعد بپردازید به دیگران والا ضرر می‌کنید نفعی که ندارید جامعه را هم خراب می‌کنید.

در مسائل معنوی و روحانی انسان باید به کسانی که از خود بهترند نگاه کند و درس بگیرد و در مسائل مادی و کم ارزش باید به افرادی که فقیرند نگاه کند والا امنیت پیدا نخواهد کرد و این یک واقعیت است. امیدوارم تا این اندازه در راه وحدت و دوری از تفرقه کفایت کند.

این انقلاب را با تمام وجود حافظ باشید و بکوشید برای تداوم انقلاب اسلامی ایران گام بردارید. به این انقلاب نق نزنید و گله و شکایت نکنید که منتهی به ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام خواهد شد.

قدر این انقلاب و حکومت الهی را بدانید قدر نعمت‌های آن را بدانید انقلاب نعمتی بزرگ است، شکر کنید تا تداوم پیدا کند تکفیر (کفران نعمت) نکنید والا از شما گرفته خواهد شد.



شورای عالی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه

کتابخانه استنادی طرح یک

شماره: ۶۹۱/۳۶۸
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹

با توجه به نهادهای متعال
و نمایندگانت حضرت بزرگوار (علیه السلام) تعالی خیر القریب
بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه شماره ۱۵۵۰۵/۵ سازمان امور اداری و استنادی کشور

بر آقای
تیسراک پروانز

فرزند مرتضی به شماره شناسنامه ۳ شماره پروانز چاروسا متولد ۱۳۴۵
دارای شماره پرونده ۷-۴۰۴ کوپای طرح یک اعطاء می گردد.

محمد علی کوشکی سمنانی
مهدی زینم مراد

شورای عالی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه

بر موجب سمبلیت فوق این کاتبه دارای سمبلیت استنادی می باشد.



بجست سرفش شدن به مرزاد
شید بارکد را اسکن کنید.





ترسه (موسوی) سید قاسم



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۳/۰۱/۰۷، سی سخت یاسوج
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۲/۰۱/۰۸، جزیره مجنون

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۹ سال ۰ ماه ۱ روز
وضعیت تأهل: مجرد
نام پدر: غلامعلی
نام مادر: اشرفی
مذهب: شیعه
تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی
تحصیلات حوزوی: سطح یک
عنوان: بسیجی
سمت: رزمی تبلیغی
عامل جنایت: بعث عراق
مزار مطهر: گلزار شهدای سی سخت

حجت الاسلام سید قاسم موسوی در تاریخ هفتم فروردین ۱۳۴۳، در روستای سادات محمودی از توابع شهرستان دنا (سی سخت) متولد شد. پدرش سید غلامعلی و مادرش اشرفی نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. سپس به فراگیری علوم دینی و حوزوی تا (سطح ۱) پرداخت. به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. هشتم فروردین ۱۳۶۲، با سمت امدادگر در جزیره مجنون عراق در منطقه عملیاتی خیبر به شهادت رسید. پیکرش مدت‌ها در منطقه برجا ماند و پس از تفحص در زادگاهش به خاک سپرده شد.

بخشی از وصیت نامه حجت الاسلام سید ابوالقاسم موسوی به شرح زیر است:

ویژگی‌های اخلاقی رفتاری شهید به نقل از دوستان هم‌زمان و خانواده:

فروتن و سر به زیر بود. اوقات فراغت خود را بیشتر با مطالعات مذهبی و کتب اسلامی و فعالیت‌های فرهنگی سپری می‌کرد تلاوت قرآن و تدبر در آیات الهی منورترین فانوس او در

شب‌های تار و باران زیر چشمانش بود با نهج البلاغه مانوس بود و در پیچ و خم خطبه‌ها و کلمات قصارش غرق می‌شد و به آرامش می‌رسید اهل مناجات با خدا بود و انس با خدا را در خلوتش با نماز و عبادات گویای نجوای درونش با ذات احدیت بود.

وصیت نامه شهید موسوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت نامه اینجانب سیدقاسم موسوی ترسه وصیتم را با نام خدا شروع می‌کنم

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

مومنین در راه خدا و کافران در راه شیطان جهاد می‌کنند پس ای مومنین شما با دوستان شیطان بجنگید و هیچ بیم و هراسی نداشته باشید که مکر و سیاست شیطان بسیار ضعیف است.

می‌خواهم چندکلمه به مردم مسلمان ایران سفارش کنم اگرچه کوچکتر از آن هستم که بخواهم به شما چیزی بگویم ولی همچنان که امام عزیزمان فرمود من وصیت می‌کنم که دشمن بلرزد و در بروند.

وصیت می‌کنم که:

امام بزرگوار و عزیزمان این اسطوره انقلاب و این دریای خروشان این بت‌شکن زمان را تنها نگذارید و تمام فرمانهای او را همیشه واجب و محترم و خیرمقدم بشمارید به کسانی که در رأس این انقلاب بحق جمهوری اسلامی قرار گرفته اند مخصوصا روحانیون که نورچشم امام و همه مردم هستند کم‌کم کنید تا بتوانیم نهضت اسلامی کشورمان را به همه جهان صادر کنیم باری چندکلمه به دهکده خودمان و اطرافیان آن عرضه میدارم که شما تهمت زدن و مسخره کردن یکدیگر و اختلاف را کنار بگذارید و چون يك وظیفه اسلامی نیست و قرآن صریحاً می‌فرماید:

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ



شماره ملی شهید: ۴۲۳۱۰۹۵۳۸۸

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۰۶

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۱۶

منافقان و کافران آرزو دارند که شما همانند آن‌ها کافر شوید و همانند یکدیگر باشید. بنابراین، از آن‌ها دوستانی انتخاب نکنید، مگر اینکه توبه کنند، و در راه خدا هجرت نمایند. از روحانیون محل تقاضا کنید تا شما را راهنمایی کنند امیدوارم من هم چون دیگران این وظیفه اسلامی و دینی خود را انجام دهم

به منافقان (ودشمنان) بگوئید مگر چه فکر می‌کنید که از ما می‌خواهید ما را از حمایت گسترده رهبر کبیر انقلاب اسلامی کنار بزنید و صریحا به آن‌ها بگویید با ریختن خون این شهدای بزرگوار و فاضل مثل شهیدان: بهشتی، مطهری، رجایی، باهنر، دستغیب و بسیاری دیگر، بیدارتر و شجاع‌تر می‌شویم و ما هیچ عروسی را بهتر از شهادت نداریم و شهادت برای ما مانند حجله حضرت قاسم می‌باشد ما چون در مکتب پر بار اسلام به آخرت اعتقاد داریم و اسلام هم احتیاج به نیرو دارد و درخت تنومند و بزرگ اسلام ما به خون احتیاج دارد که باید خون در ریشه این درخت ترزیق کرده تا به نتیجه نهائی برسد انشاءالله


گمان مبرکه من آرام آرام می‌میرم من آتشم که عدو را بکام می‌گیرم

وصیت به پدر و مادر و خانواده :

چند کلمه ای به پدر و مادر و خواهران و برادران و فامیل‌ها و همه اقوام و پدر و مادر عزیزم مرا ببخشید که به جبهه رفتن یک وظیفه شرعی و اسلامی است و بقول قرآن کریم که می‌فرماید ((إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ))

درست است که بازگشت همه بسوی خداست لیکن شهید شدن بهتر از مردن است هم برای من و هم برای شما که در جهان آخرت هم من و هم شما رو سفید هستیم و در نزد اهل بیت و ائمه اطهار علیهم‌السلام سربلند هستید که در راه اهل بیت علیهم‌السلام شهیدی داده‌اید و این خود یک افتخار و یک فوز عظیم است.

اگر شهید شدم مرده نپندارند زیرا به یاری حق وارد بهشت جاوید گشته‌ایم و اما تو ای خواهرم مانند کوهی استوار و صبور و بردبار باش و حجابت را محکم نگهدار تا دشمن بداند که این انقلاب همانند انقلاب خونین حسین علیه‌السلام است و شما ای برادرانم را هم را ادامه دهید و رفتارتان را با مردم مانند رفتار امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام که چقدر مردم با آن‌ها مهر و محبت داشتند و نماز و روزه‌تان را فراموش نکنید.



شورای ملی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابنامه استخامی طح دو

پانجمینت ندانند متعال
و عنایت حضرت بزرگوار امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
به موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و مصوبه ۵۵۰۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

به آقای سید قاسم تره

فرزند سید غلامعلی دارایی کد ملی ۴۲۳۱۰۹۵۳۸۸ صادره از پور احمد
متولد ۱۳۴۲ دارایی شماره پرونده ۷-۱۸۰۵ کواپی طح دو اعطای کرد.

مدیر حوزه های علمیه بویر احمد
علیرضا امرانی

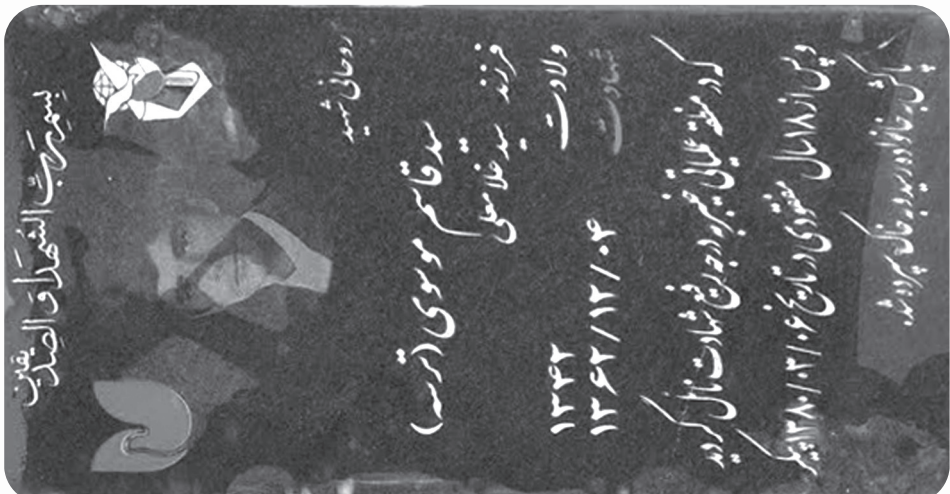
مدیر آموزش حوزه های علمیه
محمدی زکرم کرد

شورای عالی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه

این کتابسر صرفاً دارای اقتباسات و استقائات می باشد



بست مشرف شدن به هزار شهید بارگه را اسکن کنید.





تقوی پور سید علی اصغر



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۲/۰۳/۱۳، گچساران

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۲۰، فاو

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۲ سال ۹ ماه ۱۷ روز

نام پدر: سید یونس

شغل پدر: کشاورز

نام مادر: زهرا

تحصیلات حوزوی: سطح ۳

مذهب: شیعه

عنوان: رزمی تبلیغی

تحصیلات کلاسیک: اول دبیرستان

عامل جنایت: بعث عراق

سمت: مبلغ

رشته: علوم اسلامی

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره

مزار مطهر: گلزار شهدای گچساران

روحانی مجاهد سید علی اصغر تقوی پور در تاریخ سیزدهم خرداد ۱۳۴۲، در شهر گچساران دیده به جهان گشود. پدرش سید یونس، کشاورز بود و مادرش زهرا خانه داری می‌کرد. شهید سید علی اصغر تحصیلات خود را تا اول دبیرستان ادامه داد. سپس بدلیل علاقه به امور دینی و عشق به روحانیت جذب حوزه علمیه شد و به فراگیری علوم حوزوی تا سطح ۳ پرداخت.

روحانی فعال و پرتلاش سید علی اصغر تقوی پور در تاریخ بیستم اسفند ۱۳۶۴، که با عنوان مُبلغ در جبهه‌ها فعالیت فرهنگی می‌کرد در منطقه فاو عراق بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید و روح پاکش به ملکوت اعلا پیوست

بیکر پاک این شهید پس از تشییع توسط مردم شریف و ولایتمدار گچساران در گلزار شهدای این شهر در کنار هم‌زمانش بخاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

ویژگی های اخلاقی و رفتاری شهید به نقل از دوستان، هم‌زمان شهید:

دوستانش می‌گویند بسیار خوش اخلاق، خوش رو و خوش برخورد بود. همیشه درب حجره‌اش به روی دوستان باز بود. زمان را به بیهودگی نمی‌گذراند. احترام به مردم و دیگران شیوه عملی شهید تقوی بود ساده زیستی و قناعت، مردم دوستی و تواضع از خصوصیات بارز اخلاقی شهید بزرگوار بود.

بخشی از وصیت نامه روحانی شهید سید علی اصغر تقوی پور:

اسلام احتیاج به نیرو دارد به فرمان امام خمینی می‌رویم تا شاید بتوانیم خدمتی بکنیم. اگر زندگی حسین وار نبود شاید مرگم حسین وار باشد. هرکس فرمان امام خمینی را لبیک نگوید فرمان امام حسین علیه السلام را عمل نکرده است.....

توصیه به پدر و مادر و مردم

پدر و مادر عزیزم، امیدوارم مرا حلال کنید و در قیامت پیش حضرت زهرا علیها السلام روسفید باشید اگر شهید شدم برایم گریه نکنید برای امام حسین علیه السلام گریه کنید برای مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام گریه کنید

پیام برای مردم و امت شهید پرور

پیام من برای امت شهید پرور این است که همیشه پشت سر امام خمینی باشید و هرچه امام خمینی بگوید عمل کنید اگر بچه‌هایتان خواستند به جبهه بروند جلوی آن‌ها را نگیرید. آن‌ها را تشویق کنید چون الان اسلام احتیاج دارد و الان زمان، زمان امام حسین علیه السلام است هر کس فرمان امام را لبیک نگوید فرمان امام حسین علیه السلام را لبیک نگفته است پس بشتابید و مطیع امام خمینی باشید و به امام لبیک بگویید.

خاطرات سپیده خواهر شهید از فعالیت‌های شهید

او که گلویش بغض گرفته بود و چشمش تر شده بود، اینگونه روایت می‌کرد؛
قبل از انقلاب، موقعی که امام نیامده بود رنگ می‌خرد که روی دیوار شعار بنویسد،



شماره ملی شهید: ۴۲۶۹۴۳۳۱۹۱

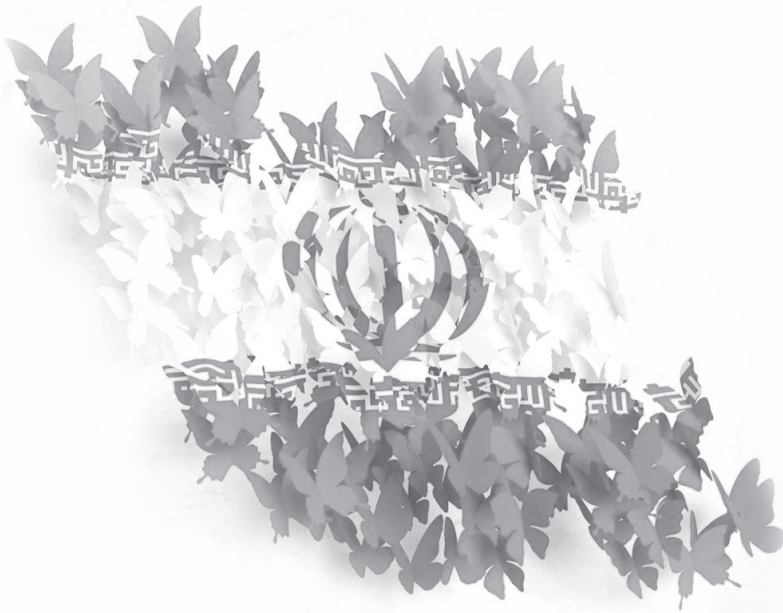
ش.پ. حوزه: ۷-۴۰۵


کد مرکز خدمات: ۴۴۱۲۳۷

منافقین (مخالفین و ساواکی‌ها) می‌گرفتندش! رنگ رو می‌ریختن روی سرش. با سر و روی رنگی می‌آمد خانه. خیلی اذیتش می‌کردن.

... یه بار که مسجد شهیدان شلوع شده بود، همان روزی که شهید بلادیان، کیامرثی و بقیه شهید شدند. من هم رفته بودم، برادرم زیر پا افتاده بود. فکر می‌کردم کشته شده. ولی بعدا برگشت خونه و تمام سرتاپاش خون شده بود. هر چقدر اعلامیه توی خانه می‌انداختند که تظاهرات نکنید و بیرون نیایید، دوباره می‌رفت خیابون و در تظاهرات شرکت می‌کرد.

کلاس پنجم بود که رفت قم طلبگی بخونه که از همانجا رفت جبهه. بهش می‌گفتیم نرو جبهه، شهید می‌شی، هیچکس سراغی از ما نمی‌گیره. می‌گفت:
من برای انقلاب و امام میرم، برای خدا میرم، نه برای کسی.^۱





شهادت نامه استقامتی طح سه

شماره: ۶۹۱/۴۰۲
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹

باقیات خاندان متعال
و معنات حضرت بیت‌الله الاطعم (علی‌هم‌السلام) خاندان فخریه (سرسنت)

بر موجب مصوبه ۹۸۱ شورای عالی حوزه‌های علمیه و هیئت مدیره ۱۵۵۰۵/۵۵۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

بر آقای سید علی اصغر تقوی پور
فرزند سید یونس بر شماره شناسنامه ۸۵ صادره از دوگنبدان متولد ۱۳۴۲
دارای شماره پرونده ۷-۴۰۵ - کوپایی طح سه اعطاء می‌گردد.


شهادت نامه استقامتی طح سه
مهدی رستم‌نژاد

فرمانده مرکز عقیدت حوزه علمیه
فرمانده مرکز عقیدت حوزه علمیه

بر موجب سمبخت فخریه این گواهی نامه در ایام شهادت استقامتی استقامتی می‌باشد



جهت مشرف شدن به مزار شهید بارکده را اسکن کنید.



سید علی اصغر تقوی پور

فرزند سید یونس
متولد ۱۳۴۲ که در
تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۱ در عملیات
والفجر ۸ منطقه فاو در مبارزه با رژیم
بعث عراق به فیض شهادت نائل گردید
دل رخت سفر بر بست آن دوست
زدام زندگان رست آن دوست
اگر چه شیشه جانش شکستند
ولس عهد و وفا نشکست آن دوست

بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان چابکده



تقوی سوق عبدالمحمد



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۳/۷/۴، شهر سوق دهدشت

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۲، منطقه فاو

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۱ سال ۴ ماه ۱۸ روز

نام پدر: محمدیوسف شغل پدر: نام معلوم

نام مادر: بی بی جان مذهب: شیعه

تحصیلات حوزوی: سطح یک تحصیلات کلاسیک: دوره دیپلم

رشته: اقتصاد عنوان: بسیجی

سمت: رزمی تبلیغی نحوه شهادت: اصابت ترکش به سینه

عامل جنایت: بعث عراق مزار مطهر: زادگاهش

برادر شهیدش منصور از افتخارات دیگر این خانواده می باشد

حجت الاسلام سید عبدالحمید تقوی در تاریخ اول مهرماه ۱۳۴۳، در شهر سوق از توابع شهرستان دهدشت دیده به جهان گشود. پدرش محمدیوسف و مادرش بی بی جان نام داشت. شهید تقوی دروس مدرسه را تا پایان دوره متوسطه در رشته اقتصاد ادامه داد و دیپلم گرفت. سپس بدلیل علاقه وافری که به روحانیت و دروس حوزوی داشت، وارد حوزه علمیه شد و با علاقه و جدیت به تحصیل علوم حوزوی همت گماشت و تا (سطح ۱) پیش رفت شهید تقوی که غیرت و جوانمردی بود نتوانست حضور بیگانگان صدامی را در خاک وطن خود ببیند و ساکت باشد از این رو در بسیج ثبت نام کرد و پس از آموزشهای مقدماتی مورد نیاز با عنوان رزمی تبلیغی در جبهه حضور یافت. و در تاریخ بیست و دوم بهمن ۱۳۶۴، در فاو عراق بر اثر

اصابت ترکش به سینه‌اش، بشهادت رسید و پس از تشییع پیکر پاکش در زادگاهش به خاک سپرده شد و مزارش زیارتگاه عاشقان انقلابی و مردم شهید پرور قرار گرفت.
مادر شهیدان حجت الاسلام سید عبدالمحمد تقوی و فرزند دیگرش سید منصور تقوی از شهدای سوق از توابع دهدشت در استان کهگیلویه و بویر احمد می‌گویند:

من در همه عرصه‌های پس از پیروزی انقلاب به عنوان بانوی پیرو مکتب عاشورا و ولایت با تاسی از ام البنین علیها السلام حضور دارم و این افتخار را عامل اصلی حفظ نظام و وفاداری به ارزش‌ها می‌دانم.

بانو حاجیه بی بی جان مادر حجت الاسلام شهید سید عبدالمحمد تقوی که ۸۰ سال سن دارد، در اظهاراتش فرمود:

با عکس دو فرزند شهیدم در راهپیمایی‌ها، انتخابات‌ها و مراسم‌های مذهبی حضور می‌یابم تا اعلام کنم وفاداری به آرمان‌های انقلاب با حفظ خون شهدا میسر است و باید امام شناس باشیم.

مادر شهید عبدالمحمد تقوی در ادامه گفت

دو خواهر دیگرم هم مادر شهیدان قباد شریعتی و محمد حسن پور هستند، یعنی سه خواهر چهار شهید به اسلام و انقلاب تقدیم کردیم.



شماره ملی شهید: ۶۱۶۹۷۴۷۸۷۰

ش.پ. حوزه: ۷-۴۰۶

کد مرکز خدمات: ۴۴۰۷۸۷

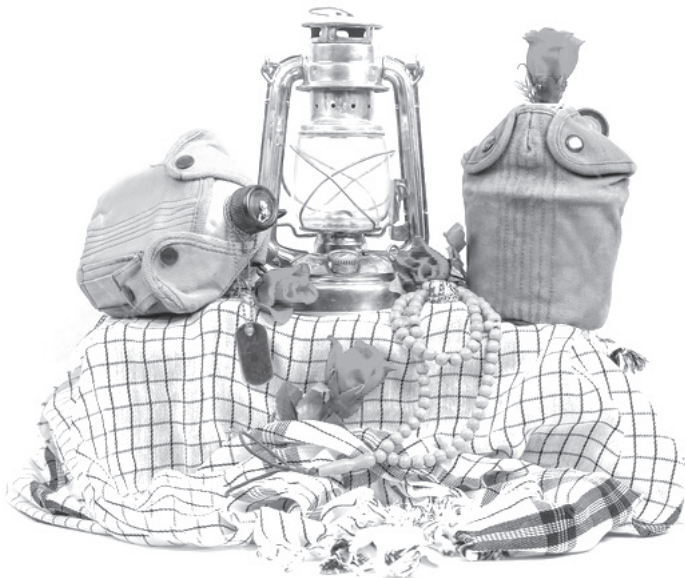
مادر شهیدان تقوی سوق، افزود:

هر سال بی‌صبرانه انتظار ۲۲ بهمن را می‌کشم، چرا که سالروز پیروزی انقلاب و سالروز شهادت و تولد جاودانه‌ای برای فرزند شهیدم سید عبدالمحمد تقوی بوده و خونی که از بدن فرزندم ریخته شد برای پیروزی انقلابی است که در ۲۲ بهمن به پیروزی رسید.

آثار قلمی و فرهنگی شهید تقوی

شهید تقوی خود جوانی تیزهوش و فعال فرهنگی بود و مرتب با جوانان همسن و سال خود در ارتباط بود از این رو بخوبی نیازهای روحی و معنوی جوانان را می‌دانست و به علائق و دلبستگی‌های آنان آگاه بود و همیشه در صدد برآورده شدن نیازهای جوانان بود بهمین دلیل در کارهای فرهنگی تشکیلاتی عمل می‌کرد و مسولیت را به جوانان می‌سپرد یکی از جمله فعالیت‌های ارزشمند این شهید حزب الهی و مرید امام راه اندازی کانونی به نام "**کانون فرهنگی رشد**" با نظارت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دهدشت بود. شهید توانست در مدتی کوتاه زمینه جذب تعدادی از جوانان را فراهم سازد و نسبت به پرورش و تزکیه آنان همت گماشت که ثمره آن حضور تعداد زیادی از اعضای کانون در مناصب مختلف حکومتی شد لازم به ذکر است، «شهید عبدالحمید تقوی» از روحانیون شاخص کهگیلویه و بویراحمد بود که توانست در سن ۲۰ سالگی ۱۲ جلد کتاب به رشته تحریر درآورد شهید عبدالحمید به دنبال مطالعات وسیع خود موفق به تالیف چند اثر مهم شد که برخی از آن‌ها مانند: "**خداشناسی**"، "**اخلاق در پرتو عقیده**" در زمان حیاتش چاپ و منتشر شد و برخی دیگر مانند: "**ذکرالله**" "**اخلاق در پرتو معاد**" "**پاسخ به پرسش‌های دینی جوانان**" "**معاد شناسی**" و "**از خود بیگانگی**" نیز بعداً در آستانه چاپ قرار گرفتند.

و سرانجام شهید سید عبدالمحمد تقوی سوق در سال ۱۳۶۴ در عملیات والفجر ۸ و برادش شهید منصور تقوی سوق در سال ۱۳۶۵ در عملیات مهران به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. روحشان شاد و یادشان گرامی



وصیت نامه شهید عبدالمحمد تقوی

بعد از حمد خداوند و صلوات بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و آل پاکش، نکاتی چند بعنوان وصیت نامه خدمت شما مردان و زنان مسلمان عرضه می‌دارم. اکنون که صدای زنگ مرگ در گوشم نواختن گرفت، قلم را بدست گرفتم و به سراغ کاغذ آمدم.
خواهران، و برادران:

متوجه باشید که در قرآن و سنت و عقل، آسایش و رفاه موجب کمال و سعادت معرفی نشده‌اند، بلکه جهاد و صبر بر مشکلات از عوامل تکامل و استکمال نفس بشری ابلاغ گشته‌اند. بشر در پرتو تحمل سختی‌ها جانش صیقل می‌یابد. مواهب الهی همراه با صبر یافت می‌شوند و لذت می‌بخشند نعمت‌های الهی اگر همراه با تحمل سختی‌ها، شکرگزاری و عبادت خدا نباشند همه نعمت می‌شوند، اگر انسان دلش مسخر یاد خدا نباشد، هر آنچه هست برای او بلا می‌شود، ولی اگر دل را به خدا بسپارد، همه چیز برای او نعمت می‌شود حتی سختی‌ها و بلاها، مصائب موجب تکامل انسانند اگر از آن‌ها بهره برداری صحیح شود و در برابر آن‌ها تسلیم نشود.

بیائید با ذکر الهی، در برابر حوادث عالم اطمینان و ثبات یابید. وجود رهبر را شکر گوئید و شکر این نعمت، اطاعت از اوست. چون فرصتی ندارم دیگر نمی‌دانم چه بنویسم،

سفارش به پدر و مادر و خانواده

از پدر و مادرم، خواهران و برادران عزیزم عذر می‌طلبم، عاجزانه استدعا دارم حلالم کنند، نگران نباشند که دنیا دست وفا و ماندن به کسی نداده است، همه برای رفتن منتهی متوجه رفتن نیستند تا لحظه مرگ. گرچه می‌دانم رفتن من موجب نگرانی و اضطراب می‌شود ولی صبر کنید.

سفارش به دوستان


از همه مردم، دوستان و روحانیون می‌خواهم که ضمن حلالیت بنده، ما را از دعای خیر فراموش نکنند نکاتی در رابطه با مسائل خانواده نوشته‌ام که جداگانه تقدیم خانواده می‌شود. در پایان از همه مردم می‌خواهم که از سخنان لغو، مجالس بیهوده و سو خلق پرهیزند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ارادتمند شما سید عبدالمحمد تقوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شهادی حال توره‌ای علی
و کزینست توره‌ای علی



گواهینامه استنادی طح دو

شماره: ۶۹۱/۲۹۶
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹

با توفیق خداوند متعال
و عنایت حضرت آیت الله العظمی (مجلس) تهرانی فی‌الشریف
به موجب شماره ۶۹۱ شهادی حال توره‌ای علی در شماره ۵۵۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور
بر آقای **عبدمحمد تقوی سق**
فرزند محییوسف به شماره شناسنامه ۱۸۱۴ شماره از دهشت متولد ۱۳۴۵
دارای شماره پرونده ۷-۴۰۶ گواهی طح دو اعطاء می‌گردد.

شهادت
علیرضا اعرافی


معاون کارشناس شهادی علی
محمدی زکریا

به موجب سمبست فوق این گواهینامه دارای اعتبار حقوقی استنادی می‌باشد.



جهت مشرف شدن به مزار
شید بارکده را اسکن کنید.



عبدمحمد تقوی سق

روحانی سید

فرزند محییوسف

تاریخ تولد ۱۳۴۵ شماد ۲۲، ۱۱، ۱۳۶۶

محل شهادت فاوکه درمبارزه بارش

بصفت عراق در جبهه فویض شهادت یافت آمد

دو حش شاد

بسم الله الصالحین



جاکیان (باقریان) باقر



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۶/۱۲/۱، شهرستان بهمئی

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۶/۲/۴، سلیمانیه

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۹ سال ۲ ماه ۳ روز

وضعیت تأهل: متأهل نام پدر: غلام

شغل پدر: کشاورز نام مادر: گلی نام

مذهب: شیعه سمت: رزمی تبلیغی

تحصیلات کلاسیک: دوم دبیرستان تحصیلات حوزوی: سطح یک

عنوان: بسیجی عامل جنایت: بعث عراق

نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش

مزار مطهر: روستای گچ بلند، زادگاهش

روحانی شهید شیخ باقر جاکیان در تاریخ اول اسفند سال ۱۳۴۶ در یک خانواده مذهبی در روستای گچ بلند از توابع شهرستان بهمئی دیده به جهان گشود.

دوران کودکی خود را در دامان پرمهر خانواده سپری کرد و در سن هفت سالگی برای کسب علم و دانش به مدرسه رفت و با حضور در مدرسه روستای خود شروع به تحصیل علم و دانش نمود.

شهید مقطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی را در روستای محل زادگاهش سپری کرد و برای گذراندن دوره متوسطه به شهر لیکک آمد و در مدرسه شهید بهشتی این شهر به تحصیل ادامه داد.

قلب سرشار از عشق به آموزه‌های دینی و روح تشنه به معارف الهی، شهید را به حوزه علمیه و کسب دروس و معارف الهی کشاند و این علاقه سرانجام او را در سال ۱۳۶۵ به حوزه علمیه

آیت الله مرتضوی بهبهان هدایت کرد و در آنجا مشغول به تحصیلات دروس حوزه تا سطح یک دروس حوزوی شد.

شهید باقر جاکیان یک سال بعد از ورود به حوزه علمیه، یعنی در ۲۸ فروردین سال ۱۳۶۶ ازوداج کرد و تشکیل خانواده داد.

ویژگی های اخلاقی طلبه شهید شیخ باقر جاکیان

بنا بگفته دوستان، نزدیکان و خانواده شهید از مهم ترین خصوصیات اخلاقی این شهید وارسته را می توان به داشتن اخلاق نیکو، صله رحم و کمک به مستمندان عنوان کرد. شهید جاکیان به دلیل علاقه وافر به اسلام، برای رضای خدا، دفاع از خاک میهن و لیبیک به فرمان امام خمینی، تصمیم به حضور در جبهه ها گرفت و در طول جنگ تحمیلی ۵ بار به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. و در آخرین سفر جنگی به جبهه حق علیه باطل در تاریخ چهارم اردیبهشت ۱۳۶۶، در سلیمانیه عراق بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. و در گلزار شهدای روستای گچ بلند شهرستان زادگاهش از توبع شهرستان بهمئی به خاک سپرده شد و به یاران شهیدش پیوست.



شماره ملی شهید: ۵۹۹۹۶۲۰۲۸۷

ش.پ. حوزه: ۷-۴۰۷

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۸۳۹



بخش‌هایی از وصیت نامه طلبه شهید شیخ باقر جاکیان:

با سلام و درود بر ابراهیم خلیل الله و بر محمد رسول الله و بر علی ولی الله و خمینی روح الله و با سلام بر غیورانی که غیورانه تاختند و با شجاعت مردانه، پیراهن رنگین شهادت را به تن پوشیدند.

سلام و درود بر صالحین و نیکوکاران خداوند، شهیدان اسلام و با سلام بر حماسه‌سازان جبهه‌ها و سرور این آزادگان امام حسین علیه السلام.

شهدا از مد پرستان و اوباش راضی نیستند.

معیار در گزینش افراد باید تقوا باشند نه پارتی بازی و خدا لعنت کند کسی را که پارتی بازی می‌کند.

پس ای مردم بنده یقین دارم هنگامی که مردم، هیچ چیز همراه خود ندارم جز اعمالم اما به خداسوگند(وقتی) برای پنجمین بار قلم را در دست گرفتم و می‌خواهم وصیت نامه بنویسم دوست دارم که شیعیان علی علیه السلام متوجه باشند که در چه موقعیتی واقع شدند؛ فکر کنند و تفکر نمایند و به یاد حسین علیه السلام باشند. یاد دنیا و زیبایی‌های دنیا نباشند و بین افراد فرق نگذارند جز اینکه **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ** تقوای هرکس بیشتر است نزد خداوند برتر است.

حزب الهی‌ها همان هم‌زمان شهدا هستند. وصال عشق نزدیک است باز همدیگر را

خواهیم دید به فاصله یک چشم به هم زدن.

عبرت بگیرید و به یاد روز قیامت باشید از یاد خدا غافل نشوید تقوای الهی پیشه کنید و در اعمالتان اخلاص داشته باشید؛ اخلاص روح ایمان است، بدن بدون از روح مرده است. امید است که حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى قَرْنَهُ الْكَرِيمَ از ما و شماها راضی باشد و انقلاب اسلامی زمینه‌ای باشد برای تعجیل در ظهور حضرتش. گوش به فرمان ولایت باشید

ای مردم هر چه امام عزیز می‌فرماید گوش کنید و عمل نمایید حتی اگر به قیمت از دست دادن جان و مالتان تمام گردد.

تاکید شهید به عدم حضور مخالفین نظام اسلامی در تشییع جنازه‌اش

بدون هیچ چون و چرا می‌گویم و می‌نویسم که افرادی که به رهبری امام خمینی و مرجعیتش معتقد نیستند در مراسمات بنده شرکت نکرده که راضی نیستم و حقیقت‌گویان راه حقیقت را بگویند.

سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگویید تا آخرین قطره خونم سنگر اسلام را خالی نمی‌گذارم. در تابلوی بزرگی نوشته شود "هر که باشد از خمینی بدگمان، حق ندارد پانهد در این مکان" و در گلزار شهدا بگذارید.



هدف از حضور در جبهه

ای مسلمین به یاد شهدا باشید و سنگر آن‌ها را خالی نکنید. ای امت، بنده عبدالعاصی که به جبهه آمدم نه برای پول، نه برای مقام و نه برای هیچ چیز دیگر بود، جز در راه خداوند به جبهه آمدم.

خانواده شهدا باید الگوی جامعه باشند. از خانواده معظم شهدا خواهش‌مندم که شیطان شما را فریب ندهد و اخلاقتان و برخوردتان طوری باشد که باعث نگرانی مردم نشود. وحدت را رعایت نموده نه اینکه چون خانواده شهید شده‌اید دیگر بقیه پوچ هستند. نه، امروز همه امت حزب الله ایران در صحنه هستند و خداند ناصر ملت ایران اسلامی باد.


روحانیت همگام با حزب الله باشد

آی آخوندها آیا می‌دانید آخوند به معنای اسلام است؟ پس خدای ناکرده نکند روزی رسد که کسی اشتباهی از شما بگیرد و ای روحانیت مبارز خدا شما را حفظ نماید.
روحانیت منطقه بهمئی که هم اکنون در لباس روحانیت هستید توجه کنید
انَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ و در حرکت همگام با حزب الله باشید. پس توصیه می‌کنم همه مردم بهمئی به خصوص روحانیون را که گوش به حرف امام امت باشند.

طلاب نسبت به جنگ و انقلاب بی تفاوت نباشند

وصیت به طلاب حوزه علمیه آیت الله مرتضوی شهر بهبهان:

خداوند شما را از سربازان صدیق اسلام و حافظان جمهوری اسلامی قرار دهد. در راه پیشبرد اهداف اسلام گام بردارید و نکند نسبت به جنگ و انقلاب بی تفاوت باشید. در فرموده‌های امام امت، این بنیانگذار انقلاب اسلامی بیشتر دقت کنید و انشا الله که از رهروان راه شهدا و گوش به حرف حق طلب زمان، امام خمینی رحمة الله علیه باشید.



شماره: ۶۹۱/۳۶۲
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۳۰

بیتوتهات خداند متعال
و عنایت حضرت بزرگوار امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
بر موجب شماره ۶۹۱ شورای عالی خوزدهای علی و مصوبه ۱۵۵۰۵/۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

کوهانامه استخامی سطح یک

بر آقای باقر جالیان
فرزند غلام بر شماره شناسنامه ۳۴۷ صادره از بهمنی متولد ۱۳۴۶
دارایی شماره پرونده ۷-۴۰۷- کوهانامه استخامی سطح یک

شهادت: ۱۳۶۶، ۲، ۴، ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶


منطقه عملیاتی کر بلائی (۱)

محل شهادت: منطقه عملیاتی کر بلائی (۱)

تقدیر: ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶

شهادت: ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶

محل شهادت: منطقه عملیاتی کر بلائی (۱)



بیتوتهات خداند متعال
و عنایت حضرت بزرگوار امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
بر موجب شماره ۶۹۱ شورای عالی خوزدهای علی و مصوبه ۱۵۵۰۵/۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

کوهانامه استخامی سطح یک

بر آقای باقر جالیان
فرزند غلام بر شماره شناسنامه ۳۴۷ صادره از بهمنی متولد ۱۳۴۶
دارایی شماره پرونده ۷-۴۰۷- کوهانامه استخامی سطح یک

شهادت: ۱۳۶۶، ۲، ۴، ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶

منطقه عملیاتی کر بلائی (۱)

محل شهادت: منطقه عملیاتی کر بلائی (۱)

تقدیر: ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶

شهادت: ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶، ۱۳۶۶، ۶

محل شهادت: منطقه عملیاتی کر بلائی (۱)



جشان زاده (مبشری) رمضان



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۳/۰۲/۰۲، دهدشت

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۰۱، فاو

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۱ سال ۹ ماه ۲۹ روز

نام پدر: عبدالله شغل پدر: کشاورز

نام مادر: ماهی گل مذهب: شیعه

رشته: عربی تحصیلات حوزوی: سطح یک

تحصیلات کلاسیک: پایان دوره کارشناسی عنوان: طلبه رزمی تبلیغی

سمت: فرمانده دسته و مبلغ رزمی تبلیغی عامل جنایت: بعث عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر

مزار مطهر: روستای پشت تاوه اولیا تابعه زادگاهش

طلبه شهید رمضان جشان زاده در دوم اردیبهشت ۱۳۴۳، در روستای ده قاید داراب از توابع شهرستان بهمئی گرمسیری دیده به جهان گشود. پدرش عبدالله، کشاورز بود و مادرش ماهی گل نام داشت. تا پایان دوره کارشناسی در رشته دینی عربی درس خواند. به فراگیری علوم دینی و حوزوی نیز تا سطح (مقدمات) پرداخت. معلم بود ولی شور حضور در جبهه آرام و قرار را از او گرفته بود. پس از آموزش‌های لازم نظامی از سوی بسیج به جبهه رفت و پس از چند نوبت حضور در جبهه بالاخره در اول اسفند ۱۳۶۴، در جزیره فاو عراق بر اثر اصابت ترکش به سر، شهید شد و به دوستان هم‌رزمش پیوست.

بیکر پاکش را در روستای زادگاهش در گلزار شهدای روستای پشت تاوه از توابع شهرستان

بهمئی به خاک سپرده شد تا زیارتگاه عاشقان شهادت باشد.

ویژگی های فردی و اخلاقی شهید طلبه رمضان جشان زاده از زبان همسرمان و دوستانش:

قیصر آریانفر، یکی از همسرمان شهید رمضان جشان زاده در وبلاگ شخصی خود خاطره شهادت طلبه شهید رمضان جشان زاده را این گونه نقل می کند:

... عملیات فتح شهر فاو در زمستان سال ۱۳۶۴ با عبور از اروندرود انجام گرفت. بچه های استان کهگیلویه و بویر احمد به همراه بچه های استان مازنداران در قالب لشکر ۲۵ کربلا شب اول عملیات وارد شهر فاو شدند. مقر پشتیبانی لشکر اطراف چغازنبیل بود. شهید رمضان جشان زاده در گردان جندالله حضور داشت. یکی از دوستان او از بچه های بهمئی که آن زمان معلم بود قبل از ورود به شهر فاو نمی دانم با اصابت ترکش چه سلاحی از دشمن یک پای او قطع شد و اکنون توفیق زندگی دارد. سن او از همه جمع ما بیشتر بود از افراد انقلابی و کماکان وفادار به انقلاب و نظام است. بعد از ایشان مرحوم رمضان بزرگتر و با سوادتر از جمع دوستان آشنا بود. ما بقی دانش آموز دبیرستانی بودیم. گردان جندالله حدود شب یا روز نهم عملیات والفجر ۸ وارد فاو گردید تا جایگزین گردان ما (روح الله) شود. صبح زود که تازه آفتاب بر آمده بود (یا گردش زمین در آن لحظه موجب پیدایش آفتاب گردید) این جای گزینی انجام گرفت. سحر قبل از رسیدن گردان جندالله با اصابت گلوله خمپاره بدن عیوض تکه پاره شده بود. مانده های اندام نازنینش جمع آوری و بر روی پلاستیکی گذاشته شد. هنوز آمبولانس برای انتقال جنازه اش به پشت جبهه اقدام نکرد. تا گردان جندالله رسید و در حال استقرار در سنگرها بودند و بچه های گردان روح الله با اندوه از دست دادن تعدادی از دوستانشان در حال برگشتن از شهر فاو.

در همین هنگام رمضان جنازه قطعه قطعه عیوض را ملاحظه کرد ولی جنازه شهید عیوض قابل شناسائی نبود. اکثر رزمندگان کیف های کوچکی حاوی عکس های کسانی که دوستانشان داشتند به همراه خود و در جیب پیراهنشان داشتند. من کیف عیوض را دیده بودم و یاد دارم



شماره ملی شهید: ۵۹۹۹۶۵۹۵۰۷

ش.پ. حوزه: ۱۸۰۶-۷

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۸۴۰

که عکس رمضان نیز همراه او بود. دوستان نقل کردند رمضان یک قطعه از عکس‌های خودش را در نزدیکی جنازه عیوض پیدا کرد. رمضان با دیدن عکسش گفت این عکس من یا همراه عیوض بود ویا...! که دوستان به او گفتند آری این جنازه، جنازه دوستت عیوض است. رابطه آن دو با هم خیلی خوب بود. همان موقع‌ها از دوستان معتمد (چون نمی‌دانم راضی هستند یا نه از آن‌ها نام نمی‌برم) شنیدم که رمضان قبل از عملیات خواب دید که همراه یکی از دوستانش شهید خواهد شد. به هر حال این اتفاق افتاد. رمضان با دیدن جنازه تکه پاره دوستش کنارش نشست تا تحمل دوری عیوض را نکند. محزون و متاثر نشسته بود که ترکشی بر سینه پر دردش ناجوانمردانه نشست و دوستان و ماندگان را از دیدن روی ماهش محروم ساخت. و جنازه هر دو با یک آمبولانس به پشت جبهه منتقل گردید و خوابش این‌گونه تعبیر شد.

یکی از خصوصیات بارز این شهید بزرگوار این بود که او اهل مطالعه بود. خوش سیما و خوش خلق بود. رفتاری متواضعانه و بزرگ منشانه داشت. کمتر صحبت می‌کرد ولی هر وقت می‌گفت مودبانه و باطمینان می‌گفت. یادش گرمی باد.^۱

خاطرات هادی جلالی‌زاده هم‌رزم طلبه شهید رمضان

رمضان، در تقوا نیز زبازد عام و خاص بود. هیچ وقت بدون وضو ساعاتش را سپری نمی‌کرد. علاوه بر اینکه واجبات خود را به موقع انجام می‌داد، به نافله‌ها و مستحبات نیز بسیار اهمیت می‌داد. می‌توان گفت او شهید و مقرب الهی بود، قبل از اینکه از جسمش در میدان جنگ فانی شود.

بخش‌هایی از وصیت نامه شهید رمضان جشن‌زاده

«پیامی دارم برای همه خانواده‌های شهدای منطقه. آن‌هایی که به راستی و به حقیقت به نحو احسن راه شهدان را ادامه داده و می‌دهند و آن پیام این است که: همه شماها از هر قشری و محلی و هر کجا که می‌باشید وحدت کلمه داشته باشید و نسبت به هم مهربان باشید و سعی کنید به همدیگر سر بزیند و صحبت کنید و به

عهد خودتان نسبت به خدا و امام حسین علیه السلام و امام امت وفادار باشید تا آخر استقامت کنید و بر استقامت خود پایداری کنید
اما وصیت و تذکر به خانواده خودم :

سعی کنید نسبت به خانواده شهید ماندنی جرنگ وفادار باشید و آن‌ها هم همین طور نسبت به شما وفادار باشند. و همدیگر را رها نکنید زیرا هر دو خانواده شهید هستید و نباید تنها به خاطر من با هم باشید بلکه باید به خاطر موقعیت و مقامی که در دنیا و در آخرت دارید با هم باشید. و شمس الله (برادر کوچکتر شهید) را حتما بگذارید برود حوزه این مسئله را فراموش نکنید.

خاطرات هادی جلالی زاده هم‌رزم شهید رمضان جشن زاده

خطاب به خواهران خودم

... و اما ای خواهرانم، خطاب به شما می‌گویم، همه خواهران پدری و همه خواهران ایمانی که حجاب را رعایت کنید، سخن همه شهدا به شما همین است..... به شما می‌گویم دوست دارید در قیامت شهداء شما را شفاعت کنند و در کنار زینب علیها السلام قرار بگیرید؟ اگر این را دوست دارید، باید حتما حجاب را رعایت کنید و زینب گونه شوید.^۱
خاطرات استاد علی‌داد انصاری نیک‌دوست، دوست و رفیق دوران دانش‌آموزی، و هم‌رزم جبهه، و هم دانشگاهی شهید رمضان جشن زاده


..... خودم با برادر کوچکم و شهید رمضان جشن زاده و شهید نورمحمد در روستای لیکک ادامه تحصیل و هم منزل شدیم. شهید رمضان جوانی با قامت متوسط صورتی گندم‌گون، لاغر، چانه‌ای کشیده و ریشی کم پشت داشت او به لحاظ اخلاقی، فردی متدین، کم حرف، با اراده و پشتکار جدی داشت. و از جوانی اندیشه‌های بزرگی داشت و توانست آن‌ها را در خود به ظهور رساند برنامه ریز و آینده‌نگر بود. هم‌زمان با تحصیل به صورت پاره وقت با کمیته فرهنگی جهاد سازندگی همکاری داشت. و تصمیمات مهمی

۱. صاحبی، محمدجواد، بوستان کتاب، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول/ ۱۳۹۱

در ارتباط با امور شوراهای روستایی عملی کرد. و توانست پیام انقلاب را به روستاها برساند. تصمیمات بزرگ آن شهید در روستاها برای من وهمکاسی‌هایش عجیب بود و از طرفی برایمان جذابیت خاصی داشت و به فعالیت‌های شبانه روزی او غبطه می‌خوردیم. شهید رمضان بعد از فعالیت در روستاها شب دیر وقت به منزل می‌آمدند. و ما با او شوخی می‌کردیم اما او که فردی اجتماعی و دارای روحی بزرگ بود سکوت اختیار می‌کرد و با لبخندهای ملیح به ما پاسخ می‌داد او بیشتر اهل سکوت بود و آرام و اهل مطالعه عمیق بود. مدتی از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران گذشته بود جمع ما دوستان دانش آموز در سال ۱۳۶۱ در منزل دانش آموزی هوای جبهه کردیم ما در آن سال در دبیرستان شهید بهشتی لیکک مشغول به تحصیل بودیم مدیر دبیرستان آقای هاشم‌زاده بود فرمانده پایگاه بسیج دودانگه از توابع بهبهان همشهری هاشم‌زاده بود در دبیرستان سخنرانی و دانش آموزان را برای دوره آموزشی و اعزام به جبهه فراخواند من و شهید رمضان و شهید نورمحمد جشان‌زاده هر سه تصمیم گرفتیم به جبهه برویم روز بعد هر سه به سپاه بهبهان مراجعه و ثبت نام کردیم. نزدیک به ۲۰۰ نفر بسیجی در سپاه بهبهان در قالب گردان، گروهان، دسته سازماندهی شدیم. پس از نماز ظهر و عصر و صرف نهار جهت دوره آموزشی به پادگان شهید بخردیان اعزام و منتقل شدیم. در پادگان متوجه شدیم تعداد زیادی از بچه‌های بهمنی در آن پادگان حضور دارند از جمله: حبیب‌الله جشان‌زاده، شهید علی محمد چک نژاد، صدرالدین تقوی، محمدرشید جعفری، ولی‌الله دهبانی، رمضان احدی، غام آدین، الله مراد شاهی‌زاده، جانعلی دهبان‌زاده، سپهدار بیژنی، رسول سروش، عسکر اسدزاده و تعدادی که نمی‌شناختم در آن پادگان حضور و همدیگر را ملاقات کردیم. دوره آموزشی فشرده به اتمام رسید و پس از پایان دوره در قالب یک گردان آماده و اعزام به جبهه شدیم.^۱

۱. کتاب راه سبز زندگی نامه و خاطرات شهیدان جشان‌زاده، فصل چهارم/ تألیف: حمدالله مبشری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 بِرَحْمَةِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 بِرَحْمَةِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



شورای عالی حوزه های علمیه
 مرکز مدیریت حوزه های علمیه

کویلینامه استحضاری سطح یک

با تأیید حضرت فاضل مشفق
 و عیالات حضرت پیر الی الاکبر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
 بر موجب مصوبه ۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و مصوبه ۵۵-۵ سازمان امور اداری و استحضاری کشور

به آقای **رضوان جشان زاده**

فرزند **عبدالمجید دارایی کد ملی ۵۹۹۹۶۵۹۵۰۷** صادره از بهمنی
 متولد ۱۳۴۱ دارایی شماره پرونده ۷-۱۸۰۶ کواهی سطح یک اعطاء می گردد.


مدیر حوزه های علمیه
 علیرضا امرانی

معاون آموزش حوزه های علمیه
 مهدی رستم نژاد

شورای عالی حوزه های علمیه
 معاونت حوزه های علمیه

شورای عالی حوزه های علمیه
 معاونت حوزه های علمیه

این کویلینامه صرفاً دارای اعتبار حقوقی و استحضاری می باشد



رضوان جشان زاده

فرزند عبدالمجید

ولادت ۱۳۴۱
 شهادت ۱۳۷۶

محل شهادت قار
 خلیج فارس

آزاده شوکت من شهبان
 درخشش قدس آریه
 دیر شهبان کربلا
 حسان حسین جویبار



جشان زاده (بشری) محمد رضا



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۶/۱۲/۰۳، شهرستان بهمئی

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۳/۰۷/۰۲، جزیره مجنون

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۶ سال ۶ ماه ۲۹ روز

وضعیت تأهل: مجرد نام پدر: عبدالله

شغل پدر: کشاورز نام مادر: ماهی گل

مذهب: شیعه عنوان: رزمی تبلیغی

تحصیلات کلاسیک: سوم راهنمایی تحصیلات حوزوی: سطح یک

عامل جنایت: بعث عراق نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر

مزار مطهر: روستای شاه زیار، زادگاهش

طلبه شهید محمد رضا جشان زاده در تاریخ سوم اسفند ۱۳۴۶، در روستای پرچو از توابع شهرستان بهمئی گرمسیری متولد شد. پدرش عبدالله، کشاورز بود و مادرش بنام ماهیگل خانه دار بود. این شهید سعادت مند دروس کلاسیک را تا سوم راهنمایی خواند. شهید عزیز محمد رضا بدلیل علاقه وافری که به معارف و معانی اسلام داشت با مشورت برادرانش روانه حوزه علمیه شد و مدت چند ماهی در مدرسه علیمه در بهبهان مشغول به تحصیل مقدماتی طلبگی شد.

شهید محمد رضا از جمله آن جوانان مستعدی بود که از طریق جهاد سازندگی به حوزه علمیه قم معرفی و به کسب علوم دینی مشغول شد. بعد از تحصیل در حوزه و کسب مهارت ها و آموزش های لازم در علوم دینی، به عنوان مبلغ دینی با جهاد

سازندگی در سطح روستاها همکاری می‌کرد. شهید محمد رضا جشان‌زاده چند سالی در مدرسه علمیه بعثت در قم مشغول به تحصیل بود و به کسب علم و معارف دینی مشغول بود.

شهید در ایام تعطیلی حوزه علمیه به میان خانواده خویش برگشت. و به پدر و برادران در کار کشاورزی کمک می‌کرد.

در آن زمان (سال‌های اول جنگ) نیروهای استان بوشهر و استان کهگیلویه و بویر احمد و فارس تحت یک فرماندهی، سازماندهی و پس از طی دوره‌های آموزش رزمی، اعزام می‌شدند. محمدرضا از طریق لشکر ۱۹ فجر به جنوب غرب خوزستان اعزام شد و در یکی از گردان‌های لشکر ۱۹ فجر ضمن وظیفه تبلیغی در قسمت رزم تک تیرانداز بود. شهید عزیز هرگز از وظیفه طلبگی خود غافل نبود و همواره تلاش داشتند تا آن وظیفه اصلی را در هر کجا مأموریت داشته باشند انجام دهد و به تکلیف طلبگی خود عمل کند. به نقل دوستان هم رزمش در مدت کوتاهی که در بین نیروها و فرماندهان بود به زهد و تقوا معروف و همگی مجذوب اخلاق و رفتار او شدند. اخلاق و رفتارش زبانزد رزمنده‌ها شد. و همه دوستانش نقل می‌کردند که او در اوج معرفت الهی و کاملاً آماده شهادت بود و بعضاً مطمئن بودند که محمدرضا شهید می‌شود.

در مدتی که در جبهه‌های جنوب بود، هرگز درخواست مرخصی نکرد و همیشه در نامه هایش به خانواده، می‌گفت که سفرم بدون برگشت است و آن خوابی که در قم دید و مأموریتی که پیامبر اسلام ﷺ به او داد بدون برگشت است. و همه جا نقل می‌کرد مأموریت اول و آخر من نبرد با دشمن و شهادت در راه خدا و ملاقات نبی مکرم اسلام ﷺ است.



شماره ملی شهید: ۵۹۹۹۶۵۹۵۸۲

ش.پ. حوزه: ۷-۴۱۱

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۸۴۱

قابل توجه اینکه شهید محمد رضا هنگامی که در قم بود خواب دیده بود که پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام بر او ظاهر می‌شوند و به او می‌گویند که سری به جبهه بزیند که آنجا منتظر شمایند شهید بزرگوارمان ۲ روز از مرخصی خود را نگذرانده بود که با توجه به پیام رویای صادق و خوابی که دیده بود شتابان و با اشتیاق روانه جبهه شد و در مدتی که در جبهه بود یکبار به مرخصی آمد پس از چند روز، دوباره به جبهه برگشت و ماموریت تمام شد و باز هم دوره خود را تمدید کرد و با توجه به پیام‌های مکرری که از مدرسه علمیه در قم برای او می‌آمد که جهت ادامه تحصیل به حوزه برگردد وی قبول نکرد و در نامه‌هایش یادآور شد که تا مرز شهادت بر نخواهد گشت.

سرانجام شهید عزیز در تاریخ ۱۳۶۳/۰۷/۰۲ در جزیره مجنون با اصابت مستقیم گلوله به قلبش به درجه رفیع شهادت نائل و به جمع دوستان شهیدش پیوست و پیکر مطهرش را در گلزار شهدای محل زادگاهش روستای شاه زیار، دفن کردند. مزار شریف روحانی شهید و با اخلاص زیارتگاه عاشقان شهادت و مردم شهید پرور بهمئی است.

وصیت نامه طلبه شهید محمد رضا جشان زاده:

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

ای مردم خدا ترس و پرهیزگار باشید که زلزله روز قیامت بسیار بزرگ و حادثه واقعی و سختی خواهد بود.

با درود فراوان به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ و نایب بر حقش امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ و با سلام به یاران امام و با درود بر رزمندگان اسلام

این بنده حقیر می‌خواهم وصیت کنم (امید است مورد توجه قرار گیرد)

مردم از خدا بترسید مردم تقوای الهی پیشه کنید و با خدا باشید تا خدا شما را دوست داشته باشد به خصوص شما مردم محروم از خواب غفلت بیدار شوید و ببینید که دنیا عوض شده ببینید که اسلام روی کار آمد و شکر این نعمت بزرگ را بجا آورید به خصوص نعمت بزرگ امام خمینی که خداوند به شما داد و قدر این رهبری را بدانید که سال‌های

سال با زحمت و رنج فراوان اسلام را به اینجا رسانده و حالا به دست شما داد مردم شهید پرور از دین اسلام خوب محافظت کنید و قدر آن را بدانید که اگر کوچکترین آسیبی، خدای نکرده به آن برسد همه شما مسئول هستید به خصوص شما جوانان و سربازان امام که به فرموده امام چشم امید من به شما است امید امام به شما جوانان است شما هم خوب از این انقلاب پاسداری کنید من از شما مردم شهید پرور می‌خواهم این امام را تنها نگذارید و این وصیت نامه همه شهدا است.

وصیت به پدر و مادر و خانواده

امامن وصیت دارم به پدر و مادرم از شما می‌خواهم که اگر شهید شدم ناراحت نباشید و افتخار کنید که بنده حقیر را تقدیم امام کردید از شما می‌خواهم که گریه نکنید لباس سیاه نپوشید از مادرم و خواهرانم می‌خواهم که همچون زینب در برابر مشکلات مقاومت کنید و با حجاب اسلامی سر قبرم بیاید، تا هم خداوند از شما راضی و هم برای دیگران الگو باشید.

اما از برادران می‌خواهم که ناراحت نشوید که این مسیر راه حسین علیه السلام است و راه شهدا و وظیفه ماست که این راه را ادامه دهیم. اگر ما جوانان در صحنه نباشیم پس کیست که این راه را دنبال کند وصیتی دارم به پدر و مادرم که ای پدر و مادر عزیزم می‌دانم که خیلی حق به گردن من دارید اما باز من نتوانستم آن را جبران کنم خجالت در برابر شما می‌کشم فقط شما به بزرگی خودتان می‌توانید مرا ببخشید به خصوص شما مادرم بیشتر از همه حق به گردن من دارید که قرآن بسیار سفارش کرده ولی چه باید کرد همه باید بروند پس چه بهتر که این راه شهادت را برویم.

خطاب به پدر

اما در پایان پدر بزرگوار اگر جویای حال بنده باشی الحمدلله حالم خوب است و هیچ‌گونه ناراحتی ندارم جز اینکه بیشتر بتوانم به این جمهوری اسلامی خدمت کنم همه خانواده‌ام را سلام فراوان می‌رسانم بیشتر مادرم را سلام می‌رسانم و از شما معذرت می‌خواهم که بدون

خداحافظی آمدم و امیدوارم که مرا ببخشید. پدر و مادرم و برادران خیال می‌کنید که من دیگر می‌آیم؟ نه، هرگز این فکرها را نکنید والله قسم فقط زمانی که پیکر خونینم را به آنجا بیاورند و در پایان همه خانواده‌های عموهایم و بخصوص خانواده شهید جشان‌زاده و برادرانش را سلام می‌رسانم و اگر کسی از شماها به آنجا رفتید بجای من آن‌ها را بوسه زنید شاید برنگردم و آن‌ها را نبینم، اگر ناراحتی از من دیدید به خاطر خدا خودتان ببخشید در ضمن برادرانم من قصد اینکه به جبهه بیایم را فعلا نداشتم ولی در قم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مولی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را در خواب دیدم که به سوی جبهه حرکت کردم حالا هم شب شهادت مولی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ این نامه را می‌نویسم.

وصیت به دوستان و رفقا

آخرین وصیت من به دوستان و رفیقان هست که از آن‌ها تقاضا دارم اگر ناراحتی از من دیدند به خدای خودشان ببخشند و اگر طلبی از من دارند و یا چیزی می‌خواهند به خانواده من مراجعه کنند و اگر از کسی چیزی طلب دارم می‌بخشم امیدوارم که راه مرا ادامه و انقلاب اسلامی را هرچه زودتر به پیروزی نهایی برسانید آرزو داشتم که قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را زیارت کنم در بغل بگیرم.

در پایان تقاضا دارم در نمازهای تان امام را دعا کنید.

والسلام

محمد رضا جشان‌زاده.



چمانی (زرنگاریان) رضا



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۶/۰۵/۰۱، یاسوج
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۲۱، شلمچه

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۹ سال ۷ ماه ۲۷ روز
وضعیت تأهل: متأهل نام پدر: الله رضا

نام مادر: عذرا مذهب: شیعه

تحصیلات حوزوی: سطح دو رشته: اقتصاد

تحصیلات کلاسیک: دوم دبیرستان سمت: رزمی تبلیغی

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره

عامل جنایت: بعث عراق

مزار مطهر: گلزار شهدای زادگاهش

شهید شیخ رضا چمانی در سال ۱۳۴۶ در یک خانواده مستضعف و مذهبی در روستای میرغضب یاسوج چشم به جهان گشود در مدرسه و دوران ابتدائی با پشت سر گذاشتن مشکلات و کمبودهای مادی، از نظر انضباط و اخلاق در بین دیگر محصلان همکلاسانش نمونه و برجسته بود. شهید در دوران کودکی و نوجوانی در تمام حالات با روحی پاک درس می خواند و همیشه لبخند محبت بر لبانش جاری بود، به همه احترام می گذاشت و از سخنان بیهوده خودداری می کرد،

بعد از به پایان رساندن دوران ابتدائی وارد مراحل راهنمایی شد و در آن زمان استعداد درسیش نسبت با آن همه گرفتاری های خانوادگی که داشت در سطح خوبی بود و علاقه

فراوانی به مطالعه غیر درسی داشت و وقتی که از مدرسه برمی گشت درامور خانه به پدر و مادر خویش کمک می کرد، احترام پدر و مادر را در هر حالی رعایت می نمود و یکی از حسنات عالییه ایشان صله رحم با خوشاوندان بود، و اما بعد از گذراندن دوران راهنمایی پا به مرحله نهایی دبیرستانی نهاد و در دبیرستان امام خمینی شهرستان یاسوج به رشته اقتصاد مشغول شد و بعد از اخذ کارنامه تحصیلی سال دوم با آن شور و علاقه ای که به طلبگی و روحانیت داشت. در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه ولیعصر عَلَيْهِ السَّلَام یاسوج شدند و در آن مدت زمانی که در مدرسه فوق الذکر بودند به دلیل علاقه کثیر ایشان نسبت به ادامه درس با تلاش فراوان مشغول به تهذیب و تحصیل در این رشته علوم دینی شدند و چون با کمبود استاد روبرو شد و برای ادامه و ارتقاء تحصیلی و برطرف کردن مشکلات درسی به مرکز علم و تقوا شهر خون و قیام قم مهاجرت کند و لذا در همان اوایل سال ۱۳۶۳ روانه مدرسه علمیه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام قم شدند.

ویژگی های اخلاقی فردی و روحی شهید شیخ رضا چمانی

شهید عزیز دارای خصائص بارز اخلاقی و روحی بودند از جمله:

حفظ هویت صنفی روحانیت و طلبگی را به نحو عالی رعایت می نمود و يك روحانی به تمام معنا و الگو و نمونه بود، شب زنده دار بود، شب ها را به عبادت و ناله و ضجه در مقابل معبود و معشوق حقیقی خود خدای تبارک و تعالی می گذراند و آنچنان اهمیّت به نماز شب می داد که گویا از واجبات بود.

یکی دیگر از خصلت های ایشان متوسل شدن به ضریح مقدسه حضرت فاطمه معصومه عَلَيْهَا السَّلَام بود، و مدام در کنار ضریح آن حضرت گریه و ناله می کرد. شهید چمانی، مونس واقعی قرآن بوده و آنقدر با قرآن انس گرفته بود که در هر جا می رفت با خودش قرآن را همراه داشت و وقتی به نماز می ایستاد آنچنان غرق در عرفان و معنویت می شد که اگر تیغش می زدند از حالت خود متغیر نمی شد، و همیشه در مقابل حضرت باری تعالی خاضع و خاشع بود شهید چمانی همچنانکه در سنگر حوزه علمیه مشغول تزکیه و تعلیم بودند. از یاری جبهه ها و حضور در جمع رزمندگان غافل نبود.



شماره ملی شهید: ۴۲۳۱۲۸۱۵۵۶

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۱۸

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۱۸

مدّت زمانی را در جبهه‌های کردستان مشغول بود درطول حضورش به دروس حوزه هم می‌پرداخت و در یاری رزمندگان اسلام در جبهه‌ها به صورت يك بسیجی رزمی و یک مربی تبلیغی در رفت و آمد بود.

شهید رضا چمانی در تابستان ۱۳۶۵ ازدواج کرد و هنوز چند ماهی از ازدواجش نگذشته بود که به امر امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ که فرمودند در این مواقع حساس جبهه رفتن از اهم واجبات است و هرکس که می‌تواند به جبهه برود شهید چمانی بالبيك به سخن امام، از جان و دل پذیرفت و خانه و عیال خویش را در حالی که همسرش حامله بود به سوی جبهه شتافت و در اوائل اسفند ماه ۱۳۶۵ از طرف دفتر تبلیغات اسلامی به عنوان روحانی و مبلغ وارد میدان جنگ شدند و در منطقه عملیاتی کربلای ۵ « شلمچه » به مأموریت تبلیغی خود مشغول بودند. و آن‌هائی که چند روزی با ایشان در آن سنگرهای نورانی ظلمت شکن بودند بیان می‌کنند که ایشان در چهره نورانشان شهادت جلوه‌گر بود و هر روز اکثر اوقات خویش را با تلاوت آیات قرآن می‌گذراندند و با بیانات شیوا و سخنان علی وارشان دیگر رزمندگان را به فیض می‌رساندند. تا اینکه روز ۲۲ اسفند ۱۳۶۵ حالی عجیب پیدا کرده بود و آنطور که طبق نقل هم‌زمانش گفته شده ایشان وضو گرفتند و آماده قرآن خواندن شدند، و در آن هنگامی که قرآن می‌خواندند يك مرتبه موشك کاتیوشا کنارشان خورد و با انفجار شدید بدن پاکش پاره پاره شد، و روح پاکش همچون امام حسین عليه السلام به معشوق خویش پیوست. روحش شاد و یادش ماندگار.

بخش‌هایی از وصیت‌نامه روحانی شهید رضا چمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدایی که آسمان و زمین و آنچه در آن‌هاست آفرید و هیچ کس را شاهد نگرفت. به نام خدایی که مرا خلق کرد و به من جان داد و توفیق داد تا اینجا رسیدم.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ / و نگویید به آن‌ها که کشته شدن در راه خدا زندگان هستند و لیک‌ن در نمی‌یابید.

بله شهیدان زنده و حاضر و ناظر هستند ولی چشم باطن می‌خواهد که آن‌ها را دریابد.

... پس انسان باید هرچه از طرف خدا برای او پیش آمده خوشحال شود چون رضای اوست

و دعای معروف امام حسین عليه السلام: إِلَهِي رَضِيَ بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ. خدای من رضایم به قضای تو، تسلیم امر توأم بغیر از تو معبودی ندارم ای فریاد رس بیچارگان و بی‌پناهان.

پدر و مادرم همیشه دعای شما این باشد که بگویید :

خدایا از تو می‌خواهم که صبر و سپاسگزاری را به من عنایت فرمایی. و تنها به پدر و مادرم نمی‌گویم بلکه به همه اقوام و دوستان می‌گویم که در فراق من گریه نکنید"
این منافقان نمی‌فهمند گوش دارند ولی نمی‌شنوند به قول قرآن صم بکم هستند چشم دارند نمی‌بینند، عقل دارند درك نمی‌کنند و نمی‌فهمند و نباید هم بفهمند. خدایا من ضعیف افتخار می‌کنم که خدایم یکتا و پیامبرم محمد ﷺ، و امام علی عليه السلام، استاد دانشگاه حسین بن علی عليه السلام و رهبرم خمینی کبیر است.

خدایا تو را سپاس می‌کنم که این همه نعمت را به من عطا فرمودی. ای کاش بارها زنده می‌شدم و جانم را فدای اسلام و قرآن می‌کردم. خدایا چگونه تو را سپاسگزاری کنم. بعد از چند سال که خبری از اسلام نبود يك مرتبه امام از سلاله پاك محمدی انقلاب کرد و مردم را رهبری کرد و از لجن زار گناه آن‌ها را بیرون آورد و هدایت کرد.

پیام به ملت ایران

پیام من به ملت شهیدپرور ایران این است که از رهبر اطاعت کنند شکرگزاری کنند که خدا این نعمت را به ما داده اگر از رهبر اطاعت نکنید از مسیر مستقیم اسلام بیرون رفتید و به ظالمت و گمراهی کشیده می‌شوید و در آخرت هم عذاب منتظر شما خواهد بود و به قول مرحوم طالقانی اگر از این رهبر اطاعت نکنیم خدا عذابمان می‌دهد. جبهه را خالی نگذارید، سنگرها را خالی نگذارید، امام را تنها نگذارید عذاب بر شما فرود خواهد آمد اگر خدای ناکرده این کار را بکنید. بعضی‌ها امام را نمی‌توانند درك کنند چون امام بزرگتر از زمانه امروز است.

پیام من به مردمان استان خودمان (کهگیلویه بویراحمد):

ای عزیزانی که سال‌ها در زیر سلطه خانها و کدخداها بودید و حال آزاد شده‌اید شکر نعمت را به جای آورید، شکر نعمت چه هست؟ آمدن به جبهه‌ها، امام را یاری کردن. بعضی‌ها هستند هنوز دارند روی زمین، آب و خاک دعوا می‌کنند، مگر شما فکر نمی‌کنید که يك روزی باید این‌ها را بگذارید و بروید؟ پس دعوا چرا؟ چرا دنیا را آباد و آخرت را خراب می‌کنید؟ از مسئولین محترم استان عاجزانه می‌خواهم که عدالت را رعایت کنند که اگر کوچکترین حقی پایمال شود در

مقابل خون شهدا مسئولید. جبهه سنگر عشق، توحید و جهاد است. خداوند ابه من که شاید لطف و نظر کنی و شهید شوم ولی خدایا این رزمندگان آرزوی کربلا دارند آن‌ها را به کربلا برسان. ای مولای معبودم روزی را برسان مهدی موعود را و این ظالمان را نابود بگردان و عدالت را به وسیله عزیز فاطمه در جهان بگستران. خدایا این ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌ها و طلحه و زبیرهای زمانه را اگر قابل هدایتند هدایت و اگر نیستند نابود بگردان. خدایا این رهبر سرتاپا توحید و دلسوز را تا انقلاب مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ نگهدار. خدایا اگر شهید شدم به کرم خویش این خون ناقابل را از این بنده حقیر گنهکار ببذیر و شهدای انقلاب را با شهدای کربلا محشور بگردان.


« خاطره‌ای از دوران طلبگی شهید چمانی »

شهید روحانی شیخ رضا چمانی فردی متدین، یا متعهد و متقی، مهربان، دلسوز و با اعتقاد بود. زندگی‌اش هدفدار بود. در مدت کوتاهی که در مدرسه علمیه والیعصر عَلَيْهِ السَّلَامُ یاسوج حضور داشتند تمام همت و تلاش علمی خودش را روی درس‌های حوزه گذاشته و ایام فراغت از درس را صرف مباحثه دروس علمی و مذهبی، صرف، نحو، ادبیات، منطق، مطالعه کتاب‌های مذهبی اخلاقی، علمی و اجتماعی می‌نمود. از جمله کتاب‌های اخلاقی شهید دستغیب و برجستگان اخلاقی دیگر.

جلوه‌هایی از شهید به نقل از همسنگران :

عارفی دلسوخته و دل‌باخته؛ عالمی با عمل و دارای قلبی پراز صفا و صمیمیت بود. اکثر ایام روزه می‌گرفت و دائم الوضو بود و حرف‌هایش همه پند و حکمت بودند. خوش اخلاق و با وفا بود. در تمام کارهایش برنامه ریزی می‌کرد همیشه با خود دفترچه کوچکی داشت که اعمال خود را می‌نوشت و شب خود را محاسبه و محاکمه می‌کرد به نقل از این کلام امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ که می‌فرماید:

« حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا »



شورای عالی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه

کولنامه استخدامی سطح دو

با توقیعت قدس از جانب
و عنایت حضرت سید المراد العظمی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
بر موجب مصوبه ۹۱ شماره ای علی علیه و صوبه ۵۵۰۵ استان امور اوری و استخدامی کشور
به آقای رضا چمانی

فرزند المرزفا دارایی کد ملی ۴۲۳۱۲۸۱۵۵۶ شماره از پیر احمد
متولد ۱۳۴۶ دارایی شماره پرونده ۷-۱۸۱۸ کواهی سطح دو اعطاء می گردد.

مدیر حوزه های علمیه
علیرضا اعرافی

معاون آموزش حوزه های علمیه
محمدی زین العابدین

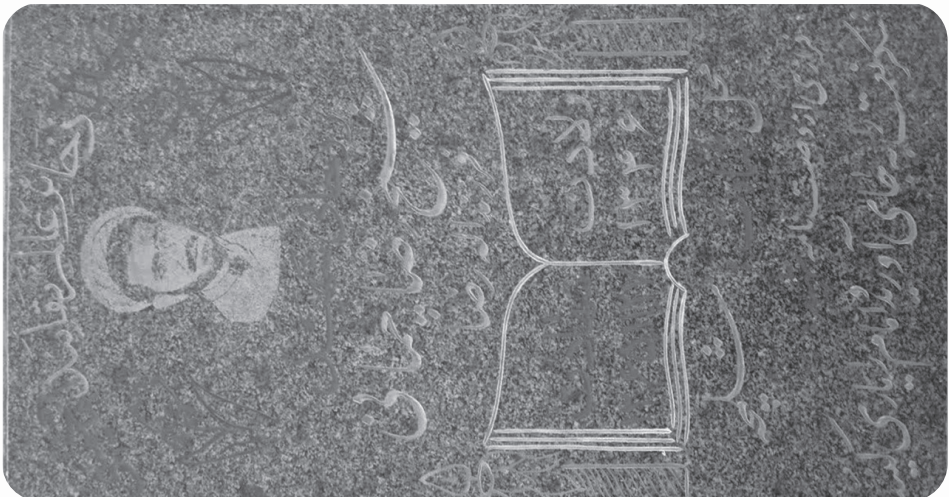
انور علی حوزه های علمیه
مدیرکل حوزه های علمیه

مرکز مدیریت حوزه های علمیه
مدیرکل حوزه های علمیه

این کولنامه صرفاً دارای اعتبار حقوقی و استثنای می باشد



بست مشرف شدن به مزار
شید بارگه را اسکن کنید.





حسینی سید ابوالنصیب



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۴/۱۱/۰۲، روستای ده برآفتاب یاسوج
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۱/۰۱/۰۲، منطقه کرخ

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۶ سال و ۱ ماه و ۲۱ روز	وضعیت تأهل: مجرد
نام پدر: سید ابوالحسن	شغل پدر: کشاورز
نام مادر: گل افروز	مذهب: شیعه
رشته: ادبیات	تحصیلات کلاسیک: دوم دبیرستان
تحصیلات حوزوی: سطح یک	عنوان: بسیجی
سمت: رزمی تبلیغی	نحوه شهادت: موج انفجار
عامل جنایت: بعث عراق	مزار مطهر: زادگاهش

روحانی شهید سید ابوالنصیب حسینی در تاریخ اول فروردین ۱۳۴۴، در روستای ده برآفتاب از توابع شهرستان یاسوج به دنیا آمد. پدرش سید ابوالحسن و مادرش گل افروز نام داشت. شهید ابوالنصیب تا دوم دبیرستان به تحصیل ادامه داد و به سبب عشق و علاقه به علوم دینی و حوزوی اقدام به فراگیری علوم دینی و حوزوی کرد و دروس مقدماتی حوزه را طی کرد شهید حسینی بدلیل غیرت دینی که در سادات به وفور دیده می شود با عنوان بسیجی در جبهه های جنگ تحمیلی حضور یافت. و در منطقه عملیاتی کرخه در روز سوم فروردین ۱۳۶۱، در

بر اثر موج انفجار به شهادت رسید. پیکر وی را در زادگاهش در گلزار شهدای ده بر آفتاب درکنار دیگر شهدای هم رزم خود به خاک سپرده شد.

پیام شهید به هم‌زمان جوانش:

جوانان عزیز از شما تقاضا دارم هرگز سنگر هایتان را فراموش نکنید و گوش به حرف امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ منتظر فرج. امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام باشید

قسمتی از وصیت‌نامه شهید سید ابوالنصیب حسینی:

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدٌ

سوره کهف آیه ۱۱۰

ای رسول ما به امت بگو که من مانند شما بشری هستم که وحی فرستاده می‌شود به من بدانید که خدای شما یکتاست پس هرکس به لقای پروردگار امیدوار است باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش خدا احدی را با او شریک نگرداند.

پیامبر اسلام و امامان بزرگوار به ما آموختند که اگر در راه خدا کشته بشوید ارزشمند است و بپذیرید ولی زندگی ذلت بار را نپذیرند همه می‌دانیم که آن‌ها (پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام) در راه استوار نمودن اسلام و ریشه کن کردن کفر جنگیدند شهید دادند تا اینکه قدرت خدا را در زمین که همان اسلام راستین است پیاده کنند و گرچه آن‌ها شهید دادند ولی باز دین خدا در همه عرصه‌ها و در همه منطقه‌های اسلامی حرکت کرد. الان، هم همین جنگ را که بر ما تحمیل شده می‌دانیم که بین اسلام و کفر است و بر هر مسلمان واجب است که مقاومت نماید بر علیه کفر همان طوری که امام گفته است اگر کشته بشوید پیروزید و اگر بکشید هم پیروزید.

خطاب به دشمنان و منافقین کوردل



شماره ملی شهید: ۴۳۰۳۹۱۷۰۶

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۱۹


کد مرکز خدمات: ***

پس ای منافقان می خواهید کجا بروید که دینی از اسلام کامل تر بیاورید به خدا شما در این دنیا هر چه می خواهید، می کنید ولی فردای قیامت را در نظر ندارید شاید شما هم به نظر خودتان حق را با خودتان حساب کنید، جوان های عزیز خدمت برای اسلام خوب است یا نوکری اجانب لاقل کمی فکر کنید و از جاده ای که شما را به ته چاهی می اندازد دست بردارید و جز صالحین روی زمین غرق در نعمت خدا زندگی کنید.

پیام به پدر و مادر و خانواده

پدر و مادر و برادران و خواهران و تمام اقوام من، اگر که به آرزویم که شهادت که یک انتخاب است رسیدم، هیچگاه گریه نکنید و ناراحتی در شما بوجود نیاید. مگر گریه هم دارد همه ما باید برویم و اختیاری نیست، پس چه بهتر که آدم در راه خدا برود.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِرَحْمَةِ اللَّهِ الْكَرِيمِ
 بِرَحْمَةِ اللَّهِ الْكَرِيمِ
 بِرَحْمَةِ اللَّهِ الْكَرِيمِ

شورای عالی حوزه های علمیه
 مرکز مدیریت حوزه های علمیه

گواهینامه استحضاری سطح یک

شماره: ۶۹۱/۲۷-۵
 تاریخ: ۱۴۰۱-۰۷/۰۹

با توقیعت خداوند متعال
 و عنایت حضرت پیر الانبیا (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
 بر موجب معتمد ۶۹۱ شماره ای علی حوزه های علمیه و معتمد ۵۵۰۵ (مساند امور اداری و استحضاری کشور
 بر آقای سید ابوالنضیب حسینی

فرزند سید ابوالحسن دارای کد ملی ۴۲۳-۳۹۱۷۰۶ صادره از بویر احمد
 متولد ۱۳۴۴ دارای شماره پرونده ۷-۱۸۱۹ گواهی سطح یک اعطاء می گردد.

مدیر حوزه های علمیه استان
 علیرضا اعرانی

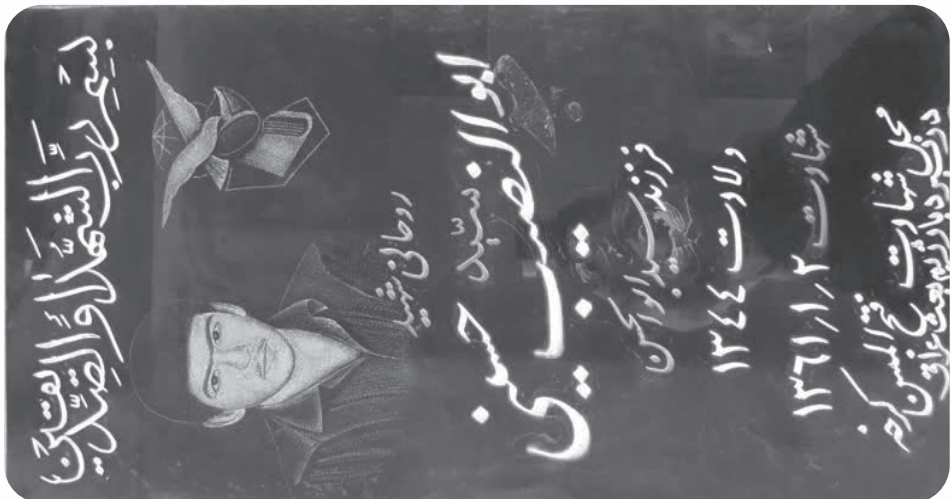
مدیران آموزش حوزه های علمیه
 محمدی زاده کرمان

معاونت امور استحضاری حوزه های علمیه
 شورای عالی حوزه های علمیه

این گواهی صرفاً برای استحضاری و استقامت و استقامتی علمی است و اعتبار آن منوط به استحضاری است. حوزه های علمیه



جهت مشرف شدن به مزار شهید بارگه را اسکن کنید.





حسینی چم سید محمد قاسم



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۳۹/۰۶/۰۹، قلعه رئیسی
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۱/۰۸/۱۶، عین خوش

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۲ سال ۲ ماه ۷ روز

وضعیت تأهل: مجرد	نام پدر: سید محمد لطیف
شغل پدر: کشاورز	نام مادر: جان بی بی
مذهب: شیعه	تحصیلات حوزوی: سطح یک
عنوان: بسیجی	عامل جنایت: بعث عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش	سمت: رزمی تبلیغی
مزار مطهر: زادگاهش	

روحانی شهید سید محمد قاسم حسینی چم در سال ۱۳۳۹ از خانواده‌ای فقیر و مذهبی در روستای سیلاب از توابع بخش قلعه رئیسی چشم به جهان گشود. پدرش سید محمد لطیف و مادرش جان بیبی نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. سپس در سال ۱۳۵۸ بدلیل علاقه به معارف دینی و علوم اسلامی جذب حوزه علمیه و به فراگیری علوم دینی و حوزوی تا سطح یک دروس حوزوی پرداخت.

درطول اشتغال به دروس حوزه بدلیل شروع جنگ تحمیلی و اشغال بخش‌هایی از خاک عزیز کشورمان توسط صدامیان آمریکایی جذب پایگاه بسیج طلاب شد و پس از آموزش‌های مقدماتی و رزمی از سوی بسیج به جبهه اعزام شد شهید سید محمد قاسم حسینی علاوه بر

حضور در کنار رزمندگان به امر تبلیغ علوم دینی و معارف قرآنی هم مبادرت داشت و رزمندگان را از سرچشمه زلال معارف الهی سیراب می‌کرد.

این شهید والا مقام با تاسی از جد بزرگوارش سید الشهداء علیه السلام به خدمت رزمی و تبلیغی مشغول بود تا اینکه در تاریخ شانزدهم آبان ۱۳۶۱، در منطقه عملیاتی عین خوش بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش زیارتگاه عاشقان و علاقمندان است.

ویژگی‌های اخلاقی، روحی و رفتاری شهید سید محمد قاسم حسینی

شهید سید محمد قاسم از زمان کودگی دارای استعداد و هوش فوق العاده بود. شغل رایج در روستا، کشاورزی و دامداری بود، لذا پدر شهید اغلب به کشاورزی اشتغال داشت. سید محمد قاسم در ساخت ابزار و ادوات کشاورزی مهارت خاصی به دست آورد و در این زمینه کمک خوبی برای کشاورزان بود

با نظام خان و کدخدایی مخالف بود و همیشه نوکران خوانین را نصیحت می‌کرد تا دست از نوکری و ذلت در برابر خوانین بردارند.

در مجالس، بدون ترس و وا همه حرف خود را می‌زد و دفاع می‌کرد. در آن زمان بر خلاف میل بزرگان نصیحت کردن و تذکر دادن کار هر کسی نبود و به قول معروف دل شیر می‌خواست. همیشه سعی می‌کرد تحت هر شرایطی نمازهایش را اول وقت به جای آورد.

به خاطر دارم اولین بار که روزه گرفتیم، فصل تابستان و هنگام درو محصول گندم بود. شدت گرمای تابستان از یک طرف و کوچک بودن جثه و کمی سن شهید از طرف دیگر فشار مضاعفی بر ما وارد کرده بود، لذا همه منتظر بودیم اذان مغرب شود تا بتوانیم آب بنوشیم و افطار نمائیم. ولی شهید در هنگام اذان وضو می‌گرفت و به نماز ایستاد و باعث حیرت و تعجب اطرافیان می‌شد.

او علاقه زیادی به کار کشاورزی داشت و با تمام وجود به آباد کردن زمین‌ها می‌پرداخت. محصولات کشاورزی از قبیل، برنج، سیفی جات و میوه‌های باغی او در منطقه نمونه بود.



شماره ملی شهید: ۶۰۰۹۶۱۴۷۳۲

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۱۷

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۸۴۲

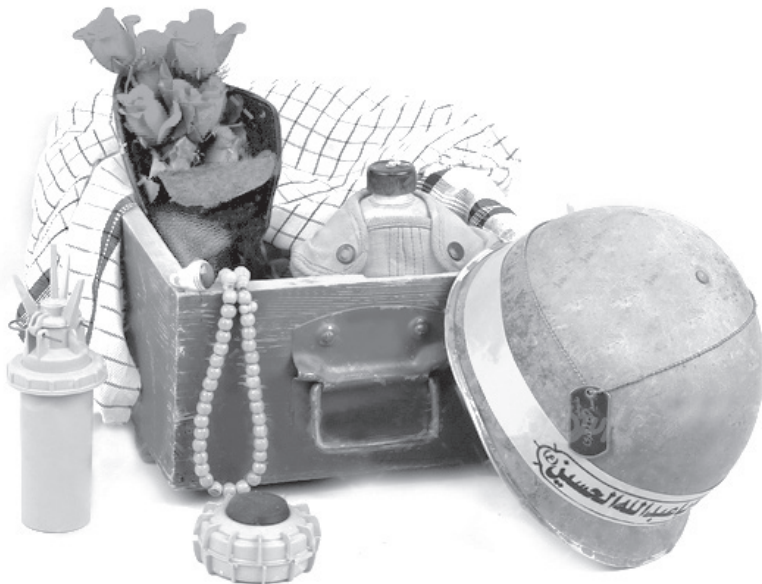
پدر ایشان از مرام و رفتار خان و کدخدا خوشش نمی‌آمد، لذا بر اثر فشاری که از ناحیه خوانین و علم‌های آنان بر این خانواده وارد شد ضمن مشورت با اطرافیان به جهت ادامه مسیر اجداد طاهرینش جهت کسب علوم حوزوی و طلبگی سید محمد قاسم به قم مهاجر کردند.


زندگی در قم برای آنها مشکلات زیادی در برداشت، شیوه زندگی روستایی و ضعف بنیه مالی از جمله مشکلات آنها بود. شهید روزها در شهر به کارگری و بنایی می‌پرداخت. پس از مدتی تحصیل و تهذیب در حوزه مقدس قم، از طرف بسیج سپاه قم رهسپار جبهه شد. در عملیات‌های رزمی کنار رزمندگان بود و در کنار رزم به امر تبلیغ و بیان مسائل دینی و اسلامی هم می‌پرداخت.

شهادت

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۰۸/۱۶ در منطقه عین خوش بر اثر اصابت ترکش خمپاره‌های دشمن به درجه رفیع شهادت نائل آمد و در گلزار شهدای روستای میدان سادات در زادگاهش به خاک سپرده شد

.روحش شاد و یادش گرامی باد.





شورای عالی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه

گواهینامه استحضاری سطح یک

شماره: ۶۹۱/۲۷۰۴
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

با توفیق حضرت خداوند متعال
و عنایت حضرت تبارک و تعالی (جلال الدین علی فرید الشریف)
بر موجب منتهی ۹۱ خرداد ماه ۱۴۰۱ و منتهی ۵ شهریور ۱۴۰۱ و سندان امور اداری و استحضاری کشور
بر آقای سید محمد قاسم حسینی پور

فرزند سید محمد لطیف دارای کد ملی ۶۰۰۹۶۱۴۷۳۲ - شماره از کتبیلیه
متولد ۱۳۳۹ دارای شماره پرونده ۷-۱۸۱۷ - کواپی سطح یک اعطاء می گردد.


معاون آموزش حوزه های علمیه
محمدی رستم نژاد

پیر حوزه های علمیه
علیرضا عراقی

این گواهینامه صرفاً دارای اعتبار توثیق و استحضاری می باشد.



جهت مشرف شدن به مزار
شهید بارگله را اسکن کنید.



سید محمد قاسم حسینی

فرزند سید محمد لطیف

ولادت: ۱۳۳۹
شهادت: ۱۳۶۱/۸/۱۶
محل شهادت: عین خوش

که در مبارزه با رژیم بعث عراق بدرجه رفیع
شهادت یافت

بسم رب الشهداء و الصدیقین



حسینی سواره سید عبدالعلی



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۵۰/۰۹/۰۷، دهدشت
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۱۱، سلیمانیه عراق

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۶ سال ۳ ماه ۴ روز	وضعیت تأهل: مجرد
نام پدر: سید علی	شغل پدر: کشاورز
نام مادر: زبیده	مذهب: شیعه
تحصیلات کلاسیک: پایان دوره دیپلم	تحصیلات حوزوی: سطح یک
عنوان: بسیجی	سمت: رزمی تبلیغی
نحوه شهادت: مصدومیت شیمیایی	عامل جنایت: بعث عراق
مزار مطهر: گلزار شهدای شهر چرام	

سید عبدالعلی هفتم آذر ۱۳۵۰، در روستای اسکندری از توابع شهرستان دهدشت به دنیا آمد. پدرش علی، کشاورز بود و مادرش زبیده نام داشت. تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت. هم زمان به فراگیری علوم دینی پرداخت. سپس به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. یازدهم اسفند ۱۳۶۶، در سلیمانیه عراق بر اثر عوارض ناشی از مصدومیت شیمیایی به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای چرام از توابع شهرستان دهدشت به خاک سپرده شد.

این شهید بزرگوار به مدت چهار سال در حوزه علمیه ولیعصر عَلَيْهِ السَّلَام وَجَاءَ التَّوْبَتُ دهدشت مشغول به تحصیل تا سطح یک دروس حوزوی بود اما زمانی که ندای جهاد از حنجره مقدس رهبر کبیر

انقلاب امام خمینی مبنی بر نیاز جبهه‌ها به نیروی رزمی جوان بگوش رسید بر جان عاشقان شور و نوا افکند. روحانی شهید سید عبدالعلی حسینی بدون درنگ لبیک گویان در طاعت از ولی فقیه و به عشق امام حسین علیه السلام عازم جبهه دفاع از سنگرهای عزت و اقتدار شد. در طول حیات خود دو بار از طریق بسیج سپاه پاسداران شهرستان دهدشت عازم جبهه شد و بار اول از ناحیه پا مجروح شد. سرانجام این روحانی غیرتمند و شهید بزرگوار در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۱۱ در منطقه کردستان بر اثر مصدومیت شیمیایی به فیض شهادت رسید.

روحش شاد و یادش گرامی بود.

ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری سید شهید عبدالعلی حسینی

عشق و علاقه به اسلام و قرآن، احترام به پدر و مادر، ساده زیستی و علم دوستی، تزکیه و تهذیب نفس، عمل به واجبات و مستحبات، دوری از گناهان و محرمات، علاقه‌مندی شهید به فرهنگ ناب تشیع و معصومین علیهم السلام.

به ائمه علیهم السلام عشق می‌ورزید، امام خمینی را که مظهر قدرت و اقتدار ایرانیان و اسلام علوی در جهان و سمبل بیداری و برهم زنده حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ایران بود، از عمق جان دوست داشت. نسبت به رعایت تولی و تبری روحیه والایی داشت. دیانت و سیاست دو بال پرواز او بودند فعالیت‌های سیاسی و مذهبی شهید سید عبدالعلی گسترده بود. در هر مراسمی که بر پا می‌شد شرکت می‌کرد خصوصاً در نماز جمعه فعالانه حضور داشت و... این‌ها بخشی از خصائص روحی و اخلاقی و فردی شهید بزرگوار عبدالعلی حسینی بود که از زبان خانواده و دوستان و اطرافیان شهید بازگو شد.

بخش‌هایی از وصیت نامه شهید سید عبدالعلی حسینی:

خدایا تو گفتی ادعونی استجب لکم و من به امید کرامت تو در خانه‌ات را می‌کوبم و توفیق عبادت و شهادت را از تو می‌خواهم. ای امت شهید پرور وای عشایر غیور وای ذخایر انقلاب،



شماره ملی شهید: ۴۲۵۰۷۳۷۶۷۵

ش.پ. حوزه: ۷-۱۰۵۸

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۲۵

اکنون در موقعیتی قرار گرفته‌اید که خدا بر ما منت گذاشته و همه ما را در آزمایشگاه سخت و دشوار خود قرار داده است اکنون می‌خواهد بندگان صالح و نیکوکار را از میان شما مردم جدا کند.

می‌خواهد یاران واقعی حسین علیه السلام را انتخاب کند و میوه‌های به ثمر رسیده را درو کند. پس تلاش و همت به خرج دهید و کاری کنید که از این امتحان سالم به درآیید.


و در بخشی دیگر خطاب به مردم و ملت اینگونه مینویسد:

ای امت امام حسین زمان، اکنون پیر جماران ندای هل من ناصر ینصرنی را سر می‌دهد و می‌فرماید جنگی که الان ما انجام می‌دهیم از فروع دین لازم‌تر است پس بیاید این ندای قرآنی را لبیک بگوییم و شما باید از جان و دل به فرمان این سید بزرگوار و این نماینده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و این ابراهیم زمان باشید، چرا که سخن وی سخن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. سخن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن پیامبر صلوات الله و سلامه علیه و آله و سخن خداوند است پس بر همه ما واجب است که فرمان و دستور الهی را عمل کنیم. اگر عمل نکنیم مشرکیم.

شهید عبدالعلی حسینی در بخش دیگری از وصیت نامه خود می‌نویسد:

شما ای مردم به پا خیزید و قیام کنید و به تمام مردم دنیا بگویید تا کی می‌خواهید خانه معظم کعبه، این خانه امن الهی، این قبله مسلمین و این موعودگاه مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در چنگ و دندان این رژیم فاشیستی و آمریکایی آل سعود باشد. آیا خودمان نمی‌توانیم این خانه را اداره کنیم؟

پس شما باید متحد شوید و همه شما باید از تمام دنیا هیئت‌ی تشکیل دهید و چنگ آل سعود را از خانه خدا کوتاه کنید تا دیگر نتوانند بگویند دین از سیاست جداست.



شماره: ۶۹۱/۹۲۱
تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

بوقیقات خداوند متعال
و منیات حضرت بزرگوار (علی بن ابی طالب علیه السلام) علیه السلام

بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه‌های علمیه و مصوبه ۵۵۰۵/۱ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

به آقای **عبدالعلی حسینی سواره**

فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۰۶ صادره از دهبشت متولد ۱۳۵۰

اداری شماره پرونده ۷-۱۰۸۵ کوایی سطح یک اعطاء می‌گردد.

مدیر حوزه‌های علمیه
علیرضا اعلانی

معاون آموزش حوزه‌های علمیه
سید علی رستم‌نژاد

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
معاونت مدارج عالی

به موجب مصوبات فوق این کولنامه دارای اعتبار حقوقی است.



جهت مشرف شدن به مزار شهید بارگد را اسکن کنید.





خرسندیان محمد (بهادر)



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۴/۱۱/۰۶، چیتاب یاسوج

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴، ارونرود

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۰ سال ۱۱ ماه ۲۸ روز

نام پدر: امرالله

وضعیت تأهل: مجرد

نام مادر: نازلی

شغل پدر: کشاورز

عنوان: روحانی رزمی تبلیغی

مذهب: شیعه

تحصیلات حوزوی: سطح دو

تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی

عامل جنایت: بعث عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش

مزار مطهر: زادگاهش

دیگر شهدا اعضای خانواده: دو برادر الله کرم و نوربخش خرسندیان

شهید محمد خرسندیان معروف به بهادر در تاریخ ششم بهمن ۱۳۴۴، در روستای چیتاب از توابع شهرستان یاسوج به دنیا آمد. پدرش امرالله و مادرش نازلی نام داشت و خانه دار بود. شهید محمد تا پایان مقطع راهنمایی درس خواند. سپس بدلیل علاقه به دروس دینی و اسلامی وارد حوزه علمیه شد و به فراگیری علوم حوزوی پرداخت و تا سطح دو پیش رفت سپس در پاسخ به ندای وجدانش که از دهان مبارک امام خمینی مبنی به نیاز جبهه‌های جنگ به جوانان و مردان مومن، صادر شد توسط بسیج سپاه پاسداران به جبهه‌های جنگ اعزام شد و در تاریخ چهارم دی ۱۳۶۵، در ارونرود بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. پیکر او در زادگاهش روستای چیتاب به خاک سپرده شد. برادرانش الله کس و الله کرم نیز به شهادت رسیده‌اند.

بخش‌هایی از وصیت‌نامه روحانی شهید شیخ محمد خرسندیان

جملاتی که در این تاریکی شب بیادم آمده و دوست دام به عنوان وصیت یادداشت نمایم
بشرح زیر است:

چرا مردم به خود نمی‌آیند و براستی خدا را ستایش نمی‌کنند چرا خدا را ناظر بر اعمال خود
نمی‌بینند چرا قبل از اینکه بخواهند کاری را انجام دهند اول تدبر نمی‌کنند تا برایشان مفهوم
شوند که خدا رضایت دارد یا خیر؟

چرا روابط جایگزین ضوابط گردیده

بیائید دوستان و مردمان قدری بیندیشید و خود را بازجویی کنید و به خود آئید و خدا را
داناتر از همه بدانید و این قدری که به فکر دوست و آشنا و اقوام هستید بیشتر به فکر خدا
باشید چون او صاحب همه جهان و ممالک و موجودات می‌باشد. ای انسان خود را در مقابل
خدا کوچک بدان چون این رمز موفقیت می‌باشد. خدا عادل، دانا، تواناست قدری در این سه
کلمه تدبر کن و بین این سه کلمه معنای واقعیشان چیست اگر فهمیدی و قبول کردی پس
گامی به جلورفته‌ای و اگر نفهمیدی که... هیچ



شهیدان الله کرم و نوربخش خرسندیان برادران طلبه شهید محمد خرسندیان



شماره ملی شهید: ۴۲۳۱۲۷۸۶۰۱

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۱۵

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۱۷

من احساس می‌کنم چند ماهی و یا چند روزی بیش از عمرم باقی نیست و بزودی دنیای فانی را وداع خواهیم گفت و همه لذائد و شادی‌های روی زمین از من سلب خواهد شد و در دنیا هیچ آرزویی ندارم مگر یک چیز آن هم این که بینم در خون خود شناور باشم و برای حراست از مقدسات دین و قرآن کتاب آسمانیم جان را به جان آفرینان تسلیم نمایم که تنها آرزوی دیرینه من و مهمترین آن همین شهادت فی سبیل الله می‌باشد. انشاء الله مدتی است که در همه حال در حال رفتن. نشستن و در گوش آهنگ‌هایی می‌شنوم که مرا بیشتر به پرواز دعوت می‌کند و با من سخن‌هایی می‌گوید که گویی برادرم در برابرم نشسته و به من دستورالعمل می‌دهد نمی‌دانم این صداها از کجا بر می‌خیزد و دل مرا آشفته می‌سازد و با این وجود مرا نیز امیدوار می‌سازد همان امیدی که آیا خداوند مرا به بندگی قبول دارد و آیا مرا قبول کرد و حال این آهنگ‌ها به من درس‌ها می‌دهد و به من وعده‌ها می‌دهد چقدر دوست دارم در این برهه از زمان با توجه به سنی که دارم یعنی جوانی، خداوند مرا همچون حضرت قاسم بپذیرد. زیرا من فکر می‌کنم گر چه نمی‌شود قیاس کرد ولی وضعیتم شبیه به وضعیت حضرت قاسم باشد به خاطر این که در جنگ نتوانست با عروسش زندگی کند بنده هم به عنوان یک فردی از پیروان آن بزرگوار می‌باشم. اگر خداوند قبول نماید. چون بنده هم اگر مسئله این جنگ و شهادت برادران و نزدیکانم نبود حال من داماد بودم و عروس خانم خود را به خانه آورده بودم. دوستان و آشنایان عزیزم من می‌میرم و خواهم رفت چون قصد هجرت الی الله را دارم.



می‌خواهم به دیدار معشوقم روم. می‌خواهم نه تنها خانواده عزیز و مهربانم که مساوی با عمرم می‌باشند و نه عروس دلبسته‌ام که برای آوردن آن در خانه‌ام ثانیه شماری می‌کردم بلکه عروس جوانی و زندگی و تمامی امیدهای دنیوی که بوسیله آن‌ها به کمال معنوی که بهترین چیز برای من بود جا گذارم و جنگیدن در این برهه از زمان را بر خود واجب دانستم و احساس می‌کنم رمز موفقیت بنده لبیک گفتن به سخن پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام باشد. می‌خواهم رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی را یاری نمایم گر چه من در مقابل دیگر جنگجویان مسلمان و مؤمن بسیار کوچکم ولی در مقابل دشمنان اسلام به فضل الهی بنده یک کوه خواهم بود و تا زمانی که مرا ریزه ریزه مثل ریزه‌های سنگ و حتی کوچکتر از آن نکنند به عنوان فرار و یا پشت کردن به جبهه زندگی نخواهم کرد چون من احساس می‌کنم چنین زندگی کردنی بر یک فرد مسلمان ننگ است که پشت کند و یا اینکه فرار کند. اینطور که فکر می‌کنم زندگی با عزت و شرف است زیرا پیرو رهبرم امام خمینی می‌باشم و هر کس پیرو او باشد پیرو حسین علیه‌السلام و هر کس پیرو حسین علیه‌السلام باشد پیرو پیامبر و هر کس پیرو پیامبر باشد پیرو خداوند می‌باشد.

با سلام و درود بر رهبر کبیرانقلاب اسلامی ایران امام خمینی و ملت شهید پرور و قهرمان ایران اکنون که ما عازم جبهه‌های حق علیه باطل هستیم امیدواریم که بتوانیم هرچه زودتر صدام و صدامیان را از خاک میهنمان بیرون کرده و پرچم اسلام را در عراق نیز به اهتزاز در آوریم برادران و خواهران ما رفتیم ولی شما سنگرها را پر کنید و نگذارید جبهه‌ها خالی بماند همانطور که تا بحال نمانده است تنها خواهشی که از بستگان خود دارم اینست که گریه نکنید و صابر باشید چرا که خدا صابری را دوست دارد و دشمن با گریه شما شاد می‌شود و مطمئن باشید که جای ما خوب است و وقتی قرار است انسان بمیرد چه بهتر که در رختخواب نباشد و مرگ سرخ را انتخاب کند.

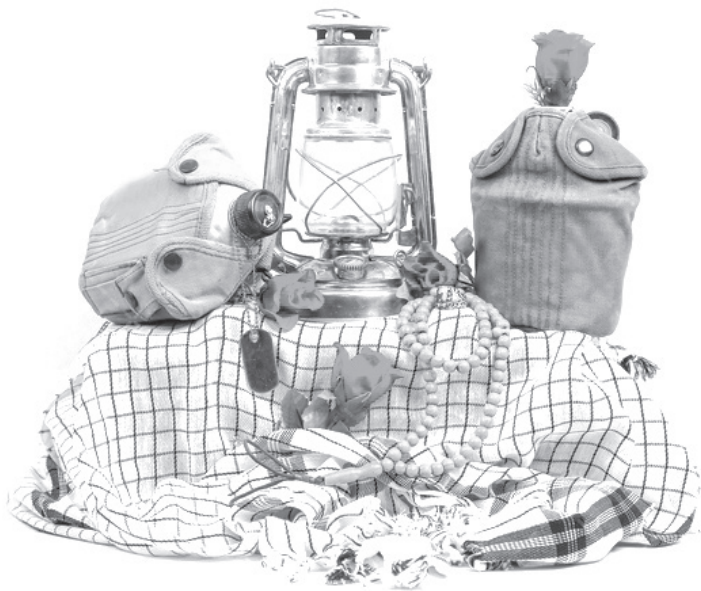
سفارش دیگری را که می‌خواستم بگویم این است که هیچگاه امام راتنها نگذارید چرا که تنها گذاشتن امام تنها گذاشتن اسلام است. از مادرم بخاطر اینکه گاهی او را ناراحت کرده‌ام معذرت می‌خواهم و امیدوارم که مرا ببخشید و از زحمت‌هایی که طی این چند سال برای من کشیده تشکر می‌کنم از تمام برادران و خواهر خود معذرت می‌خواهم و امیدوارم که مرا ببخشند و همچنین از تمام فامیل‌ها و دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبم تا آنجا که الان بخاطر دارم هیچ‌گونه قرض یا بدهی ندارم ولی اگر کسی از من طلبی داشت به او بدهید و


همچنین اختیار تمام اموال اعم از نقدی و غیرنقدی خود را به مادرم می‌دهم تا هرکه صلاح می‌داند از آن‌ها استفاده کند و به‌روزوی موفقیت و پیروزی تمام شما را از درگاه خداوند متعال خواهانم و دیگر عرضی ندارم.

اللَّهُمَّ اني اسئلك التَّوْبَةَ قَبْلَ الْمَوْتِ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ بَعْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ

خدایا من را توبه پیش از مرگ و راحت به هنگام مرگ و آمرزش و بعد از مرگ و بخشش به هنگام حساب مسئلت دارم.

طلبه حقیر محمد خرسندیان مورخه ۱۳۶۵/۰۹/۲۵





شورای عالی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



گواهینامه استحضامی دو

باتوجهت ترابنده متفان
و عنایت حضرت پیرالدائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
به موجب صفحه ۹۸ شورای عالی حوزه های علمیه و صفحه ۵۵-۵۶ سازمان امور اداری و استخدامی کشور
به آقای محمد خرسندیان

فرزند ابراهیم دارای کد ملی ۴۲۳۱۲۷۸۶۰۱ شماره از پویراچم
متولد ۱۳۴۴ دارای شماره پرونده ۷-۱۸۱۵ گواهی دو اعطاء می گردد.

میرتوزه های علمیه
علیرضا عراقی


مسئول آموزش حوزه های علمیه
محمدی رستم نژاد

این گواهینامه صرفاً دارای اعتبار حقوقی و استخدامی می باشد



بست مشرف شدن به هزار
شهید بارگه را اسکن کنید.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن محمد خرسندیان

(به یاد)

آرامگاه شیب رودخانه فیروز

زندگیا را سرمه شود که ۱۳۴۴

تاریخ شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۴

در عملیات کربلای ۴ در جبهه پرهیزمنو

بوسیدله رگت بهر پایامی مبتی عراق

NOTE BT
D CAMERA



خورشیدی آزاد عبدالرضا



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۷/۰۶/۰۳، کچساران
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۵/۰۲/۱۲، فکه

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۷ سال ۸ ماه ۹ روز	وضعیت تأهل: مجرد
نام پدر: یدالله	شغل پدر: کشاورز
نام مادر: مخمل	مذهب: شیعه
تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی	تحصیلات حوزوی: سطح یک
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره	سمت: رزمی تبلیغی
عامل جنایت: بعث عراق	عنوان: بسیجی
مزار مطهر: گلزار شهدای زادگاهش	

روحانی شهید عبدالرضا خورشیدی آزاد در تاریخ سوم شهریور سال ۱۳۴۷ شمسی در شهرستان گچساران متولد شد و ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۶۵ در سن ۱۸ سالگی در منطقه عملیاتی فکه به شهادت رسید.

این طلبه جوان با اخلاص مانند بسیاری از طلاب انقلابی و پیرو خط ولایت فقیه، معتقد به هم‌زمانی تحصیلات حوزوی و رسالت دفاع از کیان نظام جمهوری اسلامی بود و پاسداری از انقلاب اسلامی و نظام که با تهدید صدام آمریکایی به خاک کشور عزیزمان توأم شده بود دروس حوزه را دنبال می‌کرد و هراز گاهی در جبهه‌های جنگ درکنار رزمندگان اسلام تفنگ بدوش آماده مبارزه و دفاع بود، معنویت حجره و سنگر برای این روحانی انقلابی، در هم آمیخته و او را بی‌قرار ساخته بود تا آنجا که هیچ عاملی نتوانست وی را از جبهه دور نگهدارد و سرانجام نیز چون برادر به دیدار معشوق شتافت.

طلبه شهید عبدالرضا خورشیدی آزاد که قطره کوچکی از اقیانوس بیکران مقلدین حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ است با سن کم پیوسته در تلاش و جوشش انقلابی بسر می برد. پس از شهادت برادرش مسعود، بجای وی در مدرسه رضویه قم به تحصیل پرداخته و علیرغم مدت کوتاهی که در حوزه مشغول بود درس حقیقی را فرا گرفته و در فروردین ۱۳۶۵ عازم جبهه شده و در لشکر سید الشهداء عليه السلام به عنوان طلبه رزمی تبلیغی مشغول خدمت گردید تا اینکه در شب ۱۳/۰۲/۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی فکه به همراه گردان‌های عملیاتی به دشمن یورش برده و بالاخره در کنار میدان مین عراق بر اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن بعثی به فیض شهادت نائل شد. و بخاطر وضعیت نابسامان منطقه درگیری، پیکر پاک این روحانی شهید فداکار پس از يك ماه بدست خانواده رسیده و در کنار مزار برادر طلبه اش مسعود به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش ماندگار

بخش‌هایی از وصیت نامه روحانی شهید عبدالرضا خورشیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ
(سوره آل عمران آیه ۱۹۵)

پس آنان که از وطن خود هجرت کردند و از دیار خود بیرون شدند و در راه خدا رنج کشیدند و جهاد کردند و کشته شدند همانا بدی‌های آنان را در پرده بپوشانیم و آن‌ها را به بهشت‌هایی که از زیر درختان آن نهرهای آب جاری است درآوریم این پاداشی است از جانب خداوند و نزد خدا است.

خطاب به ملت قرمان ایران.

با حمد و سپاس خداوند بزرگ که این جهان را پدید آورده و نعمت‌های خود را برای زندگی جاندار آشکار نموده و با سلام و درود فراوان بر منجی عالم بشریت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و



شماره ملی شهید:	۴۲۶۸۸۱۱۸۹۳
ش.پ. حوزه:	۷-۴۱۲
کد مرکز خدمات:	۴۴۴۳۲۶

نایب برحقش امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و با سلام و درود بر کفر ستیزان حق علیه باطل این همیشه سنگرنشینان مظلوم.

خطاب به ملت قهرمان ایران

شما ملت قهرمان ایران می‌دانید که خداوند همیشه پشتیبان شما است پس چه غمی در دل دارید. شمائید که یاری دهنده خون سیدالشهداء می‌باشید شما هستید که با دادن خون جوانهای پاک در راه اسلام افتخار می‌کنید شما ملت ایران هستید که هر موقع که این حکومت اسلام احتیاج به کمک داشت یاری می‌کنید. با يك كلمه صحبت گهربار امام امت همچون سیلی پر عظمت به سوی جبهه‌ها شتافتید به سخن امام خود، و یاری اسلام و همچنین گسترش مکتب به کشورهای جهان شتافتید خون این شهداء همچون رودهای از هم پراکنده است که به رهبری سیدالشهداء به همدیگر می‌پیوندد و مانند يك اقیانوس پر از خون هماهنگ می‌شود.

سفارش به پدر و مادر


اما پدر و مادر عزیزم می‌دانم که شما برای من خیلی زحمت کشیده‌اید اما من نتوانستم حتی يك ذره از آن را درك کنم امیدوارم که مرا حلال کنید و برایم طلب مغفرت از درگاه خداوند متعال بخواهید می‌دانم که با دادن دو فرزند باز هم سرحال و سرافراز هستید و هر موقعی ناراحت می‌شوید صحنه کربلا را در نظر بگیرید آن لحظه‌ای که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام با دادن سه فرزند نوجوان خود باز هم به میدان می‌رود و در آخر با سر بریده و بدن پاره پاره در گودال قتلگاه تنها و تنها در صحرای کربلا افتاده و آن لحظه‌ای که زینب عَلَيْهَا السَّلَام بر بالین برادرش می‌آید و سر خم کرده و برگلوی پاره پاره بوسه می‌زند و بر این بوسه افتخار می‌کند.

توصیه به برادران و خواهران

اما برادرانم و خواهرانم امیدوارم که مرا حلال کنند و راه من و برادرم و دیگر شهداء را ادامه بدهند ولی خواهرانم امیدوارم سخت جلوی تمامی این منافقین داخلی بایستید و با آنها مبارزه کنید. اما کار شما هدایت خواهران مملکت اسلامی برای گسترش حجاب می‌باشد. و در آخر از تمامی دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که طلب مغفرت از خداوند متعال برایم بخواهید. مورخه ۱۳۶۵/۲/۱

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ را نگهدار.

خدایا، خدایا رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما و السلام علیکم و رحمہ الله و برکاته



شماره: ۶۹۱۷۵۶
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۲/۰۸

بیتوتهت ندانه متعال
و نهات حضرت بی الله الا عظم (علی الله تعالی فیه الشرف)
بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه مصوبه ۱۵۵۰۵ و سامان امور داری و استنادی کشور

به آقای عبدالرضا خورشیدی آزاد
فرزند ییلا به شماره شناسنامه ۳۲۱۱ صادره از دوکتبدان متولد ۱۳۴۷
دارای شماره پرونده ۷-۴۱۲ کوپلی سطح یک اعطاء می گردد.

معاون آموزش حوزه های علمیه
علیرضا احمدی


میر خوزه های علمیه
علیرضا احمدی

شماره ملی حوزه های علمیه
شماره ملی حوزه های علمیه

بر موجب سمیت فوق این کوپلیه داری ایتمه حقوق استنادی می باشد.



جهت مشرف شدن به مزار شهید بارگله را اسکن کنید.



عبدالرضا خورشیدی آزاد

فرزند حاج بد الله
متولد ۱۳۴۷ هـ در
تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۳ در عملیات
پدافندی منطقه فکه در مبارزه با رژیم
بعث عراق به فیض شهادت نائل گردید

همراه نگاه آبی بر می گشتند
از فصل سبکون و خواب بر می گشتند
تا دشت افق ستاره گون بر می گشتند
با هیبات آفتاب بر می گشتند

پژاد شهید و امور ایثارگران شهرستان پارسان



خورشیدی آزاد مسعود



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۰/۰۲/۰۵، کچساران
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۱، جزیره مجنون

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۳ سال ۱۰ ماه ۱۶ روز	وضعیت تأهل: متأهل
نام پدر: یدالله	شغل پدر: کشاورز
نام مادر: مخمل	مذهب: شیعه
تحصیلات کلاسیک: دوره دیپلم	تحصیلات حوزوی: سطح یک
نحوه شهادت: اصابت گلوله به کتف	عنوان: بسیجی
عامل جنایت: بعث عراق	سمت: رزمی تبلیغی
مزار مطهر: زادگاهش	

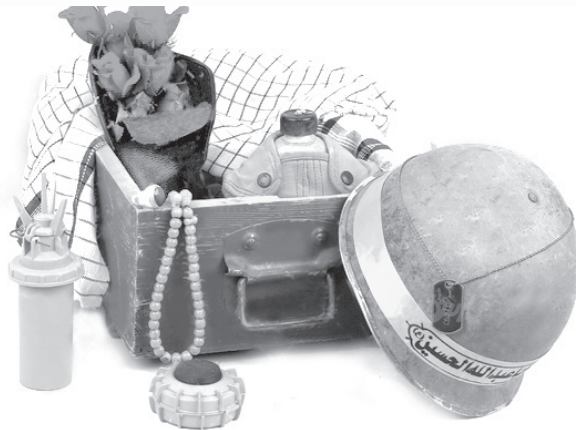
روحانی شهید مسعود خورشیدی آزاد در تاریخ پنجم اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ در گچساران دیده به جهان گشود پدرش یدالله و مادرش مخمل نام داشت. تا پایان دوره کلاسیک درس خواند و دیپلم گرفت. سپس به فراگیری علوم دینی و حوزوی پرداخت. در حوزه علمیه مشغول تحصیل دروس حوزوی بود، مسعود در سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک پسر بود چند سالی بیشتر از هجوم صدامیان به مرزهای کشورمان نگذشته بود که روحانی شهید مسعود خورشیدی هر روز شاهد تشییع پیکر شهدای جنگ بود و مشاهده می کرد که دوستانش یکی پس از دیگری توسط دشمن صدامی بشهادت می رسیدند از این رو مصمم شد با لبیک به پیام حضرت امام خمینی در لزوم تقویت جبهه ها توسط جوانان غیور با شرکت در پایگاه بسیج، جهت اعزام به جبهه جنگ در کنار دیگر رزمندگان بر علیه متجاوزین صدامی مشارکت کند و دین خود را به انقلاب اسلامی و اسلام ادا نماید طلبه غیرتمند مسعود

خورشیدی آزاد با ماموریت از سوی بسیج در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل حضور یافت و در ۲۱ اسفندماه ۱۳۶۳ در جزیره مجنون عراق بر اثر اصابت گلوله به کتف، به درجه رفیع شهادت نایل آمد و در گلزار شهدای شهر شهید پرور گچساران در کنار برادر شهیدش و دیگر هم‌زمان شهیدش به خاک سپرده شد.

بخش‌هایی از وصیت نامه روحانی شهید مسعود خورشیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

حسین جان من با عشق به تو و اسلام و بنا به وظیفه شرعی آمدم تا خون ناقابل‌م را برای اسلام تو و فدای این راه مقدس نمایم، حسین جان هر وقت روزه تو به گوشم می‌رسد قلبم تکان می‌خورد و غریبی و مظلومیت تو غیر قابل تحمل است تو از کوه استوارتر بودی و با یقینی اعجاز‌انگیز بسوی خدا شتافتی ما هم از تو می‌آموزیم که باید این چنین بود، بارالها ما را از یاران آن حضرت قرار بده. بارالها من جانم را وقف اسلام و جهاد فی سبیل الله نمودم تا شاید کفاره گناهان در دنیا باشد امیدی برای آخرت و باید این تن و جسم را به میدان فرستاد تا در راه خدا قربانی شود.



... باید از این خوی و عادت دنیوی برید و از این قفس تاریک فرار کرد و پرواز بسوی زندگی جاوید نمود و اما در صحرای محشر قیامت کبری زن و فرزند و پدر و مادر و دیگر انسان را نجات



شماره ملی شهید: ۴۲۶۹۴۲۵۷۹۲

ش.پ. حوزه: ۷-۴۱۳

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۳۲

نمی‌دهد بلکه عمل انسان است که حاوی نیک و بد اوست اگر انسان در دنیا پیرو شیطان شد در عالم برزخ و شب اول قبر و.... بصورت چهره‌ای وحشتناک و هولناک با انسان است و آنجاست که آن آدم افسوس می‌خورد و آرزو می‌کند که بین او و آن عمل شیطانی فاصله‌ای بسیار دور باشد اما اگر نیک مسلمان و شیعه پیرو و راهرو امام حسین علیه السلام شد وظیفه را اصل کارها قرار داد و عمل نیک و خیر را سرمشق کارها قرار می‌دهد، و در آن عالم همان اعمال نیک دنیوی هادی و انیس اوست که بشکل جوانی خوش بو و زیبا ظاهر می‌شود.

وصیت به مادر

... اما مادر عزیزم بدان که دنیا محل آزمایش و تحمل شهادت‌ها و درد و رنج‌هاست با فدا نمودن فرزندان او را به حجله گاه عروسی فرستادی و شیرت را حلال کن، مادر جان امیدوارم از من راضی باشی و بدان که تو اجر بسیار گرانب‌هایی داری نزد خدا جزع و فزع نکن که دشمنان و منافقین دلشاد باشند، آنچنان استوار و محکم باش که انگاری کاری صورت نگرفته بجز وظیفه اسلامی و خدا همراهمان است، مادر جانم بدان تو یتیم داری کردی و خوب هم وظیفه داری کرده‌ای صالح (پسرم) را بدست تو و پدرم می‌سپارم امیدوارم که او را صالحی بزرگوار در راه اسلام تربیت کنی و به او بیاموزی که پدرش چه راهی را آزادانه انتخاب کرد و او هم باید رهرو پدرش باشد

وصیت به پدر:

اما پدر عزیزم در طول دوران زندگی زحمت‌های بسیاری را تحمل نمودی امیدوارم که راضی و خشنود باشی از دست من و از اینکه فرزندی را فدای اسلام نمودی و امانت الهی را تقدیم خدا نمودی آسوده خاطر باش زیرا اسلام آنقدر عزیز و حکیم است که اگر تمام هستی ات را فدای او کنی ارزش دارد البته می‌دانم تو راضی با این کار هستی و کسی نیستی که مخالف این کار باشی بلکه مشتاق این اعمال خیر در راه اسلام هستی.

وصیت به برادران:

اما برادران عزیز و گرامی امیدوارم با روحیه‌ای قوی دل دشمنان اسلام را بدر آوری و مثل همیشه اسلام را یاری نمائید و در مقابل هجوم دشمنان قرآن و همان طوری که تا الان پیرو

اسلام و امام هستید تا آخرین نفس از نور ولایت فقیه دور نشوید حتی يك درجه، باید پا به پا دنبال امام و روحانیت باشید و این ستون پر بهای اسلام را محکم و استوار چنگ زده آن را رها نکنید و رابطه‌تان با روحانیت مثل رابطه پدر با فرزند باشد. انشاءالله خداوند توفیق‌تان دهد.

وصیت به خواهران:

و اما ای خواهرانم امیدوارم با حاجبتان، عفت‌تان، راه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام را سرلوحه کارتان قرار دهید انشاءالله که مرا ببخشید خدا یار و نگهدارتان باشد.

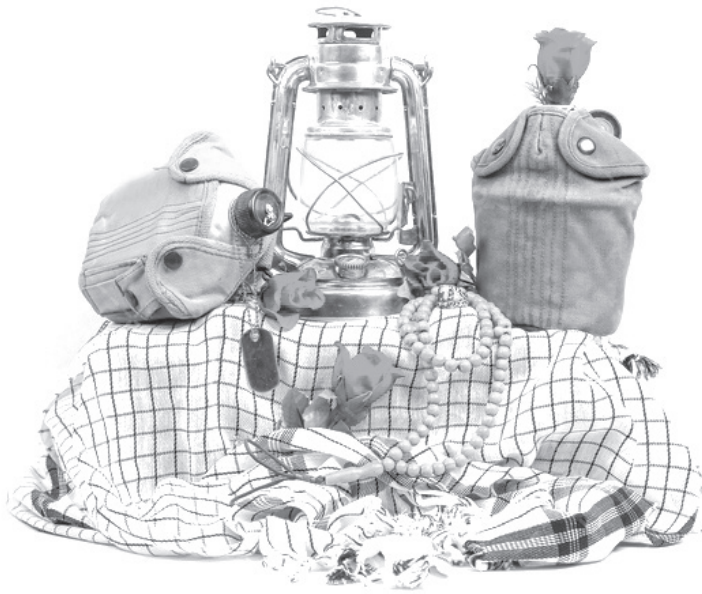
وصیت به طلاب و روحانیون:


و اما ای برادران طلاب جوان اگر می‌خواهید ادامه دهنده خون شهدا باشید وحدت و یکپارچگی دست در دست هم داده و با رابطه عمیق‌تان با مردم توذهنی به دشمنان اسلام زده و با تزکیه نفس و کسب علم و راه انبیاء را ادامه داده و با روحیه شهادت طلبی و روحیه وظیفه شناسی اسلام را یاری نموده و در سختی‌ها ساخته شوید و مبارزه با نفس کنید و جبهه را سر مشق زندگی قرار داده و در درس خواندن غفلت نکنید زیرا جامعه اسلامی نیاز شدید به افراد باسواد و با تقوی دارد امیدوارم موفق و مؤید باشید.

طلب بخشش و حلالیت از همگان

و در آخر از خداوند منان طلب توفیق برای اسلام و مسلمین را خواهانم و از تمام برادران و خواهران مسلمان طلب حلالیت و بخشش می‌کنم و امید است که اسلام با یاری و وحدت شما به پیش رود و به دست صاحب آن، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام تحویلش دهید به امید آزادی کربلا و قدس و به امید تعجیل فرج امام زمان مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و من الله توفیق.

مسعود خورشیدی آزاد





شهادی حال خودی طبر
مکرمیت خودی طبر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کتابنامه استخاری طبع یک



شماره: ۶۹۱/۳۶۶
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۳۰

باقیات خاروند متعال
و عنایت حضرت سید الشهدا (علی بن ابی طالب علیه السلام) علیه السلام
بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و مصوبه ۱۵۵۰۰۵ سازمان امور اداری و استخاری کشور

بر آقای مسعود خورشیدی آزاد
فرزند یدالله بر شماره شاننامه ۱۴۹ صادره از دوگنبدان متولد ۱۳۴۰
دارای شماره پرونده ۷-۴۱۳ کتابی طبع یک اعطاء می گردد.

محمد علی خورشیدی طبر
طهرتفا اعرافی

محمد علی خورشیدی طبر
مدیر امور استخاری

بر موجب مصوبت فوق این کتب در دارای استخاری استخاری می باشد.



بست مشرف شدن به مزار شهید بارگد را اسکن کنید.

سود خودی آزاد

فرزند حاج یدالله
متولد ۱۳۴۰ که در
تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۱ در عملیات بدر
منطقه شرق دجله در مبارزه با رژیم
بعث عراق به فیض شهادت نائل آمد
ما جلوه روشنیایی جاویدیم
در باغ افق سپیده امیدیم
اس خصم تو از تبار ظلمت هستی
ماییم که از قبیله خورشیدیم

بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان کیش



دالمن سید خدایار



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۷/۰۲/۰۹، دهدشت
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۰۸، منطقه طلایه

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۵ سال ۹ ماه ۲۹ روز
وضعیت تأهل: مجرد نام پدر: سید محمد
شغل پدر: کشاورز نام مادر: خانم
مذهب: شیعه سمت: رزمی تبلیغی
تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی عنوان: بسیجی
تحصیلات حوزوی: سطح یک عامل جنایت: بعث عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش به شکم و دست
مزار مطهر: زادگاهش

روحانی گرانقدر جاویدالآثر سید خدایار دالمن در تاریخ نهم اردیبهشت ۱۳۴۷ شمسی در روستای چغل از توابع بخش مرکزی شهرستان دهدشت دیده به جهان گشود. پدرش سید محمد را در همان دوران کودکی از دست داد و از نعمت مهر پدرانه محروم گشت. با ورود اولین معلم برای تعلیم و تربیت به عنوان سپاه دانش در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی به روستا، سید خدایار روانه مدرسه ابتدایی شد دوران ابتدایی را تا کلاس چهارم در روستا گذراند. شهید سید خدایار در کنار تحصیل برای امرار معاش و مخارج زندگی از کار و تلاش غافل نبود و همراه عموییش که سرپرستی ایشان را بعهده داشت به کار و تلاش می پرداخت چون پایه پنجم در روستا وجود نداشت برای ادامه تحصیل به روستای همجوار «کوشک» آمد و این

پایه را هم پشت سر گذاشت. دوران راهنمایی را باز در یکی از روستاهای همجوار «راک» آغاز نمود که شهید با توجه به مشکلات زندگی دیگر نتوانست خوب درس بخواند و پس از دوره راهنمایی با مشورت و نظرخواهی چند تن از اقوام و دوستان راهی حوزه علمیه آیت الله مرتضوی بهبهان گردید چند سالی از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نگذشته بود و شهید با ورود به حوزه علمیه تحولی در زندگی‌اش به وجود آمد شهید خدایار در حوزه علمیه به تحصیل دروس حوزه مشغول و در راه تهذیب و تزکیه و صعود به سوی قله رفیع الهی اکتفا ننمود و با ثبت نام در بسیج، آموزش نظامی را در پادگان شهید بخردیان بهبهان گذرانید و با عده‌ای از دوستانش راهی جبهه‌های جنگ شد. بی‌قراری شهید خدایار همه را متوجه تحول درونی او می‌کرد. هیچ‌کس هم از ایشان و کارشان و رسته او هنوز که هنوز است اطلاعی ندارند.

سید خدایار دالمن در هشتم اسفند سال ۱۳۶۲ در منطقه عملیاتی خیبر طلائی به شهادت رسید.

روحش شاد و یادش جاودانه باد.

بعضی از خصوصیات فردی شهید :

- شجاعت، نترسیدن و هراس نداشتن از دشمن از صفات بارز ایشان بود. این صفات ایشان در جنگ و عملیات خیبر مصداق پیدا کرد.
- در تاریخ درباره بعضی از جنگاوران اسلام می‌خوانیم که دارای مثلاً اندامی بسیار بلند، قامتی رشید و زیبا داشته‌اند که انسان از نگاه کردن به قیافه آن‌ها لذت می‌برد و شهید از چنین صفاتی برخوردار بود.
- فردی خوشرو و با همه خوش برخورد بود و با چهره‌ای باز برخورد می‌کرد که انسان لذت می‌برد.
- فردی بی‌تکلف و خیلی ساده ولی در عین حال در کارها جدی بود.
- اهل کار و تلاش بود بخصوص در دوران کودکی یتیم بود ولی احساس نمی‌شد که ایشان یتیم است.



شماره ملی شهید: ۴۲۵۰۵۹۷۳۲۶

ش.پ. حوزه: ۷-۱۰۸۴

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۲۲

بخش‌هایی از وصیت نامه روحانی شهید دالمن:

معبودا چگونه تورا شکر کنم که نعمت‌های بی‌کرانت را به ما ارزانی داشتی و ما را به انجام وظائف مذهبی خود موفق فرمودی
از دست و زبان که برآید. کز عهده شکرش بدر آید.
خداوندا ما نافرمانی تورا نمودیم ولی تو محبت خود را از ما دریغ نکردی و در پرتو عنایات خود
ما را از پیش آمدهای ناگوار حفظ کردی.

معبودا درود بی‌پایان خود را به روان پاک خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
و خاندان معصومش فرو فرست و ما را از راهنمایی‌های سعادت بخش آنان بهره‌مند گردان
خداوندا در راه تو گام‌های استوارم را برمی‌دارم که هدفم اسلام و جنگم در راه اسلام است زیرا
خدایی که به من این زبان را داد تا سخن حق بگویم و چشم داد تا حقایق و خوبی‌ها را ببینم و
گوش داد تا از او سخن حق بشنوم و پا داد تا در صراط مستقیم و راه حق قدم بردارم.
بنابراین وقتی که تمام عضلات بدنم از آن خداوند حکیم است که به من عطا کرده است.
باید و بالاجبار در راه خدا کشته شوم.... من به این علت به جبهه آمدم که امام خمینی و دکتر
بهشتی را در خواب دیدم و از همان جا فهمیدم که این انقلاب برحق است و ادامه دهنده راه
اولیاء الهی خواهد بود.

خدمت عمومی عزیزم

به نام خداوند بزرگ

بادرود و سلام بیکران به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و سلام بر امت شهید پرور ایران.
خدمت عمومی عزیزم جناب آقای سید کبوتر پس از تقدیم عرض سلام سلامتی شما را از
درگاه خداوند متعال خواهان و خواستارم و امیدوارم که در کمال عافیت بوده باشید و امیدوارم
که هیچ ناراحتی در زندگی برایت پیش نیاید. امیدوارم که روز به روز و ساعت به ساعت، دقیقه
به دقیقه در حال ترقی به سوی ایزد متعال بوده باشید.... اگر جویای احوال پرسی این حقیر
سید خدایار دالمن باشید تاکنون سلامتی برقرار است و هیچ ناراحتی ندارم به جز دوری شما که
آن هم به امید خداوند متعال زود رفع خواهد شد. من در حدود یک هفته است که در جبهه
آبادان هستم.

خدمت مادر عزیزم

مادرم تو باید خوشحال باشی که چنین فرزندی داری در جبهه حق علیه باطل می‌جنگد و دارد راه حسین را ادامه می‌دهد. و این راهی که قدم برداشته‌ام نه برای انتقام بلکه برای خدا و احیای دین اسلام است. هر تیری که به طرف دشمن نشانه روم به خاطر خدا و هرتیری که به سوی من آید برای رضای خدا و من خودم آگاهانه این راه را انتخاب کردم راهی که حسین علیه السلام برای خویشتن انتخاب نمود. و مادرم بر خود بیبال که یگانه فرزندت را در راه خدا دادی و برای من گریه نکن. امیدوارم که فرزندی لایق برای مادرم بوده باشم.

عموجان: اما سخنی با عموی عزیزم که همچون پدری مهربان و دلسوز برایم بودی و هرگز نگذاشتی غم بی‌پدری را حس کنم. عموجان اگر خبر شهادت من را شنیدی صبور و شکیبا باش که خداوند با صابرین است. عموجان مثل حسین صبر کن.

مادرم: مثل لیلا صبر کن خواهرم مثل زینب صبر کن. اما در مورد دفن من چند متر زمین پهلوی مزار شهید کهپیار بخريد و من را در همان جا خاک کنید. اما چه حیف که پهلوی قبر پدرم جا نیست. مادرم هیچ برای من ناراحت نباش که من يك شب خواب دیدم که در يك باغ سر سبز و خرم نشستم و يك نفر آمد پهلوی من و به من گفت تو امام حسین علیه السلام دوم هستی در خوزستان. امیدوارم همچون حسین علیه السلام زمان سر بریده من بسوی شما بیاید، مادر جان؛ من در اینجا فقط بجز عبادت خدا کاری ندارم و تمام برادران و خواهرانم را سلام می‌رسانم. مادر جان در موقع تیر خوردن من اگر تو پهلویم نباشید حضرت زهرا علیها السلام عوض شما بالای سر من است. عرضی ندارم بجز سلامتی شما. امیدوارم که از خاک کربلا برای تبرک شما بیاورم.

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه آن‌ها زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند تو را شکر کنم که نعمت‌های بیکرانت را به ما ارزانی داشتی و ما را به انجام وظیفه مذهبی خود رساندی از دست و زبان که برابید که از عهد شکرش به درآید.

خداوندا ما نافرمانی تو را نمودیم ولی تو محبت خود را از ما دریغ نکردی و در پرتوی عنایت خود ما را از حوادث ناگوار حفظ فرمودی معبودا درود بی پایان خود را بروان پاک خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و خاندان معصومش فرو می‌فرستم و ما را از راهنمایی‌های

سعادت بخش آن حضرت محروم مگردان. خداوندا در راه تو گام‌های استوار بر می‌دارم که هدفم رسیدن به توست. وابستگان و خویشاوندان و عمومیم. اگر تاریخ ایران را نقل کنند بیاد زمان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام آن موقع میدان رفتن قاسم پسر برادر حسین عَلَيْهِ السَّلَام که می‌گفت قاسم جان شما امانتی در دست من هستی نمی‌توانم به شما اجازه بدهم و او می‌گفت بدون شما نمی‌توانم زندگی بکنم. من به این علت به جبهه آمده‌ام که امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ و دکتر بهشتی را رد خواب نزد امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام دیدم فهمیدم که این انقلاب بر حق است و ادامه دهند راه اولیا خدامی‌باشد.

سخنی با مادرم :

ای مادرم در زندگی مثل فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام باش و امیدوارم که انشاءالله اگر من شهید شدم همچون کوهی استوار در برابر مشکلات زندگی مقاومت کنی تا بتوانی بر مشکلات پیروز شوی. ای مادرم به خود ببال که یگانه فرزندت را در میدان جنگ حق علیه باطل فرستادی و در راه خدا و امیدوارم که گریه و شیون نکنی تا مردم از تو درس عبرت بگیرند در ضمن ای مادرم کاری نکنی از امام یا انقلاب یا مسئولین ناراحت شوی و یا از آن‌ها خواسته‌های غیر اسلامی یا شرعی داشته باشی.

شما ای خواهرم:

اگر من شهید شدم همچون زینب استوار باش و رسالت خون من و بقیه شهدا در گردن شماست باید آن را پاسداری کنید و نگذارید که خون شهدا اسلام پایمال شود.

شما ای عموی عزیزم :


شما که همچون پدری از من پرستاری کردی و در زندگی هیچ گونه ناراحتی و یا کسالتی از شما ندیدم و کاملاً از شما راضی هستم.

اما ای مردم شریف و اهالی چغل :

اگر ناراحتی از کوچک تا بزرگ از من دیده‌اید به بزگواری خودتان مرا ببخشید در پایان اگر توانستید نماز و روزه و عمل خیر برای من انجام دهید.

امام را حتماً بعد از نماز هایتان دعا کنید.

به امید خدا و بهشت موعود



شهادت نامه

شهادت نامه استخامی طح یک

شماره: ۶۹۱/۹۲۰
تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

باقیقات خداوند متعال
و مقامات حضرت بی‌انته‌الاعظم (علی‌هم‌السلام) علیه‌السلام
بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه‌های علمیه و مصوبه ۱۵۵۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

بر آقای خدایار دامن
فرزند محمد بر شماره شناسنامه ۱۶۵ صادره از دهشت متولد ۱۳۴۷
دارای شماره پرونده ۷-۱۰۸۴ گواهی طح یک اعطاء می‌گردد.

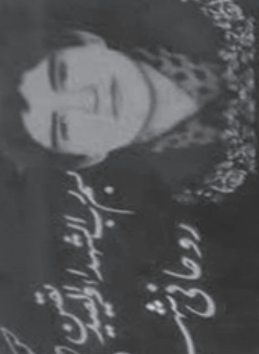
مدیر حوزه‌های علمیه
علیرضا اعلانی

مدیر امور اداری و استخدامی
علیرضا اعلانی

معاون آموزش حوزه‌های علمیه
محمد علی محمدی

معاونت حوزه‌های علمیه
معاونت حوزه‌های علمیه

بر موجب سمبخت فوق این گواهی دارای اعتبار حقوقی و استخامی می‌باشد.



سید الشهدا الطیبین
روحانی شهید

سید ضیاء الدین

فرزند سید محمد

ولادت ۱۳۴۶
شهادت ۱۳۶۲، ۱۲، ۱۸
محل شهادت طح لایه
که در مبارزه با رژیم بعث عراق بدرجه
ریفیع شهادت نال آور



دانشره سید حکمت الله



تاریخ و محل ولادت: ۰۹/۰۲/۱۳۴۴، دهدشت

تاریخ و محل شهادت: ۲۰/۱۲/۱۳۶۳، طلائی

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۹ سال ۱۰ ماه ۱۱ روز

وضعیت تأهل: مجرد نام پدر: سید بمون

شغل پدر: کشاورز نام مادر: مخمل

مذهب: شیعه سمت: رزمنده

تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی تحصیلات حوزوی: سطح یک

نحوه شهادت: اصابت ترکش عنوان: رزمی تبلیغی

عامل جنایت: بعث عراق مزار مطهر: زادگاهش

روحانی شهید سید حکمت الله دانشره در تاریخ نهم اردیبهشت ۱۳۴۴، در روستای راک دشمن زیاری از توابع شهرستان دهدشت چشم به جهان گشود. پدرش سید بمون و مادرش مخمل نام داشت. شهید سید حکمت الله در خانواده‌ای مذهبی و متدین چشم به جهان گشود. در خانواده‌ای به دنیا آمد که با وجود عشایری بودن و سختی فراوان زندگی رابطه‌ای بسیار صمیمی با خدا و اسلام داشت و همیشه به امید خدا شب را صبح نموده و زندگی خود را ادامه می‌دادند و از خداوند طلب روزی حلال می‌نمودند. شهید حکمت الله تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. و پس از گذراندن دوره راهنمایی به صلاح دید مرحوم پدرش که شخصی خوش عقیده و مذهبی بود و راهنمایی روحانیون منطقه جهت کسب علوم دینی و طلبگی رهسپار دارالعلم آیت الله بهبهانی در شهر اهواز شد و تا سطح یک دروس حوزوی را طی کرد. در

آنجا علاوه بر کسب علوم دینی سعی می‌کرد به صورت عملی الگوی مناسبی برای همکلاسان و هم ولایتی هایش باشد. به طوری که هنوز خاطرات خوش اخلاقی و رفتاری مودبانه آن شهید در اذهان آن‌ها ماندگار است.

طلبه شهید سید حکمت الله پس از مدتی به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. و در تاریخ بیستم اسفند ۱۳۶۳، در طلائییه بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش واقع است.

فعالیت تبلیغی

شهید سید حکمت الله هر وقت به روستا و در جمع خانواده و اهالی روستا باز می‌گشت سعی می‌نمود از حداقل امکانات روستایی برای تبلیغ دین مبین اسلام استفاده کند و مردم را برای انجام فرایض دینی و برگزاری مراسم مذهبی و مستحبات دینی اسلام تشویق کند. ایشان در منطقه ی بیلاقی سرسوره که در فصل گرم خانواده‌ی ایشان به آنجا کوچ می‌نمود، هیچ وقت نماز جماعت، دعای کمیل و مراسم احیاء شب‌های قدر و مراسم دهه‌ی عاشورا را فراموش ننموده و مردم را برای انجام چنین است فریضه‌ها تشویق می‌کرد. زیرا می‌دانست که آشنا نمودن مردم ساده دل عشایری با واجبات و مستحبات و محرمات دین اسلام بیش از هر چیز برای او ارزش دارد.

طلبه شهید سید حکمت الله چند بار جهت لبیک گفتن به ندای معمار بزرگ انقلاب اسلامی امام خمینی از طریق خوزستان عازم جبهه‌ها می‌شد تا اینکه در سال ۱۳۶۳ در منطقه طلائییه بر اثر اصابت خمپاره از ناحیه زانو زخمی شد و پس از اینکه مدتی در یکی از بیمارستان‌های شیراز بستری شده بود به آغوش خانواده بازگشت و پس از مدتی که بهبودی نسبی پیدا کرد و وظیفه خود دانست به ندای حسین زمان امام خمینی پاسخ گوید و برای حفظ اسلام و انقلاب و بیرون راندن دشمن خونخوار از وطن عزیزمان رهسپار جبهه شود. سرانجام ایشان در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۰ در حالی که خانواده‌اش منتظر بازگشت وی سر سفره تحویل سال نو بودند در



شماره ملی شهید: ۴۲۵۰۶۸۳۶۷۲

ش.پ. حوزه: ۷-۴۱۴

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۲۴

عملیات بدر در منطقه طلاییه به درجه رفیع شهادت نائل آمد و پیکر مطهرش به خیل شهدای مفقود الاثر پیوست.

ویژگی های اخلاقی و فردی شهید سید حکمت الله

شجاعت و اخلاص، اهمیت به عبادات مخصوصا نماز اول وقت، مهربانی و تواضع از خصائص اخلاقی آن شهید بزرگوار بود. سید شهید حکمت الله بر اثر توجه به معنویات به مرحله ای از شناخت رسیده بود که حاضر نبود لذت رضایت و لبخند الهی را با هیچ لذت دنیایی معامله کند. او روحی بلند و قلبی سرشار از عشق به ولایت داشت. روحش شاد و یادش ماندگار

بخش هایی از وصیت نامه روحانی شهید سید حکمت الله دانشره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

(سوره بقره، آیه ۱۹۰)

و در راه خدا با کسانی که با شما سر جنگ دارند جنگ کنید و تعدی و تجاوز نکنید، همانا خدا متجاوزان را دوست ندارد.

در راه خدا با آنانکه به جنگ و دشمنی شما برخیزند جنگ کنید ولی ستمکار نباشید که خدا ستمکاران را دوست ندارد و با کفار و مشرکین کار زار کنید و آنان را به قتل برسانید هر کجا آنان را بیابید از شهرهایشان برانید چنانکه شما را از وطن آواره کردند و فتنه گری که آنان کنند سخت تر است از جنگ و فسادش بیشتر است.

آری خدای مهربان در قرآن کریم به مؤمنین فرمود که با کفار بجنگید و در مقابل آنها استقامت داشته باشید.

و به سبب همین بود که کفر جهانی یعنی آمریکا يك مأموریت به صدام داد تا اسلام و انقلاب اسلامی ما را سرنگون کند چونکه از اسلام بخصوص از اسلام علوی و فرهنگ اهل بیت عليهم السلام هراس و وحشت داشت و همه گونه سلاح های مدرن را در اختیار دشمن بعثی گذاشت تا جلو

حرکت، قدرت و حکومت اسلامی را بگیرد صدام ملعون هم برای کسب قدرت با حمایت آمریکا و کشورهای غربی و استکباری برای نابودی اسلام و قرآن حرکت کرد و شهرهای زیادی از کشور ایران اسلامی را اشغال کرد و از جان پیر و جوان و زن و بچه صغیر نگذشت و هیچ رحمی به خانه و مساجدی که پر از قرآن بود نکرد. بخاطر این حمله ناجوانمردانه بود که ملت ایران اینهمه بسیج شد و در مقابل این نامرد ایستادند و با آن همه مشکلات استقامت کردند و با سلاح ایمان این نامرد را از کشور بیرون کردند.

زندگی و عمر در این دنیا موقت، ولی در قیامت جاودانه و پایان ناپذیر است. اما چه خوب است که این عمر در راه خدا پایان پذیرد و مرگ انسان شهادت در راه خدا باشد، خوش به سعادت آن‌هایی که جان خود را فدای قرآن و اسلام کنند و به ندای حسین علیه السلام لبیک بگویند.

من اگر در روز عاشورا نبودم ولی خدا نصیب من کرد. حالا باشم تا جان خود را فدا کنم، خدا را شکر می‌کنم که چنین سعادت نصیب من شد.

اما سخنی به ملت ایران و نوجوانان عزیز

ای عزیزان مبادا بگذارید سلاح ما روی زمین بیفتد، بشتابید و این سلاح را بردارید و در مقابل دشمن بجنگید.

سخنی با پدرم

پدر بزرگوام امیدوارم ناراحت نشوی. پدرجان من چون خودم در راه خدا قدم برداشتم و به طرف خدا رفتم. باید شما افتخار کنی که چنین فرزندی را توانستی تربیت کنی و تحویل جامعه بدهی.

پدر جان اگر ناراحت شدی روز عاشورا را در نظر بگیر که امام حسین علیه السلام، علی اکبر علیه السلام و علی اصغر علیه السلام و جان خود و برادر و برادرزاده خود را در راه خدا و رضای خدا داد.

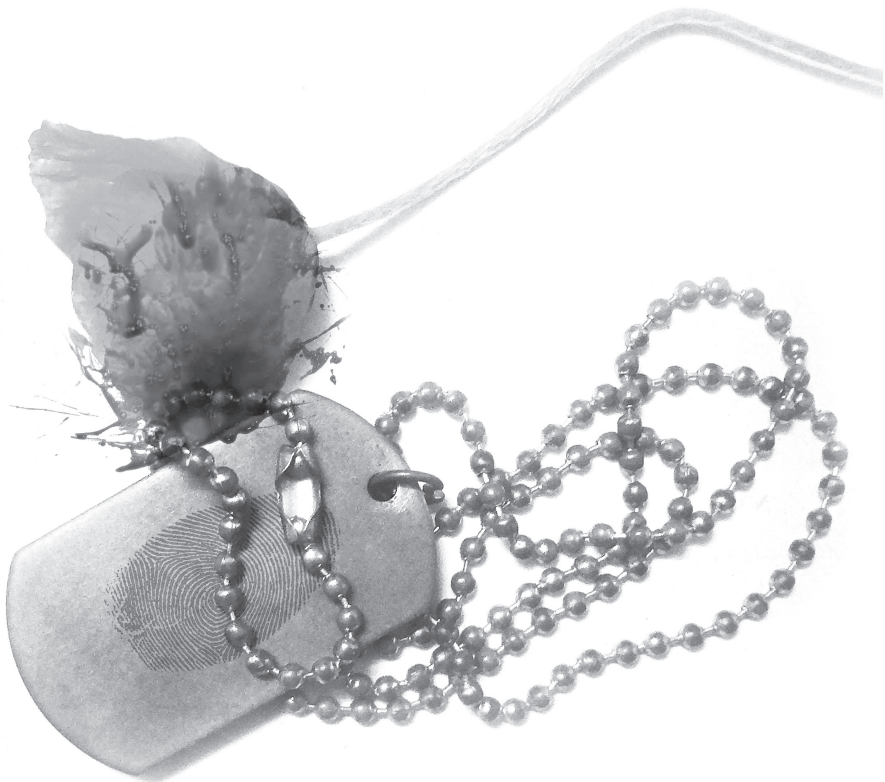
سخنی با مادر مهربانم

مادر جان ناراحت نشوی و گریه نکنی و لباس سیاه نپوش، مادر امیدوارم که زینب‌وار باشی و صبر و استقامت داشته باشی مبادا شیطان شما را فریب دهد.


سخنی با برادران و خواهران عزیزم

شما را به خدا قسم می‌دهم که احکام اسلام را انجام بدهید. خواهران عزیز گریه نکنید و زینب‌وار باشید. پدر جان سرمایه‌ای از خودم ندارم جز تعدادی کتاب که آن‌ها را به مدرسه راهنمایی راک بدهید و بدهکاری از خود سراغ ندارم ولی اگر کسی طلبی از من دارد خواهشمند است که آن را بپردازید و روزه ۲ سال را بدهکارم خواهشمند است قضای آن را به جای آورید.

والسلام



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَلَّمَ الْقُرْآنَ
 عَلَّمَ الْقُرْآنَ بِالْقُرْآنِ عَلَّمَ الْقُرْآنَ بِالْقُرْآنِ



شماره: ۶۹۱/۳۶۹
 تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹


کتابخانه استخراعی طح یک

با توقیفات خاندان مشایخ
 و عنایت حضرت بزرگوار امام (علیهم السلام) از ائمه اطهار (علیهم السلام) فیروز الشریف
 به موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه شماره ۵۵۰۵/د سازمان امور اداری و استخدامی کشور


بر آقای سید حکمت اله دانشجو
 فرزند سید یونس بر شماره شناسنامه ۳۳۶ شماره از و بدست متولد ۱۳۴۱
 دارای شماره پرونده ۷-۴۱۴ کوایی طح یک اعطاء می گردد.

شورای عالی حوزه های علمیه
 مرکز مدیریت حوزه های علمیه

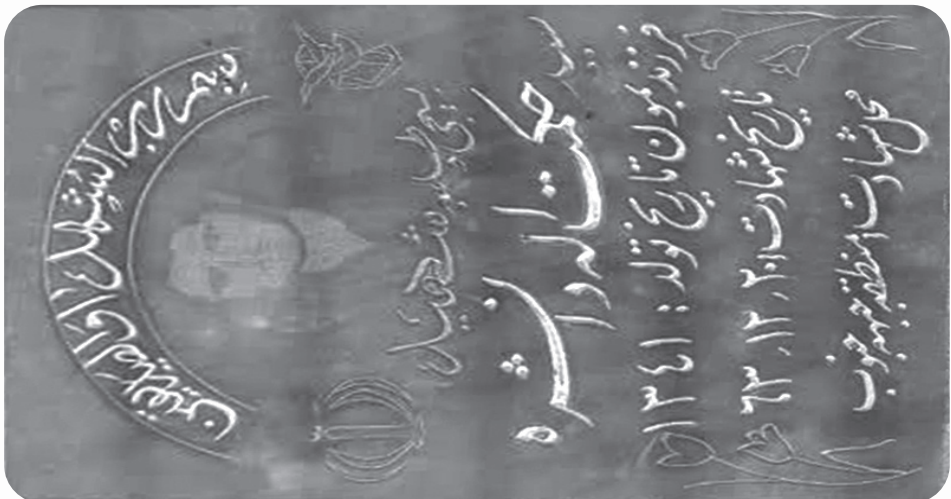
۱۲
 مهر حوزه های علمیه
 علیرضا ایرانی



معاون کارشناس حوزه های علمیه
 مهدی رستم نژاد



به موجب مصوبات آئین کار کمیته اداری و استخدامی استانهای ایران.





راستگو علی



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۰/۰۵/۰۵، یاسوج
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۱/۰۸/۱۱، سین خوش

نام پدر: محمدقلی	وضعیت تأهل: مجرد
نام مادر: کلثوم	شغل پدر: کشاورز
رشته: ادبیات	مذهب: شیعه
تحصیلات حوزوی: سطح یک	تحصیلات کلاسیک: سوم دبیرستان
نحوه شهادت: اصابت ترکش	عنوان: بسیجی
مزار مطهر: گلزار شهدای یاسوج	عامل جنایت: بعث عراق

روحانی شهید علی راستگو فرزند محمد قلی در تاریخ پنجم مرداد سال ۱۳۴۰ در یک خانواده مذهبی و کشاورز مستضعف در روستای گوشه از سادات شاهزاده قاسم در شهرستان یاسوج دیده به جهان گشود بعد از شش سال دوره ابتدایی را در مدرسه نواب صفوی شروع کرد و دوره راهنمایی و دبیرستان راتا سوم نظری در مدرسه امام خمینی رحمة الله علیه گذراند و در آذرماه ۱۳۶۰ به علت علاقه و عشق به معنویات و دروس حوزوی و روحانیت با نا تمام گذاشتن تحصیلات دبیرستان تصمیم گرفت وارد مدرسه علمیه شهید دستغیب شیراز شود و آینده علمی و ایمانی خود را با علوم حوزوی و روحانیت گره بزند شهید علی راستگو پس از آموزش دروس مقدماتی حوزه در مدرسه علمیه شهید دستغیب در شیراز بفرمان امام خمینی لبیک گفته و به صورت داوطلبانه جهت اعزام به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل ثبت نام کرد.

رفتن به جبهه رابفرمان امام خمینی امری شرعی می‌پنداشت و سر انجام در بسیج شیراز تیپ امام سجاد علیه السلام آموزش نظامی را فراگرفت و عازم جبهه‌های جنگ حق علیه باطل شد. و در تاریخ ۱۳۶۷/۰۸/۱۱ در منطقه عین خوش به شهادت می‌رسد و پیکر پاکش در گلزار شهدای یاسوج در کنار دیگر شهیدان بخاک سپرده می‌شود.

روحش شاد و یادش ماندگار.

ویژگی‌های اخلاقی شهید راستگو

شهید راستگو دارای خصوصیات اخلاقی ممتازی بود که به سبب این رفتارها مورد توجه و تحسین همه بود با توجه به کمی سن به انجام فرایض دینی مخصوصا نماز سخت معتقد و پایبند بود شهید راستگو فردی خود ساخته و صبور و متین و پرشور و کوشا و اهل مطالعه بود همیشه در جلسات مذهبی شرکت می‌کرد و او دوران تعطیلات تابستانی به کمک پدر در کشاورزی می‌پرداخت همیشه طرفدار افراد مستضعف بود و تا می‌توانست به یاری آن‌ها می‌شتافت

بخش‌هایی از وصیت نامه شهید علی راستگو

... آنکس که آخرت را شناخت و دل به بهشت بست این چند صباحی که در دنیا است نمی‌تواند او را بفریبد همیشه گوش بفرمان امام باشید و از این نعمت گرانبها که خداوند نصیب ما کرده حداکثر استفاده را بنمایند از خداوند می‌خواهم راهی راکه همان راه امام حسین علیه السلام است و من انتخاب کرده‌ام موفق کند.

درد بر توای روح خدا و درود بر تو نایب حسین ابن علی علیه السلام امام خمینی با سلام به امام مهدی و سلام به پدر و مادر عزیزم و سلام بر توای خواهر و برادرانم اینک که این نوشته را می‌خوانید خود در میان شما نیستم فقط یادی از من خواهد بود. عزیزان من، مگر فرزندان شما با دیگران چه فرقی دارند

سفارش به پدر و مادر و خانواده

انتظار من از پدر و مادر و برادرانم این است که در مرگ من ماتم نگیرید و باید نگاه کنید به برادران و رزمندگانی که در خط مقدم و در مکان‌های دیگر با چه وضعیتی شهید می‌شوند.

ای پدر وای مادر، حال که توانسته‌ام راه خود را پس از ۱۸ سال پیدا کنم دوست دارم حق را در این دنیا یاری کنم پس راهی راکه شما دوست داشتید که همان راه حسین علیه السلام و راه شهیدان



شماره ملی شهید: ۴۲۳۰۱۹۵۸۴۲
ش.پ. حوزه: ۷-۹۰۹
کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۱۴

است پیدا کردم. و حال وقت امتحان رسیده وقت راه انتخاب کردن چه بهتر از این وقت تا دیر نشده استفاده نمائیم و راه خود را انتخاب کنیم همانطور که امام فرمود:

من مرگ را در مقابل زندگی کردن خفت بار با ستمگران جز سعادت نمی بینم از خداوند می خواهم راهی را که من انتخاب کردم مرا موفق کند اما به خانواده ام و مادر مهربانم چه بسیار برای ما زحمت کشیدی و ما تو را رنج بسیار داده ایم خداوند اجر جزیل و صبر جمیل به تو عطا فرماید و از فراغ من ناراحت نباش اگر می خواهی گریه کنی برای امام حسین علیه السلام، برای علی اکبر علیه السلام و برای علی اصغر علیه السلام گریه کن و خوشحال باش و بخواه که خدا این هدیه را از تو قبول کند امام حسین علیه السلام خانواده اش را برای حفظ اسلام فدا کرد تو هم خوشحال باش و بخواه که فرزندت در راه دین اسلام جان خود را به حق تعالی تسلیم کند

و ای پدر عزیز تو در حق من پدری کردی خدا اجرت دهد مرا ببخش و برای من طلب مغفرت کن و ای خواهر و برادرانم از شما می خواهم که راه مرا ادامه دهید و سلاح مرا به زمین نگذارید

وصیت به مردم و ملت ایران

و شما ای ملت مسلمان، همیشه گوش به فرمان امام باشید و از این نعمت گرانبها که خداوند نصیب ما کرده است حداکثر استفاده را بنمائید و بالاخره شما ای ملت مسلمان قدر این ابر مرد را بدانید از بیانات گهر بارش استفاده نمائید که براستی خداوند محبت عظیمی ب ما نموده و در این برهه از تاریخ چنین رهبری را بر ما اهداء نموده است قدرش را بدانید که فردا در روز جزا در پیشگاه خداوند سرافکنده و شرمسار نباشید و از تمام دوستان و آشنایان و برادران و همکلاسی ها و هر کسی که با او رابطه داشته ام انتظار عاجزانه دارم تا اعمال ناشایست و بد خلقی را بر من ببخشایند تا راه آمرزش گناهان هموار باشد؛ انشاءالله توانسته باشم این وظیفه بزرگ و خطیری را که بر عهده من بود انجام داده باشم.

خدا حافظ و نگهدار قرآن و دین و امام باشد و شهادت افتخار ما سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهرای عالی حوزه‌های علمیه
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

کتابخانه استخاری طرح یک

شماره: ۶۹۱/۹۹۸
تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

با توفیق خداوند متعال
و عنایت حضرت سید الشهدا (علیه السلام) فیروز اشریف
بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه‌های علمیه و مصوبه ۵۵۰۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

بر آقای **علی راسکوکوشه**
فرزند محمد قلی بر شماره شناسنامه ۱۳۹ صادره از یاسوج متولد ۱۳۴۰
دارای شماره پرونده ۷-۹۰۹ کتابی طرح یک اعطاء می‌گردد.

معاون آموزش حوزه‌های علمیه
محمدی رستم‌زاد

مدیر حوزه‌های علمیه
علیرضا اعرابی

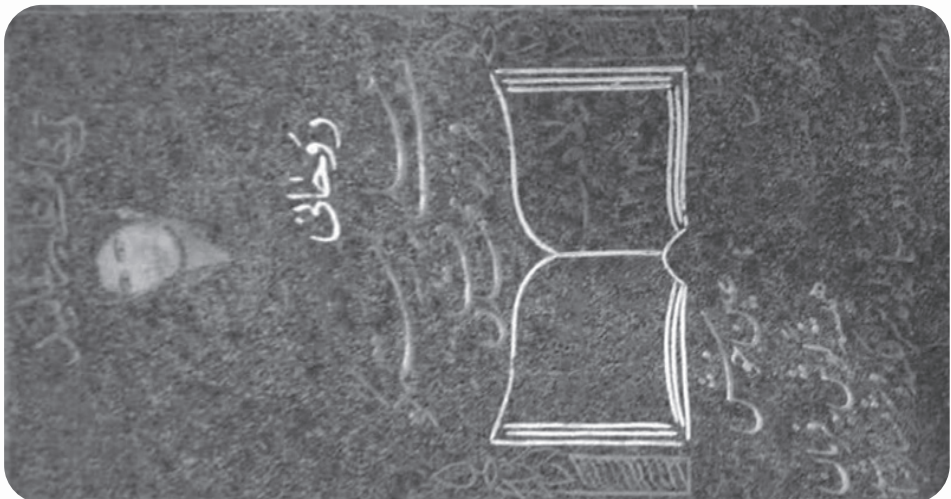
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
معاونت ثبت مدارک و کتابخانه

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
معاونت ثبت مدارک و کتابخانه

بر موجب مصوبت فوق‌الذکر این کتابخانه دارای اعتبار حقوقی استخاری می‌باشد.



جهت مشرف شدن به مزار شهید بارگردد را امکان‌پذیر کنید.





رضا توفیقی سید محمد لطیف



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۱/۱۱/۲۲، دهدشت

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۶، فاو

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۳ سال ۰ ماه ۴ روز

وضعیت تأهل: مجرد نام پدر: سید عبدالنبی

شغل پدر: کشاورز و روحانی نام مادر: نعنا

مذهب: شیعه تحصیلات کلاسیک: دوم راهنمایی

تحصیلات حوزوی: سطح یک عنوان: بسیجی

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر عامل جنایت: بعث عراق

سمت: رزمی تبلیغی مزار مطهر: گلزار شهدای دهدشت

شهید سرافراز سید محمد لطیف رضا توفیقی فرزند عبدالنبی متولد بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۴۱ در روستای تولیان شهرستان دهدشت استان کهگیلویه و بویر احمد متولد شد شهید سید محمد لطیف پس از دوره راهنمایی بجهت شوق طلبگی و آموزش دروس حوزه بعد از قبولی در کلاس دوم راهنمایی بلافاصله جذب حوزه علمیه شد و به فراگیری علوم دینی و حوزوی مشغول شد پدر سید محمد لطیف خود از روحانیون محلی منطقه و در ترویج اسلام و احکام الهی تلاش می‌کرد

این طلبه شهید پس از اتمام دروس سطح یک حوزه، به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. و به عنوان رزمنده بسیجی در خدمت جنگ بود و در کنار وظائف رزمندگی به امر تبلیغ و تشکیل جلسات مذهبی در بین رزمندگان نیز فعالیت داشت.

شهید محمد لطیف پنج مرتبه به جبهه اعزام شد ۳ بار از طریق بسیج شهرستان بهبهان و یکبار هم از طریق دهدشت عازم نبر جبهه‌های حق علیه باطل شد در پنجمین اعزام به عنوان

تیر بار چی وارد دسته ویژه گردان سیف الله از لشکر ۲۵ کربلا شد و تا قبل از عملیات علاوه بر وظائف رزمی بعنوان امام جماعت گردان سیف الله انجام وظیفه می‌کرد. تا اینکه در تاریخ بیست و ششم بهمن ۱۳۶۴، در سن ۲۳ سالگی در منطقه عملیاتی فاو عراق بر اثر اصابت ترکش به سر، به خیل عظیم شهدا پیوست و در گلزار شهدای دهدشت در کنار سایر شهدای جنگ تحمیلی بخاک سپرده شد.
روحش شاد و یادش گرامی باد.

بخش‌هایی از وصیت نامه شهید :

بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا تو می‌دانی فقط و فقط برای رضای تو به جبهه آمده‌ام و چیزی نیست که مرا وادرا به این امر کند چرا که تو فعلا مرا مختار کرده‌ای من آزادانه این راه را انتخاب کرده‌ام و راه حسین را برگزیده‌ام چرا که این راه، راه سعادت و نیکبختی دنیا و آخرت است و هیچ هم ندارد بجز کوله باری از گناه که از بار این گناهان کمرم خم شده و هیچ کس نمی‌تواند مرا یاری کند بجز تو ... و اینک ای امت امام! وای امت خون و قیام! ای ایرانیان! ای هموطنان!
سر صحبت من با شماست. چشم‌های تان را باز کنید و اطرافتان را نظاره کنید! بخود آئید! اطراف شما را خون گرفته! موجی عظیم از خون ایران و جهان را فرا گرفته!
.....ای مردم شریف ایران چنان متحد شوید که اگر جن و انس با هم متحد شوند و بخواهند بین شما تفرقه بیندازند سرشان به سنگ بخورد. هیچ‌گاه از حسین زمان ولی امرتان خمینی این ناخدای کشتی نجات که ماموریت دارد شما را به ساحل نجات برساند و این شفیع شما و این رابط شما و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دست بر ندارید و همچنین از پرو بال امام خمینی رحمة الله علیه (روحانیت مبارز و خداجو) دست بر ندارید. مبادا شما مثل اهل کوفه امام را تنها بگذارید. اهل کوفه‌ای که تا قیام قیامت در چشم مسلمانان آزاده منفور و سمبل بی‌غیرتی و عهد شکنی و دین فروشی و اسلام کشی هستند. آن‌هایی که در طول تاریخ بی وفائی شان



شماره ملی شهید: ۴۲۵۰۴۴۲۱۵۲

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۲۳

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۲۱

عیان است. آن‌هایی که حسین علیه السلام را کشتند. لعنت خدا و نفرین رسولش بر آنها باد. ... و اینک توای پدر! ای که مهر تو سراسر وجودم را فرا گرفته پدرجان تو همیشه مرا راهنما بوده‌ای و همیشه از مهر و عاطفه تو برخوردار بودم. تو تا آنجا که برایت ممکن بود برای من زحمت کشیده‌ای و با این وضعیت هیچگاه از پا ننشستی. عمر عزیزت را فدای تربیت کردن من کردی و با خون جگر مرا بزرگ کردی. حالا که باید جبران کنم دینم به من مأموریت داده. اگر سالم برگردم جبران می‌کنم. البته کارهای که تو برای من کرده‌ای نمی‌شود جبران کرد. ولی تا آنجا که امکان برابرم داشته همیشه بانگ دلنواز تو در گوش من است و نصیحت‌های تو در مد نظرم. تو استاد من و من شاگرد تو بوده و هستم و این را به تو بگویم که همیشه تو را دوست داشته و دارم اگر مرا دوست داری سعی کن برایم گریه نکنی و مادر و خواهران و برادران محبوبم را تسلی بده و سعی کن که از گریه آن‌ها جلوگیری کنی.


ای خواهرانم! ای مونسان جانم! ای خواهرانی که هیچگاه برای شما برادر خوبی نبودم از شما می‌خواهم که در بلاها و مصائب صبور و بردبار باشید. راه زینب علیها السلام را ادامه دهید. در میان اجتماع الگو باشید. برادران کوچکم برادران محبوبم اگر من گاهی شما را کتک زدم برای تربیت و تأدیب بود شما مرا ببخشید و این را بدانید که همه شما را دوست دارم. خواهران برادران پدر و مادر محبوبم برایم گریه نکنید صبور باشید و هیچگاه از خدا غافل نشوید. و اینک شما پسر عموهای عزیز و محبوبم از شماها می‌خواهم که همیشه یکی باشید. با خدا باشید و هیچگاه خدا را فراموش نکنید.

در هر کاری رضایت خدا را در نظر بگیرید. پدرم را یاری کنید. مبادا شما و دیگر برادران (یعنی برادران من) از هم جدا شوید.

والسلام علی عباد و الله الصالحین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای عالی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه



شماره: ۶۹۱/۲۷۰۶
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹



کوبینامه استخدا می سطح یک


بالتوفیق تداومند مشتمل
و عنایت حضرت تیزه الذراع الاکبر (عجل العالی فرید الشریف)
بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و مصوبه ۵-۵۵۰ اسامیان امور اداری و استخدا می کشور
بر آقای محمد لطیف رضا توفیقی

فرزند عبدالباقی دارایی کد ملی ۴۲۵-۴۴۲۱۵۲ صلاحه از وحدت
متولد ۱۳۴۱ دارایی شماره پرونده ۷-۱۸۲۳ کوبی سطح یک اعطاء می گردد.

معاون آموزش حوزه های علمیه
محمدی زکرم تراد

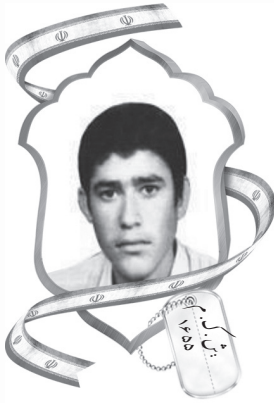
رئیس حوزه های علمیه استان
علیرضا اسمرانی



محمد لطیف رضا توفیقی

فرزند عبدالباقی
متولد ۱۳۴۱ کردتایخ
۲۶، ۱۱، ۱۳۶۴ درجه بیست و نوا
به درجہ رفیع شهادت نائل آمد



رهبر کرامت الله



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۶/۰۳/۱۸، دهدشت
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۶/۰۱/۲۹، ماووت عراق

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۹ سال ۱۰ ماه ۱۱ روز
وضعیت تأهل: مجرد
نام پدر: علی برات
شغل پدر: کشاورز
نام مادر: جان پری
مذهب: شیعه
تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی
تحصیلات حوزوی: سطح یک
عنوان: بسیجی
نحوه شهادت: اصابت ترکش
عامل جنایت: بعث عراق
سمت: رزمی تبلیغی
مزار مطهر: گلزار شهدای روستای سواره

روحانی شهید شیخ کرامت الله رهبر در سال ۱۳۴۶، در روستای سواری تابعه شهرستان دهدشت به دنیا آمد. پدرش علی برات، کشاورز بود و مادرش جان پری خانه دار. شهید کرامت الله تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. سپس با اشتیاق به فراگیری علوم دینی و حوزوی تا سطح یک روی آورد. شهید کرامت الله در پاسخ به فرمان امام خمینی مبنی بر لزوم حضور جوانان مومن و حزب اللهی در جبهه‌ها به عنوان بسیجی راهی جبهه شد و در کنار رزمندگان جبهه حق علیه باطل به خدمت مشغول شد و در بیست و نهم فروردین ۱۳۶۶، در ماووت عراق بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. مزار وی در زادگاهش واقع است.

روحانی شهید کرامت الله، طلبه‌ای مبارز و خستگی ناپذیر فرزند علی برات از طایفه زیلابی پس از گذراندن دوره راهنمایی بنا بر علاقه‌ای که به کسب علم و معرفت الهی داشت وارد حوزه علمیه دهدشت گردید. اما روح بزرگش در کالبد خاکی نمی‌گنجید و دفاع مقدس از حریم جمهوری اسلامی را بر خود واجب می‌داشت و سلاح رزم برداشت و راهی دیار عاشقان جبهه جنگ گردید. وی ابتدا اولین بار در تاریخ ۱۳۶۵/۰۷/۲۷ همراه استادش حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا میراحمد تقوی راهی جبهه گردید و مدتی در کنار رزمندگان بود. شهید کرامت الله گذشته از اینکه نیروی تبلیغی بود یادگیری فنون نظامی را نیز و مهارت‌های جنگی و تاکتیک‌های رزمی را لازم می‌دانست شهید بعد از آموزش‌های تکمیلی راهی پادگان آموزشی یاسوج گردید و پس از تکمیل دوره آموزشی در تاریخ ۱۳۶۵/۰۵/۲۰ مدت سه ماه به عنوان نیروی رزمی در منطقه شط علی در کنار رزمندگان اسلام به حراست از حریم انقلاب اسلامی ایران پرداخت و مجدداً در مورخه ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ به منطقه سردشت اعزام گردید و در مصاف با بعثیون پلید در تاریخ ۱۳۶۶/۰۱/۲۸ مفقود الجسد شد و پیکر پاکش در تپه‌های ماووت زیر تابش نور خورشید و رگبار طوفان و ریزش برف و سرب داغ دشمن به جا ماند و از دیده‌ها پنهان ماند تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۷/۰۲/۱۶ پیکر پاکش پیدا شد.

طلبه شهید از نظر اخلاقی انسانی بود خاضع و فروتن و همیشه لبخند مهر و محبت بر لب داشت و آنگونه بود که رفتار عارفانه و مناجات شبانه و اخلاق حسنه او زبانزد اطرافیان بود و در فقدان شهید کرامت الله دیدگان خانواده و دوستانش اشکبار شد طلبه شهید کرامت الله رهبر، حنظله آسا عروس شهادت در راه خدا را در آغوش کشید و به دیار باقی شتافت و در گلزار شهدای روستای سواری بخاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



شماره ملی شهید: ۴۲۵۰۳۸۹۵۱۰

ش.پ. حوزه: ۷-۹۱۲

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۲۰

بخش‌هایی از وصیت نامه شهید کرامت الله رهبر

... همانطور که خداوند در قرآن کریم یاد می‌کند که ما کسانی را که در راه خدا جهاد می‌کنند از خود دور نمی‌کنیم پس چه بهتر که در راه رضای خدا و در راه مبارزه با دشمنان اسلام و حفظ حراست این میهن اسلامی و شرف الهی خود جهاد کنیم مبادا عده‌ای بخواهند که اسلام را از راه راست منحرف کنند.

وصیت شهید به برادران و خانواده و اهالی روستای سواران

و از شما برادرانم می‌خواهم که با عمویانم خوب باشید و وحدت و برادری را در میان خودتان حفظ کنید. مبادا شما را فریب دهند و از یکدیگر بدبین کنند و از خانواده برادر و عموها می‌خواهم اگر از من بدی دیده‌اند به بزرگواری خودشان مرا ببخشند و مرا حلال کنند و امیدوارم ادامه دهنده را هم باشید. قبرم را هر جا که پدر و مادرم گفتند قرار بدهید و لباس سیاه نپوشید و اگر پوشیدید لااقل تا چهل‌مین روز باشد. نماز را ترک نکنید و روزه بگیرید و به فقیران صدقه بدهید و بر سر قبرم قرآن بخوانید. در پایان از همه اهالی روستای سواری دهدشت می‌خواهم اگر بدی از من دیده‌اند به بزرگواری خودتان ببخشید و حلال کنید و اگر چیزی کسی از من می‌خواست به پدر و مادرم بگویید تا آن را بدهد و اگر از کسی چیزی می‌خواستم آن را به فقرا بدهید. والسلام کرامت الله رهبر ۱۳۶۵/۱۲/۲۸

پیام شهید به ملت ایران

پیام به امت همیشه در صحنه حزب الله این است که کسانی که هدفشان زدودن اسلام از قلب مردم است با آن‌ها به مبارزه برخیزند. و مبادا دستورات اسلام را پیروی نکنید و پست‌ها شما را مغرور کند و شما را از یاد خدا غافل کند. همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید و از دستورات او سرپیچی نکنید. مبادا منافقان و دشمنان داخلی در بین شما رخنه کنند و وحدت اسلامی را از میان شما بردارند و شما به راه کج و انحراف بکشانند. به تبلیغات شرق و غرب گوش ندهید مبادا شما را فریب دهند.

امروز شهادت در راه خدا در جامعه اسلامی در سایه تعالیم آسمانی بصورت يك ارزش والا در

آمده است و جهانیان را به بهت و حیرت و سرافکنندگی واداشته است و مردان خدا هم آرزوی این فخر الهی را در سر می‌پروانند و همچنین روحیه شهادت طلبی است که ملت ما با وجود ظاهری از لحاظ نظامی و صنعتی جهان کفر استعمار را با تمامی ظاهر پرستیش به مسخره گرفته است و ما را از مبارزه و جنگ و درگیری با ابرقدرتان چه باك؟ که در هر حال پیروزی با ماست یا به فیض بزرگ شهادت می‌رسیم که همانطور که امام عزیزمان خمینی کبیر فرموده‌اند: مکتبی كه شهادت دارد اسارت ندارد.


پیام شهید به مادرش

وصیت به مادرم: می‌دانم که با وجود چه زحماتی مرا بزرگ کردی و به اینجا رساندی تا شاید بتوانم از عهده زحمات شما برآیم و چون دین اسلام نیاز به کمک و یاری ما فرزندان انقلاب دارد باید به یاری آن بشتابیم و به ندای این زعیم عالیقدر امام خمینی لبیک بگوییم و در پایان از شما می‌خواهم اگر ناراحتی از من دارید به بزرگواری خودتان مرا ببخشید. مادرم از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید.

وصیت شهید به پدرش

اماتوای پدر بزرگوار چه زحمات بسیاری برایم کشیدی و امید اجرای زحمات را از من می‌خواستی ولی بدان که زحمات شما بی نتیجه نبود که آن را تقدیم پیشگاه خداوند کردید و از خدا بخواهید که این هدیه ناقابل را از شما پذیرا باشد.





شماره: ۶۹۱/۱۰۰۰

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

بوقیقات خداوند متعال
و منابت حضرت بقره العظمی (علی الله تعالی فرجنا و فرجکم)

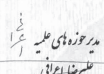

بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه‌های علمیه و مصوبه ۵۵۰-۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

بر آقای کرامت الله رب سهر

فرزند علی برات بر شماره شاننامه ۳۲۳ صادره از دپشت متولد ۱۳۴۶

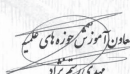

دارای شماره پرونده ۷-۹۱۲ کوایی سطح یک اعطاء می گردد.

مدیر حوزه‌های علمیه
علیرضا اعلانی


کتابخانه حوزه علمیه

مدیر امور اساتذ و محققین
محمدی رحمت آباد

کتابخانه حوزه علمیه

بر موجب مصوبت فون این کانون درای انبار حقوق و استخدامی می باشد.



تمت پاك بسیجی روحانی شهید

کرامت الله رب سهر

فرزند علی برات متولد ۱۳۴۶

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶-۱۲۹

محل شهادت: جبهه سرودشت در مبارزو

با یریم بعث عراق بدر جنجیع

شهادت نال کرودید



سیروس سید رمضان



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۴/۰۲/۰۹، لنده شهردهشت

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۷، فاو

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۰ سال ۹ ماه ۱۸ روز

نام پدر: سید سلیمان

وضعیت تأهل: مجرد

نام مادر: ماه بی بی

شغل پدر: کشاورز

تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی

مذهب: شیعه

عنوان: بسیجی

تحصیلات حوزوی: سطح یک

سمت: رزمی تبلیغی

عامل جنایت: بعث عراق

مزار مطهر: مفقودالاثار

شهید سید رمضان سیروس فرزند سلیمان از سادات امامزاده محمود از تیره میر حیدر در روستای پرچل از توابع شهر لنده در تاریخ ۱۳۴۴/۲/۹ در يك خانواده مذهبی و انقلابی متولد شد. دوران تحصیلات ابتدائی را در روستای زادگاه پدری و مقطع راهنمایی را در مدرسه راهنمایی فارابی لنده گذراند.

طلبه شهید والا مقام سید سرافراز در رمضان سال ۱۳۶۲ در تبعیت از جد بزرگوارش بعلت علاقه شدید به اسلام و علوم حوزوی و به نیت تبعیت از راه جدش مولا علی علیه السلام وارد حوزه علمیه امامزاده ابراهیم علیه السلام شهرستان علم و تدین، بهبهان شد و تا سطح یک دروس حوزه را طی کرد. این تصمیم مدبرانه بنا به توصیه پدرشان و عشق و علاقه‌ای که به اسلام و مذهب تشیع داشتند شغل مقدس روحانی بودن را در جهت ترویج دین و احکام الهی انتخاب کرد و

خود را وقف اسلام و قرآن نمود این شهید والا مقام، قبل از دوران طلبگی وارد بسیج شده بود و دوبار به جبهه‌ها اعزام شده بود که در منطقه عملیاتی جنوب مجروح گشتند و دوران تحصیلات را زیر نظر اساتید حوزه علمیه بهبهان شروع کرد و در کنار تحصیلات حوزوی با توجه به تعبد و تدین ویژه‌ای که داشت از همان آغاز طلبگی بعنوان امام جماعت مسجد امیرالمومنین علیه السلام واقع در خیابان کارخانه سیمان بهبهان مشغول وظیفه طلبگی و انجام وظایف و رسالت تبلیغی شد.

این روحانی با اخلاص و بسیجی در شرایط حساس جنگ با فرمان امام عزیز خمینی کبیر در طرح لبیک یا خمینی از شهرستان بهبهان همراه با کاروان راهیان کربلا به اتفاق جمعی از طلاب حوزه علمیه به جبهه جنوب اعزام گردید و مدت مدیدی را در گردان سیدالشهدا بهبهان مستقر در پادگان علی اکبر حمیدیه مشغول وظیفه رزمی تبلیغی شد. با آغاز عملیات والفجر ۸ در شهر فاو در کارخانه نمک باتفاق جمعی از دوستان بسیجی خود در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۷ مفقود الاثر گردید.

خصوصیات فردی و اخلاقی شهید

از خصوصیات ویژه شهید سید رمضان سیروس میتوان به تهجد و شب زنده داری آن شهید با اخلاص اشاره کرد که در بین طلاب و اهالی روستا و بستگان زبانزد خاص و عام بود.

یکی از هم‌زمان شهید سید رمضان نقل می‌کند:

یکی از بهترین خاطراتی که از شهید سیروس دارم در پادگان علی اکبر وقتی به میدان تیر قبل از عملیات رفته بودیم در میدان تیراندازی فوق العاده بود. ایشان آرپی جی زن گردان بود. معمولاً بچه‌های گردان فکر نمی‌کردند یک طلبه اینقدر مسلط باشد در ۲ مرحله با شلیک گلوله آرپی جی به یک لاستیک کامیون که هدف بود بزند.

شهید بزرگوار از یک تواضع و اخلاص فوق العاده‌ای برخوردار بود و رفتار اجتماعی و فردی استثنائی داشت. که بحق می‌توان گفت از مخلصین جبهه و جنگ و انقلاب اسلامی و امام



شماره ملی شهید: ۵۵۰۹۷۵۷۲۸۰

ش.پ. حوزه: ۷-۴۱۵

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۷۳۴

بزرگوار بوده است و می‌توان گفت فیض شهادت لیاقت می‌خواهد و این شهید بزرگوار به آن جایگاه رسیده بود.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

یکی از هم‌زمان شهید سیروس در مورد نحوه شهادت روحانی شهید سید رمضان سیروس گفت:

در عملیات والفجر ۸ بود که شهید سیروس به همراه یک دسته از گروهان آرپی‌جی زن در راه دریاچه نمک گرفتار پاتک دشمن شدند و تمام نفرات این گروهان در همان دریاچه نمک به فیض شهادت نائل شدند و بدن‌های مطهرشان همانند مادرشان بی‌بی فاطمه زهرا ع‌ا‌س‌ل‌م هرگز به وطن باز نگذشت و برای همیشه مفقودالاث‌ر شدند.


بخش‌هایی از وصیت نامه شهید طلبه سید رمضان سیروس خطاب به خانواده

اما وصیت من به خانواده‌ام، ای پدر و مادر مجاهد و عزیزم به خدا قسم من نتوانستم برای شما فرزند خوبی باشم. در هر صورت از شما تقاضا دارم که مرا ببخشید و از شما می‌خواهم اگر لایق شهادت بودم و شهید شدم لباس سیاه نپوشید سفارش من این است که از امام امت خمینی عزیز اطاعت و پیروی کنید.

وصیت به خواهران

وصیت من به خواهرانم این است که پسرانشان را خوب و مومن تربیت کنند که واقعا ادامه دهنده راه شهدای اسلام باشند و اگر من شهید شدم نه برایم گریه کنند نه لباس سیاه بپوشند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 بِرَحْمَةِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَبِاِذْنِهِ الْوَالِدِ الرَّحِیْمِ



شماره: ۶۹۱/۴۴۶
 تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۰۶

گواهینامه استخدايي سطح يك

بأوقافیات نهاد زمستان
 و عیادت حضرت بزرگوار الله الاكظم و گل الله تعالى فزیر الشریف
 به موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و مصوبه ۱۵۵۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

بر آقای **رمضان سیروس**
 فرزند **سلیمان** به شماره شناسنامه **۲۲۳** صادره از **لنده** متولد **۱۳۴۴**
 دارای شماره پرونده **۷-۴۱۵** گواهی سطح یک اعطاء می گردد.


شورای عالی حوزه های علمیه
 مرکز تربیت حوزه های علمیه

شورای عالی حوزه های علمیه
 مرکز تربیت حوزه های علمیه
 تهران

معاون آموزشی حوزه های علمیه
 مهدی زکرم برادر

معاون مدیر حوزه های علمیه
 طهریفا اعرافی

به موجب سمبخت فوق این گواهی نامه دارای اعتبار استخدايي می باشد.




سیمزوت الشهداء - آرامگاه روحانی شهید

سید
رمضان سیروس

فرزند سید
 ولادت
 ۱۳۴۴

محل شهادت
 ۱۳۶۴



سلسیان
 شهادت
 ۱۳۶۴/۱۱/۲۲

محل شهادت
 بااریم بصت عراق به درج
 رفیع شهادت نائل آمد



صالحی زاده سید محمد نقی



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۸/۰۶/۱۹

روستای ایدنک از توابع دهشت

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۵/۰۵/۰۴ شمشیر

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۶ سال ۱۰ ماه ۱۵ روز

نام پدر: سید بمونی

وضعیت تأهل: مجرد

نام مادر: ماهتاب

شغل پدر: روحانی و کشاورز

تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی

مذهب: شیعه

عنوان: بسیجی

تحصیلات حوزوی: سطح یک

نحوه شهادت: اصابت ترکش

سمت: رزمی تبلیغی

مزار مطهر: شهر سوق شهرستان زادگاهش

عامل جنایت: بعث عراق

شهید طلبه سید محمد نقی صالح‌زاده فرزند سید بمون در تاریخ ۱۳۴۸/۰۶/۱۹ در روستای ایدنک (عیدنک) بدنیا آمد، اهل خانواده همه از متدینین روستا و در سایه عشق به ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام اهل تقوای الهی بودند. پدر سید محمدنقی خودش روحانی و مبلغ همان محل بود و برادران شهید از آموزگاران همان خطه به تعلیم و تدریس اشتغال داشتند. شهید سید محمدنقی تحت تربیت این خانواده مذهبی، پرورش یافته و رشد نمود او از همان آغاز با استفاده از هوش و استعداد سرشار خدادادی به آموختن درس و تحصیلات ابتدائی پرداخت.

سیدمحمدنقی در اواخر دوران پهلوی و شروع نهضت امام خمینی با وجود سن کم در

منطقه خود از پیشاهنگان هواداری از نهضت خمینی کبیر بود و پیوسته با هم قطاران و دانش‌آموزان، در راهپیمایی و تظاهرات ضد رژیم شاه شرکت می‌جست فعالیت‌های انقلابی او تا اندازه‌ای بود که بارها از جانب مسئولان مدرسه مورد توبیخ و تنبیه قرار گرفت. اعضای خانواده بخصوص پدر بزرگوارش که از روحانیون محلی و انقلابی و از فعالان ضد رژیم طاغوت در منطقه بودند به خاطر افشاگری‌های ضد رژیم به وسیله مرکز انتظامی پاسگاه ژاندارمری منطقه دستگیر و بازداشت شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شهید سیدمحمد تحصیلات دوره ابتدایی خود را به پایان رساند، به عشق فراگیری دانش اهل بیت علیهم‌السلام به تحصیل علوم دینی پرداخت. او برای انجام این مهم به شهر دهدشت مراجعه و در حوزه علمیه آنجا به تحصیل علوم دینی مشغول گردید و تا سطح یک دروس حوزوی را ادامه داد.

شهید سید محمد در طی دوران تحصیل به دروس حوزوی، اشتیاق فراوانی به مسائل سیاسی و جنگ و جهاد داشت و همین اشتیاق او را به جانب جبهه‌های جنگ علیه رژیم بعثی عراق فرا خواند.

سید محمدنقی پس از گذراندن دوره آموزش نظامی به مناطق عملیاتی اعزام گردید او مدتی را در جبهه در کنار رزمندگان اسلام بود و پس از دوران ماموریتش این بار به شهر قم مهاجرت کرد و در مدرسه حقانی تحصیلات علوم دینی را ادامه داد. در کنار تحصیل به تدریس در پایه‌های دیگر نیز می‌پرداخت. شهید در این دوره از زندگی خود با اخلاص و تلاش روز افزون خود و با توفیقات الهی و استقامت از ائمه اطهار علیهم‌السلام مدارج بالای معنوی را طی نمود.

طلبه شهید سیدمحمدنقی در تاریخ ۱۳۶۵/۰۵/۰۴ در منطقه شلمچه به شهادت رسید و در گلزار شهرستان سوق از توابع دهدشت به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد

مدیر مدرسه حقایقی درباره ویژگی‌های شهید می‌گوید:

... سیدمحمدنقی در مدرسه هم محصل بود و هم استاد و هم مدیر او از اندک کسانی بود که همزمان با دوره تحصیلی خود به تدریس نیز اشتغال ورزید شهید به مطالعه عشق می‌ورزید



شماره ملی شهید: ۵۵۰۹۸۳۶۴۱۵

ش.پ. حوزه: ۷-۴۰۹

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۷۳۵

و بسیار جستجوگر بود و در فهم مطالب علمی بخصوص متون حوزوی بسیار توانمند بود و هیچ ابهام و اشکالی در متون علمی برای او وجود نداشت رعایت تقوای الهی و خواندن نماز شب از ویژگی‌های شهید صالحی زاده بود.

یکی از دوستان طلبه او چنین می گوید:

هرگز بیاد ندارم که او نماز شبش را ترك کرده باشد و بیشتر اوقات نماز صبح خود را در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و به جماعت می خواند، ساده زیستی و بی پیرایگی مادی از ویژگی‌های دیگرش بود غذا خوردنش ساده و بیشتر ایام سال را در حال روزه داری بسر می برد شب پس از اینکه دیگران به استراحت می پرداختند او بر بالای پشت بام مدرسه می رفت و به نجوای آسمانی با معشوق ازلی می پرداخت.

و طلبه ای دیگر از دوستان چنین می گوید :

شبی در عالم رویا دیدم که به من می گفتند زودتر مهیا شو که یکی از یاوران ولی عصر به حجره شما می آید من در همان حال حجره را مرتب کرده و با تعجیل مهیای پذیرائی گردیدم. در همین لحظه با صدای ضربات آرامی که به درب حجره خورد از خواب بیدار شدم حیرت زده مشاهده کردم که سید محمد نقی با لبخندی بر در حجره ایستاده است.

و دوست دیگر شهید سید محمد نقی را چنین توصیف می کند:

شهید سید محمد نقی ضمن اینکه خود نمونه بارزی از پارسائی بود پیوسته ما را به رعایت تقوی سفارش می فرمود وی همچنین نسبت به خواندن درس‌ها به ما تاکید می کرد خود کتاب‌های گوناگون مذهبی می خرید و اهداء می نمود سپس در فاصله زمانی خاصی که تعیین می کرد از ما می خواست بخش‌هایی از کتاب مذکور را مطالعه کنیم آن گاه جوایزی را به ما اهداء می کرد با اینکار با ترویج فرهنگ کتاب خواندن ما را به مطالعه تشویق می نمود و بسیار اتفاق می افتاد که برای رفع اشکالات و توضیح متون از ایشان کمک می گرفتیم و او چقدر صمیمی و دلسوزانه به شرح و بیان مطلب می پرداخت و در نشر آنچه که می دانست بخلی نداشت و از اینکه دوستان و همکلاسی‌هایش موضوعات را بفهمند خرسند و خوشحال بود در برخوردی

با همه مهربان و دلسوز بود او از هیچ کوششی جهت یاری رسانیدن به دوستان و همشهریان دریغ نمی‌ورزید به یاد دارم زمانی او يك پتو داشت و آن را به مسافری جا مانده از سفر آنهم در سوز و سرمای زمستان بخشیده بود

فرمانده نظامی وی می‌گوید :

سید محمدنقی با همان لباس روحانی و با روحیه‌های شاد و لبخندی که پیوسته بر لب داشت به جبهه آمد او در جبهه برای یاری رساندن به هم‌زمانش هرگونه کاری که از دستش بر می‌آمد انجام می‌داد. او در عملیات کربلای ۵ آربی چی زن بود و مقتدرانه به شکار تانک‌های دشمن می‌پرداخت در طول این عملیات که دشمن اقدام به پاتک نمود شهید از جمله کسانی بود که در يك نبرد تن به تن رو در روی دشمن استقامت می‌ورزید و پایداری می‌نمود تا اینکه بر اثر انفجار يك قبضه نارنجك در نزديك وی به شدت مجروح گردید.

روحانی شهید سید محمد نقی پس از زخمی شدن برای نگارش وصیت نامه کلماتی بر روی کاغذ نوشت :

بسم الله الرحمن الرحيم

اما انگشتانش دیگر یارای نوشتن نداشتند از بدنش به شدت خون جاری بود و برگ سپید کاغذ از خون پیکر مجروحش به رنگ سرخ آدین شده بود با تمام توان کوشید باز هم بنویسد قلم در میان انگشتان از نای رفته‌اش به سختی حرکت کرد (لا حول ولا قوة الا بالله و در پی آن لبانش به سختی از هم باز شد و ذکر شهادتین را بر لب راند. قلم از دستش فرو افتاد قرآن جیبیش از خون پاکش رنگین شده بود. و سید محمدنقی عالم خاک را وداع گفت و به عالم افلاک پرکشید.

روحش شاد و پادش گرامی

بخش‌هایی از وصیت نامه روحانی شهید سید محمد نقی صالحی زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

این حقیر سید محمد نقی صالح زاده، اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد عبده و رسوله

و اشهد ان علیا و اولاده المعصومین حجج الله علی خلقه اما بعد - قروض الهی من شش روز کفاره روزه دارم که امیدوارم از جانب پدر یا برادران داده شود و اما نماز يك کسی را خبر کنید که يك ماه برای من نماز بخواند (آقای محمدی خوب است)

پدر عزیزم امیدوارم اگر قصوری از بنده سر زده (که حتما سر زده) مرا ببخشید امیدوارم که اگر چه لایق پسر بودن برای تو را نداشتم ولی زحمت‌های زیادی برای بنده کشیده‌اید مرا حلال کنید.

مادر عزیز و مهربانم شما هم از نسل فاطمه‌اید و هم مذهب او امیدوارم که همچون زینب در مقابل سختی‌ها صبر داشته باشید و اسوه باشی برای دیگران

سفارشات شهید به برادران و خواهران


اما برادرانم امیدوارم که همیشه در راه خدا و برای رضای خدا کار کنید که شیطان هر آینه مواظب است که شما را بر بیاورد و به پرتگاه هلاکت نزدیک سازد اگر چه حق برادری را وفا نکرده‌ام ولی شما نسبت به هم دیگر وفا کنید و خوب باشید تا خدا شما را از پرهیزگاران قرار دهد.

از خواهرانم حلالیت می‌طلبم و امید است مرا ببخشند. از همه اقوامان حلالیت می‌طلبم و التماس دعا دارم و همچنین از دوستان طلبه هر کس برگردن من حقی دارد می‌تواند از برادرانم طلب نماید و اگر نه امید است ببخشند و عوض من پانصد تومان صدقه بدهید.

والسلام سید محمد نقی صالحی زاده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



شماره: ۶۹۱/۲۶۴

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۲۰

کتابخانه استخرامی طرح یک

باوقیفات نوازند منتال

و مقامات حضرت پیر الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بر موجب مصوب ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و شماره ۱۵۵۰۵/۵۵۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور

به آقای سید محمدتقی صابحی زاده

فرزند سید یوسفی به شماره شناسنامه ۱۰۹ صادره از لنده متولد ۱۳۴۸

دارای شماره پرونده ۷-۴۰۹ کوپن طرح یک اعطاء می گردد.

شورای عالی حوزه های علمیه

کرمانشاه


۱۳۹۷

مهر

سید محمدتقی صابحی زاده


مجلس شورای عالی حوزه های علمیه

کرمانشاه



شورای عالی حوزه های علمیه

کرمانشاه




شورای عالی حوزه های علمیه

کرمانشاه

بر موجب مصوبات فون این کانون در اجرای آئینها مستحق دانشجویی است.



بست مشرف شدن به مزار شهید بارگه را اسکن کنید.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سید روحانی شهید

فرزند سید یوسفی

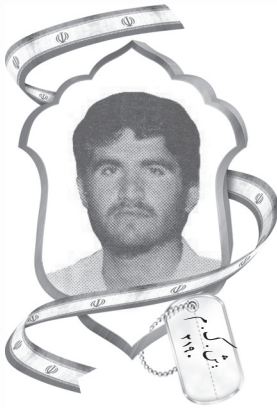
سید محمدتقی صابحی زاده

تاریخ تولد ۱۳۴۸ تاریخ شهادت ۱۳۶۵/۱۱/۱۶

محل شهادت: شیلو علیات کرمانی

که در مبارزه با رژیم بعث عراق به درجه شهادت نائل آمد

روحش شاد



صفری بیدک فتح الله



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۶/۰۳/۰۱، تلخاب باشت
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۷/۰۲/۱۸، ماووت عراق

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۰ سال ۱۱ ماه ۱۷ روز

وضعیت تأهل: مجرد

شغل پدر: کشاورز

مذهب: شیعه

تحصیلات کلاسیک: سوم دبیرستان

نحوه شهادت: اصابت ترکش

عنوان: پاسدار وظیفه

عامل جنایت: بعث عراق

مزار مطهر: روستای بیدک شهرستان زادگاهش

طلبه شهید سید فتح اله صفری فرزند میرعبدالعظیم در تاریخ ۱۳۴۶/۰۳/۰۱ در خانه پدری در روستای تلخاب بیدک باشت از توابع گچساران بدنیا آمد دروس کلاسیک را تا سوم دبیرستان طی کرد و پس از دوره دبیرستان بجهت علاقه به روحانیت و اسلام به حوزه علمیه رفت و دروس حوزوی را نزد اساتید بزرگوار فراگرفت شهید روحانی سید فتح الله صفری که طلبه مدرسه خان در قم بود چندین سال در آن حوزه مشغول به تحصیل علوم دینی تا پایان سطح یک دروس حوزوی نزد اساتید درس حوزوی مشغول بود.

از نظر اخلاقی شهید سید فتح الله فردی خوش برخورد، خوشرو و شاد بود و در برخورد با دیگران شوخ طبع و بشاش بود در جلسات با همه با مهربانی و لبخند روبرو می شد و سعی

داشت حاضرین و ناظرین را خوشحال کند از این جهت در نگاه و ذهن اطرافیان همیشه با لبخند نمکین در خاطره‌ها شناخته می‌شد و کمتر کسی خشم و عصبانیت او را بیاد داشت. روحانی شهید سید فتح الله، بجهت عشق و علاقه‌ای که به امام خمینی رحمة الله علیه و روحانیت و انقلاب داشت نتوانست نسبت به هجوم صدام به کشور اسلامی ایران بی تفاوت بماند و در لیبیک به فرمان امام و فرماندهان سپاه مبنی به نیاز جبهه‌ها به نیروهای جوان و کارآمد بی تفاوت بماند و بنا به تکلیف شرعی جهت پیوستن به رزمندگان اسلام در جبهه‌ها خود را به سپاه گچساران معرفی و پس از دوره‌های رزمی بسیج، عازم جبهه شدند شهید سید فتح الله صفری ۱۸ ماه در جبهه بود و بعد از ۱۸ ماه مجروح گردید.

شهید سید فتح الله چندین بار به جبهه اعزام شد تا سرانجام در تاریخ ۶۷/۰۲/۱۸ در منطقه عملیاتی ماووت عراق با اصابت ترکش خمپاره به درجه رفیع شهادت نائل آمد پیکر پاک شهید را جهت تکفین و تدفین به گچساران انتقال دادند و بگفته شاهدان حاضر هنگام تکفین با حضور همه حاضرین و ناظرین با لبخند ملیح و نمکین شهید مواجه شدند که همه متحیر و متعجب شدند و بر نجابت و پاکی این شهید درود فرستادند. پیکر پاکش در روستای بیدک باشت، محل زادگاهش بخاک سپرده شد روحش شاد و یادش ماندگار.



شماره ملی شهید: ۴۲۶۸۹۲۷۹۹۹
 ش.پ. حوزه: ۷-۱۰۸۷
 کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۲۹

بخش‌هایی از وصیت نامه طلبه شهید سید فتح‌الله صفری

بِسْمِ رَبِّ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ
يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ
(توبه آیه ۱۱۱)

... مرا ای پروردگار محمد ﷺ در صراط مستقیمت محکم کن تا در تحکیم دین رسول تو زیبائی‌های شهادت را با روحم در آغوش کشم، ای معبود من مرا در نزد امام رو سفید کن، الهی جان ناچیز مرا بگیر و به پای نهال اسلام و انسانیت بریز، الهی، مگر با اولین قطرات خونم که بر سرزمین شهید خیز می‌ریزد لایق آمرزش تو نمی‌شوم، زمین را از خونم سیراب کن. خدایا، شهیدم کن تا بر حقانیت محمد ﷺ شهادت دهم، براستی که حیات جاودانگی بر سایه شهادت است، من برای کسب شهرت و افتخار به جبهه نمی‌روم بلکه از این جهت به جبهه می‌روم که در آنجا در راه اسلام و برای اسلام باشم و در جهت الهی رشد نمایم. خداوندا گناهان مرا بیخشی که اگر نبخشی در پیشگاه تو هیچ ندارم و پیش رسولت و امامانت خجل می‌باشم. خداوندا، پروردگارا من گناهان مرا عفو کن که طاقت عذاب سنگین تو را ندارم.



وصیت به مادر



سلام بر مادر عزیزم، و اما ای مادر عزیزم، تو نزدیکترین و مهربانترین انسان در طول زندگی من بودی و مهربانتر از تو و پدرم کسی را سرغ ندارم. شما برای من زیاد زحمت کشیدید، درود بر تو که زحمات زیادی کشیدی از شما تشکر می‌کنم و اگر حق فرزندی تو را ادا نکردم از شما می‌خواهم که با روح بزرگواری که دارید مرا ببخشید، من اکنون جان ناچیزم را تسلیم خدا نمودم و در راه او می‌دهم ولی شما فرزند خود را در طبق اخلاص نهاده و به خدا تقدیم کرده‌اید.

سفارش به پدر

و شما ای پدر و مادر، ارزشتان بارها و بارها از من بیشتر است و والاترین ارزش‌ها را دارید و همچنین تو ای پدر تو هم برای من زحمت زیادی کشیدی. چه رنج‌ها و زحماتی که نمی‌شود بر زبان آورد ولی من جواب زحمات تو را ندادم، امیدوارم تو هم از سر تقصیرات من درگذری و خداوند این بخشش را از شما قبول کند و شما از خداوند بخواهید که این قربانی را از شما بپذیرد. و خوشحال و شاد باشید که فرزند خود را به خدای هدیه کردید و اگر شما بدانید که چه اجری و مزدی در پیشگاه خدا دارید هیچوقت گریه نمی‌کنید و نه اینکه گریه نمی‌کنید بلکه خیلی خوشحال و مسرور هم می‌شوید.

توصیه به برادران و خواهران

اما سخنی با برادرانم و خواهرانم: صورت یکایک شما را می‌بوسم امیدوارم که با یک دست قرآن و با دست دیگر سلاح بگیرید و بر صف دشمنان اسلام و بر منافقین و خلاصه تمامی دشمنان این انقلاب حمله برید و نگذارید حتی یک قطره از خون شهیدان این انقلاب، چه قبل

از انقلاب و چه بعد از انقلاب خدائی نکرده به هدر برود و شما باید حافظ خون شهیدان باشید که امیدم بر شماست همچون گذشته استوار و پا بر جا اعتقاد به ولایت فقیه در سنگر مسجد به راهتان ادامه دهید که شهادت من حُسن نشانه درستی مسیرتان باشد و فرزندان با ایمانی تربیت کنید و این ارزشمندترین کاری است که شما هم می‌توانید و هم باید بکنید و این کار شما در پیشگاه پروردگار خیلی محبوب است.


و در آخر از تمامی دوستان و آشنایان و فامیل که ممکن است از دست من رنجش و ناراحتی و بدی دیده باشند بگوئید به بزرگواری بر من ببخشند و حلالم کنند و اگر چنین نباشد من در آن دنیا در عذابی سخت دچار خواهم شد، امیدارم چنین نشود به حکم خدا و اگر شهادت نصیبم شد عکس شهید بهشتی و شهید مطهری و عکس شهدای سادات بیدک را پشت قبرم قرار دهند.

و در آخر با دعای رزمندگان شما عزیز و فداکاران روزگار را به خدای بزرگ می‌سپارم و از شما می‌خواهم که در هر حال و در همه اوقات و احوال و افعال و افکار و خلاصه در تمام زندگی خدا را از یاد نبرید که او آمرزنده گناهان است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته سید فتح الله صفری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شماره: ۶۹۱/۹۲۲

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

گواهینامه استخامی سطح یک

بأوقیعت نمازنده متعال

و ممالیت حضرت بیته الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بر موجب شماره ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و مسومه ۵۵۵-۵ سازمان امور اداری و استخامی کشور

بر آقای قبح اله صفری بیدک

فرزند میر عبد العظیم به شماره شناسنامه ۴۸۹ صادره از دوگنبدان متولد ۱۳۴۶

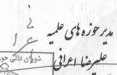

دارای شماره پرونده ۷-۱۰۸۷ گواهی سطح یک اعطاء می گردد.

شورای عالی حوزه های علمیه

مرکز مدیریت حوزه های علمیه

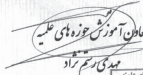

مدیر حوزه های علمیه

علیرضا عوفانی

معاون آموزش حوزه های علمیه

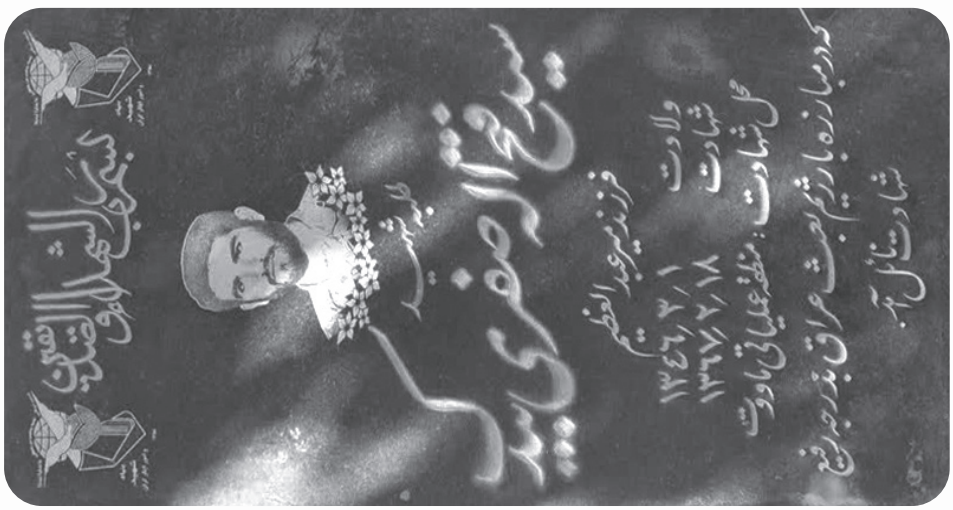
محمدی کریم زاد

بر موجب مصوبت فوق این گواهینامه دارای اعتبار حقوقی و استخامی می باشد.



جهت مشرف شدن به مزار شهید بارگد را اسکن کنید.





عمادی کریم



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۲/۰۹/۱۳، سی سخت

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۱۸، فاو

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۲ سال ۳ ماه ۵ روز

نام پدر: محمد جان

وضعیت تأهل: مجرد

نام مادر: فخری

شغل پدر: کشاورز

رشته: فلسفه

مذهب: شیعه

تحصیلات حوزوی: سطح یک

تحصیلات کلاسیک: دانشجو

سمت: رزمی تبلیغی

عنوان: بسیجی

عامل جنایت: بعث عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش

مزار مطهر: زادگاهش

روحانی شهید کریم عمادی فرزند محمد جان در تاریخ سیزدهم آذر ماه سال ۱۳۴۲ در محل ده بزرگ شهرستان سی سخت بدنیا آمد این شهید والا مقام پس از ورود به مدرسه ابتدایی و گذراندن دوره ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان موفق به اخذ دیپلم در رشته اقتصاد و اجتماعی گردید. شهید کریم عمادی که از ابتدا از هوش و ذکاوت سرشاری برخوردار بود.

در تمامی دوران تحصیلی از دانش آموزان ممتاز به شمار می‌رفت. این شهید با صفا با پشتکار و تلاش و علاقه پس از پایان تحصیلات دوران دبیرستان به خاطر عشق و علاقه به اسلام و روحانیت وارد مدرسه علمیه ولی عصر یاسوج گردید. در مصاحبه‌ای که هنگام ورود به

مدرسه از ایشان به عمل آمد وقتی از ایشان سؤال شد انگیزه شما برای ورود به حوزه علمیه چیست؟ جواب می‌دهد که حوزه را بهترین جا برای خودسازی یافته‌ام.

روحانی شهید کریم عمادی با این انگیزه وارد مدرسه علمیه شد و به خاطر علاقه و استعدادی که داشت خیلی زود و خوب توانست در دروس حوزه‌ای پیشرفت نماید پس از دو سال که در حوزه مشغول تحصیلات علوم دینی بود با مشورت اساتید خود در سال ۱۳۶۳ در کنکور سراسری شرکت نمود و در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در رشته ادبیات عرب پذیرفته شد.

طلبه پرتلاش شهید کریم عمادی در طول دوران تحصیل و حتی تا آخرین تعطیلات تابستان ۱۳۶۴ همیشه مجبور بود تابستان‌ها را به کارگری بگذراند تا بتواند هزینه تحصیل خود را فراهم سازد ولی همیشه از روحیه‌ای بالا و همتی والا برخوردار بود. حتی همکلاسی‌هایش به سختی می‌توانستند تشخیص بدهند که ایشان با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کند لازم به ذکر است که در دوران دانشگاه نیز از تحصیل و دروس دینی و حوزوی دست برداشت و در یکی از مدارس علمیه تهران تحصیلات حوزوی خود را ادامه می‌داد وی به خاطر ناراحتی که از ناحیه زانو داشت نمی‌توانست در جبهه‌های جنگ شرکت کند همیشه از این بابت متأسف بود و بارها خون خود را به رزمندگان اهدا می‌نمود وقتی در مدرسه ولی عصر یاسوج شهریه ماهی پانصد تومانی خود را دریافت می‌کرد، پنجاه تومان آن را هر ماه به جبهه کمک می‌نمود تا اینکه به خاطر عملی که در پاییز ۱۳۶۳ بر روی پای وی انجام گرفت بهبودی نسبی بدست آورد و در چهارم اسفندماه ۱۳۶۴ همراه کاروان دانشجویی از طریق دانشگاه تهران عازم جبهه گردید و سرانجام در روز ۱۳۶۴/۱۲/۱۸ در هنگامی که مشغول وضو گرفتن بود در منطقه هور العظیم و جبهه شط علی به خیل عظیم شهدای اسلام پیوست و به آرزوی خود رسید.



شماره ملی شهید: ۱۹۵۰۱۷۵۱۳۸

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۱۶

کد مرکز خدمات: ۴۴۱۰۴۹

بخش‌هایی از وصیت‌نامه روحانی شهید کریم عمادی

اینجانب کریم عمادی به وحدانیت خدای متعال و نبوت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ولایت و امامت امیرالمومنین امام علی بن ابی‌طالب عَلَيْهِ السَّلَام و اولاد طاهرینش عَلَيْهِمُ السَّلَام تا حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ السَّيِّئَاتُ و به معاد و عدل و جهنم و بهشت و برزخ و کلیه اصول دین و فروع دین و کلیه اوامر و احکام مذهب جعفری اعتقاد و ایمان کامل و راسخ دارم دانشجو و (طلبه‌ای) که در این راه حاضر به هرگونه جانبازی و ایثار خون و جان خود می‌باشم.

با حمد و ثنای الهی و درود به روان پاک سید انبیاء الهی حضرت ختمی مرتب رسول اعظم ابوالقاسم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه طاهرین و اولیاء الهی و اولیاء معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام و سلام به روان پاک شهداء الله راه حق و فضیلت از هابیل تا کربلای حسینی و از کربلای حسین تا کربلاهای ایران و درود بر تمامی رزمندگان راه حق و پویندگان خط محمدی و تمامی انسان‌های با ایمان که در مسیر خط سرخ خمینی گام برمی‌دارند. و سلام پاک به رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی مرجع و فاقد حرکت اسلامی در این قرن حضرت امام خمینی (روحی له الفداء) به تمام یاران و دوستدارانش و مقلدان با ایمان و با اخلاصش باد و لعنت و عذاب جاویدان و عذاب قبر شامل حال دشمنان اسلام و مسلمین و منافقین داخلی باد.

ای حسین بارها زیارت عاشورای تو را می‌خوانم و می‌گفتم *يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ...* ای کاش من با شما در صحرای کربلا بودم. راز دین خدا، راز توای وارث آدم، ای ثمره هستی وای امام برحق حمایت می‌کردم و در راه دفاع از تو و آرمانهای مقدست می‌جنگیدم. و جانم را خالصانه در راه تو که همان صراط مستقیم الهی است فدا می‌کردم.



سخنی با مردم

اما سخنی که با مردم دارم ... ای مردم مسلمان ما باید از اسلام و قرآن پیروی کنیم. اسلام مکتبی جامع است ما هم باید یک مسلمانی جامع باشیم به نحوی که تمام واجبات را انجام دهیم.

سخنی با پدر و مادر گرامی و عزیزم

شما برای بزرگ کردن و رشد من خیلی زحمت کشیدید آن هم در آن زمان‌هایی که فقر و نداری دامنگیر همه بود خصوصاً خانواده‌هایی شبیه ما که همه مستضعف بودید شما وظیفه خود را در قبال من انجام دادید و مرا با اسلام و قرآن آشنا ساختید و عشق علی علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام را در قلبم جای دادید عشقی که اگر در قلب کسی جای گرفت به نحوی در تمامی اوامر و نواهی، ما مطیع آن‌ها بوده با شرط اخلاص و تقوا و یقین، آن کس که اینگونه باشد از اهل بهشت است.

خانواده عزیزم شما را به نماز، روزه، تقوا و اخلاق حسنه با همدیگر توصیه و سفارش جدی می‌نمایم اگر توفیق زیارت مجدد شما نصیبم نشد و شهید شدم در فراق من کاری نکنید که منافقین و مخالفین اسلام و انقلاب خوشحال شوند. سرافراز باشید، طوری که صبر و استقامت شما کمر آن‌ها (دشمنان) را خرد نماید.

خانواده عزیزم، با شهادت من، مرا بدست آورده‌اید بدانید این دنیا دور روز است جایگاه من عمل و انتخاب من است. من راه حسین بن علی علیه السلام که راه شهادت است را انتخاب نمودم مادر جان اگر ناراحت شدی و دلت خواست گریه کنی به یاد شهدایی گریه کن که مادر نداشتند به یاد امام حسین علیه السلام گریه کن همگام با حضرت زینب کبری علیه السلام که آنقدر گریه کرد که دیگر اشک چشمش خشک شده بود همه شما را به صبر و استواری و استقامت توصیه می‌کنم.


دلنوشته‌ای از زهرا یکی از همسایگان شهید کریم عمادی در وبلاگ شخصی

... همین دو هفته پیش بود که همراه با خواهران بسیجی برای دیدار از خانواده شهید به منزل شهید کریم عمادی رفتیم. شهید بزرگواری که در اخلاق و رفتار نمونه جوانان محله بود. همه دوست داشتند برای یک بار هم که شده مادر این شهید بزرگوار را از نزدیک ببینند. اول من و یکی از دوستان که منزل ما نزدیک خانه شهید بود رفتیم. مادری صبور و مهربان که با اصرار می‌گفت بیاید داخل بشینید تا بقیه بیایند. ولی حیاط با صفای خانه شهید، مانع می‌شد که ما به داخل اتاق برویم. راستش حیاط پر بود از گل‌های زیبایی که نماد و یادگار شهید این خانواده بود. مادر شهید دارای ۵ فرزند بود که همه را از آب و گل در آورده و هم اکنون با نوه پسریش آقا مصطفی زندگی می‌کرد. مادری مهربان و صبور که وقتی از فرزند شهیدش حرف می‌زد آهی از ته دل می‌کشید و چشمانش پر از اشک می‌شد.


همه برای ادای احترام به این مادر شهید آمده بودند. و سکوت بود و سکوت... نسیم خنکی از قله کوه سر بفلک کشیده دنا که سر افرازانه می‌وزید من با خود فکر می‌کردم که عصرها که حتما مادر داشت وضو می‌گرفت تا با خدا راز و نیاز کند تا کمی از فراق فرزندش کم شود. ۱
روحشان شاد و یادشان گرامی باد

نوشته شده در چهارشنبه بیستم دی ۱۳۹۱ ساعت ۱۱:۵۴ توسط زهرا (از همسایگان شهید)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِتَوْفِيقِهِ تَدْوَنُ مُتَالِ



شماره: ۶۹۱/۲۷۰۳
 تاریخ: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹



شورای عالی حوزه های علمیه
 مرکز مدیریت حوزه های علمیه

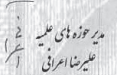
کتابنامه استخامی سطح یک

با توفیق حضرت علامه آیت الله العظمی (علیه السلام) آية الله العظمى السيد محمد باقر العظمي الحلي
 و عنایت حضرت شیخ الاسلام (علیه السلام) آية الله العظمى السيد محمد باقر العظمي الحلي

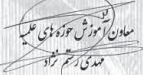
به موجب مصوبه ۹۸۶ شورای عالی حوزه های علمیه و مصوبه ۵۵۰۵ هیات مدیران امور اداری و استخامی کشور
 به آقای کریم عبادی


فرزند محمدجان دارای کد ملی ۱۹۵۰۱۷۵۱۳۸ صادره از دنا
 متولد ۱۳۴۲ دارای شماره پرونده ۷-۱۸۱۶ کوای سطح یک اعطاء می گردد.

مدیر حوزه های علمیه
 طبرستان اصفهانی




مسئول آموزش حوزه های علمیه
 مهدی زکریا





شورای عالی حوزه های علمیه
 مرکز مدیریت حوزه های علمیه



مرکز مدیریت حوزه های علمیه
 طابقت مرکز علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کرم عبادی

فرزند محمدجان

متولد ۱۳۴۲ که در تاریخ
 ۱۳۷۶/۰۶/۱۸ در رشت علی کرمش
 علق به درجہ رفیع شهادت نائل آمد



غلامی بیدک سید محمد علی



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۷/۰۶/۱۹، باشت کچساران
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۷/۰۴/۰۴، پد خندق

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۹ سال ۹ ماه ۱۵ روز

نام پدر: میر سیاوش

وضعیت تأهل: مجرد

نام مادر: نوری جان

شغل پدر: کشاورز

رشته: ادبیات

مذهب: شیعه

تحصیلات حوزوی: سطح دو

تحصیلات کلاسیک: دوره دیپلم

عنوان: بسیجی

نحوه شهادت: بمباران شیمیایی

عامل جنایت: بعث عراق

سمت: رزمی تبلیغی

مزار مطهر: زادگاهش

طلبه شهید سید محمد علی غلامی فرزند میرسیاوش از سادات سلطان محمودشاه از نوادگان امام موسی بن جعفر امام کاظم علیه السلام در ۱۳۴۷/۰۶/۱۹ شمسی در روستای تلخ آب سفلی در منطقه بیدک از توابع شهرستان باشت گچساران از مادر متولد شد و در همسایگی امامزاده واجب التعظیم و باکرامت سلطان محمود رشد کرد و در همان روستا به تحصیلات ابتدایی مشغول شد. شهید سید محمد علی پس از طی دوره ابتدایی به همراه خانواده به شیراز مهاجرت کردند و ادامه تحصیلات خود را تا اخذ دیپلم در شیراز ادامه داد و نهایتاً در سال ۱۳۶۳ با اشتیاق فراوان به تحصیل علوم دینی و حوزوی در حوزه علمیه منصوریه شیراز به سلک طلبگی مزین شد و در محضر اساتید فرزانه و فرهیخته‌ای چون آیت الله حاج شیخ محمدرضا

حدائق و شیخ علی رضا حدائق کسب فیض می نمود و به کمالات معنوی و روحی ارتقاء پیدا می کرد.

طلبه شهید پس از طی دروس حوزه علمیه تا سطح یک، با توجه به عنایت ایشان به مسئله جنگ و دفاع مقدس به ضرورت حضورش در جبهه نور علیه ظلمت و تحقق آرمان های دینی و طلبگی علاقمند و مشتاق حضور در جبهه های جنگ بود.

همرزمان شهید سید محمد علی درجبهه شهیدان طلبه شهید حسن توحیدی، طلبه شهید احمد رحیمی و طلبه شهید محمد علی سیاره بودند که همگی بشهادت رسیده

بودند و همین مسئله سبب شده بود تا روحانی شهید سید محمد علی هم ببقرار شهادت شود تا اینکه پس از ۵ بار اعزام به جبهه در آخرین ماموریت جنگی اش بعنوان بی سیم چی در بیگان دریایی لشکر نوزده فجر بود و بالاخره در تاریخ ۱۳۶۷/۰۴/۰۴ در منطقه عملیاتی پدخندق توسط دشمن بعثی به مراد دل خود رسید و شربت شهادت نوش جان کرد و پیکر پاکش در آب های هور مفقود الجسد شد تا اینکه پس از دوازده سال گروه تفحص گلبرگ های پریر وجودش را از عمق آب های جزیره بیرون کشیدند و استخوان ها و پلاکش را در پارچه ای سفید پیچیدند و به خانواده اش تقدیم کردند و در گلزار شهدا کنار دیگر همزمانش بخاک سپرده شد به دوستان و همزمان شهیدش پیوست. پیکر شریف روحانی شهید سید محمد علی غلامی در زادگاهش بیدک به خاک سپرده شد.



روحش شاد و یادش ماندگار.

دست نوشته سید ناصر حسینی پور درباره همرمزم شهیدش سید محمد علی غلامی

... از آن جمع حدود هشتاد نفری فقط ده، دوازده نفرمان زنده مانده بودیم. سالار شفیع



شماره ملی شهید: ۴۲۶۸۹۲۹۰۰۲

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۱۴

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۳۰

نژاد، محمد علی غلامی، غلام قاسم زاده، جمشید کرم زاده و چند بسیجی دیگر. سه، چهار نفر از بچه‌ها حدود صد متر جلوتر در سنگر تیر بار مانع پیشروی دشمن بودند.

... در لحظات آخر بی‌سیمچی‌مان شهید شد. سید محمد علی غلامی مجروح شده بود. غلام قاسم زاده هم سمت راست جاده تیر خورد و شهید شد. خون زیادی از سید محمد علی می‌رفت. به زمین که افتاد سعی کرد خودش را به کانال کنار جاده برساند. صدای ویراژ گلوله‌ها از همه جای جاده به گوش می‌رسید. سید محمد علی با سختی خودش را به شانه‌ی جاده رساند. سر و صورتش خاکی و خون آلود بود. ترکشی به گونه چپش خورده بود و صورت و چشمش پر از خون بود. زیر لب قرآن می‌خواند. در سال‌های جنگ کمتر شهیدی را دیدم که آخرین لحظاته‌ش را بدون نام ائمه گذرانده باشد. نمی‌دانستم برای سید محمد علی چه کار کنم. از تشنگی رمق نداشت. دراز نمی‌کشید. گفتم: ((سید! دراز بکش، خیلی خونریزی داری!))

گفت: طوریم نیست، این جوری راحت‌ترم.

گفتم خونریزیت بیشتر می‌شه.

گفت: نشسته بهتره.

گفتم دراز بکش تا به چیزی پیدا کنم و زخم‌هاتو باهاش ببندم.

گفت: چیزی نمی‌خوام؛ او کوله پشتی رو بذار زیر سرم.

او در حالی که از سینه و سرش خون می‌ریخت حاضر نبود دراز بکشد. صدای عراقی‌ها شنیده می‌شد. نمی‌توانستم از او جدا شوم. برای اینکه زخم‌هایش را ببندم، اجازه نداد پیراهنش را پاره کنم. نگاهم به چهره‌اش بود که با آرامش خاصی می‌گفت:

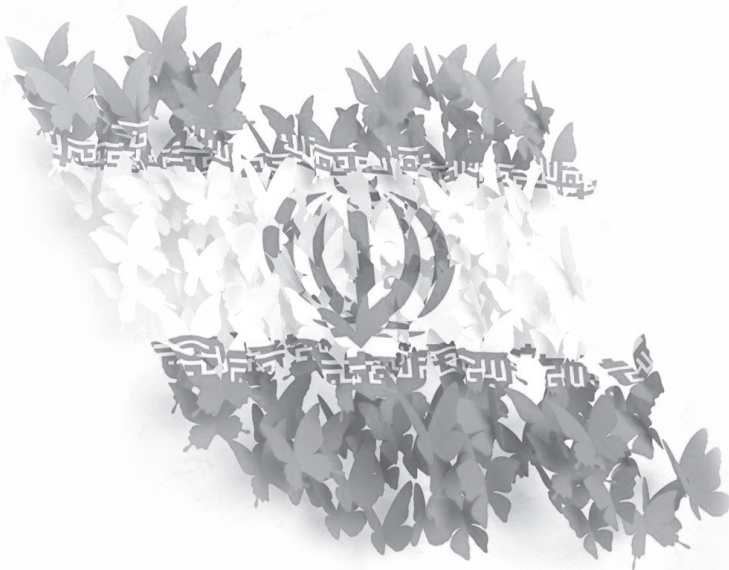
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ
وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

اشک و خونابه از چشمانش سرازیر شد. دو دستش را پشت سرش روی زمین قرار داده بود تا تکیه گاهش باشد. نمی‌دانم چرا می‌خواست نشسته باشد. شاید این طلبه اهل دل می‌خواست وقتی به آقا امام حسین علیه السلام عرض ارادت می‌کند، ادب و حرمت را نگه داشته و

نشسته به آقا سلام کند.

از رنگ و رویش پیدا بود زنده نمی ماند. آخرین دعای او هیچ وقت فراموشم نمی شود: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ**

در لحظات آخر، با کلاه آهنی از آب راه کناری ام برایش آب آوردم؛ نخورد. حتی حاضر نشد لب هایش خیس شود. نمی دانم، فکر می کنم می خواست، تشنه شهید شود. سرانجام سید تشنه شهید شد!



خصوصیات اخلاقی شهید

از صفات برجسته شهید شهامت و شجاعت خاصی بود که شهید داشت و در بین جوانان هم سن و سال خودش زبانزد بود شهید سید محمد علی صدای زیبایی داشت و یکی از مداحان خوش صوت منطقه بود همیشه مرتب و منظم و بوی عطر می داد شهید مفقود الجسد پس از ۱۳ سال بالاخره پیکر پاکش در سال ۱۳۸۳ با تلاش های گروه تجسس پیدا شد و به آغوش خانواده اش برگشت و در روستای زادگاهش کنار دیگر شهدا بخاک سپرده شد در تمام این سال ها ناله مادرش همیشه بلند بود و چشم انتظار پیکر فرزند شهیدش بود تا


بالاخره پس از سال‌ها چشم‌انتظاری بخانواده بازگشت.
روحش شاد و یادش ماندگار

بخش‌هایی از وصیت نامه شهید خطاب به خانواده

پدرجان زحماتی که درمورد این حقیر متحمل شدی عاجزانه از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید بخصوص مادرم وصیت می‌کنم که زیاد خودت را ناراحت نکن تا می‌توانی صبر کن و زحماتی که چه در دوران کودکی چه بعد از آن برایم کشیدی و شیری که به من دادی عاجزانه از تو می‌خواهم که مرا حلال کنی امیدوارم که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به شما اجر و مزد و پاداش بدهد.

تنها وصیتی که به برادران و خواهرانم دارم این است که صورت یکایک شما را بوسه می‌زنم امیدوارم که فرزندان با تربیت اسلامی تحویل این جامعه بدهید که راه من را ادامه بدهند و با یکدست قرآن وبا یکدست دیگر سلاح بردارند و برصف دشمنان دین مبین اسلام و قرآن بجنگند.





شورای عالی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گواهینامه استحضامی مطبوعه

با تقدیرات خداوند متعال
و عنایت حضرت تبارک و تعالی (عجل العتلی فرید الشریف)
به موجب سند ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و مصوبه ۵۵۰۵/۵۵۰۵/۵۵۰۵ مورخه ۱۳۹۱/۰۷/۰۹ استحضامی نمود

به آقای سید محمد علی غلامی میدک

فرزند سید یاش واری کلدانی ۴۲۶۸۹۲۹۰۰۲ صلاحه از کچمدان
متولد ۱۳۴۸ واری شماره پرونده ۷-۱۸۱۴ گواهی مطبوعه و اعطای گردید.

معاون آموزش حوزه های علمیه
محمدی رحیم نژاد

مدیر حوزه های علمیه
علیرضا امرانی

مهره علمیه حوزه های علمیه
مهره علمیه حوزه های علمیه

این گواهینامه صرفاً دارای اعتبار حقوقی و استحضامی می باشد



جهت مشرف شدن به مزار شهید بزرگوار را اسکن کنید.



سید محمد علی غلامی میدک

فرزند سید رحیم یاش

ولادت ۱۳۴۸/۰۷/۰۹

شهادت ۱۳۶۷/۰۷/۰۹

محل شهادت منطقه علمیه ای پیربزرگان

که در مبارزه با رژیم بعث عراق بدرجه

ربیع شهادت نال



غریبی سید، همت الله



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۷/۰۶/۷، روستای ده برآفتاب

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۵/۰۶/۲۲، فاو

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۸ سال ۰ ماه ۱۵ روز	وضعیت تأهل: مجرد
نام پدر: سید امرالله	شغل پدر: کشاورز
نام مادر: گلابی	مذهب: شیعه
رشته: تجربی	تحصیلات کلاسیک: اول دبیرستان
تحصیلات حوزوی: سطح یک	عنوان: بسیجی
سمت: معاون فرمانده گروهان	نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره
عامل جنایت: بعث عراق	مزار مطهر: زادگاهش

روحانی شهید سید همت الله غریبی فرزند امرالله در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۴۷ در خانواده‌ای مذهبی و متدین در روستای شهید پرور ده برآفتاب از توابع شهرستان یاسوج چشم به جهان گشود. همزمان با تحصیلات دوره ابتدایی این سید شهید، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به پیروزی رسید و حکومت خودکامه پهلوی فرار و جمهوری اسلامی برقرار شد و در دومین سال حکومت اسلامی دشمنان انقلاب و اسلام برهبری آمریکا و مزدور اجیر شده‌اش صدام جنگ را به ملت مسلمان ایران تحمیل کردند به خیال نابودی انقلاب و خاموش کردن قیام و جنبش اسلامی مردم مسلمان ایران، که در نهایت با ذلت و شکست صدام و اربابان آمریکایی‌اش مفتضحانه شکست خوردند.



شهید سرافراز سید همت الله غریبی، بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی برای ادامه تحصیل در مقطع دبیرستان به شهر یاسوج عزیمت نمود و در دبیرستان شهید مطهری یاسوج در رشته تجربی مشغول به تحصیل شد. در همین ایام بود که عشق به جهاد فی سبیل الله او را به سوی جبهه‌های حق علیه باطل کشاند و در لیبک به ندای امام خمینی مبنی بر حضور جوانان در جبهه‌های جنگ، سید همت الله مشتاقانه با ثبت نام در بسیج مردمی و آموزش نظامی خود را به سنگرهای جبهه‌های جنگ تحمیلی رساند و در کنار رزمندگان به آرامش رسید. سید همت الله غریبی در پاییز سال ۱۳۶۳ در مقطع تحصیلی دوم دبیرستان به دلیل شدت علاقه به امام خمینی و روحانیت به کسب علوم دینی و حوزوی علاقمند شد و در مصاحبه پذیرشی حوزه علمیه قم شرکت کرد و با موفقیت در آزمون، در همان سال با عزمی راسخ راهی قم گردید تا ضمن کسب علوم حوزوی آمادگی‌های خود را برای خدمت به اسلام و مسلمین افزون کند و در این تصمیم تا سطح یک دروس حوزوی را طی کرد و در سنگر خودسازی و تهذیب نفس به درجات بالایی رسید.



شماره ملی شهید: ۴۲۳۰۳۹۳۱۲۱

ش.پ. حوزه: ۷-۴۱۰

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۱۵

شهید همت الله با اطمینان و اعتماد به نفس به قصد فراگیری علوم قدیم و جدید گام‌های بلندی برداشت و به کسب علوم حوزوی و دانشگاهی توأم حرکت کرد تا هم در سنگر دانشگاه منشاء خدمات باشد هم در سنگر علم و فقاہت به سیره اجداد طاهرینش، پرچمدار اسلام محمدی و منادی حقانیت و مظلومیت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام باشد. در مدتی که در قم مشغول تحصیل بود برای بار دوم عازم جبهه‌های نور علیه ظلمت شده در عملیات آزادسازی شهر اشغال شده مهران حضور فعال داشت.

روحانی شهید سید همت الله غریبی در سومین سفر رزمی تبلیغی خود به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل در خط مقدم جبهه فاو به عنوان جانشین گروهان ویژه طلاب اعزامی از قم در لشکر ۲۵ کربلا در روز ۲۲ شهریور ماه سال ۱۳۶۵، مصادف با هشتم محرم (شب تاسوعای حسینی) در منطقه فاو بر اثر ترکش خمپاره به قلب نازنینش، شهد شهادت نوشید و با عروج روح ملکوتیش به معراج شهدای کربلا، کربلایی شد.

پیکر مطهر این سید روحانی شهید در گلزار شهدای روستای ده برآفتاب در کنار دیگر هم‌زمان شهیدش به خاک سپرده شد.
روحش شاد و راهش پر رهرو باد.



خصوصیات فردی شهید از زبان برادرش محمد رضا

شهید سید همت الله غریبی طلبه‌ای به معنی واقعی کلمه سرباز و فدائی ولایت و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بود، روح ملکوتی او عظیم‌تر و پاک‌تر از این است که در قفس دنیا محبوس باشد. لذا در اوایل جوانی پرکشید و به اعلی‌علیین پیوست. تحصیلات ابتدایی را در روستای "ده برآفتاب" گذراند و همیشه یک دانش‌آموز زبده و تیزهوش بود همچنین همکلاسی دکتر چراغزاده بود.

در خانواده شهید سید همت الله غریبی، ۱۰ خواهر و برادر زندگی می‌کردند که شهید فرزند ششم خانواده بود و از کودکی به مسائل دینی علاقه بسیاری داشت.

هم‌رزمش ساعد نیک‌بخت شهید بزرگوار را اینگونه توصیف می‌کند:

شهید سید همت الله کم حرف بود اما زیاد تفکر می‌کرد. شجاعت غیرقابل وصفی داشت. دائم‌الوضو بودن و اهمیت به برپایی نماز شب از خصوصیات معنوی و عرفانی این شهید عزیز بود.

در ارتباط با دوستان و هم‌زمان بسیار ساده و بی‌آلایش بود حتی لباس و ظرف غذای دیگران را هم می‌شست اهل دنیا و متعلقات آن نبود او با خدا معامله کرده بود و آرزو می‌کرد تا فیض شهادت نصیبش شود و به آرزوی خود هم رسید

محمد رضا غریبی برادر شهید سید همت الله که خود جانباز جنگ است و بیش از ۱۶ ماه سابقه جبهه دارد نقل می‌کند و می‌گوید:

ایشان (سید همت الله) در قم تحصیل می‌کرد و من نیز عضو طرح ساماندهی بسیج (طرح مالک اشتر) بودم که باید به منطقه عملیاتی اعزام می‌شدیم و برادر دیگر من در منطقه جنگی کردستان بود این شهید برای دیدار ما به خانه آمد وقتی به خانه آمد من از او خواستم که پیش مادر بماند تا بتوانم به جبهه بروم، قبول کرد و گفت؛ اگر شرایط بدی در جبهه ایجاد نشود، می‌مانم تا برگردی.


یکی از شب‌ها، نیمه‌های شب با شنیدن صدای ناله و گریه‌های همراه با التماس بیدار

شدم که متوجه شدم شهید همت الله است که دارد با خدا راز و نیاز می‌کند و تا صبح به همان حالت بود فردای همان شب من عازم جبهه شدم و قریب به یک ماه در منطقه "شط علی" ماندیم این منطقه روی آب بود همچنین یک منطقه ممنوعه و جنگی بود بعد از این یک ماه با بی‌سیم بهم خبر دادند که وسایلم را جمع کنم و برگردم اما قبول نکردم بارها اصرار کردند اما باز هم من نمی‌خواستم برگردم تا اینکه گفتن اگر دستور را اجرا نکنی و برنگردی اجازه شرکت در ادامه عملیات به شما داده نمی‌شود که این بار قبول کردم و برگشتم.

تعدادی از هم محلی‌هایم که در آنجا بودند از شهادت بردارم (همت الله) خبر داشتند اما نمی‌خواستند که متوجه شوم من را به یاسوج آوردند فکر می‌کردم که بردارم که در کردستان است شهید شده است شهید همت الله قرار بود که پیش مادر بماند و اصلا فکرش را هم نمی‌کردم که او شهید شده باشد به یاسوج که رسیدیم راننده و بقیه گفتند می‌خواهیم به روستا برویم اما من گفتم شما قرار بود تنها به یاسوج بیاید و برگردید قرار نبود به روستا برویم که آن‌ها قبول نکردند و گفتن حتما باید سری به روستا بزنیم که وقتی به روستا رسیدیم آن‌جا خلوت بود اما یک باره چشمم به پارچه‌ای پیام تسلیت افتاد که اسم شهید همت الله روی آن نوشته شده بود.

خبر شهادت شهید همت الله را از قبل به مادرم نداده بودند و زمانی که آمبولانس به روستا آمد، مادرم متوجه شهادت ایشان شد و بسیار شوکه شده بود. لازم به ذکر است که شهید همت الله در منطقه "فاو در اثر برخورد ترکش به ناحیه چپ و کنار قلبش به شهادت رسید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ




شماره: ۶۹۱/۴۴۵
تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۰۶

کتابخانه استخری سطح یک

بوقیات نمازخانه مسال

و منات حضرت بزرگوار (علی‌الله‌الاکبر) محل الله علیه فیه الشرف

به موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه‌های علمیه و مصوبه ۵۵۰۵/۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور



شورای عالی حوزه‌های علمیه
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

به آقای: **بهت‌الله غریبی**

فرزند امرالله به شماره شناسنامه ۷۵۹ صادره از یاسوج متولد ۱۳۴۷

دارایی شماره پرونده ۷-۴۱۰ کوایی سطح یک اعطاء می‌گردد.

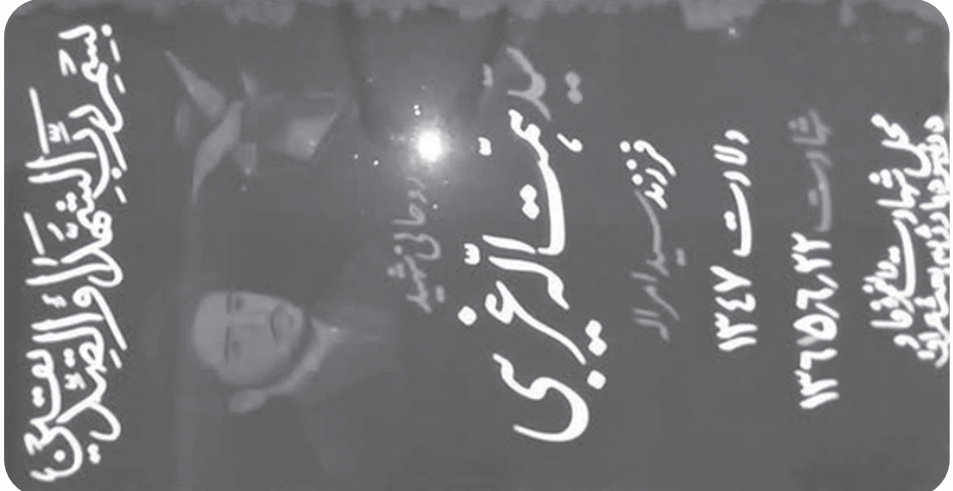
شورای عالی حوزه‌های علمیه
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۰۶

سازمان امور اداری و استخدامی کشور
مدیریت منابع انسانی
تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۰۶

به موجب سهمیه فوق این کاتبه دارای امتیاز حقوقی استماعی می‌باشد.



جهت مشرف شدن به مزار شهید بارگله را اسکن کنید.





محبی پور عبدالله



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۳/۰۳/۰۳، باشت
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۵۹/۱۲/۱۳، بیارستان سعدی شیراز

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۶ سال ۹ ماه ۱۰ روز

نام پدر: شکرالله

وضعیت تأهل: مجرد

نام مادر: شکر

شغل پدر: رواحانی و کشاورز

سمت: مبلغ

مذهب: شیعه

تحصیلات حوزوی: سطح دو

تحصیلات کلاسیک: پایان دوره ابتدایی

عنوان: رزمی تبلیغی

نحوه شهادت: جراحات وارده به شکم

مزار مطهر: گلزار شهدای باشت

عامل جنایت: بعث عراق

طلبه شهید شیخ عبدالله محبی پور در سوم خرداد ۱۳۴۳، در شهر باشت از توابع شهرستان چگساران به دنیا آمد. پدرش شکرالله و مادرش شکر نام داشت. دوره ابتدایی را به پایان رساند. سپس بدلیل علاقه زیاد به فراگیری علوم دینی و حوزوی پرداخت. پدر بزرگوارش از روحانیون محلی منطقه بود از این جهت زمینه علاقمندی شهید عبدالله به حوزه فراهم بود. از همین رو به مدرسه علمیه شهرستان بهبهان که از قدیم الایام مرکز علم و روحانیت بود، رفت. شهید شیخ عبدالله حدود یک سال در حوزه علمیه بهبهان تحصیل کرد و بعد از آن جهت ادامه تحصیل دروس حوزوی به شیراز رفت و در آنجا به مدت سه سال مشغول کسب معارف و تحصیل علوم دینی شد و پس از مدتی جهت فراگیری علوم تخصصی حوزوی به شهر قم

عزیمت کرد و در جوار قبر شریف حضرت فاطمه معصومه ع.ا.س. به ادامه تحصیل تا سطح یک دروس حوزه ادامه داد.

پس از مدتی جذب بسیج شدند و دوره‌های آموزش رزمی را گذراند و به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. در تاریخ ۱۳۵۹/۰۹/۰۵ در حین حفر سنگر بر اثر ترکش خمپاره از ناحیه شکم و بازوی چپ مجروح و در یکی از بیمارستان‌های آبادان تحت مداوا قرار گرفت و پس از چند روز جهت ادامه درمان به تهران منتقل و در بیمارستان راه آهن تهران بستری شد پس از بهبودی نسبی راهی گچساران و سرکشی به خانواده شد.

هنوز چند روزی از مرخصی نگذشته بود که دوباره حالش بد شد و بطور اورژانس به بیمارستان سعدی شیراز اعزام و تحت مداوا قرار گرفت.

تلاش پزشکان در مورد این روحانی شهید موثر نیفتاد و سرانجام در تاریخ سیزدهم اسفند ۱۳۵۹ در حالی که فقط ۱۶ سال از سن شریفش می‌گذشت، لیبیک گویان به دیدار پروردگار خویش نائل شد و به جمع دوستان شهیدش پیوست.

پیکر پاک طلبه شهید شیخ عبدالله محبی پور جهت تشییع و تدفین به گچساران انتقال و پس از تشییع جنازه توسط مردم غیور گچساران و باشت در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش بخاک سپرده شد.



شماره ملی شهید: ۴۲۶۸۸۹۰۳۳۵

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۱۳

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۲۷

ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری شهید شیخ عبدالله محبی پور به نقل از اطرافیان و بستگان و دوستانش

شهید عبدالله دارای ایمانی محکم به خدا و قیامت بود او به اسلام عشق می‌ورزید و در راه رضای محبوبش خدای متعال تا حد توانش می‌کوشید.

شهید شیخ عبدالله جوانی پاکدامن، متواضع و فروتن بود از گناهان و معاصی بشدت پرهیز می‌کرد در اوقات شبانه روز به عبادت و رسیدگی به کارهای روزانه و خدمت به خانواده مشغول بود و در دل شب به راز و نیاز با معبود خویش می‌پرداخت.

با تواضع نماز می‌خواند و در سجده‌های طولانی نمازش از خدای خویش حاجات خود را طلب می‌کرد دوستانش همیشه از او به نیکی یاد می‌کنند و او را خوش اخلاق و دارای چهره متبسم و خندان می‌دانند.

در مدرسه در زمره طلاب مستعد و ممتاز و نمونه بود و این استعداد خدادادی بود که در کنار فراگیری دروس حوزه به فعالیت‌های اجتماعی و انقلابی هم ادامه می‌داد.

هنوز حسینیّه اعظم شهرستان اهواز یاد فداکاری‌ها و تلاش‌های شیخ عبدالله را به یاد دارد که چگونه بصورت پنهانی به تکثیر و پخش اعلامیه‌های انقلابی امام خمینی و عکس‌های حضرت امام را در بین مردم و انقلابیون پخش می‌پرداخت.





خاطره‌ای از روحانی شهید حجت الاسلام شیخ عبدالله محبی پور

روزی در حال حرکت به سمت باشت بودیم. ناگهان به راننده گفت نگه دار، او از ماشین پیاده شد و دو پسر را که با هم دعوا می‌کردند از هم جدا کرد، آن‌ها را آشتی داد و دست در جیبش کرد و به هر دو مبلغی پول داد. آری همه رفتار و کردارش مهربانانه بود و علامت شهادت در پیشانی‌اش موج می‌زد.^۱

خاطرات شهید محبی پور از زبان برادران و دوستانش :

وقتی در بیمارستان بستری بود پرستار می‌خواست سُرْم وصل کنه هرکاری کرد رگ دستش رو نتونست پیدا کنه چون خیلی ضعیف شده بود به شهید گفت هرچه می‌گردم رگت رو پیدا نمی‌کنم شهید درپاسخ به شوخی گفت:

می‌دونید رگ‌های منو صدام دزدیده

شهید از شدت تشنگی خیلی بی‌تاب بود ولی خوردن آب برایش ضرر داشت می‌گفت:

یکی از آرزوهایم اینه که دستم رو تو چشمه آب سرد بکنم و سیر آب بخورم تا بدنم خنک بشه.

خاطره یکی از دوستان شهید :

زمانی که عازم جبهه بود از او پرسیدم می‌خوای بری جبهه و برنگردی؟ شهید در پاسخ گفت: دست من نیست که برم و برگردم دست اون کسی است که می‌بره و برمی‌گردد. گفتیم: اگر شهید بشی ما بعد از شما چکار کنیم پاسخ داد: صبر کنی تا نوبت شما بشه

بخشی از وصیت نامه شهید

باید تا آخرین قطره خون خود در برابر کافران بجنگیم تا پیروز شویم و یا اینکه جان خود را در راه اسلام فدا کنیم تا این همه شهیدانی که در این راه رفته‌اند خون آنها الگویی باشد برای جهانیان

وصیت به پدر و مادر و خانواده

به پدر و مادرم و برادران و خواهران و قوم و خویشان سفارش می‌کنم که اگر شهید شدم هیچ گونه ناراحتی نداشته باشید زیرا این راه، راه خوشحالی است بخصوص به مادرم می‌گویم که اگر برنگشتم به جای اینکه برایم گریه کنی و خاک بر سر بریزی گل بر سر بگذار و خوشحال باش که فرزندت را در راه خدا داده‌ای





موسوی سید یونس



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۷/۰۸/۲۹، کچساران
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۵/۰۶/۲۸، فاو

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۷ سال ۹ ماه ۲۹ روز
وضعیت تأهل: مجرد
شغل پدر: کارگر صنعت نفت
مذهب: شیعه
تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی
نحوه شهادت: اصابت ترکش به شکم و قطع پاها
سمت: مبلغ، رزمی تبلیغی
مزار مطهر: گلزار شهدای زادگاهش

نام پدر: سید یعقوب
نام مادر: شمایل
تحصیلات حوزوی: سطح دو
عامل جنایت: بعث عراق

طلبه شهید سید یونس موسوی فرزند سید یعقوب در ۲۹ آبانماه ۱۳۴۷ در يك خانواده مذهبی در یکی از روستاهای اطراف گچساران دیده به جهان گشود. دوران مدرسه ابتدایی و کلاس اول دبستان قدم گذاشت و از همان کودکی هوش و استعدادش برای اطرافیان کاملاً مشهود بود اتمام دوران ابتدایی و وارد شدن به محیط مدرسه راهنمایی مصادف با دگرگونی جامعه و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی بود شهید با اخلاص سید یونس نیز در جریان انقلاب اسلامی به همراه دیگر دانش آموزان در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد با بلا رفتن سن و کمال عقلی و اطلاع از اوضاع مملکت و انقلاب دیگر محیط مدرسه او را ارضاء نمی‌کرد به همین علت بود که

بعد از اتمام دوران راهنمایی در مصاحبه پذیرشی مدرسه علمیه ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام یاسوج شرکت نمود و در آبان ماه ۱۳۶۱ پس از موفقیت در مصاحبه پذیرشی وارد محیط حوزه و طلبگی شد و زندگی طلبگی را در حجره و مباحثات علمی در کنار دیگر طلاب در مدرسه علمیه ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام یاسوج شروع کرد.

شروع به تحصیل علوم دینی از کتاب جامع المقدمات نمود در مدت یکسال در آن حوزه کتاب‌های زیادی را به پایان رسانید و از همان ابتدا استعداد سرشار و هوش فوق العاده او توجه استاد و همکلاسی‌هایش را بخود جلب نمود شهید سید یونس موسوی پس از طی مراحل دروس مقدمات حوزه به جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم گردید و در این حوزه مقدس شروع به تحصیل دروس حوزوی و به دلیل نبوغ بالای این شهید وارسته و در مدت یکسال کتاب‌های زیادی را به دقت مطالعه می‌نمود. و در اول سال تحصیلی ۱۳۶۵-۱۳۶۴ ایشان دروس دوران مقدماتی را که با دقت و اشتیاق زیاد که گذرانده بود را در مرکز شورای مدیریت قم امتحان دادند که در بین شرکت‌کنندگان ممتاز شناخته شد.

در ابتدای سال پنجم قصد داشت که کتاب رسائل شیخ اعظم مرتضی انصاری قدس سره را شروع نماید ولی عشق محبوب و وصال معشوق او را به سوی خود کشانید و چنانچه خداوند تبارک و تعالی در حدیث قدسی می‌فرماید: *مَنْ طَلَبَنِي، وَجَدَنِي وَ مَنْ عَرَفَنِي، عَرَفَنِي وَ مَنْ عَرَفَنِي، عَشِقَنِي وَ مَنْ عَشِقَنِي، عَشِقْتُهُ وَ مَنْ عَشِقْتُهُ، قَتَلْتُهُ وَ مَنْ قَتَلْتُهُ، فَعَلَىٰ دِيَّتِهِ وَ مَنْ عَلَىٰ دِيَّتِهِ، فَأَنَا دِيَّتُهُ*. آن کس که مرا طلب کند می‌یابد، آن کس که مرا یافت می‌شناسد، آن کس که دوستم داشت به من عشق می‌ورزد، آن کس که به من عشق ورزید من نیز به او عشق می‌ورزم، آن کس که به او عشق ورزیدم کشته ام می‌شود و آن کس که کشته ام شود خون بهایش بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر من واجب است پس من خودم خون بهایش هستم»، وصال معشوق را ترجیح داد و در جوار رحمت ابدی محبوب خود به حیات جاوید رسیده و خداوند نعمت عظمای شهادت را نصیب او گردانید.

خصوصیات اخلاقی به نقل از همسنگران شهید

شهید سید یونس موسوی به تبعیت از اجداد طاهرینش دائم الوضو بود و دائم الصلوات و



شماره ملی شهید: ۱۷۵۵۴۲۳۶۵۹

ش.پ. حوزه: ۷-۱۸۱۲

کد مرکز خدمات: ۴۴۳۴۸۳

به دیگران هم توصیه می‌کرد که زیاد صلوات بفرستید با صدای بلند، همیشه اهل مطالعه و تفکر بود و دائم به دوستان خود سفارش می‌کرد مطالعه کنید و اطلاعات دینی خود را بالا ببرید.


در خط پدافندی فاو با شهید سید همت الله غریبی در غروب روز تاسوعا همسفر شدند و شب عاشورا در خط پدافندی فاو ما را تنها گذاشتند، با صورتی خندان و شاد که چندین بار من گفتم نه او زنده است و با او حرف می‌زدم.

وصف شهید سید یونس موسوی از زبان آیت الله سید احمد خاتمی امام جمعه تهران و مدرس حوزه‌های علمیه در قم و تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (سوره مبارکه احزاب، آیه ۲۳)

درمیان مومنان مردانی هستند که بر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستادند. بعضی پیمان خود را به آخر بردند و وفا کردند (شهید شدند) و بعضی دیگر منتظر وفای به عهد و پیمان (منتظر شهادت) و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. شهادت این برادر عزیز، برگ است از هزاران برگ افتخارات روحانیت فداکار شیعه قرار بود این برادر عزیز طلبه (سید یونس موسوی) بعد از محرم و صفر ملبس به لباس پرافتخار روحانیت گردد ولی مقدر چنین بود که با شهادت خود عمامه‌ای از نور بر سر نهد و دمساز و هم‌آواز اولیاءالله گردد.



شماره: ۶۹۱۲۴۷۰
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

بابت: **کولنامه استخامی طح دو**

باتوقیت شهزاده منتقل
و عنایت حضرت پیر الی الاطهر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
به موجب منوبه ۹۸ شهزاده علی حوزوی علیه و صوبه ۵-۵۵۵ استان امور اداری و استخامی کشور

به آقای سیدپوش موسوی

فرزند سید مستوب دارای کد ملی ۱۷۵۵۴۲۳۶۵۹ صادره از گچساران
متولد ۱۳۴۷ دارای شماره پرونده ۷-۱۸۱۲ کواچی صلح دو اعطاء می گردد.

میر حوزوی علی علیه السلام
علیرضا عراقی

مسئول آموزش حوزوی علیه السلام
محمدی از سرگودا


شورای عالی حوزوی علی علیه السلام
کمیته تخصصی امور حوزوی

کمیته تخصصی امور حوزوی علی علیه السلام

این کولنامه صرفاً دارای اعتبار حقوقی و استخامی می باشد



جهت شرف شدن به مزار شهید باگد را امکان کنید.



سیدپوش موسوی

فرزند سید یعقوب
متولد ۱۳۴۷ که در
تاریخ ۱۳۶۵/۶/۲۸ در عملیات پدافندی
منطقه قزو در مبارزه با رژیم بعث عراق
به فیض شهادت فانی آمد

پریدند و بنام عشق رفتند
از اینجا تا مقام عشق رفتند
شبی همراه با یک ترکش داغ
به پا بوس امام عشق رفتند

پیشانی خود را مورانه بر گران شرفشان کجا ران



نورالدینی علی (سید علی)



تاریخ و محل ولادت: ۰۳/۰۶/۱۳۳۲، دهدشت

تاریخ و محل شهادت: ۰۸/۱۰/۱۳۵۷، بهمان

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۵ سال ۴ ماه ۵ روز

وضعیت تأهل: متأهل نام پدر: سید بیت الله

شغل پدر: کشاورز نام مادر: ماه سلطان

مذهب: شیعه تحصیلات حوزوی: سطح دو

نحوه شهادت: اصابت گلوله هنگام تظاهرات علیه رژیم شاهنشاهی

عامل جنایت: رژیم طاغوت مزار مطهر: زادگاهش

روحانی شهید سید علی نورالدینی از طایفه سادات امامزاده نورالدین علیه السلام در جوار این امامزاده بابرکت در حومه شهرستان دهدشت در تاریخ سوم شهریور ۱۳۳۲ شمسی در روستای دم عباس از توابع شهرستان دهدشت دیده به جهان گشود. پدرش بیت الله و مادرش ماه سلطان نام داشت. عشق به امام خوبی‌ها امام علی علیه السلام سبب گردید که نام فرزند عزیزشان را علی بگذارند. دوران رشد و نمو اولیه زندگی خود را در حال و هوای زندگی عشایری سپری نمود. سادات مذکور که در محل زادگاه شهید حدود سیصد خانوار بودند که بر اثر بی‌توجهی رژیم منحوس و منحن پهلوی به مناطق عشایر در سن یازده سالگی راهی دبستان شد که دبستان یاد شده در هفت کیلومتری زادگاه شهید بود.



شهید سید علی تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. و چون عشق و علاقه زیادی به دین مقدس اسلام داشت به اطاعت از فرامین اجدادش (اطلبوا العلم من المهد إلى اللهد) راهی حوزه علمیه شهرستان بهبهان گردید در آن زمان حوزه علمیه کهن بهبهان همچون دیگر حوزه‌های علمیه شیعه از پویایی و شور و نشاط خاصی برخوردار بود. لذا سید علی در این حوزه مقدس بنا به ارشاد اساتید و معلمین اخلاق سال‌های نوجوانی را همراه تہذیب نفس و تحصیل علوم اسلامی و به جوانی رساند

شهید سید علی دروس حوزه را تا سطح ۲ و اتمام لمعتین و اصول فقه ادامه داد و در کنار کسب علوم حوزه به سنت اجداد طاهرینش به امر تبلیغ اسلام و علوم اهل بیت علیهم السلام و هدایت مردم مومن و مسلمان هم مشغول بود.

روحانی شهید سید علی نورالدینی، در سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب یک دختر شد. روحانی شهید سید علی نورالدینی با روحیه انقلابی بفرمان امام خمینی در همه تظاهراتها و راهپیمایی‌ها شرکت و بر علیه رژیم جبار پهلوی روشنگری و فعالیت می‌کرد. این شهید سرافراز



شماره ملی شهید: ۴۲۵۰۶۲۱۹۳۶

ش.پ. حوزه: ۷-۰۷۸

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۲۳

در تاریخ ۸ دی ماه سال ۱۳۵۷ در بحبویه انقلاب و راهپیمایی‌ها قبل از پیروزی و به ثمر رسیدن نهضت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در مصاف و درگیری با عوامل شاه و ساواک در بهبهان به شهادت رسید. و در روستای زادگاهش دم‌عباس بخاک سپرده شد و قبر شریفش زیارتگاه عاشقان انقلاب و مردم شریف و مسلمان منطقه گشت.

روحانی شهید سید علی نورالدینی هفتمین شهید صدر انقلاب و اولین شهید روحانیت استان کهگیلویه و بویر احمد است که توسط عوامل رژیم پهلوی بر اثر اصابت گلوله عوامل رژیم در بهبهان به شهادت رسید. روحش شاد و یادش ماندگار.

ویژگی‌های اخلاقی شهید

اخلاص و پاکی نیت از همان اوان طلبگی در اعمال و رفتار این جوان سید وارسته متبلور بود این دانشجوی مکتب امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام با نماز شب انس و الفت تماشایی داشت و از عبادات شبانه لذت می‌برد که در آنجا مورد توجه استادش مرحوم شهید بخردیان قرار گرفت شهید نورالدینی از نظر اخلاق طوری بود که با هر کس که نشست و برخاست داشت مجذوب ایشان می‌شد، زیرا خوش خلق و خوش‌رفتار بود، همیشه این سخن امیرالمؤمنین ورد زبانش بود: **وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ وَ لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو** و همیشه به رفقاییش توصیه می‌نمود که به موقع نماز بخوانید، اهمیت به درس بدهید و مستحبات را ترك نکنید.



یکی از دوستان همراهش در مبارزات انقلابی نقل می‌کند:


از نظر مبارزاتی شهید نورالدینی همیشه و در هر جا تظاهرات به پا می‌شد عضوی از آن افراد بود و در جلو جمعیت بود و به نوکران و جیره خواران شاه آمریکایی و آمریکای جنایتکار لعن و نفرین می‌نمود و مرگ بر آن‌ها می‌گفت. در محرم سال ۱۳۵۷ که نهضت اسلامی ایران به رهبری زعیم عالیقدر علم تشیع نایب الامام مرحوم امام خمینی رحمة الله علیه انقلاب به اوج اعلا رسیده و پایه رژیم خون آشام شاه مخلوع به لرزه افتاده بود توسط گروه حزب الله اعلامیه با حلول ماه محرم رهبر انقلاب رسید و مرحوم امام سفارش زیادی فرموده بودند که طلبه‌ها به شهرستان‌ها و دهات بروند و جنایت این پدر و پسر را که به مردم و اسلام روا داشته‌اند افشا نمایند و مردم را روشن کنند

پس از فرمان امام خمینی شهید سید علی نورالدینی به روستاهای اطراف بهبهان رفت و بی‌مهابا و شجاعانه به افشای چهره رژیم می‌پرداخت. در موقع برگشت در کنار پاسگاه ژاندارمری که سر راهمان بود شعار مرگ بر شاه را سر دادیم. سرباز نگهبانی که بالای پاسگاه بود پایین رفت بنده به شهید گفتم سرباز حتماً جریان شعار گفتن خودمان را به رئیس پاسگاه می‌گوید اگر رئیس پاسگاه فرستاد برای خودمان تکلیف چیست؟ پیشنهادش این بود همین که رئیس پاسگاه رسید او را خلع سلاح کنیم و بکشیم چون در واقع خیلی ناراحت بودیم برای اینکه تازه از رادیو شنیده بودیم که آیت الله نوری را شهید نمودند. ظهر بود که پیاده شدیم برای ناهار يك سرباز آمد و با لحن تندی گفت رئیس پاسگاه گفت سادات نورالدینی بیایند پاسگاه ابتدا شهید نورالدینی گفت برو به او بگو ما نمی‌آییم چون دعوایی نکردیم که کسی از دستمان شاکی باشد سرباز گفت اتفاقاً رئیس پاسگاه از دستتان شاکی است! شهید گفت چرا؟ سرباز گفت برای اینکه توهین به شاه کردید. شهید گفت همه مردم مرگ بر شاه گفتند ما هم گفتیم. سرباز به شهید توهین نمود شهید نورالدینی همچون شیر خشمگین شد دست بر چوبی برد و به سرباز پاسگاه زد.

نحوه شهادت

... در محرم سال ۱۳۵۷ شهید سید علی به همراه گروهی از روحانیون برای تبلیغ به منطقه دهدشت رفته بودند؛ که به وسیله مزدوران دربار و خوانین خائن وابسته دستگیر شدند ولی (سید علی نورالدینی) توانست از حصار مأمورین بگریزد و خود را به بهبهان برساند. تا وقتی که شهید نورالدینی شهید شد تظاهراتی نبود که در آن شرکت نکرده باشد و سرانجام در روز ۲۸ محرم سال ۱۳۵۷ روز جمعه ساعت ۱۰:۳۰ در حالی که جلوی دژخیمان رژیم یکی از بچه‌ها به ضرب گلوله افتاد و این سید علی بود که به سر سپردگان نهیب زد و فریاد می‌کرد که چرا به خاطر يك نفر (شاه) مردم را از بین می‌برید او نوکر بیگانه است و مرگ بر شاه و اربابانش می‌گفت که تیر خورد و به فیض عظمای شهادت نائل آمد و بدن پاکش را با هزار زحمت شبانه از رژیم پس گرفتیم. خون پاك او که به دریای جوشان خون سالار شهیدان حضرت اباعبدالله حسین علیه السلام متصل شده بود خون این سید روحانی شهید در رگ‌های جوانان برومند آن سامان جاری شد بدین سان اولین شهید شهرستان دهدشت بر فراز دستان غیرت و دیانت تشییع شد جسم او را به خاک و یادش به دل‌ها سپرده شد. از شهید نورالدین يك دختر به جا مانده که در آن وقت يك سال بیشتر نداشت. ۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 وَبِذِکْرِ اللّٰهِ نَسْتَعِیْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِیْمِ



شماره: ۶۹۱/۶۵
 تاریخ: ۱۳۹۶/۰۴/۲۸


کتابخانه استخامی سطح دو

با توفیق خداوند متعال
 و عنایت حضرت بی‌الله الاکبر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
 بر موجب شماره ۶۹۱ شورای عالی حوزه‌های علمیه و شماره ۵۵۰۵ در سال ۱۳۹۶ شمسی و استخامی کتبخانه


بر آثامی سید علی نورالدینی
 فرزند میت‌اله بر شماره شناسنامه ۳۹۵ صادره از کهگیلویه ممتولد ۱۳۳۲
 دارای شماره پرونده ۷-۰۷۸ کواچی سطح دو اعطاء می‌گردد.

شورای عالی حوزه‌های علمیه
 مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه


مدیر حوزه‌های علمیه
 علیرضا اعرافی



مدیر امور اسناد و کتابخانه‌های علمی
 محمدی رحمت‌شاد



بر موجب مسابقات قرآنی این کانون در ایام شهادت حضرت زینب کبری (س) می‌باشد.



رودخانه شهادت

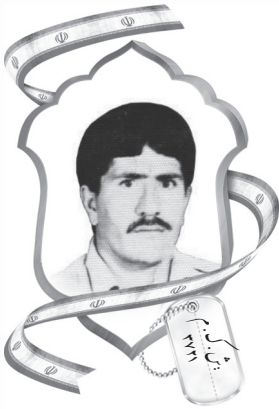
فرزند سید میت‌اله

ولادت ۱۳۳۲ شمادت ۱۳۵۷/۱۰/۸

محل شهادت: بهشت زین

که در مبارزه با رژیم پهلوی بدرجه رشید

شهادت نائل آید



هاشمی پور سید یعقوب



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۴/۰۱/۰۱، بیدک کچساران
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۱، ارفند رود

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۰ سال ۱۰ ماه ۲۰ روز

نام پدر: میر سلطان

وضعیت تأهل: مجرد

نام مادر: ماه بی بی

شغل پدر: کشاورز

عنوان: بسیجی

مذهب: شیعه

تحصیلات حوزوی: سطح دو

تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی

عامل جنایت: بعث عراق

سمت: رزمی تبلیغی

مزار مطهر: زادگاهش

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به پاها

روحانی شهید سید یعقوب هاشمی پور در تاریخ اول فروردین ۱۳۴۴، در روستای سلطان آباد بیدک از توابع شهرستان گچساران به دنیا آمد. پدرش میرسلطان، کشاورز بود و مادرش ماه بی بی خانه دار بود. سید یعقوب تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش به پایان رساند و بدلیل علاقه فراوانی که به روحانیت و دین اسلام داشت مسلک جدش رسول الله را دنبال کرد و جهت فراگیری علوم دینی و حوزوی، حرفه طلبگی و راه روحانیت را انتخاب کرد و راهی دارالعلم مرحوم آیت الله بهبهانی در اهواز شد. و تا سطح دو علوم حوزوی را ادامه داد طلبگی سید یعقوب همزمان با جنگ تحمیلی و حمله صدام آمریکایی به ایران اسلامی بود سید یعقوب بعد از فرمان امام خمینی مبنی بر حمایت جوانان کشور از رزمندگان اسلام و دفاع

از نظام اسلامی در جبهه‌های جنگ به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. روحانی شهید سید یعقوب در عملیات‌های مختلفی شرکت کرد حضور سراسر عشق و ایثار و سرنجام پس از نبردی توأم با شور و عشق و مردانگی در بیست و یکم بهمن ماه ۱۳۶۴ در عملیات والفجر ۸ خون سرخش بر زمین ریخت و به ملکوت اعلی شتافت این شهید سرافراز در تاریخ بیست و یکم بهمن ۱۳۶۴، به خیل شهدای سرافراز جبهه حق علیه باطل و هم‌زمان شهیدش پیوست و مزارش در روستای زادگاهش زیارتگاه عاشقان گردید. روحش شاد و یادش ماندگار

بخش‌هایی از وصیت‌نامه شهید سید یعقوب هاشمی پور:

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

با نام خدا و با سلام به ارواح طیبه شهدای صدر اسلام و شهدای گلگون کفن انقلاب اسلامی ایران و با درود و سلام به امام زمان و نایب برحقش امام خمینی و با سلام و درود بر ملت قهرمان و شهید پرور ایران این بنده حقیر با قلبی راسخ و مملو از ایمان و اراده‌ای مصمم به پروردگار و پیامبران بخصوص پیامبر گرامی حضرت محمد ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام و رهبران رهرو آن‌ها به سوی جبهه حق علیه باطل روی آورده و انشاءالله در این عملیات شرکت می‌کنم با امید به اینکه پروردگار عالم مرا قبول نماید و این بنده حقیر و گنهکار را بپذیرد و اگر که در این راه شهادت نصیبم شد با روی باز و عقیده‌ای مصمم به سوی پروردگار خویش پرواز خواهم کرد و عاشقانه از آن استقبال می‌کنم که این چند قطره خون بنده‌ای ضعیف و ذلیل به ریشه درخت اسلام ریخته شود و باعث رشد اسلام گردد و اسلام ترقی نماید چون همین خونهاست که اسلام را آبیاری می‌کند و راهگشای کربلای حسین می‌گردد تا عاشقان حسین علیهم‌السلام به زیارت امام خویش بروند و آن امام معظم را زیارت کنند و این بنده روسپاه را دعا نمایند باشد که با دعای شما ملت عزیز امام حسین علیهم‌السلام واسطه‌ای شود نزد پروردگار و باعث شود که پروردگار مرا بپذیرد و ببخشد و بیامرزد.



شماره ملی شهید: ۴۲۶۸۹۲۷۹۰۵

ش.پ. حوزه: ۷-۹۱۱

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۳۲۸

وصیت به ملت ایران

خواهشی که از ملت ایران دارم این است راه شهدا را ادامه دهند و نگذارند که خون این شهیدان عزیز پایمال شود و کاری کنند که واقعاً شهداء خوشحال باشند و طبق آیه‌ای که می‌فرماید: انا لله و انا الیه راجعون ما یک روز به دنیا آمده‌ایم و روزی هم از دنیا می‌رویم چه بهتر که با دلی پاک و در راه خودش بسوی خدا بشتابیم که در آخرت شرمنده نباشیم.

وصیت به پدر و مادر و برادران و خواهران

... و شما پدر عزیز اگر که تاکنون برای تو فرزند خوبی نبودم و باعث ناراحتی تو شدم از تو واقعاً می‌خواهم که قلبت را با من صاف کنی و با آن مهر پدری مرا دعا نمایی اگر شما قلباً مرانبخشی و دعا نکنی من در آن دنیا زجر می‌کشم و ناراحتم چون آه پدری هیچ وقت فرزند را راحت نمی‌گذارد و شما برادران عزیزم مرا حلال کنید اگر برادر خوبی نبودم و مهربان نبودم امیدوارم مرا ببخشید و خواهرانم صبر و استقامت زینب‌وار پیشه کنید و گریه و زاری نکنید که دشمنان شاد شوند و از همه فامیل و اقوام و دوستان می‌خواهم که حساب بدگویی و بدرفتاری و اعمال بد مرا به پای اسلام نگذارند و مرا ببخشند و حلال نمایند و شما زن پدر عزیز همانطور مرا بزرگ کردی و به جامعه تحویل دادی امیدوارم که مرا ببخشی و صبر مادری پیشه نمایی و من هم پیش مادرم زهرا تو را شفاعت می‌کنم.

از شما می‌خواهم که دستانم را از تابوت بیرون آورید تا مردم بدانند که من چیزی از دنیا با خودم نبرده‌ام و چشمانم را باز بگذارید تا منافقین خیال نکنند که کورکورانه شهید شدم و چون مادر ندارم که برایم گریه کند یک قالب یخ روی قبرم بگذارید تا بجای مادرم برایم گریه کند. دوست دارم شمع باشم در دل شب‌ها بسوزم

روشنی بخشم به جمعی یا که خود تنها بسوزم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِحَمْدِ اللَّهِ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيْنَا وَآمَنَّا بِعِلْمِهِ وَاتَّقَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَسْبُهَا



شورای عالی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه



گواهینامه استخامی سطح دو

شماره: ۶۹۱/۱۰۶۰

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

باتوفیقات خداوند متعال

و عنایت حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

به موجب مصوبه ۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و مصوبه ۵۵۰۵/د سازمان امور اداری و استخدامی کشور

به آقای **یعقوب هاشمی پور**

فرزند میرسلطان به شماره شناسنامه ۴۸۹ صادره از باشت متولد ۱۳۴۴

دارای شماره پرونده ۷-۹۱۱ گواهی سطح دو اعطاء می گردد.

مدیر حوزه های علمیه
علیرضا اصفهانی



معاون آموزش حوزه های علمیه
محمدی کریم مراد



به موجب مصوبات فوق، این گواهینامه دارای اعتبار حقوقی و استخدامی می باشد.



ماشمی محمدآبادسید بشیر



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۳/۰۶/۰۵، محله کود عربان، شیراز
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۱/۱۲/۲۷، قصر شیرین

آغاز حیات جاودان بعد از: ۱۸ سال ۵ ماه ۸ روز

نام پدر: امرالله

وضعیت تأهل: مجرد

نام مادر: عطری

شغل پدر: معلم، روحانی

عنوان: بسیجی

مذهب: شیعه

تحصیلات حوزوی: سطح یک

تحصیلات کلاسیک: دیپلم

عامل جنایت: بعث عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر و سینه

مزار مطهر: گلزار شهدای شهر یاسوج

سحرگاه پنجم شهریور ماه سال ۱۳۴۳ در محله گود عربان شیراز کودکی به دنیا آمد. پدرش سید امرالله و مادرش عطری نام داشت. او که در کنار پدری روحانی و مبلغ اسلام و مادری با ایمان تربیت صحیح اسلامی را آموخت، پس از طی دوران پر خاطره و سازنده کودکی قدم به مدرسه گذاشت و تا کلاس سوم ابتدایی در دبستان فرصت شیراز مشغول یادگیری شد در سال ۱۳۵۰ که خانواده شهید به یاسوج منتقل شدند او به همراه خانواده به یاسوج آمد و تا کلاس اول دبیرستان در این شهر ادامه تحصیل داد. آنگاه شهید در دبیرستان نمونه نمازی شیراز بعنوان دانش آموزی زبده و فعال پذیرفته شد و دو سال آخر دبیرستان را در این مرکز سپری کرد و موفق به اخذ گواهینامه دیپلم در رشته ریاضی گردید. ورود او به دبیرستان نمازی

مصادف با شروع نهضت امام خمینی بود. در تظاهرات و راهپیمائی‌های آن دوران حضوری فعال داشت. او که از همان اوایل کودکی علاقه ویژه‌ای به فراگیری قرآن و سرگذشت خاندان عصمت و طهارت نشان داده بود برای فرو نشانیدن عطش معنویت روحی و بهره‌مند شدن از گلستان معطر فرهنگ ائمه اطهار علیهم‌السلام با رغبت خود و تشویق خانواده وارد حوزه علمیه آقاباباخان شیراز گردید. مدتی را در این مدرسه به تحصیل علوم دینی مشغول بود و از محضر استادان علم و عرفان آن حوزه بهره‌های علمی فراوان برد. با اوج گیری آتش جنگ تحمیلی حوزه و درس را رها کرد و مرغ جان را با شوق، وصال در گستره آسمان جبهه نبرد به پرواز در آورد تا آنچه را که در حوزه علمیه خوانده بود در عمل به اثبات برساند. او ابتدا در دوره آموزش نظامی در مرودشت شرکت کرد و آنگاه به سوی میدان نبرد رهسپار شد و منطقه غرب را برای رزم روزانه و نیایش شبانه انتخاب کرد. سرانجام این چشم براه شهادت، پس از دلآوری‌های فراوان بیست و هفتم اسفند ۱۳۶۱، در قصرشیرین بر اثر اصابت ترکش به سر و سینه، شهید شد. پیکر او را در گلزار شهدای شهر یاسوج تابعه شهرستان بویراحمد به خاک سپردند.

خاطراتی از شهید

در حیرت ماندم

در مدرسه آقاباباخان شیراز به عنوان طلبه مشغول تحصیل بود. من هم شاگرد علوم دینی مدرسه علمیه خان آن شهر بودم. سید بشیر دوره آموزش نظامی را به منظور حضور در جبهه‌ها و دفاع از کیان اسلام و مهین در منطقه [ازرقان شیراز] سپری کرد. ساعت ۱۲ روز اعزام برای احوالپرسی و خداحافظی نزد من آمد و گفت: ساعت یک بعد از ظهر قرار است به سمت جبهه حرکت کنیم. از ایشان به گرمی استقبال کردم اما با توجه به سن کم وی راضی به رفتن ایشان نبودم.

تصمیم گرفتم با پیکش کشیدن حرف‌ها و بحث‌های مختلف او را سرگرم کنم تا متوجه گذشت زمان نشود. شاید با این طریق از همراهی کاروان بازماند. لذا از هر دری سخن گفتم و با هیجان خاصی موضوع را دنبال کرده و وی را به مشارکت در



شماره ملی شهید: ۲۲۹۷۴۴۱۲۸۲

ش.پ. حوزه: ۷-۰۹۱۰

کد مرکز خدمات: ۴۴۳۸۶۳

بحث با خود همراه نمودم. غافل از اینکه او هوشیارتر بود و ضمن صحبت و گفتگو و مشارکت در بحث گذر زمان و لحظه حرکت کاروان را در نظر داشت. از بازار وکیل گذشتیم و به نزدیکی‌های مدرسه آقا باباخان رسیدیم. ساعت حدود ۱۲:۳۰ بود و من همچنان مشغول صحبت بودم و او در حال گوش دادن. پس از چند لحظه‌ای متوجه شدم بر سرعت قدم‌های خود می‌افزاید و دلوا پس و نگران است! به او گفتم آرام‌تر حرکت کن چرا اینقدر عجله می‌کنی؟ گفتم: زمان زیادی تا اعزام باقی نمانده است می‌ترسم جابمانم. وقت برای صحبت و گفتگو زیاد است پس از آن گام‌های خود را سریعتر برداشتم و روبه طرف من عقب عقب رفت و در فاصله دورتری از من دستش را بعنوان خداحافظی تکان داد من مات و مبهوت در جای خود میخکوب و از اینکه نتوانستم او را از تصمیمش منصرف نمایم در حیرت ماندم. بلی او در چه حالی بود و من در چه فکری!

دکتر سید نذیر هاشمی (برادر شهید)

طلبه مطلوبی بود

صرف و نحو عربی را به ایشان تدریس می‌کردم. او بسیار منظم و مرتب و علاقمند به درس بود. بدون تاخیر وارد کلاس می‌شد و در این کار مقید بود. در معاشرت با طلبه‌ها و اساتید بسیار جوان مؤدب، مؤقر و سر به زیر و کم حرف بود. اهل توسل و تقوی بود در درس و کلاس ممتاز بود و در یادگیری دروس خیلی تلاش می‌کرد. هیچ برخورد غیر طبیعی از ایشان ندیدم یا گزارش نشد. در مجموع طلبه مطلوبی بود و بنده به ایشان امیدها داشتم ولی به هر حال شهادت فوز عظیمی بود که به افتخار آن نائل شد.

شیخ علی اکبر کلانتری

(سرپرست حوزه علمیه آقا باباخان شیراز)

دفاع آخر در فوتبال

معمولا در هنگام اشتغال به تحصیل (مقطع دبیرستان) در کنار والدین در شهر یاسوج

بودیم و با تعطیلی مدارس (در فصل تابستان)، نزد پدر بزرگ به روستا برمی‌گشتیم و تا شروع دوباره مدرسه در روستا سکونت داشتیم. آن موقع هم که منزل پدری ما به شیراز انتقال یافت باز هم تابستان و ایام فراغت در روستا دور هم جمع می‌شدیم و در کنار همدیگر انواع بازی‌هایی که در شهر رواج داشت انجام میدادیم و همین ایاب و ذهاب ما بین روستا و شهر در انتقال مفاهیم ورزشی تاثیر زیادی داشت. چه بسا تمرین و ادامه فعالیت آن برنامه ورزشی موجب پایه گذاری رشته‌های ورزشی در شهر یاسوج می‌شد. بعنوان مثال، در آن زمان بازی فوتبال به سبک امروزی در منطقه بویر احمد رواج نداشت. آنچه که رایج بود یک بازی محلی به نام گوگلی بود که با فعالیت ما خصوصاً شهید بزرگوار تا حد فوتبال امروزی تکامل یافت. جوانان روستاهای اطراف محل سکونت ما از جمله کرد لاغری چنارستان، مله خریده و..... نیز به جمع ما اضافه شدند و فوتبال رونق خاصی در منطقه پیدا کرده و مسابقات مختلفی برگزار می‌شد. به طوری که اولین تیم فوتبال شهر یاسوج نیز از طریق همین برنامه راه اندازی شد. یادم می‌آید «سید بشیر» در پست دفاع آخر آنقدر زیبا و محکم بازی می‌کرد که بازیکنان حریف حتی برای یک بار هم نتوانستند توپ را از او عبور دهند و به محوطه دروازه بان برسند.

دکتر سید نذیر هاشمی (برادر شهید)




حواله خودرو

او برای مال و منال و ظواهر دنیوی اهمیتی قائل نبود. در اوایل انقلاب خریداری وسیله نقلیه تنها با ثبت نام در استانداری و فرمانداری‌ها و قرعه کشی بین متقاضیان امکان پذیر بود بنا به اصرار خانواده او هم به فرمانداری مراجعه کرد و ثبت نام کرد خوشبختانه در قرعه‌کشی برنده شد و اعضای خانواده خوشحال شدند. موقعی که این خبر را شنید نه تنها خوشحالی نکرد بلکه از رفتن به فرمانداری و دریافت حواله نیز خودداری نمود. به ایشان: گفتیم مردم برای دریافت این حواله سرو دست می‌شکنند برو مجوز را بگیر تا از کارخانه ماشین را دریافت کنیم. با خونسردی گفت: تا به کجا برسیم؟ افراد نیازمند که می‌خواهند با این وسیله امرار معاش کنند زیاد هستند ما که نیاز نداریم. بگذارید به مستحق برسد.

دکتر سید نذیر هاشمی (برادر شهید)







شماره: ۶۹۱/۹۹۹
تاریخ: ۱۳۹۸/۱۳/۲۰

بیتاویقت نذول مناسیل
و جلیت حضرت پیرانه الاظم (علی اله تعالی فرزند الشریف
به موجب سمبده ۳۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و سمبده ۵-۱۵۵۰ دینانان امور داری و استنادی کوز

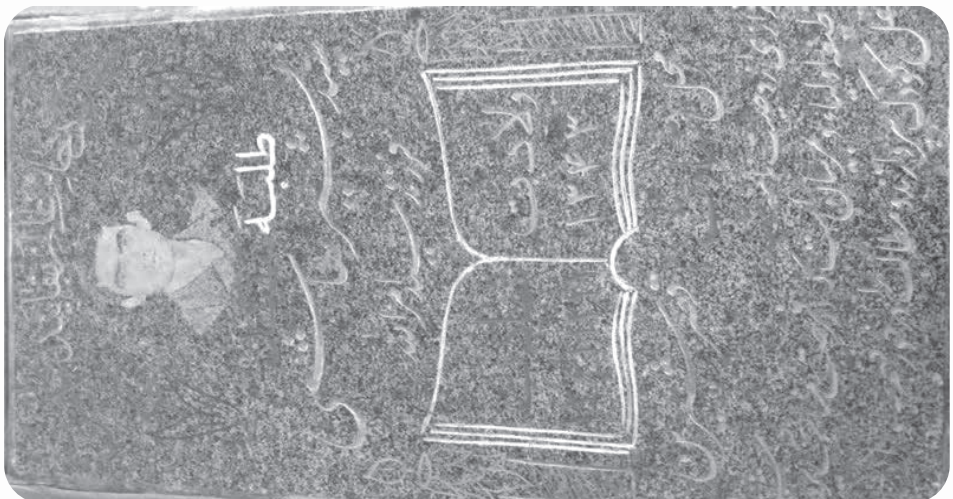
بر آقایی بشیر بنی محمد آباد
فرزند امیرک به شماره شناسنامه ۷۱۱۰ صادره از شیراز متولد ۱۳۲۳
دارای شماره پرونده ۷-۹۱۰ کوایی علیح یک اعطاء می گردد.

معاون آموزش حوزه های علمیه
مکملی در قم

میر حوزه های علمیه
طهرتانی

به موجب سمبده فوق این کویته داری شده متعلق استنادی می باشد.



فصل دوم

شهدایی که به نحوی مرتبط با
استان کهگیلویه و بویر احمد هستند



بشارت محمد تقی



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۲۴/۰۷/۱۱، شهرستان سمیرم، استان اصفهان
تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۰/۱۰/۰۷، تهران

آغاز حیات جاودان بعد از: ۴۰ سال
وضعیت تأهل: متأهل
نام پدر: حاجی بابا
شغل پدر:
نام مادر: شوکت
مذهب: شیعه
تحصیلات کلاسیک: دوره راهنمایی
تحصیلات حوزوی: سطح چهار
سمت: نماینده مجلس
عامل جنایت: منافقین
نحوه شهادت: اثر اصابت گلوله به سر و قلب
مزار مطهر: قبرستان شیخان، قم

حجت الاسلام محمد تقی بشارت (۱۳۶۰-۱۳۲۴ ش)، از روحانیون بسیار متعهد، مبارز و فعال، قبل و بعد از انقلاب بود؛ وی نماینده پرتلاش منطقه سمیرم و دهاقان در مجلس شورای اسلامی بود و به دست منافقان ضد انقلاب به شهادت رسید.

محمد تقی بشارت متولد سال ۱۳۲۴ شمسی در بخش «دهاقان» شهرستان «سمیرم» استان اصفهان، در خانواده‌ای مذهبی رشد کرده بود و علاقه‌ای شدید به معارف اسلامی داشت. از این رو، در هفده سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شد و به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. سال بعد، به حوزه علمیه مشهد رفت و در مدرسه میرزا جعفر، ادامه تحصیل داد. او پس از سه سال تحصیل در آن حوزه، برای ادامه تحصیل راهی قم گردید.

شهید بشارت درس‌های ادبیات عرب را در حوزه‌های علمیه اصفهان و مشهد، و درس فقه، اصول، فلسفه، کلام و تفسیر را در حوزه علمیه قم فراگرفت. وی هفده سال از عمر خویش

را به فراگیری علوم اسلامی گذراند و به زبان عربی تسلط یافت.

شماری از استادان او عبارتند از:

۱. آیت الله العظمی مرعشی نجفی

۲. آیت الله حسین نوری همدانی

۳. آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

۴. آیت الله علی مشکینی

۵. آیت الله ابوالقاسم خزعلی

حجت الاسلام بشارت مقالاتی از خود به یادگار گذاشت که برخی از آن‌ها در روزنامه‌ها و مجلات چاپ شد. «خوارج از دیدگاه نهج البلاغه» که حاصل درس‌های آیت الله حسین نوری همدانی است، به وسیله شهید بشارت گردآوری و چاپ شد. وی همچنین قسمتی از کتاب «مجموعه وژام» را به فارسی ترجمه کرد. کتاب «آغاز حرکت انقلابی در مصر» نیز محصول تلاش وی و دو نفر دیگر است که با اقتباس از درس‌های آیت الله حسین نوری فراهم شده است.

مبارزات سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی

حجت الاسلام بشارت از نزدیک با مشکلات مردم آشنا بود و در سفرهای تبلیغی‌اش در ماه‌های رمضان و محرم، با مردم گفتگو می‌کرد و از نزدیک درد دل‌های آنان را می‌شنید. از ظلم و ستم خوانین، که با حمایت مسئولان ادارات رژیم پهلوی همراه بود، آگاهی داشت و می‌دانست که مردم در چه مشکلاتی بسر می‌برند. فقر، بیکاری، کمبود پزشک و امکانات بهداشتی، تبعیض، مهاجرت روستاییان به شهرها، بی‌حجابی، فساد و فحشا، ظلم و ستم مسئولان ادارات، خفقان سیاسی موجود و ناهنجاری‌های دیگر، همه جای کشور را فراگرفته بود.

شهید بشارت منشأ همه بدبختی‌ها را، در هرم کشور می‌دید، و شاه را عامل اصلی عقب ماندگی کشور می‌دانست. از این رو، در سال ۱۳۴۸ ش. در ۲۴ سالگی فعالیت‌های سیاسی خود را علیه دستگاه طاغوت آغاز کرد. وی بارها - از جمله در سال ۱۳۵۰ ش. پس از سخنرانی در



شماره ملی شهید: ۵۱۲۹۵۷۱۴۲۸

ش.پ. حوزه: ۷-۱۲۵۶

کد مرکز خدمات: ۴۴۴۶۴۲

بروجرد - به وسیله ساواک دستگیر و زندانی شد، ولی دست از افشاگری علیه رژیم پهلوی برنداشت.

او به شهرهای مختلف مسافرت می‌کرد و مردم را با ظلم و ستم رژیم پهلوی آشنا می‌ساخت. او چند بار در شهرهای بروجن، شهرکرد و گچساران به دلیل سخنرانی سیاسی علیه رژیم پهلوی، به وسیله ساواک دستگیر و زندانی شد. برادرش رحمت الله بشارت، در سال ۱۳۵۷ ش. در تظاهرات علیه رژیم، به شهادت رسید. ساواک، حجت الاسلام بشارت را تهدید کرد که برای برادرش مجلس ختم نگیرد؛ ولی او مجلس باشکوهی برگزار کرد و در اعلامیه‌ای تند، علیه رژیم به افشاگری پرداخت و بدین خاطر، دو روز بعد دستگیر شد. او یک بار دیگر نیز به وسیله ساواک قم دستگیر شد.

حجت الاسلام بشارت در سال ۱۳۵۲ ش. از سوی ساواک گچساران دستگیر و به مدت پنج سال در سراسر ایران ممنوع المنبر شد. او در دوران مبارزه، از شناسنامه‌های جعلی به نام‌های محمود دهاقانی، محمد موسوی و احمد عظیمی استفاده می‌کرد تا ساواک نتواند او را شناسایی کند. او حداقل ۱۲-۱۰ اسم مستعار داشت و حتی در برخی سفرهای تبلیغی، عمامه مشکی به سر می‌گذاشت. وی در بیشتر سفرهای تبلیغی با لباس شخصی رفت و آمد می‌کرد تا گرفتار مأموران امنیتی رژیم پهلوی نشود. او یک بار در یکی از مساجد زنجان، در حال سخنرانی علیه رژیم پهلوی بود که مأموران ساواک مسجد را محاصره کردند و او با لباس شخصی توانست از چنگ مأموران بگریزد.

او بارها از سوی آیت الله العظمی گلپایگانی، آیت الله شهید صدوقی و آیت الله پسندیده (برادر امام خمینی) برای تبلیغ به مناطق دورافتاده و محروم می‌رفت و مردم را با معارف اسلامی آشنا می‌ساخت و جنایات رژیم پهلوی را افشا می‌نمود. شجاعت و شهامت او در افشای جنایات رژیم پهلوی کم نظیر بود. اختناق سیاسی در دوران رژیم پهلوی باعث شده بود تا بسیاری از مبارزان سیاسی جرأت سخنرانی در برخی زمان‌ها و مکان‌ها را نداشته باشند، اما او هیچ ترسی به دل راه نمی‌داد و همیشه می‌گفت: «ما برای اسلام و قرآن قدم بر می‌داریم و خداوند نگهدار ما است».

او در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ش. مبارزات سیاسی خویش را گسترش داد و در برپایی

تظاهرات و راهپیمایی‌ها در استان کهگیلویه و بویراحمد و نیز راهپیمایی‌ها و تظاهرات مردم قم نقش بسیار ارزنده‌ای داشت.

حجت الاسلام بشارت بارها از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مأموریت یافت بر اساس رهنمودهای امام خمینی به شهرهای مختلف مسافرت کند و راهنمایی‌ها و تظاهرات شهرستان‌ها را هدایت کند.

پس از پیروزی انقلاب:

با پیروزی انقلاب اسلامی، حجت الاسلام بشارت از سوی امام خمینی مأموریت یافت به استان کهگیلویه و بویراحمد برود و به حل مشکلات مردم بپردازد. متن حکم امام خمینی به ایشان چنین است: «جناب مستطاب ثقة الاسلام والمسلمین آقای محمدتقی بشارت دامت افاضاته با توجه به وضع منطقه گچساران و حومه (دوگنبدان) و آشنایی جناب عالی به وضع آن حدود، مقتضی است مسافرتی بدان جا بنمایید و از نزدیک، مشکلات محلی را بررسی نموده و در اصلاح کارها بکوشید و در رفع کمبودها و نیازمندی‌های اهالی، به هر نحو که مقدور است و مصلحت می‌دانید، اقدام نمایید. و در هر حال، از مشورت و صلاحدید علمای اعلام محل و مؤمنین محترم، دریغ ننمایید و در حفظ وحدت کلمه و اتحاد، سعی کافی مبذول دارید و از اختلاف و تفرقه پرهیز نموده و مردم را بر حذر دارید. از خدای تعالی موفقیت همگان را در راه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. ۱۲ شعبان ۱۳۹۹. روح الله الموسوی الخمینی».

حجت الاسلام محمدتقی بشارت در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۲، به نمایندگی مردم استان کهگیلویه و بویراحمد در مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. وظیفه مجلس خبرگان قانون اساسی، تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. حجت الاسلام بشارت در تدوین قانون اساسی، به ویژه در تصویب اصل «ولایت فقیه»، بسیار زحمت کشید.

تصرف لانه جاسوسی آمریکا به وسیله دانشجویان پیرو خط امام، مورد حمایت علما و مردم قرار گرفت. حجت الاسلام محمدتقی بشارت در سخنرانی پیش از دستور جلسه ۶۱ مجلس خبرگان قانون اساسی، به دفاع از حرکت انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام برخاست.

حجت الاسلام بشارت علاوه بر آن که نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی و نماینده امام خمینی در گچساران بود، نمایندگی امام در جهاد سازندگی، سرپرستی بنیاد شهید و کمیته انقلاب اسلامی سمیرم را نیز برعهده داشت.

او در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۹ به عنوان نماینده مردم دهقان و سمیرم به مجلس شورای اسلامی راه یافت. وی تا زمان شهادت، نزدیک به بیست ماه در سمت نماینده مردم دهقان و سمیرم در مجلس شورای اسلامی، در سنگر نمایندگی به دفاع از انقلاب و حل مشکلات مردم پرداخت. وی عضو کمیسیون تحقیق و نایب رئیس کمیسیون امور داخلی مجلس شورای اسلامی بود و تلاش سازنده‌ای در این دو کمیسیون از خود نشان داد.

حجت الاسلام بشارت خود را وقف انقلاب کرده بود. او در ساختن مدرسه، پل و جاده سازی در منطقه سمیرم، تلاش فراوانی نمود؛ به ویژه در ساخت پل‌هایی که باتلاش او در منطقه محروم سمیرم سُفلا در مناطق صعب العبور ساخته شد. تشکیل کمیته امداد امام خمینی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سمیرم، از اقدامات او در دوران نمایندگی مجلس شورای اسلامی است.

او در بهره برداری سیستم مخابرات سمیرم نیز نقش بسیاری داشت. او در دوران نمایندگی‌اش در مجلس شورای اسلامی، بسیار تلاش کرد و به کمک مستضعفان شتافت. او همیشه می‌گفت: باید برای این مردم مستضعف کار کنیم و مشکلات آنان را حل کنیم. وی در جلسه ۳۹ مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۶، در سخنرانی پیش از دستور، هدف خود از شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی و پذیرفتن نمایندگی مردم در مجلس را، چنین بیان کرد: «خدایا! تو گواهی که ما با پذیرفتن این مسئولیت بس سنگین، برای رسیدن به قدرت و ریاست و استفاده از شئون مادی به این مکان حاکمیت ملت نیامده‌ایم؛ بلکه... ما برای پاسداری از مکتب و حفظ دستاوردهای انقلاب و صدور انقلاب در جامعه‌های دیگر بر آن شدیم که با خلوص نیت این مسئولیت را بپذیریم».

ویژگی های اخلاقی

حجت الاسلام بشارت، علاقه وافری به ائمه علیهم السلام داشت. او اهل توسل به ائمه اطهار علیهم السلام بود. روزی دو - سه بار دعای فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را می خواند. اهل دعا و نماز شب بود. هرگاه اسم حضرت فاطمه سلام الله علیها را می شنید، اشک هایش جاری می شد. در روزهای تعطیل، همراه اعضای خانواده اش به جمکران می رفت و به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) متوسل می شد.

شهید بشارت به فرزندان خود، خصوصاً به دخترانش علاقه بسیاری داشت. رفتارش با فرزندان خیلی خوب بود. سعی می کرد به خانواده اش سخت نگذرد. معمولاً در کارهای خانه، به همسرش کمک می کرد. بیشتر اوقات هنگام بازگشت از سفر، هدیه ای برای اعضای خانواده می خرید.

ساده زیستی از ویژگی های شهید بشارت بود. او حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی که سمت نمایندگی مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، ریاست بنیاد شهید و... را بر عهده داشت، ساده زیستی را رها نساخت. خانه اش در محله ای قدیمی، در محله حاج زینل (هفت تیر) میدان سعیدی قم، قرار داشت. او از نمایندگی مجلس و ریاست بنیادها، ثروتی برای خویش نیندوخت و به همان خانه ای که قبل از انقلاب خریده بود، قناعت کرد. او با این که نماینده مردم سمیرم در مجلس شورای اسلامی بود ولی خانه اش محل رفت و آمد مردم قم و حل مشکلات آنان بود. وی پناهگاه مردم بشمار می رفت. او دوبار به سفر حج مشرف شد.

شهادت


حجت الاسلام بشارت همیشه در جلسات هفتگی شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان کشور که در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی تشکیل می شده، حضور فعال داشت، ولی در حادثه هفتم تیر که منجر به شهادت شهید بهشتی و شماری از نمایندگان مجلس و مسئولان نظام شد، در جلسه حضور نداشت. شرکت فعال حجت الاسلام بشارت در جلسات حزب جمهوری اسلامی ایران، تلاش او برای تصویب طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر

در مجلس شورای اسلامی، مسئولیت‌های نمایندگی امام خمینی در گچساران و دوگنبدان، سرپرستی بنیاد شهید و کمیته انقلاب اسلامی سمیرم، نقش فعال او در تأسیس کمیته‌های انقلاب اسلامی و در یک کلام، تبعیت محض او از «ولایت فقیه» باعث شد تا منافقان طرح ترور او را در دستور کار خود قرار دهند.


شهید محمد تقی بشارت بعد از ظهر روز دوشنبه در تاریخ ۱۳۶۰/۱۰/۷، که وی با اتومبیل خود در حال عبور از خیابان صبای جنوبی تهران بود، به وسیله یک اتومبیل پژوی قرمز رنگ، که سرنشینان آن رایک مرد و زن تشکیل می‌دادند، متوقف می‌شود و از سوی دیگر خیابان، منافق دیگری که با پوشش فروشنده پسته در کمین او بود، با اسلحه یوزی او را هدف قرار داد و به شهادت رساند.

پیکر پاک شهید حجت الاسلام محمد تقی بشارت، پس از تشییع باشکوه مردم انقلابی تهران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، که با شعار مرگ بر منافقین و مرگ بر آمریکا همراه بود، به قم انتقال یافت و در قبرستان شیخان، نزدیک حرم مطهر حضرت معصومه ع، به خاک سپرده شد.





شورای عالی حوزه های علمیه
مرکز مدیریت حوزه های علمیه



شماره: ۶۹۱/۱۶۸۸
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴

مدرک علمی سطح چهارم

با تأیید هیات فراه زمستان
و معنای حضرت پیرانه الاظم (علی الله تعالی فزاد الشرف)
به موجب مصوبه ۱۱۰ شورای عالی حوزه های علمیه
به جناب آقای محمد تقی بشارت

فرزند حاجی بابا دارای شماره ملی ۵۱۲۹۵۷۱۳۲۸ شماره از شهرستان
متولد ۱۳۲۴ دارای شماره پرونده ۷-۱۲۵۶ کوبای سطح چهارم اعطای می گردد

مدیر حوزه های علمیه
علیرضا امرانی

مدیر دفتر
مهدی رستم شکوه




موسیقی بشارت

فرزند حاجی بابا
متولد ۱۳۲۴ که در
تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۷ در منطقه
تهران در مبارزه با منافقین به
فیض شهادت نائل آمد

**ایمان پیی اعتلای اسلام
فریاد زعمق جان کشیدند
در مسلخ عشق عاشقانه
خون داده و آبرو خریدند**

بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان بویر احمد



ردانی پور مصطفی



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۳۷/۱/۱، اصفهان

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۲/۵/۱۵، منطقه حاج عمران

آغاز حیات جاودان بعد از: ۲۵ سال

وضعیت تأهل: متأهل نام پدر: محمدباقر

شغل پدر: کارگر مذهب: شیعه

عنوان: فرمانده تحصیلات کلاسیک: دیپلم

تحصیلات حوزوی: سطح یک سمت: فرمانده لشکر امام حسین علیه السلام

عامل جنایت: نیروهای عراقی نحوه شهادت: اصابت تیر به پشت جمجمه

مزار مطهر: مفقود الاثر

شهید حجت الاسلام والمسلمین مصطفی ردانی پور فرزند محمدباقر در ۱ فروردین سال ۱۳۳۷، در یکی از خانه‌های قدیمی منطقه مستضعف‌نشین اصفهان متولد شد. پدرش از راه کارگری و مادرش از طریق قالبیافی مخارج زندگی خود را تأمین و آبرومندانه زندگی می‌کردند و از عشق و ارادت سرشاری نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام برخوردار بودند، تا آنجا که با همان درآمد ناچیز، جلسات روضه‌خوانی ماهانه در منزلشان برگزار می‌شد.

سخت‌کوشی و تلاش مصطفی باعث شد که در کنار تحصیل به کار هم بپردازد، بنابراین در یک مغازه کفاشی به کار مشغول شد و مدتی در بازار اصفهان شاگرد بافندگی بود تا اینکه وارد هنرستان شد، ولی به دلیل جو حاکم بر مراکز آموزشی، وی نتوانست شرایط محیط هنرستان را

تحمل کند، در سال ۱۳۵۲ ش وارد دانش سرای کشاورزی شد و بنابر گزارش مأموران ساواک از لحاظ درسی شاگردی با استعداد و متعصب مذهبی که اکثراً در حال مطالعه کتب مذهبی است، ارزیابی شد؛ مصطفی در سال ۱۳۵۴ ش یک هسته مطالعاتی زیر نظر شهید عبدالله میثمی در دانش سرا تشکیل داد که ساواک شناسایی کرد و منزلش را مورد بازرسی قرار داد.

وی تحصیل در هنرستان را به دلیل جو طاغوتی رها کرد و به تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه، شهید ردانی پور با عضویت در شورای فرماندهی سپاه یاسوج، فعالیت‌های همه‌جانبه خود را آغاز کرد.

درگیری با خوانین منطقه و مبارزه با افرادی که به کشت تریاک مبادرت می‌ورزیدند، از جمله کارهای اساسی بود که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت آینده این مردم مستضعف به جای گذاشت.

با شروع جنگ تحمیلی شهید ردانی پور به همراه تعدادی از هم‌زمان خود، از کردستان وارد جنوب شد و با نیروهای اعزامی از اصفهان که در نزدیکی آبادان، جبهه دارخوین مستقر بودند، شروع به فعالیت کرد.

وی مدت‌ها با رزمندگان اسلام، در خطی که به «خط شیر» معروف بود، علیه دشمن بعثی به مبارزه پرداخت. ردانی پور سلاح بر دوش، به تبلیغ و تقویت روحی رزمندگان می‌پرداخت و این خود یکی از دلایل ۶ ماه مقاومت مستمر نیروها در این خط بود.

در جریان عملیات فتح‌المبین در فروردین ماه سال ۱۳۶۱، برادر کوچک‌ترش، به درجه رفیع شهادت رسید و خود نیز به شدت مجروح و در اثر همین جراحت یک دستش معلول شد.

او در همان حالی که دستش مجروح و در گچ بود، برای شرکت در عملیات بیت‌المقدس به جبهه شتافت. پس از آن در عملیات رمضان، فرماندهی قرارگاه فتح سپاه را بر عهده داشت که چند یگان رزمی سپاه را اداره می‌کرد؛ به طوری که شگفتی فرماندهان نظامی، اعم از ارتش و سپاهی را از اینکه یک روحانی فرماندهی سه لشکر را بر عهده داشت، برانگیخت.

او در عملیات محرم، والفجر ۱، والفجر ۲ شرکت داشت و تا لحظه شهادت هرگز جبهه را ترک نکرد.



شماره ملی شهید: ۱۲۹۱۷۷۶۴۹۴
ش.پ. حوزه: ۷-۴۹۳
کد مرکز خدمات: ۴۴۳۳۵۸

کار و تحصیل، تعقیب ساواک

وی با مشورت مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن فقیه‌امامی به تحصیل علوم دینی پرداخت و به مدرسه حقانی در قم رفت، آخر هر هفته برای کار به کوره‌پزی‌های قم می‌رفت تا کسری مخارجش را تأمین کند، در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی زیر نظر حاج شیخ محمدعلی ابراهیمی برای روشنگری و تبلیغ به مناطق محروم کهگیلویه و بویراحمد و یاسوج سفر کرد و در سازمان‌دهی و هدایت حرکت مردم آن دیار تلاش کرد و بارها مورد تعقیب مأموران ساواک قرار گرفت.

با شروع حرکت‌های گروهک‌های ضدانقلاب در کردستان بنا به تکلیف جهت روشنگری و آگاهی بخشی به مردم عازم آن دیار شد و چند ماهی به فعالیت پرداخت و با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران همراه تعدادی از هم‌زمان خود به جنوب رفت و در خط شیر به مبارزه با دشمن پرداخت.

وی در عملیات‌های سرنوشت‌سازی مانند فرماندهی کل قوا، شکست حصر آبادان، طریق‌القدس، چذابه، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، محرم و... حضور فعال داشت و فعالیت او به عنوان فرمانده بر هیچ‌کس پوشیده نبود.

ردانی‌پور در عملیات فرماندهی کل قوا و ثامن‌الائمه در جبهه دارخوئین غیر از مسؤولیت‌های خود در سازمان‌دهی نیروها و فرماندهی در رده بالا، مسؤولیت رشد و ارتقای معنوی نیروها را بر عهده داشت که برگرفته از خصلت‌های ذاتی او بود.

پس از عملیات ثامن‌الائمه در چند هفته‌ای که نیروها از خط جبهه برگشته بودند و پس از طی مراحل تکمیلی آموزش، برنامه شب‌هایشان دعای توسل و شب جمعه دعای کمیل بود، او در عملیات طریق‌القدس و چذابه حماسه‌های بزرگی بر جای گذاشت و در عملیات فتح‌المبین در کنار فرماندهی لشکر امام حسین علیه‌السلام در خطوط مقدم عین‌خوش حضوری مستقیم داشت.

در حین عملیات بیت‌المقدس هنگامی که سازمان سپاه انقلاب اسلامی گسترش یافت به فرماندهی سپاه سوم صاحب‌الزمان علیه‌السلام برگزیده شد که متشکل از لشگرهای امام حسین علیه‌السلام، نجف اشرف، کربلا و قمر بنی‌هاشم بود و در عملیات رمضان، فرماندهی قرارگاه فتح سپاه را به عهده داشت و بعد از عملیات رمضان از مسؤولیت کنار کشید و خواست به جای فرمانده، تک‌تیرانداز باشد.

همیشه عمامه اش بر سرش باشد

هر طلبه ای که به خط می آمد، چندساعتی با او خلوت می کرد و به او درس شهادت و زندگی می داد، سه اصل را برای طلبه لازم می دانست؛ اول مطالعه، دوم در دسته خط شکن باشد و سوم همیشه عمامه اش بر سرش باشد؛ یک روز که برای سرکشی به خط رفته بود طلبه جوانی به او گفت: بچه ها نق می زنند که سفیدی عمامه استتار ستون را به هم می زند، جواب داد: یک گونی بکش روی عمامه ات اما وقتی به دشمن رسیدی آن را بردار، عراقی ها عمامه تو را که ببینند فرار می کنند.

اوج رشادتش در عملیات چذابه بود که همه درمانده شده بودند، دفاع سخت شده بود و دشمن هجوم سنگینی را به نیروهای خودی در تنگه چذابه وارد کرده بود و با قدرت بر منطقه مسلط شده و می خواست بستان را بگیرد؛ ردانی پور با تکیه بر ایمان و شجاعت تمام و نصب العین قرار دادن فرمان امام که فرمودند: «بستان به هر صورت ممکن باید حفظ شود»، مقتدرانه ایستاد و با دو گردان تپه های منطقه را باز پس گرفت.

با اصرار مادر و درخواست خود با یکی از سادات ازدواج می کند، خانمش همسر شهید بود و برای امام رضا علیه السلام دعوت نامه برد و داخل ضریح انداخت، یک کارت دعوت نیز برای حضرت زهرا علیه السلام می نویسد و به ضریح حضرت معصومه علیه السلام می اندازد.

شبی حضرت زهرا علیه السلام را در خواب می بیند که به عروسی اش آمده است، شهید ردانی پور به ایشان می گوید: خانم!! قصد مزاحمت نداشتم و فقط می خواستم احترام کنم، حضرت زهرا علیه السلام پاسخ می دهند: «مصطفی جان! ما اگر به مجالس شما نیاییم به کجا برویم؟»

مصطفی دیگر تا صبح نخوابید و نماز می خواند، دعا و گریه می کرد و می گفت من شهید می شوم، دوستش گفته بود «این همه گریه و زاری می کنی، میگی می خوام شهید بشم دیگه زن گرفتنت چیه؟» جواب داد: «خانمم سیده می خوام اون دنیا به حضرت زهرا علیه السلام محرم باشم، شاید به صورتم نگاه کنه!»

سالگرد ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه کبری ازدواج کرد و گفت: عروسی واقعی من آن وقتی است که در خون خود بغلطم، در شب عروسی میکروفن را به دست گرفت و گفت: «فکر نکنین من با ازدواج به دنیا چسبیده ام، این وظیفه من بود و حضور در جبهه هم وظیفه دیگه منه.»


تازه سه روز از عروسی اش گذشته بود که دست زنش را گذاشت تو دست مادرش و سرش را انداخت پایین و گفت: دلم می خواهد دختر خوبی برای مادرم باشی، بعد هم آرام و بی صدا رفت منطقه و چند روز بعد از آن در عملیات والفجر ۲ در منطقه حاج عمران در تاریخ ۱۳۶۲/۰۵/۱۵ هجری شمسی به آرزوی دیرینه خود یعنی شهادت در راه خدا رسید.

شهید ردانی پور می گفت: اگر شهید شدم جنازه ام را جلوی در گلستان شهدای اصفهان دفن کنید، دلم می خواهد وقتی پدر و مادرها می آیند زیارت بچه هایشان پاهایشان را روی قبر من بگذارند، شاید خدا از سر تقصیرات من هم بگذرد؛ ولی پیکر پاکش هیچ گاه پیدا نشد و برای او سنگ یادبودی در گلستان شهدای اصفهان، قطعه کربلای ۵، در کنار سردار شهید حاج حسین خرازی گذاشته شده است. ۱

فرازی از وصیت نامه شهید

«ای روحانیون گرامی، طلاب عزیز؛ همان طور که امامان فرمود تزکیه و تعلیم را پیشه خود سازید؛ جوانان عزیز اسلام را هادی باشید، کار شما بهترین کارها است، همان کار پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام؛ با دوستان و برادران ایمانی خود در راه خدا محبت ورزید و برای خدا از یکدیگر درگذرید، همان گونه که انتظار دارید خدا شما را ببخشد؛ دوستان عزیز تنها راه رسیدن به سعادت ترک محرمات و انجام واجبات است.»

۱. مزار ایشان در اصفهان بعنوان یادبود ساخته شده و سال ۱۳۹۷ طبق وصیت مادر این شهید، ایشان در این قبر دفن شدند.



شهادت علی شهید حوزہ های علمیه استان اصفهان

شماره: ۴۹۳
تاریخ: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا جَاءْنَا بِالْبُرْهَانِ الْبَرِّ وَالْقَوَالِ الْغَلِيْبِ لِيُحْجِثَ
بِهِمُ اللَّهُ الْعَالَمِينَ

شهداء هدیه الهی هستند نام خانمهای (زید زهرا)

کوی نامه علمی شهدای حوزه های علمیه استان اصفهان

شهید و الامام آقایی حجت الاسلام والمسلمین مصطفی رودانی پور

فرزند باقر صادره از اصفهان متولد ۱۳۳۷ دارای کد ملی ۱۳۱۱۷۷۶۴۴۴ سطح سه راکتور کرده و
به موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه های علمیه و مصوبه ۵۵۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور
کوبی سطح چهار احاطی کرده.

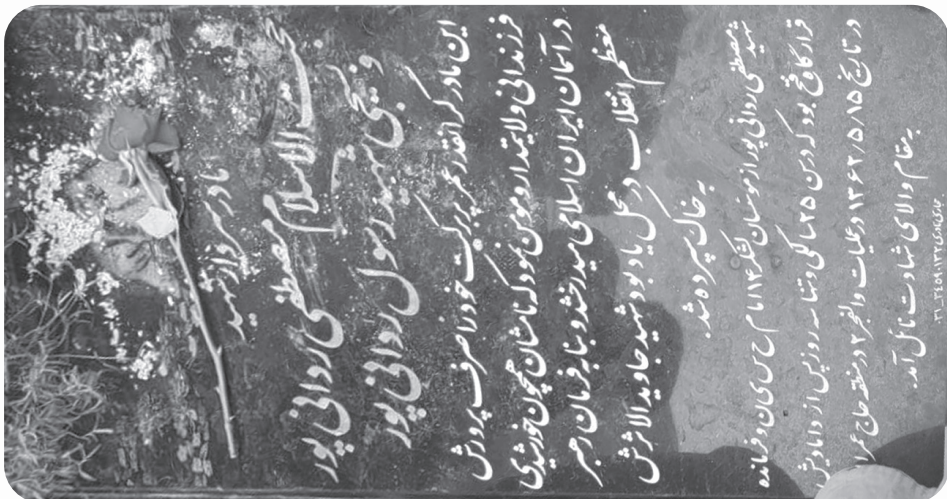
مدیر حوزه های علمیه استان اصفهان
معاونت آموزش حوزه های علمیه استان اصفهان

به ریاست امامان بزرگ
طباطبائی

بموجب مصوبت فوق این کوی نامه دارای اعتبار حقوقی و علمی می باشد.



حجت مشرف شدن به مزار
شهید باکره را اسکن کنید.





شیخ عبدالله



تاریخ و محل ولادت: ۱۳۳۴/۳/۱۲، اصفهان

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۱۲، تهران

آغاز حیات جاودان بعد از: ۳۱ سال

نام پدر: اصغر

وضعیت تأهل: متأهل

مذهب: شیعه

نام مادر: فردوس

تحصیلات کلاسیک: کارشناسی

عنوان: روحانی مبلغ

عامل جنایت: بعث عراق

تحصیلات حوزوی: سطح دو

سمت: نماینده امام حجرت علیه السلام در قرارگاه خاتم الانبیاء صلوات الله علیهم

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر

مزار مطهر: گلستان شهدای اصفهان

شهید شیخ عبدالله میثمی در ۱۲ خرداد سال ۱۳۳۴ در شهر اصفهان و در محله مذهبی مسجد حکیم و در ماه رجب و شب ولادت امیرالمومنین علیه السلام دیده به جهان گشود. پدرش برای نامگذاری او به قرآن تفأل کرد، نام او را «عبدالله» گذاشتند. او در دامان پدر و مادری پاک و متدین رشد کرد. دوران کودکی و نوجوانی را سپری کرد و در دوره دبیرستان، همزمان با تحصیل، در کنار پدرش مشغول به کار شد. از نوجوانی شور و علاقه خاصی به مسائل مذهبی و ترویج و تبلیغ علوم دینی داشت و شاید همین انگیزه او را در مسیر فراگیری دروس حوزوی و ورود به قبله روحانیت و طلبگی قرار داد.

عبدالله در کنار کسب علوم دینی به اتفاق چند تن از دوستانش در مسجد محل، انجمن

دینی و خیریه، هیأت حضرت رقیه علیها السلام، کلاس‌های آموزش قرآن و صندوق قرض الحسنه را پایه‌گذاری کرد و عملاً مسئولیت ارشاد دوستان هم‌سن و سال خود را بر عهده گرفت و قرآن و مسائل سیاسی روز را به آن‌ها تعلیم داد. به تدریج همین محافل دوستانه به جلسات مخفی تبدیل شد. در این زمان بیشتر توجه و تلاش عبدالله و دوستانش به پخش اعلامیه، کتاب و تبیین اهداف مبارزاتی و شخصیت حضرت امام خمینی رحمة الله علیه و افشای خیانت‌های رژیم شاهنشاهی نسبت به اسلام و مسلمین بود. سرانجام پس از چند سال تحصیل حوزوی و تبلیغ و ترویج احکام الهی، در سال ۱۳۵۳ به همراه برادر شهیدش (حجت‌الاسلام رحمت‌الله میثمی) و چند تن دیگر از دوستانش، به قم هجرت کردند و در مدرسه «شهید حقانی» ساکن شد و به تعلیم و تربیت و تکمیل دروس دینی پرداخت.

عبدالله که در کنار درس به مبارزه با رژیم نیز مشغول بود، با خیانت یکی از منافقان، تحت تعقیب قرار گرفت و به همراه چند طلبه دیگر در همین سال دستگیر و راهی زندان شد. در زندان با وجود آنکه شکنجه‌های فراوانی را تحمل کرد، ذره‌ای نرمش نشان نداد و با تجاربی که داشت محیط زندان را به کلاس درس تبدیل کرد و در حالی که از محضر بعضی از روحانیون کسب فیض می‌کرد، به اتفاق سایر زندانیان هم‌بند به تحقیق و مطالعه‌ی علوم و معارف قرآن و نهج‌البلاغه پرداخت.

او تعالیم قرآن را به زندانیان آموزش می‌داد و این حرکت‌ها در روحیه زندانیانی که تحت تأثیر گروهک‌های ملحد و منافق بودند، تأثیر به‌سزایی داشت. شهید میثمی که ۳۰ ماه از عمر پیرمیش را در زندان ستم‌شاهی به سر برده بود، در سال ۱۳۵۷ به دنبال مبارزات قهرمانانه‌ی ملت رشید ایران به رهبری حضرت امام خمینی رحمة الله علیه از زندان آزاد شد و پس از رهایی، با روحیه‌ی انقلابی خود در جهت به‌ثمر رسیدن انقلاب اسلامی از اهدای هر آنچه که در توان داشت، کوتاهی نکرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفت و از محضر استادان کسب علم کرد. سپس در کنار دوست دیرینه‌اش روحانی شهید، «مصطفی ردانی‌پور» و برای



شماره ملی شهید: ۱۲۸۰۸۵۶۰۲۵

ش.پ. حوزه: ۳-۵۰۳

کد مرکز خدمات: ۴۴۳۲۵۴

یاری رساندن به این نهضت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، مدتی را در کردستان گذراند و از آنجا به دنبال تشکیل سپاه در یاسوج، به آن شهر رفت، تا در کنار پاسداران به سازماندهی و ارشاد عشایر محروم بپردازد.

این روحانی در مدت حضور در استان کهگیلویه و بویراحمد سهم بزرگی در تأمین امنیت و ثبات این منطقه عشایری داشت و تلاش‌های فراوانی برای کمک و رسیدگی به مستمندان و خانواده‌ی شهدا به کار بست. او علاوه بر خدمت در سپاه، در تشکیل بسیاری از نهادهای انقلاب اسلامی در استان کهگیلویه و بویراحمد نقش بارزی داشت و همواره مورد مشاوره‌ی مسئولین استان قرار می‌گرفت. پس از ۳۰ ماه خدمت و تلاش شبانه‌روزی در آن منطقه‌ی محروم، از سوی نماینده‌ی حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در سپاه، به عنوان «مسئول دفتر نمایندگی حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ» در منطقه‌ی نهم (فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد) منصوب شد.

از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، عبدالله جنگ را یک نعمت بزرگ و یک سفره‌ی گسترده‌ی الهی می‌دانست و معتقد بود که هرکسی بیشتر بتواند در جنگ شرکت کند، از این سفره‌ی الهی بیشتر بهره‌برده است. برای همین در بسیاری از مناطق عملیاتی حضور فعال داشت و یکی از آن صحنه‌ها این بود که برادرش در مقابل چشمانش در تپه‌های شهید صدر به شهادت رسید.

حجت‌الاسلام میثمی که با علاقه و عشق بی‌نظیر این سنگر را انتخاب کرده بود، در آن شرایط حساس در کنار فرماندهان و رزمندگان، توانست نقش مهمی را در انسجام نیروها و رشد معنویات در جبهه ایفا کند. سخن او همواره و به خصوص در خطوط مقدم نبرد و شب‌های عملیات الهام‌بخش رزمندگان و مسؤولان جنگ بود. او حتی برای زیارت خانه خدا هم حاضر نبود، لحظه‌ای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را ترک کند، چرا که معتقد بود جبهه اجر زیارت خانه‌ی خدا را هم دارد.

وی همواره در میدان جهاد حاضر بود و یار و یاور رزمندگان اسلام به شمار می‌رفت. تکلیف دینی در نزد او بر همه چیز مقدم بود. بصیرت و آگاهی او در آن شرایط سخت، گره‌گشا بود، اخلاص و تقوای او امید را در دل‌ها زنده می‌کرد و تبسمش یأس و نومیدی آنان را می‌زدود. او در بسیاری از صحنه‌ها پیشتاز بود. دلسوزی، ایمان و علاقه‌اش به حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و انقلاب، او را

پذیرای همه‌ی سختی‌ها کرده بود. حجت‌الاسلام میثمی در کوران حوادث انقلاب و جنگ بر این نکته تأکید می‌کرد که وقتی انسان برای خدا کار کند، هرچند هم آن کار کوچک باشد، چنان نمود دارد که اصلاً خودش هم باور نمی‌کند.

کار کردن در راه خدا و خدمت به بندگان برایش به مثابه‌ی عبادت و از همه چیز شیرین‌تر بود. زیرا فعالیت و تلاش برای رضای خدا را معراج خود می‌دانست و در حقیقت، تعالی و رسیدنش به کمال معنوی، نتیجه‌ی همین اخلاص و عشق به خدمت‌گزاری بود. او هر آنچه داشت، در طبق اخلاص نهاده بود و برای احیای دین خدا و ارزش‌های متعالی سر از پا نمی‌شناخت. ایثار و از خود گذشتگی او به حدی بود که در همه حال، برای سپاهیان اسلام، نمونه و الگو بود. اعتقاد راسخ و روح باصفایش که در مراحل مختلف زندگی، به ویژه در دوران زندان، صیقل یافته بود، از او انسانی وارسته ساخته بود، که جز در وادی سالکان طریق عشق و مخلصان درگاه معبود، نمی‌توان چنین یافت. عبدالله همواره مسئولیت عظیم فرماندهان و نیروهای رزمنده و امانت‌سنگین و بار مسئولیت شهدا را یادآوری می‌کرد و می‌گفت: «خدا می‌داند اگر پیام شهدا و حماسه‌های آن‌ها را به پشت جبهه منتقل نکنیم، گنه کاریم.

این عالم وارسته و روحانی مبارز که با درک تکلیف و شناخت زمان، خدمت در جبهه‌ها را بر همه چیز ترجیح داده بود، به رزمندگان گوشزد می‌کرد: «اگر به خاطر مشکلات و به اسم پایان مأموریت و غیره بخواهیم برگردیم، نوعی سقوط است. برادران پیوسته از خدای خود بخواهید که توفیق ادامه‌ی نبرد را از ما نگیرد. خدا می‌داند روز قیامت وقتی روزهای جبهه‌مان را ببینیم و روزهای مرخصی را هم ببینیم، گریه خواهیم کرد که ای کاش مرخصی نرفته بودیم.»

حجت‌الاسلام میثمی که در فراز و نشیب‌های انقلاب و جنگ، وظیفه‌ی خود را خوب می‌شناخت و با حضور مستقیم در جبهه‌ها و خطوط مقدم، سند زنده‌ی عمل به تکلیف و همراهی روحانیت با فاتحان میادین رزم را به نمایش می‌گذاشت، در یکی از سخنرانی‌هایش برای رزمندگان اسلام گفت: «برادران! پیشروی و عقب‌نشینی در خاک، شکست و پیروزی نیست، حقیقت پیروزی، وحدت و انسجام و حقیقت شکست، اختلاف ماست. اگر خدای ناکرده به واسطه حرف‌های اختلاف‌انگیز ما، رزمندگان در کارشان سست شوند، تمام عواقب و گناهان آن به گردن ماست.»

این روحانی مبارز و فداکار آنگاه که می‌دید رزمندگان و فرماندهان، برای دفاع از اسلام به شهادت می‌رسند و مزد جهاد را دریافت می‌کنند، می‌گفت: «خدا می‌داند که من این روزها دارم زجر می‌کشم، چرا که می‌بینم برادران ما چه زیبا به پیشگاه خدا می‌روند. خدا نکند که عاقبت ما، جور دیگری باشد.»


سرانجام همان‌طور که در شب دوم عملیات کربلای ۵ به دوستان گفته بود: «من در این عملیات اجر خودم را از خدا می‌گیرم.» هنگامی که در تاریخ روز نهم بهمن ماه، سحرگاهان، آن زمان که دلباختگان جمال محبوب، برای مناجات با خدای خویش آماده می‌شد، وعده الهی تحقق یافت و در منطقه عملیاتی «کربلای ۵»، از ناحیه سر مورد اصابت ترکش قرار گرفت و بعد از سه روز، ۱۲ بهمن ماه سال ۱۳۶۵ مطابق با دوم جمادی‌الثانی که مصادف با شب شهادت حضرت زهرا علیها السلام به شهادت رسید.

شهید میثمی در یکی از صحبت‌هایش گفته بود:

«من ۳۰ ماه در زندان، ۳۰ ماه در یاسوج، ۳۰ ماه در شیراز، ۳۰ ماه هم در جبهه بودم، که ۳۰ ماه جبهه‌ام در حال اتمام است. من در این عملیات باید اجر خود را بگیرم.»

کار کردن برای خدا معراج است

در شب دوم عملیات کربلای ۵ او به دوستان خود گفت: «من در این عملیات اجر خود را از خدا می‌گیرم.» و بالاخره او به آرزوی خود رسید. چرا که در همین عملیات از ناحیه سر مورد اصابت ترکش قرار گرفت و بعد از سه روز در ۱۲ بهمن ۱۳۶۵ مطابق با ۲ جمادی‌الثانی مصادف با شب شهادت حضرت زهرا علیها السلام به دیدار معبود و میهمانی اولیای خدا شتافت. این شهید بزرگوار در جایی می‌گفت: «وقتی انسان برای خدا کار کرد، یک کار کوچک می‌کند، ولی چنان حاصل دارد که اصلاً خودش هیچ باور نمی‌کند. کار کردن مطلق خوب نیست. کار کردن برای خدا معراج است.»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهادت‌نامه علمی شهیدان حوزه‌های علمیه استان اصفهان

شهداء حمید الهی هستند نام نه‌نمائی (زید شوه) شماره ۵۰۳
تاریخ: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

کتابخانه علمی شهیدان حوزه‌های علمیه استان اصفهان

شهید و الامام آقای عبدالله مثنی

فرزند اصغر صادقه از اصفهان متولد ۱۳۳۴ داری کد ملی ۱۳۸۰۸۵۶۰۲۵ سطح دو رکن‌دار و
بر موجب مصوبه ۶۹۱ شورای عالی حوزه‌های علمیه و مصوبه ۵۵۰۵ سازمان امور اداری و استخدامی کشور
کوبای سطح سه اعطای گردید.

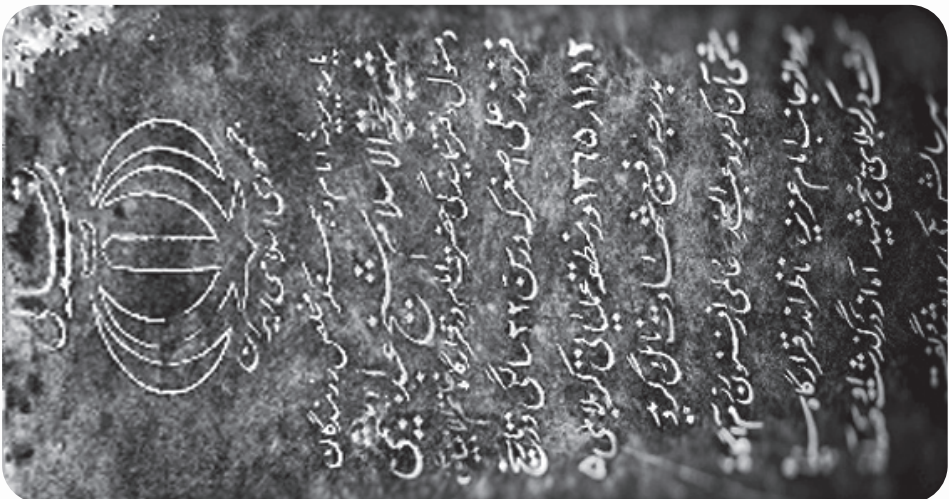
معاونت آموزش و فرهنگ استان اصفهان
معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری اصفهان

مهر حوزه‌های علمیه استان اصفهان
سید سعید مغانلی نژاد
رئیس هیئت مدیره

موجب صحبت فوق این کتابخانه را ای امجد صفت و علمی باشد



بهت مشرف شدن به مزار
شهید بارگه را اسکن کنید.



فصل سوم ایشان گران

ردیف	کد مرکز	کسملی	نام	نام خانوادگی	نام پدر	استان محل صدور	وضعیت پرونده	وضعیت اشتغال	وضعیت حیات	وضعیت آزادی	درصد جایزایی
۱	۲۲۶۸۸-۲۵۰-۹	سید رحمان	سید رحمان	مظفری	سید حلال	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	شاغل	در قید حیات	خبر	۵
۲	۲۲۵۰۶۵۱۰۳	سید درویشعلی	سید محمدعلی	متولی نژاد	سید محمدعلی	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۵
۳	۲۲۲۸۰۲۰۳۹۶	سید محمد	سید علیمحمد	چلباش مقدم	سید علیمحمد	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۵
۴	۲۲۵۰۶۲۱۸۸۱	سید ازبکلان	سید سعید	موسوی نژاد	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۵
۵	۲۲۲۸۹۲۸۳۰۸	سید جلال	سید مختار	صادقپور بیدک	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۵
۶	۶۲۳۰۷۰۴۱۲۷	عبدالمجید	عبدالرحیم	عابدی	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۵
۷	۶۰۰۹/۸۹۷۴۷۵	فانل	نورالله	ترنمانی	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۱۰
۸	۲۲۳۰۵۸۰۹۹۱	سید نصیر	سید قاسم	حسینی محمد آبادی	سید قاسم	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۱۵
۹	۲۲۳۰۴۹۰۳۲۵	سید قاسم	سید الله	زکی پور	سید الله	کهگیلویه و بویراحمد	غیر فعال	شاغل	در قید حیات	خبر	۱۵
۱۰	۲۲۵۰۱۹۹۱۸۵	سید اصغر	سید فتح الله	موسوی مظالمی	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۱۵
۱۱	۲۲۳۱۲۸۱۵۸۰	غلام رضا	نعمت الله	شریف زاد	کهگیلویه و بویراحمد	غیر فعال	شاغل	شاغل	در قید حیات	خبر	۱۵
۱۲	۲۲۵۰۶۳۷۹۲۱	سید حبیب الله	سید محمدزکی	واهی	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	شاغل	در قید حیات	خبر	۱۵
۱۳	۲۲۳۱۶۶۶۷۰۱	غلام رضا	چابلی	همت جو	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۲۰
۱۴	۲۲۵۰۴۴۳۲۹	سید علی	محمدفرش	خرسندی	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۲۰
۱۵	۲۲۶۹۰۱۲۷۸۱	حبیب	قلی	محمد پورده بزرگ	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۲۰
۱۶	۲۲۳۰۹۱۷۷۸۳	علی	احمد	انصاری نیا	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۲۵
۱۷	۲۲۵۰۲۱۴۵۵	مصفا	باروقی	پناهی	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۲۵
۱۸	۲۲۳۰۴۶۶۳۵۸	سعد	گرگ الله	نیگ پخت	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۲۵
۱۹	۲۲۳۰۶۱۲۸۸۲	صادق	حیات	وفاییه شماس	کهگیلویه و بویراحمد	غیر فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۲۵
۲۰	۲۲۵۰۴۲۲۹۴	سیدعلی	سید عیسی	اسماعیلی فرد	کهگیلویه و بویراحمد	غیر فعال	شاغل	شاغل	در قید حیات	خبر	۲۵
۲۱	۲۲۳۰۸۱۳۲۲	سیدناصرالله	سید غلام	مصطفوی نژاد	کهگیلویه و بویراحمد	غیر فعال	شاغل	شاغل	در قید حیات	خبر	۲۵
۲۲	۲۲۶۸۹۶۱۴۵۳	سیدلطیف	سید ناصر	حسینی مقدم	کهگیلویه و بویراحمد	غیر فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۲۵
۲۳	۲۲۹۶۳۹۴۶۶	سید نادر	شامحمد	حسینی	کهگیلویه و بویراحمد	غیر فعال	شاغل	شاغل	در قید حیات	خبر	۲۷
۲۴	۲۲۵۰۴۳۱۹۱۷	سید شمس الدین	مصطفی	سادات تقوی	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۳۰
۲۵	۲۲۶۹۱۴۰۱۸۶	سام	عبدالرضا	احمدی پور	کهگیلویه و بویراحمد	غیر فعال	شاغل	شاغل	در قید حیات	خبر	۳۰
۲۶	۲۲۳۰۴۶۶۷۸۱	حمید	گرگ الله	نیک پخت	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۳۰
۲۷	۲۲۵۰۴۳۲۹۶۷	سید رحیمی	سید محمد	تقوی درخشان	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۳۵
۲۸	۲۲۵۰۴۳۳۳۸۵	زمان	کامرث	پادر گانی	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۳۵
۲۹	۵۵۰۹۷۵۵۳۱	امیدوار	الله مراد	کریم پور	کهگیلویه و بویراحمد	غیر فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۳۵
۳۰	۲۲۹۴۴۹۸۲۱	محمدنهادی	علی	سعیدی فرد	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	شاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۶۰
۳۱	۲۲۵۰۶۱۵۵۶۱	سید رضی الله	سید محمدعلی	حجازی	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۷۰
۳۲	۶۲۳۰۰۳۷۴۷۳	سید حقیقت	سید اسماعیل	محمدیان	کهگیلویه و بویراحمد	غیر فعال	غیرشاغل	غیرشاغل	در قید حیات	خبر	۷۰
۳۳	۲۲۳۰۹۴۲۹۴۱	سید اسحاق	محمدرضا	اندیشه	کهگیلویه و بویراحمد	فعال	شاغل	شاغل	در قید حیات	خبر	۷۰

ردیف	کد مرکز	نام	نام خانوادگی	نام پدر	استان محل صدور	کد ملی	نام مرکز استان	تابعیت	وضعیت حیات	شمار روز سپهر قبل از قطعنامه
۱	۱۰۵۲	حجت الله رضا	عادم پیر	قاسمی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۸۹۲۳۸	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۹۸
۲	۱۹۸۷	سید امین الله	قاسمی بوم سبیز	محمد حسین	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۱۰۰۱۵	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۲۲۶
۳	۴۰۲۳	سید امیر الله	حجازی	سید محمد علی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۱۰۰۰۵۸	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۱۲۰
۴	۴۶۹۹	سید محمد باقر	احسانی فر	سید محمد باقر	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۶۲۳۱۱	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۱۸۰
۵	۵۴۶۷	سید محمد باقر	سنگوار	سید عبدالله	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۶۰۱۷۳۲۱	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۲۲۳
۶	۶۳۲۳	سید غلامحسین	در سنه	سید اسحاق	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۶۲۳۱۹	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۳۰۱
۷	۶۹۰۹	عباس	آزادی پاسوج	ظفر قه	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۹۵۹۳۱۱	پاسوج	ایرانی	مرحوم	۵۹۷
۸	۷۲۵۸	حسین	برغمندی	محمد رضا	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۶۲۶۰۲۴	پاسوج	غیر ایرانی	مرحوم	۴۲۰
۹	۷۴۷۳	سید محمد	رزق جو	سید حسینی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۶۲۶۰۲۴	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۱۸۰
۱۰	۱۰۰۵۸	خلیل	نظری	الله نظر	کهگیلویه بویر احمد	۵۵۰۷۷۷۳۰۱	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۱۳۵
۱۱	۱۰۷۲۳	محمد	غفاری زاده	محمد شریف	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۱۵۵۰۹۳۱	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۲۱۰
۱۲	۱۰۹۸۳	عبدالله	ششمی آرستانی	مصیب	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۵۲۵۲۳۳	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۴۷۲
۱۳	۱۲۳۲۰	حمید	امینی	جان محمد	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۰۸۶۲۷۹۸	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۱۸۰
۱۴	۱۲۷۲۷	امیر الله	اندرزبان	حیدر	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۳۷۸۱۸۷	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۵۱۰
۱۵	۱۳۷۲۱	مفدر	پناهی	بارونی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۲۱۳۵۵	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۳۵۹
۱۶	۱۴۷۷۵	اسماعیل	پناهی بن سنجان	غلامحسین	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۳۰۱۲۸۶	پاسوج	ایرانی	مرحوم	۲۸۵
۱۷	۱۵۸۷۹	یونس	جهان بخش	الطاسی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۱۸۱۷۸۰	پاسوج	ایرانی	مرحوم	۳۰
۱۸	۱۵۸۹۵	سید محمد	پورهادی	سید جان محمد	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۶۲۳۹۹۴	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۳۷۷
۱۹	۱۷۷۵۹	عبدالله	کیان بزاد	کرچی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۲۶۱۱۵۵	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۲۱۰
۲۰	۲۹۹۱۶	غلام رضا	شیرف زاده	نصرت الله	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۱۲۸۱۵۰۰	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۲۷۷
۲۱	۳۰۶۵۵	سید درویشعلی	منقی بزاد	سید محمد علی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۶۵۰۱۰۳	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۲۷۸
۲۲	۳۱۸۹۵	سید علی	موتقومان	میر رمضان	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۷۳۲۲۳۰	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۲۱۴
۲۳	۳۱۹۱۵	سید ولی	رسا	علی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۷۵۱۱۲	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۱۸۵
۲۴	۳۲۱۵۳	سید علی	موسی بزاد	سید علی اصغر	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۲۶۹۵۴	پاسوج	ایرانی	مرحوم	۱۰۰
۲۵	۳۲۱۵۴	خامران	علی بزاد	عوض	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۴۲۷۱۷۸	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۱۲۵
۲۶	۳۲۱۵۵	خزیر	نامانی	علی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۸۹۲۶۴	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۹۰
۲۷	۳۲۱۵۷	رضا	محمودی بزاد	سرف الله	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۸۹۲۶۴	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۹۰
۲۸	۳۲۱۵۸	سید اکبر	وحدتی	سلطان علی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۳۰۸۹۲۶۴	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۲۲۵
۲۹	۳۳۷۱۲	سید علی مراد	آل احمد	سید حمدالله	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۶۳۷۹۹۹	پاسوج	ایرانی	مرحوم	۹۴۵
۳۰	۳۵۱۸۰	سید قمر الله	توقی	علی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۳۳۷۰۲۲	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۹۰
۳۱	۳۵۱۹۳	سید الله مراد	رضوی پور	سید محمد مراد	کهگیلویه بویر احمد	۱۷۵۰۵۹۵۹۵۸	پاسوج	ایرانی	مرحوم	۹۰
۳۲	۳۵۱۹۳	سید احمد	طاهانی پور	سید عباس	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۰۲۱۵۴	پاسوج	ایرانی	مرحوم	۱۸۰
۳۳	۳۵۲۱۹	سید محمد	محمودی زاد	سید حاجی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۶۲۱۷۳۳	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۲۶۵
۳۴	۳۶۳۱۰	سیدعلی اکبر	مومن زاده	سید محمد	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۵۹۵۰۳۱	پاسوج	ایرانی	مرحوم	۲۶۵
۳۵	۳۸۹۲۱	ابرج میرزا	پارسه	فاطمی	کهگیلویه بویر احمد	۴۲۵۰۰۹۰۵۵۸	پاسوج	ایرانی	در قيد حیات	۲۶۵



ردیف	کد مرکز	نام	نام خانوادگی	نام پدر	استان محل صدور	کد ملی	نام مرکز استان	تابعیت	وضعیت حیات	تعداد روز جبهه قبل از قطعنامه
۲۶	۴۰۷۲۹	سید محمود	اللهی نیا	سید سلیمان	گیلانویه پوراحمد	۲۲۵۰۶۱۴۰۹۱	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۲۶۶
۲۷	۴۰۸۲۹	سید شهاب	علیزاده هونه	سید رحیم	گیلانویه پوراحمد	۵۵۰۹۸۸۰۱۲۰	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۱۲۰
۲۸	۴۱۲۴۵	سید عبدالرحمن	مر تقویان	سید حسن	گیلانویه پوراحمد	۶۰۰۹۵۵۵۲۴	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۹۰
۲۹	۴۱۴۵۳	سید محمد کاظم	حسینی طلب	سید غلامعلی	گیلانویه پوراحمد	۲۲۵۰۷۰۹۱۱۷	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۱۲۰
۴۰	۴۱۶۵۲	سید کریمت	محمودی مقدم	سید محمدظری	گیلانویه پوراحمد	۲۲۲۰۸۹۲۹۲۲	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۱۸۰
۴۱	۴۲۵۶۰	سید صادق	حسینی افشار	سید کریم	گیلانویه پوراحمد	۶۰۰۹۶۱۲۶۸۶	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۱۲۰
۴۲	۴۵۰۲۰	سید جواد	هاشمی منش	سید حسینی	گیلانویه پوراحمد	۲۲۵۰۶۵۰۹۱	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۲۱۰
۴۳	۴۵۱۲۴	صدرالله	پهشتی	علی جون	گیلانویه پوراحمد	۲۲۲۱۷۹۱۶۰۰	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۱۸۰
۴۴	۴۶۲۰۵	سید نصرالله	مستغوی نژاد	سید غلام	گیلانویه پوراحمد	۲۲۲۱۲۰۸۲۲۲	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۷۲۰
۴۵	۴۶۹۲۶	سید ابوالقاسم	رستگاری	سید محمود	گیلانویه پوراحمد	۶۰۰۹۶۵۱۳۷۱	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۹۰
۴۶	۵۰۷۱۹	سید صلاح الدین	یعقوبی	کریم	گیلانویه پوراحمد	۲۲۲۱۰۴۹۳۶۱	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۹۰
۴۷	۷۷۶۲۹	سید اسحاق	آذریشه	محمد رضا	گیلانویه پوراحمد	۲۲۲۰۹۲۹۴۹۱	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۷۷۸
۴۸	۸۶۰۶	قاسم	زربعانی	نورالله	گیلانویه پوراحمد	۶۰۰۹۸۸۷۲۷۵	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۶۲۴
۴۹	۲۵۸۸۳۹	محمد	ناظم	الله رضا	گیلانویه پوراحمد	۲۲۲۰۱۰۱۹۷۱	یاسوج	ایرانی	در قید حیات	۵۲۲

فصل چهارم

جانبازان

اندیشه سید اسحق

تاریخ و محل ولادت: ۱۳۴۱/۱۰/۹ شهر یاسوج

نام پدر: سید محمد رضا

مدت حضور در جبهه: ۲ سال و یک ماه و ۱۸ روز

درصد جانبازی: ۷۰ درصد

سال ورود به حوزه: ۱۳۷۲



محمدیان سید حقیقت

تاریخ و محل ولادت: ۱۳۳۵/۱/۱۰ صادره از بویراحمد

نام پدر: سید اسماعیل

مدت حضور در جبهه: یک سال و پنج ماه و ۹ روز

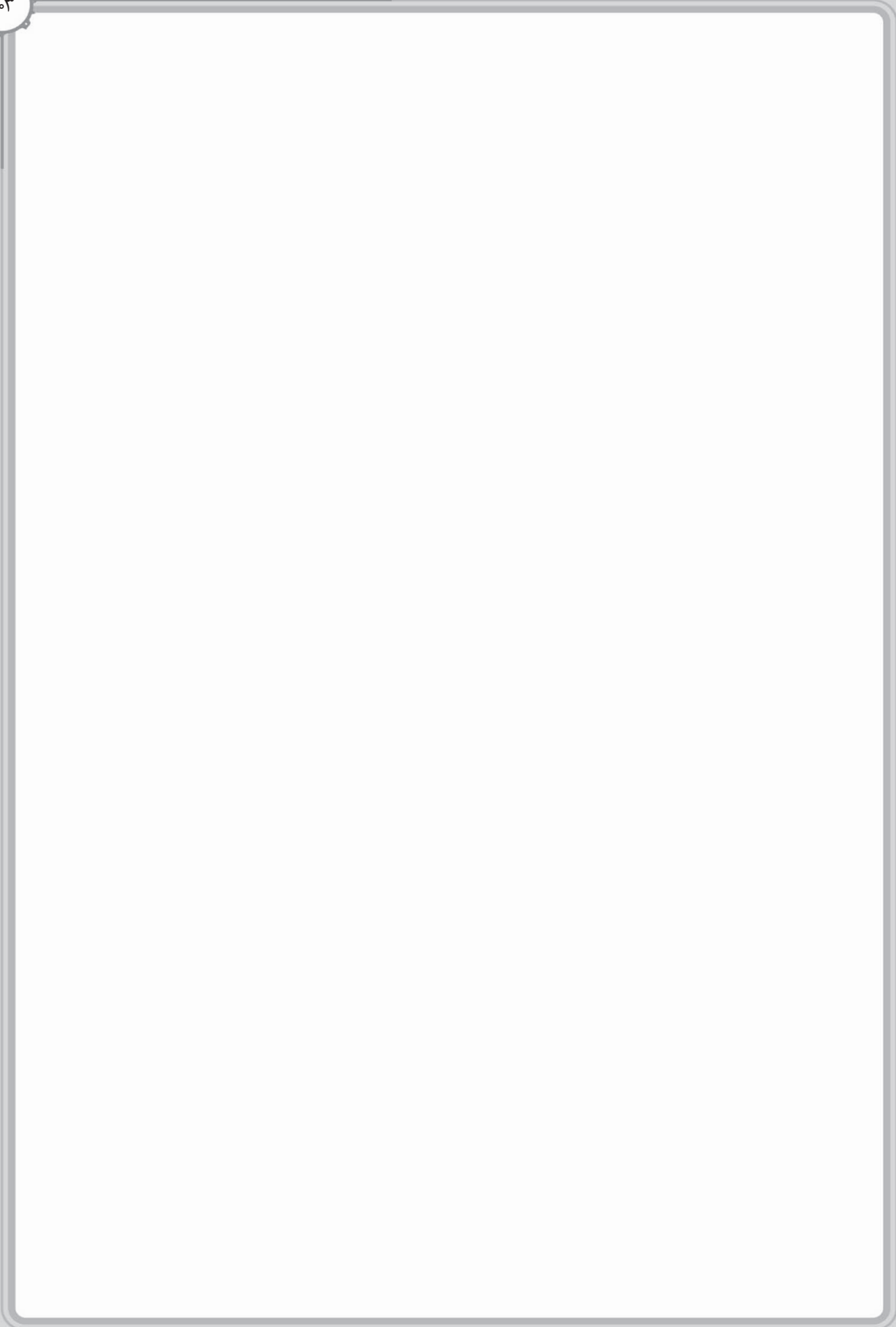
درصد جانبازی: ۷۰ درصد

سال ورود به حوزه: ۱۳۷۱



فصل پنجم

روحانیون آزاده





موسوی نژاد سید لطیف

نام پدر: نوراله
سال ورود به حوزه: ۱۳۷۲

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۶/۲
صادره: یاسوج
زندگی‌نامه

سید لطیف موسوی نژاد فرزند سید نورالله متولد ۱۳۳۱/۰۶/۰۲ پس از دوران طفولیت وارد مدرسه ابتدایی در روستای سوق از توابع شهرستان کهگیلویه شده و پس از پایان دوره ابتدایی به لحاظ اینکه دبیرستان در استان کهگیلویه و بویراحمد وجود نداشت جهت ادامه تحصیل در سال ۱۳۳۶ رهسپار شهر بهبهان در استان خوزستان شدند.

دو سال در دبیرستان درس خواند سپس وارد حوزه علمیه بهبهان شد ابتدا در مدرسه علمیه مرتضوی و سپس مدرسه علمیه امامزاده ابراهیم علیه السلام مشغول به تحصیل شد و دروس جامع المقدمات و سیوطی را نزد شهید حجت الاسلام بخردیان و مرحوم آیت الله مجتهدی تلمذ نمودند.

کم کم وارد مسائل روز و مبارزاتی شده و شروع به منبر و سخنرانی نمود تا جایی که در اواخر سال ۱۳۵۰ که پایان ماه صفر بود بالای منبر شروع به تشریح کتاب ولایت فقیه حضرت امام خمینی رحمة الله علیه نموده و سپس تکثیر تمثال مبارک ایشان و توزیع آن را در بهبهان انجام داد که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و موفق به فرار از بهبهان سپس ورود به حوزه علمیه قم شد. در حوزه علمیه قم، حضور و شرکت در دروس حوزوی و رهنمودهای مبارزاتی بزرگانی مثل مرحوم آیت الله ربانی شیرازی و آیت الله یزدی باعث شد تا بهتر و بیشتر وارد مسائل مبارزاتی و تظاهرات حوزه قرار گیرد و کمتر تظاهرات و راهپیمایی شروع می‌شد که در آن حضور نداشته باشد؛ تا اینکه در جریان بزرگداشت ۱۵ خرداد سال ۱۳۵۴ مدرسه فیضیه با جمع کثیری از طلاب به محاصره درآمده و پس از سه شبانه روز مقاومت نهایتاً عصر روز ۱۷ خرداد به وسیله گارد ستمشاهی سرکوب گشته و ایشان مجروح شد و دستگیر و به زندان اوین انتقال و پس از بازجویی در دادگاه نظامی به سه سال زندان محکوم گردید. سپس برای گذراندن دوره محکومیت به زندان قصر منتقل گردید که حدود ۲ سال از محکومیت ایشان سپری شد و در

خرداد ۱۳۵۶ بعد از ورود صلیب سرخ جهانی به زندان‌های ایران کمی جوّ زندان تغییر کرد و شروع به برپایی نماز جماعت نموده که به همراه چهار نفر دیگر از بند عمومی زندان به قرنطینه منتقل شده و چند ماهی را در قرنطینه سپری کردند و سپس به زندان انفرادی منتقل شدند و تا پایان مهر ۱۳۵۶ که بسیار مدت سختی بود به دلیل شرایط جسمی نامناسب از زندان انفرادی به بند منتقل شدند و حدود دو ماه بعد از زندان تهران به زندان اهواز انتقال و حدود ۷ ماه تا آخر خرداد ۱۳۵۷ را در زندان اهواز در کنار بزرگانی همچون شهید علم الهدی و شهید مجید جعفری و برادران دیگر و همچنین آقایان سخاوت و مرحوم سرهنگ دانش و جمع دیگری بود.

بعد از واقعه ۱۹ دی و چهل‌م شهدای قم و تبریز و بیداری امت اسلامی تحت امامت ولی فقیه حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بوده که در اوج تظاهرات مردمی علیه رژیم منحوس پهلوی بود، مرتب در شهرستان کهگیلویه و مناطق مختلف خوزستان سخنرانی و علیه حکومت ستمشاهی افشاگری نمود و از ۲ بهمن ۱۳۵۷ وارد تهران شد و در صف امت خروشان در خیابان نیروی هوایی حضور پیدا کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نابودی رژیم ستمشاهی، ازدواج نموده و جهت ادامه تحصیل مجدداً وارد حوزه علمیه قم گردید و از محضر بزرگانی از جمله آیت الله بنی فضل، ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، باکویی و دوزدوزانی کسب علم و فیض نمود.

در ایام جنگ تحمیلی چندین بار به مناطق جنگی اعزام و در بعضی از عملیات‌ها مثل فتح المبین و عملیات آزادسازی شرکت داشته‌اند. مجموع اسارت و زندانی ایشان سه سال و جانباز ۲۵ درصد هستند.

بنا درخواست علماء و مردم منطقه کهگیلویه از سال ۱۳۶۲ در شهر دهدشت ساکن و به عنوان رئیس اداره فرهنگ و ارشاد کهگیلویه مشغول به کار شد و به مدت چهار سال امام جمعه موقت و مسئول صندوق قرض الحسنه حضرت ولیعصر عج در دهدشت بود و نیز به لحاظ نیاز منطقه به فضای فرهنگی موفق به ساخت و تکمیل و راه اندازی ۱۰ باب کتابخانه عمومی، مجتمع فرهنگی در شهرستان کهگیلویه شدند.

پس از دوران بازنشستگی ضمن انجام فعالیت‌های فرهنگی، به مناسبت‌های مختلف به ایراد سخنرانی پرداخته و همچنین به عنوان روحانی کاروان در خدمت زوار محترم حضرت اباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام خدمتگزاری می‌نماید.



نجابت سید صادق

تاریخ تولد: ۱۳۴۲ متولد: کهگیلویه و بویراحمد
 نام پدر: سید محمد رحیم سال ورود به حوزه: ۱۳۶۳
 زندگینامه

سید صادق نجابت در سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ای از سلاله سادات روحانی از نسل موسی مبرقع ع از اولاد امامزاده سید محمود ع از نوادگان موسی اعرج علیه السلام در استان کهگیلویه و بویراحمد شهرستان دهدشت به دنیا آمد. دوران دبستان را در روستای پدری گذراند و مهر ماه سال ۱۳۵۷ به عنوان دانش آموز نمونه عشایری به مرکز استان یعنی شهر یاسوج عزیمت نمود. با شروع انقلاب جزء اولین کسانی بود که با راهنمایی معلم زبان خویش بیژن حیدری جرقه انقلاب را با دادن شعار در مرکز شهر روشن کرد. در این مسیر، پدر ایشان ید طولایی در شناساندن حضرت امام ره به مردم داشت که مایه دل گرمی بود. در آذر ماه سال ۱۳۵۷ که یگان‌های زرهی ارتش از اهواز عازم یاسوج شدند، مدارس تعطیل و ایشان به همراه پسرعموها به روستا برگشت و با پیروزی انقلاب درس را ادامه داد و دانش آموز نفر اول مدرسه شد. با کمک و پشت گرمی معلمان خود، فعالیت‌های فرهنگی و انقلابی را مجدداً شروع کرد و با تشکیلات شهید و الامقام بهشتی ره آشنا شد و مسئول شاخه دانش آموزی حزب و رئیس اتحادیه انجمن اسلامی و مسئول انجمن اسلامی تنها دبیرستان شهر شد که در جوار خیل عظیم شهدا از جمله شهیدان سجاد خاضع، شکراله صادقی و محمدحسین حجت دوست و... تمامی کارهای فرهنگی شهر را به دست گرفتند و کار تشکیلاتی را شروع کردند. فعالیت آن‌ها به قدری چشمگیر بود که هفته‌ای ۱۹ جلسه تشکیلاتی داشته و حجم عظیمی از کارهای فرهنگی را انجام می‌دادند. با شروع جنگ چاشنی کار بیشتر شد و در ۱۳ اسفند ۱۳۶۰ به همراه پرتعدادترین گروه عازم جبهه شدند و در پادگان آموزشی شهید دستغیب کارزون مدت ۱۴ روز آموزش نظامی دیدند و در اولین اعزام در عملیات فتح المبین غرب کرخه شرکت کردند. ایشان تا سال ۱۳۶۳ چندین بار به جبهه اعزام شد و به چندین مناطق عملیاتی رفت. مهر ماه سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه آقاباباخان

شیراز شده و بهمن ماه همان سال به عنوان نیروی رزمی تبلیغی مجدد عازم جبهه گردید و در شرق دجله در عملیات بدر در تاریخ ۲۵ اسفند، به دست دشمن بعثی اسیر شد و یکم شهریور ۱۳۶۹ از بند اسارت آزاد گردید. وی در تمام مدت اسارت به کار فرهنگی مشغول بود. کتب حوزی پایه عربی را صلیب سرخ می‌آورد و ایشان تقریباً کتابی نبود که کار نکرده و یا درس نداده باشد. حدود ده بار قرآن و نهج البلاغه را از اول تا آخر تدریس کرده و زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و عربی را آموخت. بعد اسارت مجدد به همان مدرسه علمیه در شیراز برگشت. سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه شیراز شد و در رشته پزشکی تحصیل کرد. بدون اخذ مدرک، وارد حوزه علمیه قم شده و در مدارس حقانی، فیضیه و دارالشفاء و مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی، محضر آیات عظام واعظ موسوی، قلی پورگیلانی، سعیدی و جوادی آملی تلمذ کرده و از دروس اخلاق آیت الله خرازی، آیت الله حایری شیرازی و مرحوم مصباح یزدی و آیت الله خوشوقت بهره مند گشت. ایشان متاهل و دارای سه فرزند می‌باشد که فرزند ارشد ایشان، سیدمحمدشرف، با حضور در سپاه قم، حدود چهار سال توفیق مدافع حرم را داشته است. در حال حاضر در بنیاد شهید اشتغال داشته و چندین سال در حوزه صنعت فعالیت می‌کنند و به عنوان مبلغ نمونه کشوری معرفی شدند.

خاطرات

بعد از عملیات فتح المبین، هم‌زمان بنده یا شهید شدند یا اسیر و یا به شهر برگشتند. بنده به همراه چند تن از دوستان در منطقه عملیاتی فکه برغازیه ماندیم و در عملیات فکه به فرماندهی شخص فرمانده قبلی سپاه حاج حبیب اله ابوشریف شرکت کردیم که پیروزی خوبی به دست آمد. البته این عملیات فریب بود جهت اجرای عملیات بیت المقدس و آزادی خرمشهر که بعد از عملیات فکه همه دوستان رفتند، بنده و سیدهاشم افشین از بستگان ماندیم و یک نفر راننده کامیون لیلاند که آمده بود مهمات به سمت خرمشهر ببرد. همه جا، سوت و کور بود. فقط من بودم و هاشم که راننده گفت به این شرط که این کامیون را از مهمات بار بزنید، من شما را به منطقه عملیاتی انرژی اتمی جاده اهواز خرمشهر می‌برم. بعد ساعتها تلاش در حالی که راننده فقط تماشا می‌کرد و پک به سیگار میزد و دو تا باربر گیر آورده بود، بار تکمیل شد و راننده با کمال

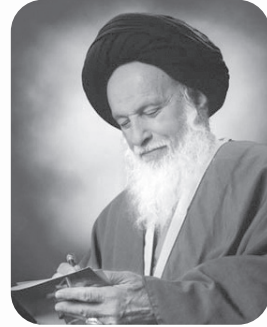
نامردی به جای کابین ماشین ما را بالای کامیون روی مهمات سوار کرد. وقتی به منطقه رسیدیم، چون جزء آمار نبودیم به شوق عملیات ۲ تا ۳ روز خود را بین نیروها پنهان کردیم. وقتی آمار می‌گرفتند، ۲ نفر اضافه بود با این حال دیگران دلشان به حال ما می‌سوخت که ذوق داشتیم و سکوت می‌کردند. نهایتاً با خواندن اسامی کل گردان، ما را بیرون کردند. با چشم گریان و دل خون، پیاده راهی اهواز شدیم. بین راه یک تراکتور دیدیم که کمی از مسیر را با آن آمدیم. مجدد پیاده شدیم و این بار با یک تویوتا تا اهواز آمدیم. از اهواز فوراً به شیراز و پادگان شهید مسگر رفتیم و تسویه حساب گرفتیم که زود به جنگ برگردیم. نفری ۶۰۰ تومان به ما پول دادند و آنجا بود که تازه فهمیدیم جبهه پول هم می‌دهند! با عجله آمدیم دهدشت که سریع قانونی اعزام شویم. منزل نرفته بودیم که سر میدان شهر بلندگو اعلام کرد: «شنوندگان عزیز توجه فرمایید توجه فرمایید خرم شهر آزاد شد». حال ما دو نفر متفاوت از همه ایران بود. شوق پیروزی از یک طرف و درد و حزن اخراج و عدم توفیق شرکت در عملیات به جرات می‌توانم بگویم حال هیچ مادر جوان مرده‌ای بدتر از حال من و هاشم نبود و چقدر افسوس خوردیم.

خاطرات

تا حدود چهار ماه از اسارت‌مفقودالثر بودم. خانواده‌ام بنا به گواهی چند نفر از هم‌زمان، مرا شهید شده تلقی کرده، حتی برایم مجلس ترحیم و خاطره‌گویی و قرآن‌خوانی هم گرفته بودند. برای مراسم شهادتم پوستر و اعلامیه هم چاپ شده بود که پس از آزادی و بازگشت به خانه، دیدم. عراقی‌ها هر چه اصرار می‌کردند که برای مصاحبه بروم و خبر اسارت‌م را از رادیو فارسی عراق بگویم، قبول نکردم، چون احتمال می‌دادم شاید مجبورم کنند به امام ره یا نظام مقدس کشورمان توهین کنم. در نهایت دو نفر از بچه‌های جهرم که با من در یک آسایشگاه بودند حدود چهارماه بعد از اسارت‌م وقتی از رادیو عراق حرف زدند اسم مرا هم گفتند و خانواده‌ام متوجه اسارت‌م شدند.

فصل ششم روحانیون پدر شهید

مرحوم آیت الله ملک حسینی سید کرامت الله



ملک حسینی شهید سید عبدالمهدی



سید کرامت الله ملک حسینی در سال ۱۳۰۳ شمسی در روستای گوشه شاهزاده قاسم از توابع شهرستان بویراحمد به دنیا آمد. پدرش سیدصدرالدین ملک حسینی از روحانیون سرشناس بویراحمد بود. وی پس از استقرار در تل خسرو در دبستان ۵ کلاسه تازه تأسیس مشغول تحصیل شد و پس از اتمام کلاس پنجم در سال ۱۳۱۵ برای ادامه تحصیل به شیراز رفت و پس از موفقیت در امتحان نهایی با رتبه شاگرد ممتاز وارد کلاس اول متوسطه شد. در سال ۱۳۱۹ بر اساس علاقه‌ای که به علوم دینی داشت وارد حوزه شد و دروس حوزوی را نزد پدرش و برخی را نزد عمومیش که در ادبیات عرب توانمند و خبره بود فراگرفت. سپس به شیراز رفته و به تدریس طلاب علوم دینی در مدرسه خان پرداخت. از استادان وی در شیراز، پدرش سیدصدرالدین ملک حسینی، میرزا احمد دارابی و در حوزه علمیه قم، امام خمینی، سیدحسین طباطبایی بروجردی، سید محمد حسین طباطبایی، سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد محقق داماد بوده‌اند.

شماره: ۸۰۰۰۰۰۰۰
 تاریخ: _____
 پیوست: _____
 فن: ۲۲۵۷۸-۲۲۸۷۷-۲۲۵۷۶



وزارت کشور
 مهاباد کهرودما مقام
 جمهوری اسلامی ایران تهران فارس

از شهروان ایستادن فارس اطلاع خواصا
 به نرماند ارینداسی شهرستان شیراز
 در باره موقایع شیراز

از ساعت ۸۰۰ روز جاری طبق دستور سید کرامت الله علی بن حسین حسد و
 ۲۰۰ نفر از جوانان و نوجوانان مختلف در مسجد حبیبی واقع در رشت عمده آن تره بار
 شیراز اجتماع پیران سخنرانی و توزیع اعلامیه مضره جمعیت هنگام خروج از مسجد
 میا در رسته اتفاقا هراست نمود و ما موین فرما نند ارینداسی در حلسه نماز میسند
 که چون با خطا را موین سخن گویند متفرق نمیشوند از جا را جلنا بود سکتاد موبس
 تیراندازی هراسی میمانا بد که نفرقتول و چند نفر مجروح میگردد ۸۰

رئیس شهروان ایستادن فارس
 شکر ایلات

گهزنده
 راسته ازمان با طافا عواضتار رجیستا حضا
 راستا دارا با طافا تجیستا حضا

۶۴۷۰

بسیار است سازمان
 دتاری کی اداره سوم ۴۱۲
 ستانک فارسین
 شماره: ۸۰۰۰۰۰۰۰
 تاریخ: ۸۰۰۰۰۰
 پیوست: _____

در این سبب تکریم الله علی بن حسین سکن شیراز خیا بان رجال گروهیست با درگاهاندا
 با رگت بسده ۴۱۲ / ۲۴۸۱ - ۸۰ / ۴۲
 تا مردم و بالا از روحانیون فاسد رو به انقلاب میباشند که بگفت پسرده با با پیروان این مخالف
 ارتقا نه و با انبساطی آنان هم آنگاه است با اینکه مشا را بسده شهری نیست لیکن من
 صحبتها می نمودی کزرا از دولت و دستگاهها و روش انتقاد مینماید و در روزهای
 ۱۱ خرداد ۴۲ مردم را تفریب و تهدید و با اعلامیه بخش بود تا ۴ ماه متواتر بود راست - شخص -
 با کسب و فروشند طبعه مروجین مذ هوسی تارقات سون میمانا بد که همین مناسبت در سال
 ۹ بسده سارا که احساسات کسرت لازم بود در وقت و در راهی و در راهی اردیبهشت مفسال
 چساروی منزل سنگ و تن شخص موصوفی با نام خانوادگی (احتمال مدعی شده ن جنایت کاران
 فزونی) مورد سوزان شهرتانی قاری نظر اریگر که انجام تشکیلات فاطمی از مثل مذ کسرت
 بازرس در نتیجه تعدادی کتب و رسالات خمینی بدست میآید همچنین در آن روز که از
 حجره و در واقع در رده رسده نایج بعلل موزاجتند ادی که با بد و پیوسته اعلامیه پان و فاد بزرگ
 اسلام خمینی هرگز سیرین خانه خند الا از پی در پی در بعضی ۳۱۲ لایان از آن که تقدم گزیده با بسده
 طبعه با احوالی توجه به مراتب فوق و کارزارها تدقیق شده راهای ۱۳۳۰ هـ - ۲۲ / ۲۴
 ۱۰ / ۱۰۰۱ هـ - ۸۰ / ۴۱ هـ و اینکه ششمین نفر است از اول تا راجعت و نسبت بسده خمینی
 کلاسه نهائی دارد و در رساله با الفب روحانیون امیران جسد اعلامیه در راه بن حاضرین -

مرحوم آیت الله ملک حسینی از سال ۱۳۴۱ و پس از اعلام مخالفت امام خمینی ره با انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی به صف انقلابیون پیوست. وی که یکی از مضروبان حادثه حمله به مدرسه فیضیه قم بود به موجب اسناد به دست آمده از ساواک، از جمله خطرناک ترین شاگردان امام خمینی ره و از افراطی ترین روحانیون تحت مراقبت بود. تعقیب مداوم و لحظه به لحظه در مسافرت ها و بازدیدها به خصوص هنگام ورود به عرصه ایلات و عشایر، تعرض های مکرر به مدارس و بیت وی، متواری بودن هفت ماهه، احضار و بازداشت و بازجوئی های سخت گیرانه، تعطیل کردن مدرسه علمیه و حوزه تدریس توسط رژیم، همگی نمونه ای از سوابق مبارزاتی اوست. در چند ماهه آخر حیات رژیم، در تجمعی که به دعوت ایشان و با حضور گسترده مردم در مسجد حبیب شیراز صورت گرفت در حین سخنرانی تند و انقلابی او با یورش عمال حکومت از زمین و هوا که منجر به کشته و مجروح شدن چندین نفر شد به زندان عادل آباد منتقل شد که پس از بروز واکنش شدید و اعلان جنگ عشایر بویراحمده به حکومت و اعتراضات آن ها، از

زندان آزاد شد. پس از آزادی برای تسریع در روند شکل‌گیری مبارزات مردم به یاسوج آمد و به هدایت و پیگیری تظاهرات پرداخت.

شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از آنجایی که ایشان مورد وثوق امام خمینی ره بودند، امام ره طی حکمی وی را موظف به تشکیل دادگاه و اجرای حکم شرع و ایجاد آرامش و امنیت به هر نحو که صلاح بداند و جلوگیری از اختلاف و تفرقه و ارشاد مردم و خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان اسلام کرد. ایشان از آن هنگام تا زمان درگذشتش نماینده مجلس خبرگان رهبری از استان کهگیلویه و بویراحمد در دوره چهارم و نماینده ولی فقیه در آن استان بود که پس از رحلت، به جای ایشان، فرزندش سید شرف‌الدین ملک حسینی در هر دو جایگاه انتخاب شد.

از شاگردان ایشان می‌توان از آقایان سید علی اصغر حسینی، سید شرف‌الدین ملک حسینی، سید علی محمد بزرگواری، محمد رضا قبادی آدینه‌وند، شیخ قادر حیدری فسائی، شیخ مصطفی زمانی، شیخ ابوطالب عابدی جهرمی، شیخ ماندنی احمدی گناوه‌ای، شیخ یوسف سلمان‌زاده برازجانی، شیخ خدامراد راجی ابرقویی و سید قنبر نام برد. تالیفات ایشان نیز، تقریرات فقه و اصول امام خمینی ره که چاپ نشده و رسالتان قاعده لاضرر التعارض بین الأدله از تقریرات امام خمینی ره هست که در ۲۱۲ صفحه به زبان عربی چاپ شده است.

سرانجام آیت‌الله ملک حسینی در ۱۲ آبان ۱۳۹۱ هجری شمسی در بیمارستان نمازی شیراز درگذشت و پس از تشییع در یاسوج و زادگاهش، در جوار جدش امامزاده قاسم ع در روستای گوشه به خاک سپرده شد.

نامه تشکر امام خمینی ره از آیت‌الله سید کرامت‌الله ملک حسینی به جهت
جلوگیری از تفرقه

زمان: ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ / ۱۴ ربیع الاول ۱۳۹۹

مکان: تهران، مدرسه علوی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید کرامت الله ملک حسینی - دامت
افاضاته

مرقوم محترم آن جناب واصل گردید. از اظهار محبت جنابعالی و عشایر محترم کهگیلویه
و بویراحمد متشکرم و دوام توفیقات همگی را از خدای تعالی خواستارم. امید است ان شاءالله
تعالی با هوشیاری کامل و حفظ وحدت و همبستگی از توطئه های دشمنان اسلام در هر حال
جلوگیری کرده و مانع هرگونه اخلال و تفرقه و اختلاف گردید. سلام اینجانب را به عموم آقایان
محترم ابلاغ فرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

به تاریخ ۱۴ ربیع الاول ۹۹

روح الله الموسوی الخمینی

پیام مقام معظم رهبری در رحلت آیت الله ملک حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

رحلت عالم مجاهد آیت الله آقای حاج سید کرامت الله ملک حسینی رحمت الله علیه را به
عموم مردم عزیز استانهای فارس و کهگیلویه و بویراحمد و بالخصوص به علماء اعلام و
ارادتمندان ایشان و بالاخص به بازماندگان و خاندان مکرم و معزز ملک حسینی تسلیت
میگویم.

در طول دهها سال آشنایی و ارتباط با این عالم بزرگوار، همواره مجاهدت در راه حق و
اهتمام بر خدمت به مردم و تلاش برای تعلیم و تربیت متعلمان و جویندگان، همراه با صدق و
صفای کم نظیر را از خصوصیات بارز این روحانی بزرگوار شناخته‌ام و این‌گونه خصال نیکو و
برجسته، در میزان الهی از برترین حسنات است.

رحمت و رضوان الهی بر روح پر فتوح آن عالم ربانی باد.

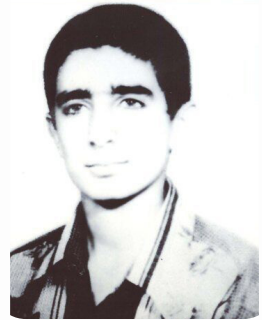
سید علی خامنه ای

۱۳/آبان ۱۳۹۱

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی سید امرالله



شهید هاشمی سید بشیر



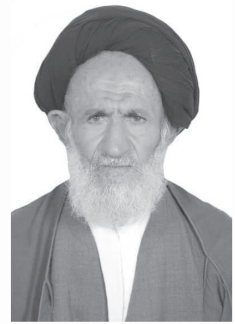
مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید امرالله هاشمی پدر روحانی شهید سید بشیر هاشمی، علاوه بر تقدیم یکی از فرزندان خود در راه دفاع از ارزش‌های اسلامی، به عنوان معلم در تربیت و آموزش کودکان عشایری و روستایی شهرستان بویراحمد نقش بسزایی داشت. نزدیک به یک قرن زندگی عزتمندانه او منشا تحولات بزرگی بود و آثاری ماندگار. کودکی را در محیطی عشایری آغاز کرد و در روستا ادامه داد ولی نگاه بلند و همت عالی‌اش او را برای تحصیل علم به شهر شیراز کشاند تا منشا تحولی در فامیل و منطقه گردد و با ورود به عرصه آموزش و پرورش، شاگردان فراوانی را تربیت کند که بعدها خود مبدا حرکتی درخشان شدند. او معلمی مشفق و صاحب سبک بود و برای شاگردان و همکارانش الگوی جدیت و خستگی ناپذیری و بلندهمتی. هر کسی که ساعتی با او مانوس بوده باشد دقت نظر، نکته سنجی و قدرت تحلیل بی‌نظیرش را فراموش نخواهد کرد. هریک از شاگردانش که توفیق زیارتش را داشتند بلا

استثناء با آموزه‌هایی جدید از محضرش مرخص شده اند و با اشتیاق به دیدار مجدد و تلمذ بیشتر از حضورش.

حتی در واپسین سالهای عمر شریفش که جسمش نحیف شده بود، روح و روانش کماکان در اوج بود و خلاقیت ذهنی و بیان نافذش الهام بخش. او اگرچه معمولاً کم سخن می‌گفت ولی سخنانش همیشه نغز و ناب بود و حاوی مطالب و پیامهای کمیاب. هرگاه کسی با او مشورت می‌کرد بی‌تردید دستاوردی جدید و راهگشا به دست می‌آورد و با رویکردی عمیق‌تر و نگرشی دقیق‌تر می‌توانست تصمیم بگیرد و با عزمی راسخ‌تر وارد عمل شود. زمانی که وی به عنوان یک معلم وارد عرصه تدریس شد، جایگاهی ویژه یافت و با هوش سرشار و تحصیلات کم نظیرش همزمان در علوم دینی و علوم طبیعی از منزلت علمی ویژه‌ای برخوردار و



حجت الاسلام صالحی زاده سید بمونی



حجت الاسلام و المسلمین صالحی زاده سید محمد تقی



حجت الاسلام سید بمونی صالحی زاده پدر روحانی شهید سید محمد تقی صالحی زاده، از روحانیون مبارزی بود که بیشترین سهم را در روشنگری مردم در شهرستان لنده برعهده داشت ایشان رهبر نهضت در منطقه لنده بود که کلیه تصمیمات درآید نک توسط ایشان گرفته می شد.

نامه ساواک در مورد ایشان

موضوع: حاج سید بمونی صالحی زاده واعظ ساکن قریه آید نک لنده گچساران

متن سند:

گزارش خبر نامبرده بالا در سخنرانی ها و مجالسی که شخصا در منزل خود برپا مینماید مردم را علیه دولت و در جهت همدردی با کشته شدگان حوادث اخیر قم و تبریز تحریک و نوارهایی از روحانیون افراطی که متن آن علیه مصالح ملی است در منزل دارد که برای محارم و دوستان نزدیک خود پخش می کند ضمنا فرزند نامبرده بنام محمد کاظم صالحی زاده که محصل سال ششم دبیرستان است مبادرت بتهیه و قرائت اعلامیه مضره جهت روستائیان و عشایر

می‌نماید.

۱ نظریه شنبه: چون نامبرده با عشایر دشمن زیاری و طیبی گرمسیر گچساران در تماس و مرتبط می‌باشد امکان دارد با تبلیغات سوء خود موجب تجری و تحریک آنان بشود. نظریه یکشنبه پیگیری موضوع از طریق سازمان مربوطه بمنظور بدست آوردن سرخ اصلح بنظر میرسد. بلادی نظریه ه. ۱۶ نظریه یکشنبه مورد تایید است. توضیحات سند:

۱ این سند نشان می‌دهد که موج مخالفتها با رژیم شاه و گسترش نهضت اسلامی در اوایل سال ۱۳۵۷ بیشتر جغرافیای ایران را در بر گرفته بود.

با این حال جناح سازنده حزب رستاخیز در بیانیه‌ای که امروز (۵۷/۷/۱۷) روزنامه اطلاعات آن را چاپ کرد، در اولین بند از نوشته خود آورد که «عملیات تخریبی روزهای گذشته به دست گروههای کوچکی انجام شد که غالباً از شهری به شهر دیگر می‌رفتند و پس از حمله به تأسیسات گوناگون می‌گریختند.» این تعبیر اشتباه از نهضت مردم و نیز دیگر تحلیلهای فرمایشی حزب، در نهایت باعث شد که تشکیلات حزب رستاخیز اواسط سال ۱۳۵۷ فروپاشد و تمسخر تاریخ را به جان بخرد.

منبع: کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک - کتاب ۴، صفحه ۲۵۲

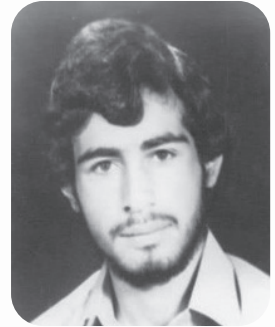
قسمتی از بیانات ایشان

رواج دین و ارزش‌های فرهنگی از وظایف اصلی علما بوده و باید در این بخش از ظرفیت نخبگان بیشتر استفاده شود. خودسازی و تقوا از شاخصه‌های مهم علما و روحانیون است و باید با مشارکت این قشر، زمینه بیشتر رشد و تعالی فرهنگی، دینی و معرفتی را در جامعه فراهم کرد؛ چرا که علما وظیفه هدایت مردم را به عهده دارند و لازم است که در مورد خود نیز توجه بیشتری داشته باشند. علمای شهرستان با وحدت و همدلی خود، ظرفیت‌های فرهنگی و مذهبی خوبی ایجاد کرده اند و آئین‌های ملی، مذهبی و مردمی همچون نمازهای جمعه و جماعات مساجد با شرکت پرشور مردم برگزار می‌شود.

حجت الاسلام والمسلمین رضا توفیقی سید عبدالنبی



روحانی شهید رضا توفیقی سید محمد لطیف



سید عبدالنبی رضا توفیقی در سال ۱۳۰۷ش در روستای تولیان از توابع شهرستان دهدشت متولد شد. پدر ایشان مرحوم آقا میر محمد لطیف یکی از علما جنوب کشور بوده است. سید عبدالنبی در سن هفت سالگی خواندن و نوشتن و قرائت قرآن را از عموی خود میر محمد شریف یاد گرفت و بعد از آن بوستان و گلستان سعدی را نیز آموخت. سپس چندین سال از محضر والد خویش ادبیات، منطق و فقه را فرا گرفت و بعد به سفارش پدرش در سال ۱۳۲۷ش به حوزه علمیه بهبهان وارد شد و در مدرسه علمیه شاهزاده ابراهیم علیه السلام مشغول به تحصیل شد. از محضر علمائی چون شیخ عبدالهادی بهبهانی، سید فرج الله مصطفوی، سید محمد علی مرتضوی و شیخ محمد حسین مجتهدی بهبهانی فقه و اصول فرا گرفت. از جمله آثار به جا مانده از ایشان می توان از ترجمه کتاب التصریف، حاشیه بر البهجة المرضیة و حاشیه بر مغنی اللیب نام برد.

این عالم بعد از رحلت پدرش به منطقه برگشت و به تبلیغ و رتق و فتق مردم آن سامان مشغول شد. در واقع در زمان حکومت محمدرضا شاه ایشان به عنوان یک عالم دینی و مردمی

قاضی القضاة آن منطقه بود و بدون اینکه مردم نیازی به محکمه حکومت داشته باشند، به ایشان مراجعه می‌کردند و منازعات بین مردم را حل و فصل می‌نمود. امرار و معاش ایشان از طریق کشاورزی و دامداری بود و شخصاً امور کاشت و برداشت را با امکانات آن عصر انجام داد. ایشان سرانجام به تاریخ ۱۴ رجب المرجب ۱۴۲۰ و مصادف با دوم آبان سال ۱۳۷۸، همزمان با وفات عمه سادات، حضرت زینب کبری ع به رحمت ایزدی پیوست.

تشییع پیکر پاک ایشان با شکوه هرچه تمامتر و با حضور بزرگان از علما و روحانیون و مسؤولین دولتی و انبوه مردم دل‌داده و دوستدار ایشان برگزار شد. نماز میت توسط میر احمد تقوی رئیس حوزه علمیه دهدشت اقامه شد و در قبرستان دهدشت کنار گلزار شهداء به خاک سپرده شد.

«العلماء باقون ما بقی الدهر»



به مناسبت ارتحال ملکوتی عالم مجاهد و پارسا
حضرت حجة الاسلام والمسلمین
سید عبدالنبی رضاتوفیقی (عاب نراه)
و به پاس گرامیداشت و تجلیل از آن اسوه زهد و تقوی
و عاشق مکتب اهل بیت علیهم السلام مراسم ختمی روز پنجشنبه ۷۸/۹/۴
از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در «مسجد محمدیه»
واقع در سه راه موزه منعقد می‌باشد.
شرکت علما، روحانیون و دوستان و مؤمنین موجب شادی روح آن
مهاجر عاشق و نسل‌ی خاطر بازماندگان خواهد بود.
علما و روحانیون استنهای کتیکلوه و بویراحمد، فارس و عوزستان

فصل ہفتم : ضمائم

اطلاعات شهدای روحانی استان کهگیلویه و بویر احمد

بر اساس سال شهادت

ردیف	نام شهید	نام خانواگی	تاریخ تولد	محل تولد	تاریخ شهادت	محل شهادت
۱	سید علی	نورالدینی	۱۳۳۲/۶/۳	دم عباس/کهگیلویه	۱۳۵۷/۱۰/۸	بهبهان
۲	عبدالله	محبی پور	۱۳۴۳/۳/۳	باشت	۱۳۵۹/۱۲/۴	فیاضیه
۳	سید ابوالنصیب	حسینی	۱۳۴۴/۱/۱	ده آفتاب/بویراحمد	۱۳۶۱/۱/۳	کرخه
۴	علی	راستگو	۱۳۴۰/۵/۵	گوشه/بویراحمد	۱۳۶۱/۸/۱۱	عین خوش
۵	سید محمد قاسم	حسینی چم	۱۳۳۹/۱/۱	میدان سادات/کهگیلویه	۱۳۶۱/۸/۱۶	عین خوش
۶	سید بشیر	هاشمی محبی آباد	۱۳۴۳/۶/۵	شیراز	۱۳۶۱/۱۲/۲۷	قصر شیرین
۷	سید خدایار	دالمن	۱۳۴۷/۲/۹	چغل/کهگیلویه	۱۳۶۲/۱۲/۸	جزیره مجنون
۸	سید قاسم	ترسه (موسوی)	۱۳۴۰/۵/۹	سادات محمودی/دنا	۱۳۶۱/۸/۱۹	عین خوش
۹	محمد رضا	جشان زاده (مبشری)	۱۳۴۶/۱۲/۳	پرچو/ابهمنی	۱۳۶۳/۷/۲	جزیره مجنون
۱۰	سید حکمت الله	دانش‌ره	۱۳۴۴/۲/۹	راک/کهگیلویه	۱۳۶۳/۱۲/۲۰	طلائییه
۱۱	مسعود	خورشیدی آزاد	۱۳۴۰/۵/۱۲	گچساران	۱۳۶۱/۸/۲۲	جزیره مجنون
۱۲	سید علی اصغر	تقوی پور	۱۳۴۲/۳/۱۳	گچساران	۱۳۶۴/۱۲/۲۰	فاو
۱۳	کریم	عمادی	۱۳۴۲/۹/۱۳	سی سخت	۱۳۶۴/۱۲/۱۸	فاو
۱۴	خبرالله	پرواز	۱۳۴۵/۱/۱	دهگرو/کهگیلویه	۱۳۶۴/۱۲/۹۶	غرب کشور
۱۵	رمضان	جشان زاده (مبشری)	۱۳۴۱/۲/۲	پرچو/ابهمنی	۱۳۶۴/۱۲/۱	فاو
۱۶	سید رمضان	سیروس	۱۳۴۴/۲/۹	پرچل/کهگیلویه	۱۳۶۴/۱۱/۲۷	فاو
۱۷	سید محمد لطیف رضا	توفیقی	۱۳۴۱/۱۱/۲۲	طولیان/کهگیلویه	۱۳۶۴/۱۱/۲۶	فاو
۱۸	سید عبدالمحمد	تقوی سوق	۱۳۴۳/۷/۱	سوق/کهگیلویه	۱۳۶۴/۱۱/۲۲	فاو
۱۹	سید یعقوب	هاشمی پور	۱۳۴۴/۱/۱	بیدک/باشت	۱۳۶۴/۱۱/۲۱	اروند رود
۲۰	رضا	چمانی (زرنگاریان)	۱۳۴۶/۵/۱	ولی آباد/بویراحمد	۱۳۶۵/۱۲/۲۱	شلمچه
۲۱	سید محمد نقی	صالحی زاده	۱۳۴۸/۸/۱۸	سوق/کهگیلویه	۱۳۶۵/۱۱/۴	شلمچه
۲۲	تیمور (مرتضی)	پردال	۱۳۴۴/۱/۴	گچساران	۱۳۶۴/۱۱/۲۴	شلمچه
۲۳	محمد (بهادر)	خرسندیان	۱۳۴۴/۱۱/۶	چیتاب/بویراحمد	۱۳۶۵/۱۰/۴	اروند رود
۲۴	سید یونس	موسوی	۱۳۴۷/۹/۲۹	گچساران	۱۳۶۵/۶/۲۸	فاو
۲۵	سید همت الله	غریبی	۱۳۴۷/۶/۷	ده آفتاب/بویراحمد	۱۳۶۵/۶/۲۲	فاو
۲۶	عبدالرضا	خورشیدی آزاد	۱۳۴۷/۶/۳	گچساران	۱۳۶۵/۲/۱۲	فکه
۲۷	سید عبدالعلی	حسینی سواره	۱۳۵۰/۹/۷	چرام	۱۳۶۶/۱۲/۱۱	کردستان
۲۸	باقر	جاکیان (باقریان)	۱۳۴۶/۱۲/۱	گچ بلند/ابهمنی	۱۳۶۶/۲/۴	سلیمانیه
۲۹	فتح الله	صفری بیدک	۱۳۴۶/۳/۱	بیدک/باشت	۱۳۶۷/۲/۱۸	ماووت
۳۰	علیرضا	شکوهیان	۱۳۴۲/۶/۲۶	آبادان	۱۳۶۷/۲/۲۶	غرب کشور
۳۱	سید محمد علی	غلامی بیدک	۱۳۴۸/۱۰/۶	بیدک/باشت	۱۳۶۷/۴/۴	جزیره مجنون
۳۲	علی قلی	پدیدار	۱۳۴۶/۳/۴	تنگ هیگون/کهگیلویه	۱۳۶۷/۲/۳	ماووت
۳۳	عباس	آزادی	۱۳۴۳/۵/۲	یاسوج	۱۳۷۵/۲/۱۲	بیمارستان ساسان/تهران

اطلاعات شهدای روحانی استان کهگیلویه و بویر احمد

براساس ماه شهادت

ردیف	نام شهید	نام خانوادگی	تاریخ تولد	محل تولد	تاریخ شهادت	محل شهادت
۱	سید ابوالنصیب	حسینی	۱۳۴۴/۰۱/۰۱	ده آفتاب/بویراحمد	۱۳۶۱/۰۱/۰۳	کرخه
۲	سیدقاسم	ترسه(موسوی)	۱۳۴۲/۰۱/۰۷	سادات محمودی/دنا	۱۳۶۲/۰۱/۰۸	عین خوش
۳	کرامت الله	رهبر	۱۳۴۶	سواری/کهگیلویه	۱۳۶۶/۰۱/۲۹	ماووت
۴	علی قلی	پدیدار	۱۳۴۶/۰۳/۰۴	تنگ هیگون/کهگیلویه	۱۳۶۷/۰۲/۰۳	ماووت
۵	باقر	جاکیان(باقریان)	۱۳۴۶/۱۲/۰۱	گچ بلند/بهمئی	۱۳۶۶/۰۲/۰۴	سلیمانیه
۶	عبدالرضا	خورشیدی آزاد	۱۳۴۷/۰۶/۰۲	گچساران	۱۳۶۵/۰۲/۱۲	فکه
۷	عباس	آزادی	۱۳۴۲/۰۵/۰۲	یاسوج	۱۳۷۵/۰۲/۱۲	بیمارستان ساسان/تهران
۸	فتح الله	صفری بیدک	۱۳۴۶/۰۳/۰۱	بیدک/باشت	۱۳۶۷/۰۲/۱۸	ماووت
۹	علیرضا	شکوهیان	۱۳۴۲/۰۶/۲۶	آبادان	۱۳۶۷/۰۲/۲۶	غرب کشور
۱۰	سیدمحمدعلی	غلامی بیدک	۱۳۴۸/۰۶/۱۰	بیدک/باشت	۱۳۶۷/۰۴/۰۴	جزیره مجنون
۱۱	سید همت الله	غریبی	۱۳۴۷/۰۶/۰۷	ده آفتاب/بویراحمد	۱۳۶۵/۰۶/۲۲	فاو
۱۲	سید یونس	موسوی	۱۳۴۷/۰۹/۲۹	گچساران	۱۳۶۵/۰۶/۲۸	فاو
۱۳	محمد رضا	جشان زاده(مبشری)	۱۳۴۶/۱۲/۰۲	پرچو/بهمئی	۱۳۶۳/۰۷/۰۲	جزیره مجنون
۱۴	علی	راستگو	۱۳۴۰/۰۵/۰۵	گوشه/بویراحمد	۱۳۶۱/۰۸/۱۱	عین خوش
۱۵	سیدمحمدقاسم	حسینی جم	۱۳۳۹/۰۱/۰۱	میدان سادات/کهگیلویه	۱۳۶۱/۰۸/۱۶	عین خوش
۱۶	محمد(بهادر)	خرسندیان	۱۳۴۴/۱۱/۰۶	چیتاب/بویراحمد	۱۳۶۵/۱۰/۰۴	اروند رود
۱۷	سیدعلی	نورالدینی	۱۳۳۲/۰۶/۰۳	دم عباس/کهگیلویه	۱۳۵۷/۱۰/۰۸	بهبهان
۱۸	تیمور(مرتضی)	پردال	۱۳۴۵/۰۷/۰۱	گچساران	۱۳۶۵/۱۰/۲۲	شلمچه
۱۹	سیدمحمدنقی	صالحی زاده	۱۳۴۸/۰۸/۱۸	سوق/کهگیلویه	۱۳۶۵/۱۱/۰۴	شلمچه
۲۰	سید یعقوب	هاشمی پور	۱۳۴۴/۰۱/۰۱	بیدک/باشت	۱۳۶۴/۱۱/۲۱	اروند رود
۲۱	سید عبدالمحمد	تقوی سوق	۱۳۴۲/۰۷/۰۱	سوق/کهگیلویه	۱۳۶۴/۱۱/۲۲	فاو
۲۲	سیدمحمدلطیف	رضا توفیقی	۱۳۴۱/۱۱/۲۲	طولیان/کهگیلویه	۱۳۶۴/۱۱/۲۶	فاو
۲۳	سید رمضان	سیروس	۱۳۴۴/۰۲/۰۹	پرچل/کهگیلویه	۱۳۶۴/۱۱/۲۷	فاو
۲۴	رمضان	جشان زاده(مبشری)	۱۳۴۱/۰۲/۰۲	پرچو/بهمئی	۱۳۶۴/۱۲/۰۱	فاو
۲۵	عبدالله	محبی پور	۱۳۴۲/۰۳/۰۲	باشت	۱۳۵۹/۱۲/۰۴	فیاضیه
۲۶	خیرالله	پرواز	۱۳۴۵/۰۱/۰۱	ده گرو/کهگیلویه	۱۳۶۴/۱۲/۰۶	غرب کشور
۲۷	سید خدایار	دالهن	۱۳۴۷/۰۲/۰۹	چغل/کهگیلویه	۱۳۶۲/۱۲/۰۸	جزیره مجنون
۲۸	سید عبدالعلی	حسینی سواره	۱۳۵۰/۰۹/۰۷	چرام	۱۳۶۶/۱۲/۱۱	کردستان
۲۹	کریم	عمادی	۱۳۴۲/۰۹/۱۳	سی سخت	۱۳۶۴/۱۲/۱۸	فاو
۳۰	سید حکمت	دانشره	۱۳۴۴/۰۲/۰۹	راک/کهگیلویه	۱۳۶۳/۱۲/۲۰	طلایه
۳۱	سیدعلی اصغر	تقوی پور	۱۳۴۲/۰۳/۱۲	گچساران	۱۳۶۴/۱۲/۲۰	فاو
۳۲	مسعود	خورشیدی آزاد	۱۳۴۰/۰۱/۰۵	گچساران	۱۳۶۳/۱۲/۲۱	جزیره مجنون
۳۳	رضا	چمانی(زرنگاریان)	۱۳۴۶/۰۵/۰۱	ولی آباد/بویراحمد	۱۳۶۵/۱۲/۲۱	شلمچه
۳۴	سیدبشیر	هاشمی محمدآباد	۱۳۴۲/۰۶/۰۵	شیراز	۱۳۶۱/۱۲/۲۷	قصر شیرین

لیست مدارس علمیه استان کهگیلویه و بویراحمد

برادران

ردیف	نام مدرسه	طلاب	شهر	نام و نام خانوادگی مدیر	توضیحات
۱	مدرسه علی بن موسی الرضا <small>ع</small>	برادران	ياسوج	ابراهیم بهشت	
۲	مدرسه امام مهدی منتظر <small>ع</small>	برادران	ياسوج	عبدالمجید کرمی	
۳	مدرسه امام صادق <small>ع</small>	برادران	گچساران	علیرضا صفایی	
۴	مدرسه حضرت ولیعصر <small>ع</small>	برادران	دهدشت	عبدالله کیان نژاد	
۵	مدرسه امام کاظم <small>ع</small>	برادران	دهدشت	عیسی دارات	
۶	مدرسه ولیعصر <small>ع</small>	برادران	ياسوج	شهید عبدالله میثمی و مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا بیات	از اوایل انقلاب تا چند سال بعد از جنگ به فعالیت خود ادامه داد و بعداً با مدارس دیگر ادغام گردید.

خواهران

۱	مدرسه فاطمیه <small>ع</small>	خواهران	ياسوج	خانم کریمی نژاد	
۲	مدرسه بی بی حکیمه <small>ع</small>	خواهران	گچساران	خانم اکبری	
۳	مدرسه معصومیه <small>ع</small>	خواهران	سی سخت	خانم احمدی نور	
۴	مدرسه حضرت زینب <small>ع</small>	خواهران	دهدشت	خانم بهروزی	
۵	مدرسه حضرت فاطمه زهرا <small>ع</small>	خواهران	لیکک	خانم بستانی	

وضعیت جمعیتی استان کهگیلویه و بویراحمد

ردیف	عنوان گزارش	آمار
۱	مساحت استان	۱۶۲۴۹ مترمربع
۲	جمعیت استان	۸۶۰۰۵۱ نفر
۳	تعداد شهرستان	۹ شهرستان ۲۲ بخش
۴	پراکندگی (شهری - روستایی)	۵۳۰۰۰۰ نفر شهری ۳۳۰۰۰۰ نفر روستایی
۵	پراکندگی (مرد - زن)	۴۸۰۰۰۰ نفر مرد ۳۸۰۰۰۰ نفر زن
۶	پراکندگی (شعبه - سنی - سایر)	۹۹/۵۰ درصد شیعه سایر

آمار مدارس و مساجد استان کهگیلویه و بویراحمد

ردیف	عنوان گزارش	آمار
۱	تعداد مدارس علمیه	۱۰ مدرسه
۲	مدارس علمیه برادران	۵ مدرسه
۳	مدارس علمیه خواهران	۵ مدرسه
۴	تعداد مسجد	۶۵۰ مسجد
۵	مساجد بدون روحانی	۳۱۰ مسجد
۶	مساجد با روحانی	۳۴۰ مسجد
۷	تعداد امام جمعه	۱۴ نفر
۸	تعداد امام جماعت	۲۳۰ نفر
۹	تعداد طلاب ساکن در قم	۸۵۰ نفر ^۲

۱. اطلاعات از معاون فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی استان گرفته شد.

۲. اطلاعات از نماینده طلاب در مجمع نمایندگان گرفته شد.

متن مدیر شعبه مشارکت روحانیت در دفاع مقدس

بسم الله الرحمن الرحيم

بی‌شک فرهنگ عاشورا در ایجاد و تداوم انقلاب اسلامی تأثیر بسزا و فراوان داشته و به فرمایش حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ ما هر چه داریم از محرم و صفر است.

برای پی بردن به عمق تأثیر فرهنگ عاشورا در دفاع مقدس باید جلوه‌ها و یادگارهای دفاع مقدس یعنی وصیت‌نامه‌ها، نوشته‌ها و خاطرات شهدا و هم‌چنین تابلوهای جبهه و جنگ، اسامی اماکن، مقرها، سنگرها، مناطق عملیاتی و محورها، لشکرها، گردان‌ها، گروهان‌ها و به‌ویژه عملیات‌ها و رمز عملیات‌ها و شعرها و شعارهای جنگ را مطالعه و بررسی کرد.

با بررسی این‌گونه مصادیق و آثار به جا مانده از دفاع مقدس به این نتیجه می‌رسیم که جبهه‌های دفاع مقدس هم‌چون چشمه‌هایی بودند که از قله‌های مرتفع کربلا سرچشمه می‌گرفتند و گویی خونی که در روز عاشورا بر خاک کربلا چکید در رگ‌های نوجوانان و جوانان رزمنده جاری بود.

پیشانی‌بندها و لباس‌نوشته‌ها حکایت از آرمان‌های رزمندگان بود که زینت‌بخش پیشانی و لباس آن‌ها بود. عباراتی مانند یا ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام، یا حسین عَلَيْهِ السَّلَام، زائر کربلا، یا حسین عَلَيْهِ السَّلَام شهید، مسافر کربلا، یا لثارات الحسین عَلَيْهِ السَّلَام، لبیک یا ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام، یا زیارت یا شهادت، یا زینب عَلَيْهِ السَّلَام، فدای لب تشنه حسین عَلَيْهِ السَّلَام و کربلا کربلا ما داریم می‌آییم.

و اینک وظیفه نسل جوان و جنگ‌نندیده این است که باید از این یادگار و وصیت شهدا به خوبی حراست و حفاظت کنند تا آن را سینه به سینه به نسل‌های بعد از خودمان انتقال دهیم و برای منتقم خون امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام زمینه‌سازی کنیم تا که حق و عدالت را پیاده کنند.

روحانیت که خود از عاملین اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی بودند در دفاع مقدس با حضور در میدان جنگ خود را از مردم جدا ندانسته و با ایفای نقش تبلیغی و رزمی در کنار رزمندگان اسلام در دفاع از کیان اسلامی تلاش کردند و با تقدیم جان و اعضاء و فاداری خویش را به کشور و مردم ثابت کردند.

استان کهگیلویه و بویراحمد با شکل‌گیری انقلاب با تمام محرومیت‌ها نبود امکانات اونجوری که باید و شاید از داشتن حوزه علمیه به شکل امروزی محروم بود جز یکی دو تا از شهرستان‌ها با تعدادی طلبه که کمتر از ۲۰ نفر به کسب معارف دینی و مذهبی پرداختند که همیشه گفت همه این دویست نفر به نحوی در دفاع مقدس نقش داشتند که شاهد این بیان تقدیم ۳۴ شهید روحانی و بیش از ۷۰ جانباز بالای ۱۵ درصد می‌باشد.

کمال جهان‌بخشی

مدیر شعبه مشارکت روحانیت در دفاع مقدس

استان کهگیلویه و بویراحمد

گردان ویژه فاتحین لشکر ویژه ۲۵ کربلا

نقش تبلیغ در دفاع مقدس یک نقش غیر قابل انکار بود. یعنی به اندازه‌ی خود، جنگیدن اهمیت داشت. بعضی مقاطع در طول هشت سال دفاع مقدس تنها با یک پیام حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ چندین هزار نفر نیروی مردمی بسیج می‌شدند و به جبهه‌ها می‌رفتند در رده‌های مختلف از قرارگاه و لشکر تا سطوح پایین تر، روحانیونی بودند که کار تبلیغی جنگ را انجام می‌دادند. از ستاد تبلیغات، سازمان تبلیغات، حوزه علمیه، سپاه و دفتر نمایندگی ولی فقیه در ارتش، روحانیون عازم جبهه می‌شدند ائمه جماعات مرتب برای سخنرانی و تبلیغ به منطقه می‌آمدند. از طلبه ای که به تازگی وارد عرصه تبلیغ شده بود تا آیات عظام، به جبهه می‌آمدند. یک وجه دیگر از نقش روحانیون در جنگ، نقش رزمی آن‌ها بود فرماندهی کل قوا، در دست یک روحانی بود؛ یعنی حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ. نماینده ایشان در شورای عالی دفاع، حضرت آیت الله خامنه ای یک روحانی بود. بعدها، از طرف امام آیت الله هاشمی رفسنجانی، فرماندهی جنگ را به عهده گرفت، که ایشان هم روحانی بود. در سطح قرارگاه و لشکر، فرماندهانی داشتیم که روحانی بودند، مثل شهید ردانی پور و شهید حجت الاسلام عبدالله میثمی. بسیاری از فرماندهان بزرگ، ما سال‌ها درس طلبگی خوانده بودند اما ملبس نبودند. ما تقریباً در تمام، واحدها، از تخریب گرفته تا ادوات و توپخانه، رزمنده‌ی روحانی داشتیم.

علاقه اکثر این گروه از طلبه‌ها، شرکت در کارهای رزمی بود. یعنی روحیه سلحشوری آن‌ها بر روحیه تبلیغی شان برتری داشت.

انگیزه تشکیل گردان تبلیغی - رزمی

احساس کردیم جای یک گروه از روحانیون در جبهه خالی است.

روحانیونی که رزمی - تبلیغی. باشند یعنی هم به وظیفه تبلیغاتی شان برسند، هم بجنگند. به این ترتیب به فکر تشکیل یگانی از روحانیون افتادیم که هر دو نقش را با هم ایفا کنند. و این کار ویژه ای بود که برای اولین بار در لشکر ۲۵ کربلا متشکل از نیروهای استان‌های مازندران، گیلان و گلستان انجام شد. چون بعد از شکلگیری، گردان طلبه‌های استان‌ها و لشکرهای دیگر از جمله استان‌های، تهران، شیراز، اصفهان، قم، خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد و... به ما

پیوستند.^۱

نیروهای رزمی تبلیغی این گردان قبل از عملیات در واحد های رزمی تخصصی و پشتیبانی تقسیم می شدند و در کارهای کلیدی عملیات از قبیل آبرسانی، مهمات رسانی انتقال مجروحین و شهدا کارهای مهندسی و ... شرکت می کردند و نیروهای رزمی آن علاوه بر این که در رشته های فرماندهی بکارگیری می شدند بعضا با سازمان مشخصی بعنوان دسته ویژه، ادوات گروه ویژه ضد رزه خط نگهدار انجام وظیفه می نمودند.

قابل ذکر است که نقش این گردان در عملیات های قدس ۵، والفجر ۸ کربلای یک و چهار و پنج بسیار مهم و تعیین کننده بود و با شهدای گرانقدری که تقدیم نمودند مهر قبولی این گردان را بر صفحه تاریخ جنگ ثبت کردند.

در ویژه نامه لشکر ۲۵ کربلا آمده است

«گردان فاتحین هم اکنون بعنوان گردانی فعال در این لشکر مطرح می باشد که با توجه به تجربیات بدست آمده نوع سازماندهی و آموزش ویژه نیروهای آن، امید است هر روز با کیفیت بالاتری ماموریت های محوله را به انجام رساند. انشاء الله در خاتمه از زحمات و تلاش بی شائبه همه عزیزان روحانی اعم از مدرسین روحانیون، تبلیغی، تبلیغی - رزمی و رزمی که لشکر را با وجود خودشان مزین نموده و افتخار همه ما هستند هرچند خود را لایق نمی دانیم - تقدیر و تشکر نمائیم. خداوند متعال بر توفیقات روزافزون آن ها بیافزاید^۲

تاریخچه تشکیل گردان فاتحین

قبل از عملیات قدس (۵) که در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۶۴ در منطقه هور الهویزه انجام شد در پاسگاه شهید حجازی، تعدادی از بچه های طلبه را شناسایی کردیم که ملبس نبودند. دو روز قبل از عملیات، فرمانده لشکر آقای مرتضی قربانی و جانشین ایشان سردار کمیل کهنسال برای سرکشی به پاسگاه آمدند. این جا بود که ما از فرمانده لشکر خواستیم که اجازه تشکیل یک یگان از بچه های طلبه را بدهد یعنی چیزی که آن اول در نظر داشتیم یک گروهان بود ایشان هم از این ایده خوشش آمد ما گفتیم «آقا مرتضی اگر شما کمک کنید ما بچه های طلبه را شناسایی و از سایر گردان ها جمع آوری و در یک تشکیلات ویژه سازماندهی می کنیم تا این ها با

۱. (برگرفته از کتاب خاطرات جعفری اسدالله، دادستان مازندران)

۲. برگرفته از ویژه نامه لشکر ۲۵ کربلا مورخ ۱۳۶۶/۱۸/۰۶

لباس روحانیت هم کار تبلیغی را انجام بدهند، هم آموزش‌های رزمی لازم را ببینند و در شب، عملیات به عنوان نیروی رزمی، تبلیغی در گردان‌ها و واحدها حضور داشته باشند.

مدتی بعد از عملیات رفتیم پیش آقا مرتضی، آقا مرتضی یک عده از دوستان از جمله آقای نوریان مسئول ستاد لشکر را مخاطب قرار داد و گفت این طلبه‌ها می‌خواهند یک گروهانی تشکیل بدهند و ان شاء الله فاتح کربلا و فاتح قدس بشوند این جا بود که به نظر ما رسید فاتحین اسم خوبی است آقا مرتضی نام‌های نوشت و گفت: «بروید و این گروهان را تشکیل بدهید آقای ساعد نیک بخت فرماندهی را به عهده گرفت و بنده جانشین شدم و آقای دانش معاونت مجموعه را عهده دار شد. تا آن موقع از بین طلبه‌های شناخته شده لشکر حدود پنجاه نفر نیرو جمع کرده بودیم یک گروهان حداقل نود نفر نیرو می‌خواست به این عده از بچه‌ها گفتیم شما مرخص هستید ولی ده روز دیگر باید به اینجا بیایید و خودتان را معرفی کنید.» بعد با آقای نیک بخت، عازم قم شدیم تا نیرو جذب کنیم. در قم به مدارس و حوزه‌های علمیه سر زدیم و از جبهه و تشکیل گروهان جدید گفتیم از جمله جاهایی که رفتیم مدرسه امام محمد باقر علیه السلام و مدرسه امام حسن عسکری علیه السلام بود. بعد از آن برای دیدار با آیه الله روحانی رحمة الله علیه نماینده ولی فقیه در استان به مازندران سفر کردم. خودم را معرفی کردم و گفتم: «حاج آقا آمده‌ام که برای جبهه طلبه جذب کنم.» ایشان خوشش آمد و گفت بین نماز ظهر و عصر، صحبت کن من هم بین نماز سخنرانی کردم و رفتم. فردای آن روز به مدرسه فیضیه مازندران رفتم و نامه‌ی فرمانده لشکر را به مرحوم آیت الله فاضل نشان دادم ایشان هم محبت کرد و اجازه داد بین نماز ظهر و عصر برای طلبه‌ها صحبت کنم.

به هر زحمتی بود گروهان را با همان حدود هشتاد نود نفر بستیم و چون از مدارس علمیه نیرو جذب کرده بودیم تقریباً از همه استان‌ها نیرو داشتیم از شیراز، اصفهان، یزد، مشهد و جاهای مختلف بار اولی که آن‌ها را برای مرخصی فرستادیم به آن‌ها گفتیم «سعی کنید طلبه‌های جدید را با خودتان بیاورید»

آقای نیک بخت ارتباط خوبی با بعضی از امامان جمعه و نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها برقرار کرد از آن جمله ارتباط با آیت الله نور مفیدی نماینده ولی فقیه در استان گلستان (و آیت الله صالحی مازندرانی رحمة الله علیه و همچنین ارتباط با آیت الله شه‌میری رحمة الله علیه امام جمعه یاسوج که این

ارتباط در جذب نیرو بسیار مفید واقع شد و امام جمعه یاسوج یک عدد جیپ لندکروز قدیمی به گردان اهدا نمود.

آقای نیک بخت چارت تشکیلاتی و چگونگی به کارگیری طلاب رزمی- تبلیغی را در این گردان با آن‌ها در میان گذاشت که مورد استقبال قرار گرفت و پس از مشورت با آن‌ها گردان فاتحین تشکیل شد.

بچه‌ها از مرخصی برگشتند. یک گروهان به مرخصی فرستاده بودیم، ولی شاید بیشتر از دو گروهان نیرو برگشته بودند؛ چیزی حدود صد و هشتاد نفر، بچه‌ها هر جا نشستند از لشکر ویژه بیست و پنج کربلا و گروهان ویژه طلاب گفته بودند وقتی طلبه‌ها با لباس رزم و عمامه برای مراسم صبحگاه به صف می‌ایستادند صحنه بسیار زیبا و باشکوهی می‌شد. بعضی از دوستان، در طول آموزش و رزم شبانه هم عمامه روی سر می‌گذاشتند.

گردان فاتحین در عملیات‌های مهم والفجر ۸ و کربلای یک نقش اساسی داشت. در یکی از این عملیات‌ها که موفقیت‌آمیز هم بود، مهران آزاد شد و ارتفاعات اطراف از جمله قله‌ی قلاویزان، خیلی سریع به دست نیروهای ما افتاد و حتی به شهر بدره عراق هم مسلط شدیم. طلبه‌ها در این عملیات واقعا خوش درخشیدند. یک محوری داشت قله قلاویزان، که هر کس می‌خواست از آنجا رد شود، مورد هدف دشمن قرار می‌گرفت.

در آن شرایط، دو تا از طلبه‌های ما، داوطلب رساندن سوخت و آب به بالای قله شدند. یکی از آن دو کمی رانندگی بلد بود اما دیگری اولین بار بود که پشت فرمان می‌نشست آن هم پشت فرمان ماشین سوخت که تویوتا بود و عقب آن تانکر سه هزار لیتری بنزین و آب سوار کرده بودند. این برادران، چندین بار این تانکرها را از آن محور خطرناک بالا بردند و به خط مقدم رساندند. رزمنده‌ها نگاه می‌کردند و می‌دیدند یک بسیجی معمم، پشت فرمان نشسته یک بسیجی، معمم در حال تخلیه شهدا و مجروحین به پشت جبهه است.

یک بسیجی، معمم اسلحه به دست گرفته و دارد می‌جنگد. قبلا هم همین بچه‌ها بودند و حضور داشتند. اما در عملیات کربلای یک با هیبت خاصی حضور روحانیون نمایش داده شد و ما الحمد لله به آن هدفی که می‌خواستیم رسیدیم و بازتاب آن را در صحبت‌های فرماندهان لشکر می‌دیدیم. بارها و بارها شهید حاج حسین بصیر در جلسات می‌گفت: من مهمات

نمی‌خواهم نیروی زیاد هم نمی‌خواهم فقط چند نفر از طلبه‌ها را به ما بدهید. بعد از عملیات بچه‌ها را مرخص کردیم.

بعد از آن آموزش‌های مفصل را شروع کردیم. بچه‌ها با آن نبوغی که داشتند به خوبی از پس این آموزش‌ها برآمدند حتی تا رده فرماندهی در برخی واحدها پیش رفتند و یا مثل یک مشاور امین به فرماندهان کمک می‌رسانند. در واحد اطلاعات عملیات طلبه‌هایی داشتیم که برای طراحی عملیات از آن‌ها مشورت فنی گرفته می‌شد. بنابراین بخشی از روز به کار آموزش می‌گذشت.

آموزش علمی طلاب رزمنده در جبهه

برای جبران عقب ماندگی طلاب از درس و بحث حوزه دنبال نوارهای آموزشی رفتیم برای تهیه نوار کاست و ضبط و احتیاج به پول داشتیم بودجه‌ای هم که نداشتیم.

سراغ حجت الاسلام و المسلمین شهید عبدالله میثمی «نماینده امام در قرارگاه کربلای سپاه» در یادگان گلف «یا همان منتظران شهادت» اهواز رفتیم ما قبلاً هم از ایشان کمک گرفته بودیم چون بچه‌های ما از سازمان و ستاد خاصی اعزام نشده بودند همین طوری جذبشان کرده بودیم در نتیجه از تسویه حساب هم خبری نبود بندگان خدا از شهریه حوزه هم افتاده بودند. خیلی از آن‌ها زن و بچه داشتند و باید یک کمکی به ما می‌رسید در این مورد آقای نیک بخت خدمت ایشان رسیده و مبلغی برای کمک به طلبه‌ها گرفته بود.

این بار رفتیم و به کمک ایشان نوارهای آموزشی اساتید در سطوح مختلف را تهیه کردیم حدود سی تایی هم ضبط صوت کوچک گرفتیم همراه با هدفون تا وقتی کسی به نوار گوش می‌کند بقیه اذیت نشوند یک نمازخانه هم ساخته بودیم که حکم سالن مطالعه را داشت و بچه‌ها برای گوش دادن نوار و خواندن درس به آن جا می‌رفتند. این کار هم خوب جواب داد بچه‌ها برای دادن امتحان به حوزه بر می‌گشتند و با وجود اینکه سر کلاس‌ها حاضر نبودند با نمرات بالا قبول و موجب تعجب مسئولین حوزه می‌شدند. تا زمانی که به عملیات کربلای چهار و کربلای پنج برسیم، تعداد نیروهای گردان به چهار صد نفر رسید...»^۱

چارت تشکیلاتی گردان فاتحین

گردان فاتحین از چهار گروهان تشکیل شده بود

۱. (برگرفته از کتاب خاطرات جعفری اسدالله، دادستان وقت مازندران)

گروهان یک «آموزش‌های تخصصی فرماندهی را فرا گرفته و در مواقع حساس در اختیار فرمانده لشکر قرار می‌گرفتند و در مسئولیت‌های مهمی ایفای نقش می‌کردند.»

گروهان دو «آموزش‌های آبی خاکی متناسب با رزم را یاد گرفته و بین کل گردان‌های لشکر تقسیم می‌شدند. هر گردان سه یا چهار نفر از این طلاب معمم حضور داشتند.»

گروهان سه «آموزش ویژه هر یگان را دیده و در تخریب اطلاعات توپخانه زرهی و طبق تخصص آن‌ها تقسیم می‌شدند و در هریگان بین چهار تا شش نفر از این طلاب معمم و مسلط به امور حضور داشتند.»

گروهان چهار «بازسازی»

چنانچه نیروهای تحت امر لشکر تخلفاتی از قبیل اداری، عقیدتی و یا هر مورد تخلف دیگر داشتن به این گروهان معرفی می‌شدند و وظیفه آموزش‌های اخلاقی و عقیدتی آن‌ها بر عهده طلبه‌های این گروهان بود. ضمناً گردان‌های ویژه شهداء در لشکر ۲۵ کربلا و تیپ ۴۸ فتح و گردان امام سجاد علیه السلام در لشکر ۲۵ کربلا که کادر اصلی آن از روحانیون بود جزء سازمان رزم همین گردان ویژه فاتحین بود.



تقدیر از شهباز گردان فاتحین

جانبازان بالای ۷۰ درصد

استان صادره	در صد جانبازی	تاریخ تولد	نام پدر	نام	نام خانوادگی	رج
عراق	۷۰	۱۳۴۷/۱۰/۲۱	علی	محمدحسن	ال کوثر	۱
کرمان	۷۰	۱۳۴۲/۰۳/۲۷	حسن	حسین	ابراهیم زاده	۲
خوزستان	۷۰	۱۳۴۵/۰۶/۱۸	غلام حسین	محمودرضا	ابراهیمی	۳
اصفهان	۷۰	۱۳۲۶/۰۲/۰۶	سیدابراهیم	سیدحسن	ابطحی نجف آبادی	۴
قم	۷۰	۱۵/۰۱/۱۳۴۲	محمد	متین	احمدی جعفری	۵
قم	۷۰	۱۳۴۸/۰۱/۰۱	ابوالقاسم	علی	اربابی قمی	۶
زنجان	۷۰	۱۳۱۹/۰۲/۲۸	سیدمعرفت اله	رحمت الله	ارفعی	۷
اصفهان	۷۰	۱۳۴۳/۰۲/۱۵	حبیب الله	عباس	اسدی مبارکه	۸
کهگیلویه و بویر احمد	۷۰	۱۳۴۱/۱۰/۰۹	محمدرضا	سیداسحق	اندیشه	۹
گیلان	۷۰	۱۳۴۰/۰۲/۱۴	قربان علی	علی اصغر	آل حبیب کیاکلانی	۱۰
خراسان رضوی	۷۰	۱۳۳۷/۰۵/۰۵	غلامرضا	محمدباقر	بلندی	۱۱
فارس	۷۰	۱۳۴۶/۱۲/۰۱	سیدعلی	سیدعلی اکبر	بهروز	۱۲
مرکزی	۷۰	۱۳۳۹/۰۸/۱۰	غلامحسین	عبداله	پورمظاهری	۱۳
خوزستان	۷۰	۱۳۴۸	عبدالکریم	رحیم	جاذبی	۱۴
قم	۷۰	۱۳۲۹/۱۰/۰۱	حسن	علی	الجبوری	۱۵
خوزستان	۷۰	۱۳۴۱/۰۳/۰۲	مهدی	عبدالمحمد	جعفری	۱۶
تهران	۷۰	۱۳۴۰/۰۱/۰۴	اسد	اصغر	جمشیدی نیا	۱۷
اصفهان	۷۰	۱۳۴۴/۰۳/۱۲	حسن	جواد	حاجی شفیعی	۱۸
فارس	۷۰	۱۳۴۵/۰۲/۱۷	عین اله	حسین	حجت خواه	۱۹
خوزستان	۷۰	۱۳۴۱/۰۱/۰۲	سیدمحمدرضا	سیدحسن	حسن زاده	۲۰

جانبازان بالای ۷۰ درصد

رج	نام خانوادگی	نام	نام پدر	تاریخ تولد	درصد جانبازی	استان صادره
۲۱	حسینی	سید میرحسین	سید میرزا	۱۳۲۸/۰۴/۲۱	۷۰	۰
۲۲	حسینی جبلی	سید اسحاق	سید حسین	۱۳۴۰/۰۱/۱۰	۷۰	گلستان
۲۳	حق پرست	رحیم	محمد مهدی	۱۳۳۲/۰۴/۰۱	۷۰	گلستان
۲۴	حقی	حسین	علی	۱۳۴۹/۰۴/۰۷	۷۰	تهران
۲۵	خطیبی کوشک	موسی	محمد	۱۳۴۸/۰۶/۲۰	۷۰	مازندران
۲۶	خیرالهی	محمد علی	رجبعلی	۱۳۴۵/۰۲/۱۵	۷۰	مازندران
۲۷	داودآبادی فراهانی	محمد رضا	احمد	۱۳۴۳/۰۳/۲۳	۷۰	تهران
۲۸	رادنیک	علی رضا	حسین	۱۳۴۷/۰۴/۲۸	۷۰	آذربایجان شرقی
۲۹	ربانی فرد	محسن	علی اصغر	۱۳۴۶/۰۶/۲۸	۷۰	تهران
۳۰	ربیعی	یدالله	حسین	۱۳۳۷/۱۰/۰۱	۷۰	سمنان
۳۱	رضوانی	منصور	علی	۱۳۴۷/۰۱/۰۱	۷۰	کرمان
۳۲	رؤفت	اصغر	کریم	۱۳۴۶/۰۶/۰۹	۷۰	فارس
۳۳	ریحانی محمد	جلال	محمد	۱۳۴۸/۰۶/۰۵	۷۰	کردستان
۳۴	رنوفت	رحیم	کریم	۱۳۴۰/۰۲/۱۲	۷۰	فارس
۳۵	سکوتی	اردشیر	یوسف	۱۳۴۰/۰۸/۰۱	۷۰	خوزستان
۳۶	سلمان	حسین	قدرت	۱۳۴۹/۰۵/۲۶	۷۰	اصفهان
۳۷	سلیمانی ارگنه	جواد	عزیزالله	۱۳۴۴/۰۷/۰۲	۷۰	کرمانشاه
۳۸	سلیمی	علی	حسین	۱۳۴۱/۱۱/۱۵	۷۰	هرمزگان
۳۹	شاه سنائی گنبرانی	تقی	غلامعلی	۱۳۴۱/۰۱/۰۱	۷۰	اصفهان
۴۰	شبهات	عیسی	مختار	۱۳۴۳/۱۰/۱۱	۷۰	قم

جانبازان بالای ۷۰ درصد

رج	نام خانوادگی	نام	نام پدر	تاریخ تولد	درصد جانبازی	استان صادره
۴۱	شفیعی سورک	قدرت اله	غلامرضا	۱۳۴۵/۰۱/۰۱	۷۰	یزد
۴۲	صادقی مجرد	محمدحسین	علی جان	۱۳۴۲/۱۰/۰۲	۷۰	قم
۴۳	صالحی	ذبیح اله	قربان علی	۱۳۴۰/۰۱/۰۲	۷۰	مازندران
۴۴	صدیقی	حسین علی	حسین	۱۳۴۱/۰۲/۰۳	۷۰	قم
۴۵	صفر نوره نجف آبادی	محسن	براتعلی	۱۳۴۷/۰۸/۰۹	۷۰	اصفهان
۴۶	صفری	محسن	ولی	۱۳۴۲/۰۵/۲۹	۷۰	تهران
۴۷	صفوی میرمحله	سید نورالدین	سید مهدی	۱۳۴۸/۰۶/۲۰	۷۰	گیلان
۴۸	ضیائی	مرتضی	رضا	۱۳۴۵/۰۵/۰۱	۷۰	همدان
۴۹	علی زاده اشکذری	محمود	غلام رضا	۱۳۴۳/۱۰/۱۰	۷۰	یزد
۵۰	عنایتی	محمود	ابوالقاسم	۱۳۴۴/۰۱/۱۸	۷۰	مرکزی
۵۱	غلام نتاج	رمضانعلی	فرج اله	۱۳۴۴/۱۰/۱۷	۷۰	مازندران
۵۲	فرقانی اله آبادی	ناصر	صفر	۱۳۳۷/۰۱/۲۵	۷۰	یزد
۵۳	فروتن	اباصلت	بخش علی	۱۳۴۳/۰۷/۰۱	۷۰	مازندران
۵۴	قربانی ده برزوئی	علی اصغر	عباس	۱۳۳۷/۰۴/۰۶	۷۰	خراسان رضوی
۵۵	قنبری	سجاد	تقی	۱۳۵۵/۰۳/۰۷	۷۰	کردستان
۵۶	محمدحسینی	قدرت اله	فضل الله	۱۳۴۰/۰۵/۲۵	۷۰	خوزستان
۵۷	محمدی	منصور	عبدمحمد	۱۳۴۷/۰۱/۰۳	۷۰	خوزستان
۵۸	محمدی	مصطفی	فرامرز	۱۳۴۹/۰۲/۰۵	۷۰	مازندران

جانبازان بالای ۷۰ درصد

رج	نام خانوادگی	نام	نام پدر	تاریخ تولد	درصد جانبازی	استان صادره
۵۹	محمدیان	سیدحقیقت	سیداسماعیل	۱۳۳۵/۰۱/۱۰	۷۰	کهگیلویه و بویر احمد
۶۰	محمودی	علی رضا	محمدابراهیم	۱۳۴۴/۰۶/۱۰	۷۰	کرمانشاه
۶۱	مدنی	سیدمحمود	سیدعلی اکبر	۱۳۴۱/۰۱/۰۸	۷۰	اصفهان
۶۲	مشگوری نجفی	حامد	مجتبی	۱۳۴۲/۰۴/۲۴	۷۰	کردستان
۶۳	مصطفی زاده	محمدرضا	سیحانعلی	۱۳۴۴/۰۲/۰۱	۷۰	اردبیل
۶۴	معماری	جواد	جعفر	۲۱/۰۲/۱۳۴۷	۷۰	تهران
۶۵	مکی	محمدجواد	حسینعلی	۱۳۴۴/۰۸/۰۱	۷۰	اصفهان
۶۶	منتظربین	سیدحسن	سیدابوالقاسم	۱۳۴۲/۰۶/۱۵	۷۰	اصفهان
۶۷	منصوری	محمدداوود	علی اوسط	۱۳۵۰/۰۲/۲۵	۷۰	خراسان رضوی
۶۸	موسوی	سیدهاشم	سیدابراهیم	۱۳۴۵/۱۰/۰۱	۷۰	مازندران
۶۹	موسوی وردنجانی	سیدنوراله	سیدیوسف	۱۳۴۴/۰۳/۰۴	۷۰	چهارمحال و بختیاری
۷۰	مهدوی	محمدحسین	محمد	۱۳۴۲/۰۴/۱۰	۷۰	سمنان
۷۱	میزرائی	رضا	عبدالعلی	۱۳۴۳/۰۶/۰۶	۷۰	لرستان
۷۲	میری	سیدبزرگ	سیدنورالدین	۱۳۵۰/۰۱/۱۵	۷۰	فارس
۷۳	میری رمی	سیدحسین	سیدابوطالب	۱۳۴۱/۰۱/۰۳	۷۰	مازندران
۷۴	میزبانی	علی رضا	اصغر	۱۳۴۷/۱۰/۰۷	۷۰	اصفهان
۷۵	ناروئی	عباس	شریف	۱۳۶۸/۰۲/۰۱	۷۰	سیستان و بلوچستان
۷۶	نصراللهی	مرتضی	حسین	۱۳۳۹/۰۶/۱۷	۷۰	تهران
۷۷	یزدی شاه آبادی	حسن	حسین	۱۳۳۸/۰۳/۰۱	۷۰	قم

فصل هشتم : آزادگان

لیست آزادگان روحانی کل کشور

ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	کد آزادی	محل تولد
۱	محمد رضا	ابطحی	جعفر	۱۰۱۶۱۷۱	نجف آباد اصفهان
۲	سید محمد کاظم	ابطحی	سید محمود	۱۴۲۱۰۰۵۰	نی ریز فارس
۳	سید علی اکبر	ابوترابی فرد	سید عباس	۱۰۱۴۳۰۹	محلات مرکزی
۴	محمد علی	ابوطالبی	احمد	۲۷۰۱۰۷۲۵	نجف آباد اصفهان
۵	علی محمد	احد طجری	عباسعلی	۲۷۰۱۰۲۵۰	ملایر همدان
۶	علی	احمدی	رجبعلی	۲۴۰۹۰۰۰۱	طبس خراسان جنوبی
۷	عمران	احمدی	رحمان	۵۰۵۰۰۰۲	چرداول ایلام
۸	قدمعلی	اسحقیان درچه	رمضانعلی	۴۱۰۰۰۲۶	خمینی شهر اصفهان
۹	حسن	اسلامپور	رجبعلی	۲۷۰۱۰۴۲۱	بابل مازندران
۱۰	سعید	اسماعیلی	تقی	۲۱۰۱۰۵۱۲	ازنا لرستان
۱۱	احمد	اسماعیلیان بارکوسرائی	رمضانعلی	۲۷۰۱۰۷۳۴	آستانه گیلان
۱۲	حسن	اصغری نژاد برزی	محمود	۲۷۰۱۰۶۹۵	رفسنجان کرمان
۱۳	بهاء الدین	انصاری دلجو	سلمان	۲۷۰۱۰۲۶۷	همدان
۱۴	اسکندر	آزادی	راه علی	۱۴۱۰۰۰۱۴	فارس
۱۵	علیرضا	بازیکلو	محمد ابراهیم	۲۷۰۱۰۳۳۳	اراک مرکزی
۱۶	علیرضا	باطنی	غلامحسین	۴۰۱۰۴۱۴	اصفهان
۱۷	مصطفی	براتی مبارکه	سیف الله	۲۷۰۱۰۷۱۰	مسجد سلیمان خوزستان
۱۸	سید محمد علی	بصری	سید حسین	۷۰۱۰۰۷۹	بوشهر
۱۹	وحید	تجن جاری	ابوالحسن	۲۷۰۱۰۸۰۳	آمل مازندران
۲۰	مهدی	تقی زاده طبری	رضا	۲۰۰۴۰۰۴۶	بابل مازندران
۲۱	جلال	جابران	بشیر	۱۰۰۱۰۶۶۵	آبادان خوزستان
۲۲	قاسم	جعفری	ابراهیم	۲۹۰۱۰۲۲۲	بجنورد خراسان شمالی
۲۳	محمد حسن	جمشیدی	شیخ حسن	۱۰۱۵۷۵۶	نور مازندران
۲۴	مهدی	حبیبی بینا	علی	۲۷۰۱۰۲۳۲	همدان

لیست آزادگان روحانی کل کشور

ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	کد آزادی	محل تولد
۲۵	سیدمحسن	حسن پور	سید حسن	۲۰۴۰۲۲۱	بابل مازندران
۲۶	سیدمحسن	حسینی	سید قدیر	۲۶۰۱۰۳۵۴	قزوین
۲۷	حمیدرضا	حیدری نسب	قریان	۱۳۰۴۰۱۹۷	زابل سیستان و بلوچستان
۲۸	محمد	خطیبی کوشکک	حبیب الله	۲۷۰۱۰۰۹۵	نوشهر مازندران
۲۹	رسول	خواجه کریمی	جعفر	۴۰۶۰۰۰۶	خوانسار اصفهان
۳۰	غفار	خیری	حسین	۳۱۱۰۱۸۱	میاندواب آذربایجان غربی
۳۱	محمد رضا	دائی زاده سیرچی	محمد	۱۶۰۱۰۱۵۴	کرمان
۳۲	احمد	دهنوی	جان محمد	۶۰۷۰۰۵۴	کنگاور کرمانشاه
۳۳	سید احمد	رسولی کچی	سید باقر	۲۰۰۸۰۰۱۶	ساری مازندران
۳۴	نورالدین	رضایی	فخرالدین	۲۰۱۴۰۲۳۰	قائم شهر مازندران
۳۵	اسدالله	رضوانی کوشکی	صفرعلی	۲۶۰۱۰۰۷۷	تاکستان قزوین
۳۶	محمد رضا	زارعیان جهرمی	غلامحسین	۲۱۰۱۰۵۰۱	آبادان خوزستان
۳۷	اصغر	زاغیان	علی	۴۱۷۰۱۰۵	اصفهان
۳۸	سیدمصطفی	زرنگ	سیدهاشم	۱۰۱۰۰۱۹۶	خوزستان
۳۹	محمدهاشم	زمانی	عباس	۱۰۱۲۱۱۳	مرودشت فارس
۴۰	محمد	ساردوئی نسب	حفیظ الله	۱۶۰۷۰۳۷	زرد کرمان
۴۱	احمد	سردهی	غلامحسین	۱۰۱۳۸۵۱	تهران
۴۲	محمد	سلطانی	اوندبگ	۵۰۱۰۰۱۴	ایلام
۴۳	محمد	سیفی	غلامحسین	۴۱۹۰۲۵۱	کاشان اصفهان
۴۴	حسین	شاکری فر	الله بخش	۲۱۰۱۰۵۴۳	ممسنی فارس
۴۵	محمد رضا	شایق	عباس	۲۴۰۱۰۲۱۵	یزد
۴۶	حسن	شریعتی نسب	حسنعلی	۱۴۰۸۰۰۱۱	فسا فارس
۴۷	غفارعلی	شعبانی اسرمی	محمدقلی	۲۰۰۱۰۳۶۴	نکاء مازندران
۴۸	مراد	شفیعی	علی	۲۷۰۱۰۷۴۶	ممسنی فارس

لیست آزادگان روحانی کل کشور

ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	کد آزادی	محل تولد
۴۹	حسین	شکوهی نسب	درویش	۱۶۰۹۰۱۴۰	کهنوج کرمان
۵۰	مهدی	شهسواری	صفرعلی	۱۰۱۳۵۶۹	قزوین
۵۱	مرتضی	شیرزاد خانی	حسینعلی	۲۷۰۱۰۷۲۹	نجف آباد اصفهان
۵۲	علی	صابر	برتعلی	۹۰۱۱۱۴۸	مشهد خراسان رضوی
۵۳	علی اصغر	صالح آبادی	محمدیوسف	۲۷۰۱۰۶۹۷	سبزوار خراسان رضوی
۵۴	عبدالحسین	صالحی	محمدعلی	۱۰۱۵۷۹۴	اصفهان
۵۵	محمدتقی	صباغی میانائی	حسین	۲۰۰۱۰۳۱۵	ساری مازندران
۵۶	حسین	صفائی	خلیفه	۱۰۰۱۰۸۲۰	آغاچاری خوزستان
۵۷	رضاعلی	صمدی	محمدعلی	۲۷۰۱۰۴۳۳	اسدآباد همدان
۵۸	ابراهیم	طالب	حسینعلی	۴۲۶۰۲۱۷	اصفهان
۵۹	حمیدرضا	طهماسبی بلداجی	مراد	۴۰۱۱۱۴۳	بروجن چهارمحال و بختیاری
۶۰	الیاس	عارف زاده	خضیر	۲۷۰۱۰۱۲۰	خرمشهر خوزستان
۶۱	مهدی	عالی	محمد	۲۰۱۰۸۶۰	اهر آذربایجان شرقی
۶۲	محمدهاشم	عاملی	مرتضی	۲۶۰۱۰۲۶۳	تاکستان قزوین
۶۳	محمد	عباسی	مسلم	۲۷۰۱۰۲۴۸	آمل مازندران
۶۴	صفرعلی	عباسی	احمد	۲۰۰۸۰۱۵۹	بهشهر مازندران
۶۵	غلامعباس	عرفانی	ماشاءالله	۱۶۰۶۰۱۱۰	زرنند کرمان
۶۶	سعید	عطاریان	محمود	۲۷۰۱۰۷۴۴	دزفول خوزستان
۶۷	قربانعلی	عظیمی	صفر	۲۷۰۱۰۲۹۶	همدان
۶۹	ولی اله	علی زاده	عبدالمناف	۲۷۰۱۰۷۲۳	بابلسر مازندران
۶۸	علی	علیدوست	غلامحسین	۱۱۵۰۲۹۸	تاکستان قزوین
۷۰	منصور	غلامی حاجی آباد	عبدالرضا	۲۱۰۱۰۴۱۳	دزفول خوزستان
۷۱	علیرضا	فاندر	نصرالله	۲۰۱۸۰۰۵۵	نوشهر مازندران
۷۲	کمال الدین	فتاحی وانانی	نجف قلی	۸۰۱۰۲۷۴	چهارمحال و بختیاری

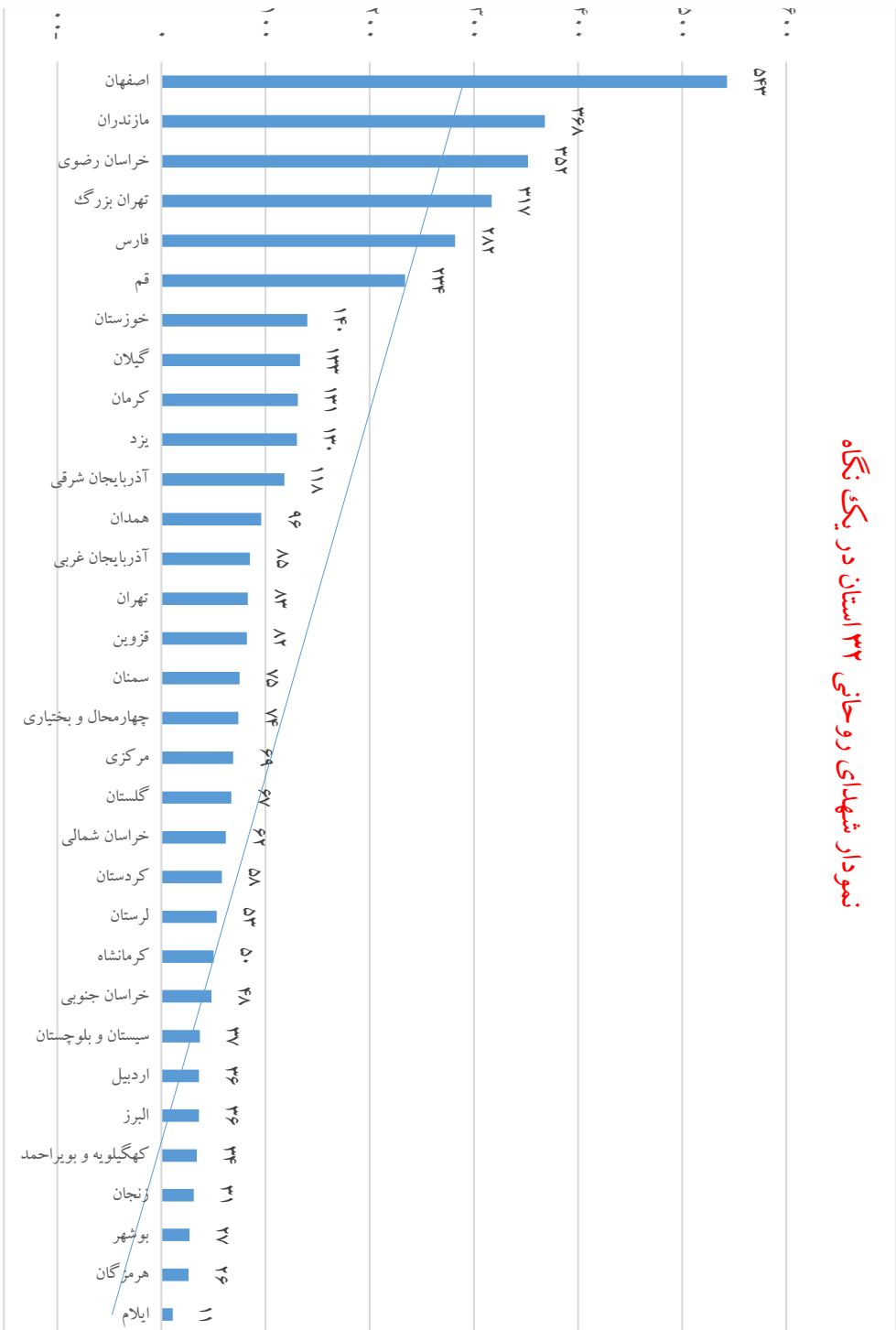
لیست آزادگان روحانی کل کشور

ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	کد آزادیگی	محل تولد
۷۳	محمدتقی	فخلی	محمد مهدی	۹۰۱۰۸۲۴	خراسان رضوی
۷۴	اله مراد (جواد)	فرح افزا	نریمان	۵۰۵۰۰۱	سرابله ایلام
۷۵	عباس	فریدونی	علی	۱۴۰۱۱۰۰۵	بوشهر
۷۶	جبرائیل	فلاح ملامحمود	میکائیل	۲۰۱۰۳۰۲	آذربایجان شرقی
۷۷	غلامعلی	قاسمی	حسن	۲۱۰۱۰۵۲۸	دزفول خوزستان
۷۸	محمود	قائمی	کریم	۲۱۰۱۰۵۳۲	رامهرمز خوزستان
۷۹	سید عبدالزهرا	قدیمی ذاکر	سید عباس	۱۰۸۰۰۰۸	گیلان
۸۰	غلامحسین	قهرمانی اصل	محمد اسماعیل	۲۷۰۱۰۴۴۰	سلماس آذربایجان غربی
۸۱	یحیی	کرامتی	غفار	۳۰۶۰۰۷۴	سلماس آذربایجان غربی
۸۲	عبدالکریم	کریمی پورنجف آباد	احمد	۲۱۰۱۰۴۱۹	نجف آباد اصفهان
۸۳	غلامحسین	کمیلی تخته جان	محمدعلی	۹۰۱۱۷۱۴	بیرجند خراسان جنوبی
۸۴	صادق	گلستانی	علی اصغر	۲۰۱۴۰۲۸۷	جویبار مازندران
۸۵	محمد	گیتی	غلامعلی	۱۴۰۱۰۸۳۴	شیراز فارس
۸۶	موسی	لطفی مهرنویه	محمد	۱۶۰۹۰۱۴۴	کهنوج کرمان
۸۷	عبدالکریم	مازندرانی	رمضان	۲۸۰۱۰۱۷۳	گرگان گلستان
۸۸	احمد	مبهوتی	اسدالله	۲۷۰۱۰۱۲۶	مرند آذربایجان شرقی
۸۹	سید نصرالله	محبوبی	مصطفی	۱۹۰۵۰۱۳۵	بروجرد لرستان
۹۰	هادی	محمد پور گنجی	احمد جان	۲۰۰۴۰۱۲۰	بابل مازندران
۹۱	داود	محمد طاهری	محمد باقر	۴۰۶۰۰۱۷	خوانسار اصفهان
۹۲	سید محمود	محمدی	سید محمد حسین	۹۰۱۱۱۴۱	تهران
۹۳	مصطفی	محمدی	عباسعلی	۲۷۰۱۰۴۳۵	اصفهان
۹۴	حمیدرضا	مختص آبادی بیدگلی	احمد	۴۱۹۰۱۹۳	کاشان اصفهان
۹۵	علی	مرادزاده آرانی	رحمت الله	۴۱۹۰۱۸۵	آران اصفهان
۹۶	حسین	مروتی	محمد	۱۱۳۰۱۷۴	ساوه مرکزی
۹۷	عبدالرضا	مزاری	علی	۱۳۰۱۰۰۹۴	زاهدان سیستان و بلوچستان

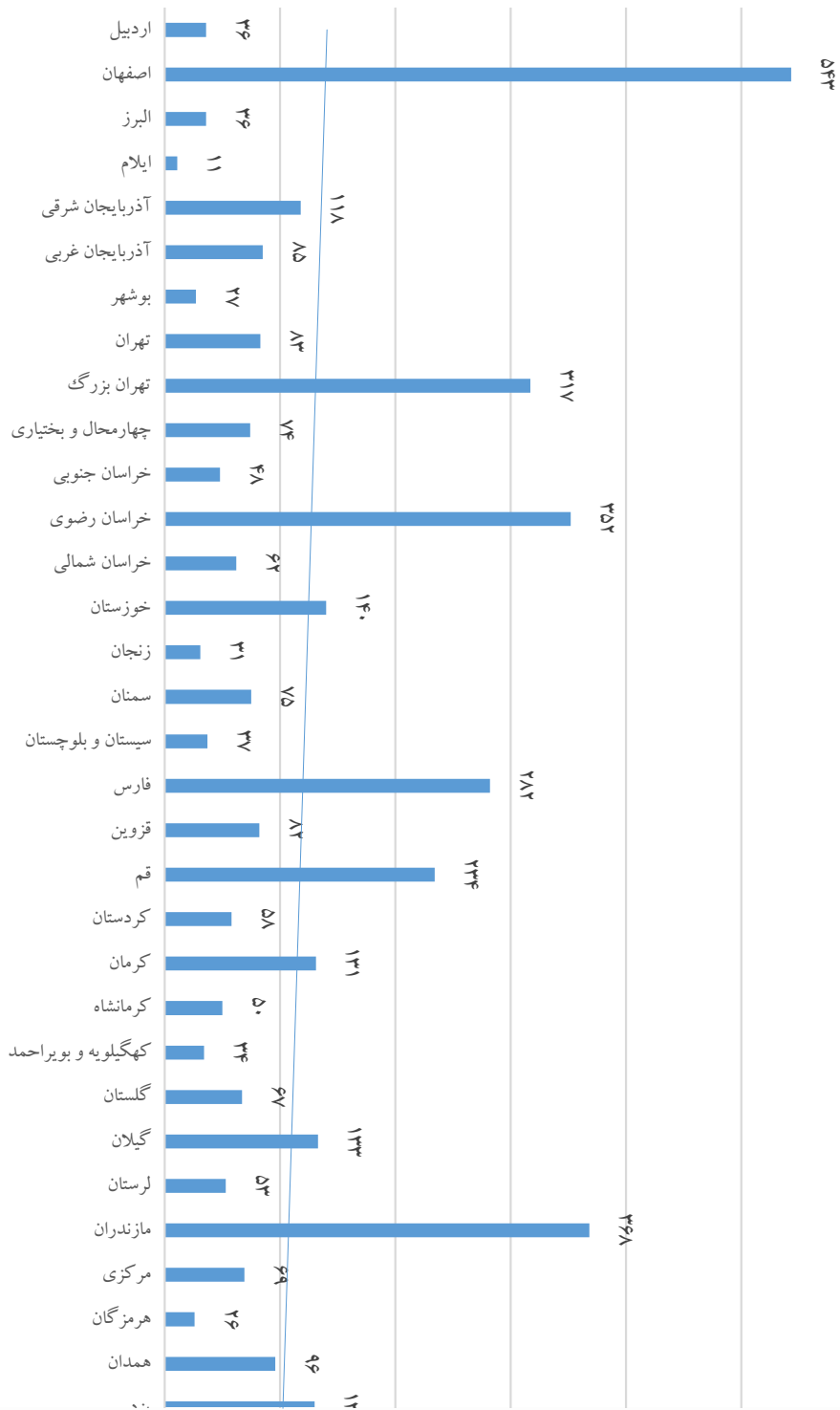
لیست آزادگان روحانی کل کشور

ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	کد آزادگی	محل تولد
۹۸	سعید	مصطفایی	علی اکبر	۱۰۸۰۲۹۴	البرز
۹۹	غلامرضا	مظلومی	محمدتقی	۱۱۳۰۲۳۹	تهران
۱۰۰	حسن	مفرح زاده ابوزیدآبادی	علی محمد	۴۱۹۰۰۶۷	کاشان اصفهان
۱۰۱	مهدی	منفرد	تقی	۲۷۰۱۰۷۴۷	ساری مازندران
۱۰۲	محمدعلی	موحدی محصل	محمد	۹۰۱۱۱۸۵	خراسان رضوی
۱۰۳	سیدمحمدحسین	موسوی	سیدیدالله	۲۷۰۱۰۱۸۴	اهواز خوزستان
۱۰۴	سیدجعفر	موسوی صالحی	سیدصالح	۱۰۱۲۰۳۳۶	خوزستان
۱۰۵	حسین	مولائی راد	علی اصغر	۲۷۰۱۰۷۰۱	همدان
۱۰۶	محمد	مهربزی	عبدالحسین	۲۷۰۱۰۷۳۵	سبزوار خراسان رضوی
۱۰۷	جعفر	مبار احمدی	حسن	۲۰۱۸۰۰۶۴	چالوس مازندران
۱۰۸	محمد	میراحمدی چناروئیه	حسین	۱۶۰۱۰۰۲۹	کرمان
۱۰۹	عبدالرسول	میرزا	غلامحسین	۲۷۰۱۰۷۹۶	بوشهر
۱۱۰	عبدالرضا	میرزایی	محمد	۱۴۰۱۰۸۹۶	فارس
۱۱۱	سیدحسن	میرسید	آقا سیدکوچک	۲۷۰۱۰۳۶۱	دامغان سمنان
۱۱۲	سیدعبدالرسول	میری	سیدنورالدین	۱۴۰۱۰۴۹۰	بیضا فارس
۱۱۳	سیدحسن	میربان خشکرودی	سیدمرتضی	۲۰۰۵۰۱۲۲	بابلسر مازندران
۱۱۴	سیدصادق	نجابت	محمدرحیم	۱۴۰۱۰۹۷۲	کهگیلویه و بویراحمد
۱۱۵	عیسی	نریمسا	غلامحسین	۱۰۰۱۰۷۷۹	آغاچاری خوزستان
۱۱۶	مهدی	نژاد تبریزی	حسن	۴۰۱۱۱۴۷	اصفهان
۱۱۷	مهدی	نکوئی سامانی	سیف الله	۸۰۱۰۰۹۹	چهارمحال و بختیاری
۱۱۸	علی	نوذری	میرزا رحیم	۱۰۱۲۳۱۸	تهران
۱۱۹	حسن	نوروزی	اسمعیل	۹۰۱۰۱۵۵	مشهد خراسان رضوی
۱۲۰	محمدحسن	نوری نیا	محمدباقر	۹۰۱۱۷۲۰	بردسیر کرمان
۱۲۱	علیرضا	نیک پور	حسین	۲۷۰۱۰۴۲۸	آمل مازندران
۱۲۲	سیدمحمد	هاشمی ده سرخی	سیدتقی	۴۰۱۰۷۷۱	اصفهان

نمودار شهدای روحانی



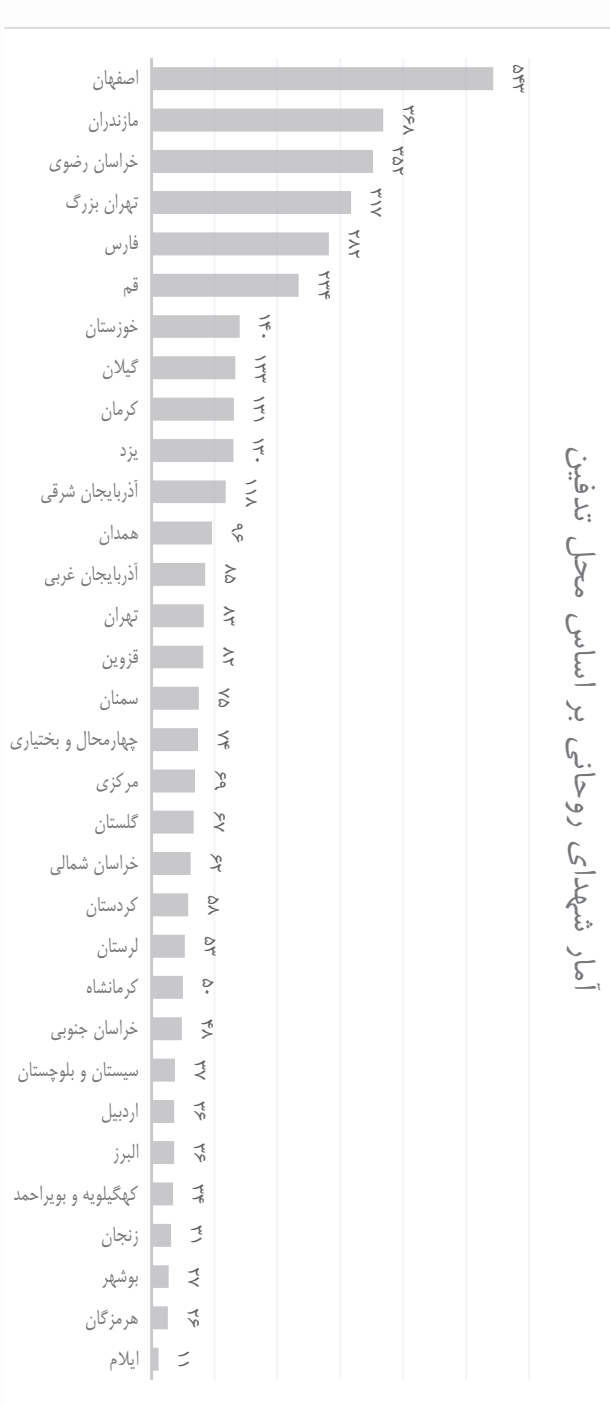
نمودار شهدای روحانی ۳۲ استان در یک نگاه



نمودار شهدای روحانی ۳۲ استان در یک نگاه

آمار شهدای روحانی ۳۲ رده استانی بر اساس محل تدفین شهدا

آمار شهدای روحانی بر اساس محل تدفین



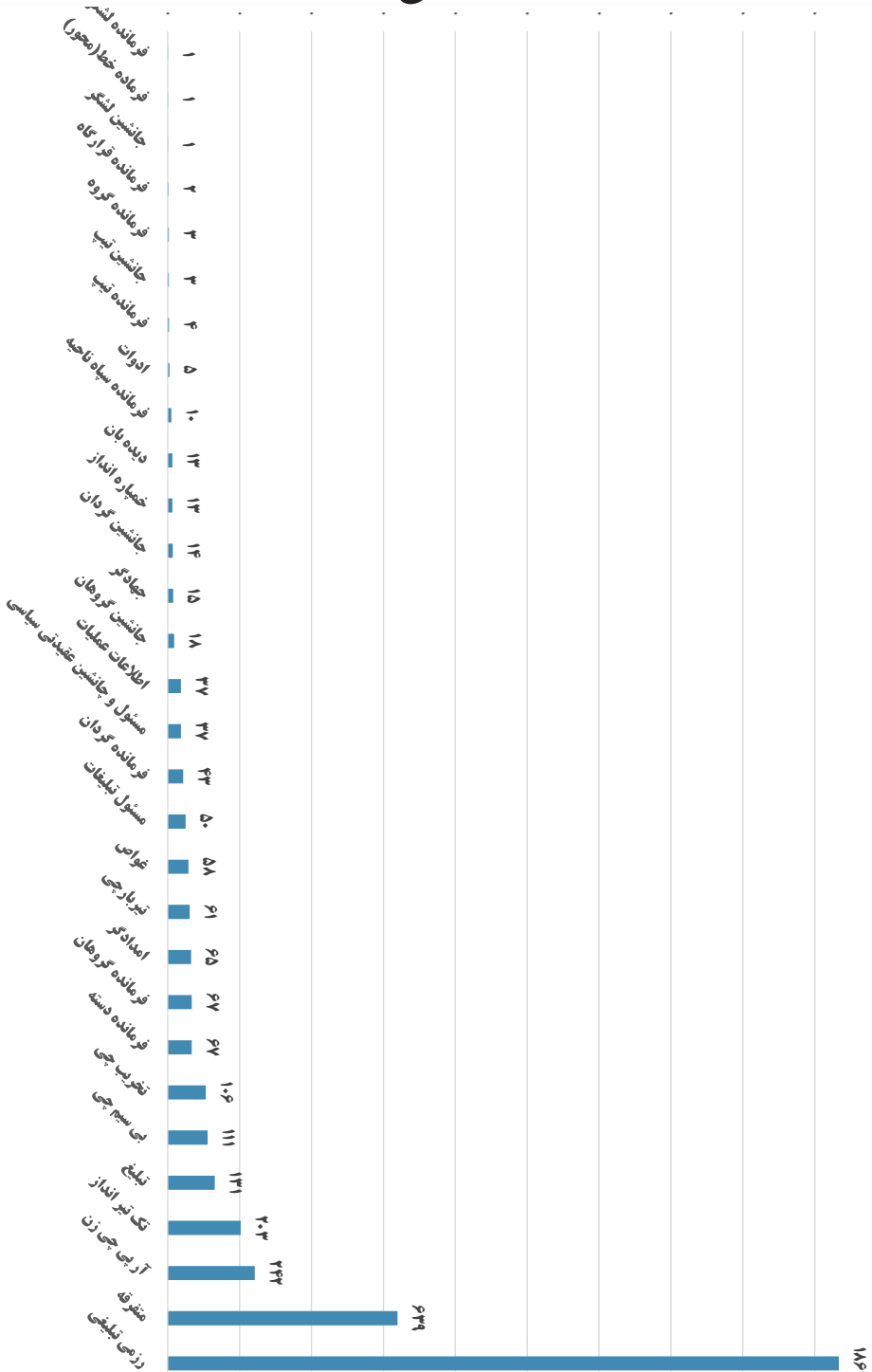
ردیف	استان	تعداد
۱	آذربایجان شرقی	۱۱۸
۲	آذربایجان غربی	۸۵
۳	اردبیل	۳۶
۴	اصفهان	۵۴۳
۵	البرز	۳۶
۶	ایلام	۱۱
۷	بوشهر	۲۷
۸	تهران	۸۳
۹	تهران بزرگ	۳۱۷
۱۰	چهارمحال و بختیاری	۷۴
۱۱	خراسان جنوبی	۴۸
۱۲	خراسان رضوی	۳۵۲
۱۳	خراسان شمالی	۶۲
۱۴	خوزستان	۱۴۰
۱۵	زنجان	۳۱
۱۶	سمنان	۷۵
۱۷	سیستان و بلوچستان	۳۷
۱۸	فارس	۲۸۲
۱۹	قزوین	۸۲
۲۰	قم	۲۳۴
۲۱	کردستان	۵۸
۲۲	کرمان	۱۳۱
۲۳	کرمانشاه	۵۰
۲۴	کهگیلویه و بویراحمد	۳۴
۲۵	گلستان	۶۷
۲۶	گیلان	۱۳۳
۲۷	لرستان	۵۳
۲۸	مازندران	۳۶۸
۲۹	مرکزی	۶۹
۳۰	هرمزگان	۲۶
۳۱	همدان	۹۶
۳۲	یزد	۱۳۰

آمار شهدای روحانی بر اساس نوع مسئولیت و ارائه خدمت:

ایمان	فرمانده فرارگاه	فرمانده لشکر	جانشین لشکر	فرمانده تیپ	جانشین تیپ	فرمانده خط(محور)	فرمانده سپاه	فرمانده گردان	جانشین گردان	فرمانده گروهان	جانشین گروهان	فرمانده گروه	فرمانده دسته	اطلاعات عملیات	تک تیر انداز	آر پی چی زن	تیربارچی	بی اسیم چی	تخریب چی	نواص	ضبطه انداز	اهدانگر	ادوات	دید بان	جهادگر	مسئول تبلیغات	مسئول تی سیاسی	مسئول و جانشین عقیدتی سیاسی	تبلیغ	رزمی تبلیغی	متفرقه	جمع
آذربایجان شرقی	-	-	-	-	-	-	-	۷	۱	۹	-	۱	۲	۱	۲	۶	-	۲	۲	۵	۱	۱	۱	-	-	۴	۴	۵۶	۱۲	۱۱۸		
آذربایجان غربی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	-	-	-	۲	۲	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۳۵	۱۲	۸۵		
آرdebil	-	-	-	-	-	-	-	۲	-	۱	-	-	-	-	۱	۳	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲۲	-	۲۶		
اصفهان	۲	-	-	-	-	-	۱	۷	۲	۹	-	۱۰	۴	-	۷۶	۳۰	۱۸	۱۴	۱۳	۴	۱۷	-	-	-	-	۵	۳۴۵	۶۱	۵۳۳			
ایلام	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۳	۶	۳۶		
ایلام	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۱	-	۱۱		
بوشهر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۲	۴	۲۷		
تهران	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	-	-	-	-	-	۵	۱	-	۱	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۵۱	۱۶	۸۳		
تهران بزرگ	-	-	-	-	-	-	۲	۲	۱	۷	۱	۵	۸	-	۸	۱۹	۴	۵	۷	۱	۹	-	-	-	-	۵	۱۳۷	۷۳	۳۱۷			
چهارمحال و بختیاری	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	۲	-	-	-	-	۴	-	-	۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۶	۶	۷۴		
خراسان جنوبی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۷	۳	-	۵	۲	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲۲	۱	۴۸		
خراسان رضوی	-	-	-	-	-	-	-	۴	۳	۲	۳	۱	۸	۶	۹	۳۵	۷	۱۷	۲۶	۴	۵	۷	-	-	-	۵	۱۲۶	۶۸	۳۵۲			
خراسان شمالی	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	۴	۶	۲	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۳۳	۱۰	۶۲			
خوزستان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۷	-	-	-	-	۳	۳	۲	۲	۵	۱	۲	-	-	-	-	-	۲	۶۱	۳۹	۱۴۰		
زنجان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	-	-	-	۱	۳	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۶	۵	۳۰		
سمنان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۱	-	-	-	۸	۱۱	۴	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۸	۹	۷۴		
سیستان و بلوچستان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۹	۱۳	۳۹		
فارس	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۶	۳	-	-	-	۱۳	۱۴	۲	۹	۵	۷	-	-	-	-	-	-	۱	۱۶۲	۳۶	۲۸۱		
قزوین	-	-	-	-	-	-	-	۳	-	۱	-	-	-	-	۵	۱۳	۲	۴	۲	۱	-	-	-	-	-	-	۱	۳۱	۱۳	۸۳		
قم	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	۲	۸	۳	۴	۱	۱	-	-	-	-	-	-	۱۲	۹۷	۹۱	۳۳۳		
کردستان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۱۳	۶۰		
کردستان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴	۵۳	۲۴	۱۲۹	
کرمان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۳۶	۲	۵۰	
کرمانشاه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
کهگیلویه و بویراحمد	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
گلستان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
گیلان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
لرستان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
لرستان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
مازندران	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
مرکزی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
هرمزگان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
همدان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
یزد	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
جمع	۲	۱	۱	۴	۳	۱	۱۰	۳۳	۱۴	۶۷	۱۸	۲	۶۷	۳۷	۴۰۳	۳۲۲	۶۱	۱۱۱	۱۰۶	۵۸	۱۳	۶۵	۵	۱۳	۱۵	۱۳۱	۱۸۶۷	۶۳۹	۳۸۸۷			

نمودار آمار شهدای روحانی بر اساس نوع مسؤلیت و ارائه خدمت:

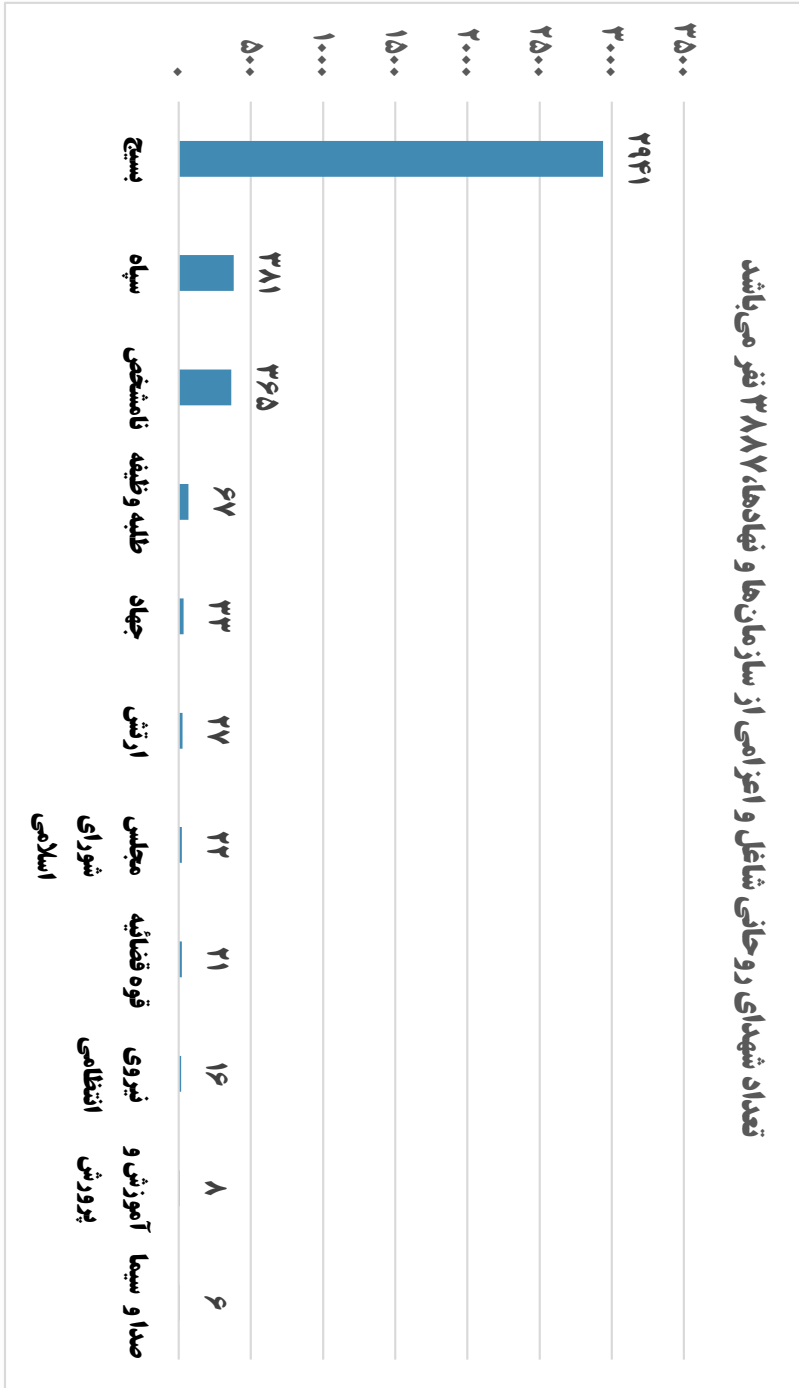
تعداد شهدای در جبهه‌های و عنوان مسؤلیت ۳۸۸۷ نفر می‌باشد



آمار شهدای روحانی شاغل در نهادها و سازمانهای کشور

استان	تجمع	سپاه	نیروی انتظامی	ارتش	جهاد	آموزش و پرورش	فوق قضائیه	مجلس شورای اسلامی	صدا و سیما	طلبه و وظیفه	فناوری	جمع
آذربایجان شرقی	۹۸	۱۰	-	۴	-	-	-	-	-	۲	۵	۱۱۸
آذربایجان غربی	۴۸	۸	۱	۱	-	-	-	-	-	-	۲۷	۸۵
اردبیل	۳۱	۴	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	۳۶
اصفهان	۴۳۲	۶۳	-	۳	۱۱	-	۱	-	-	۴	۲۹	۵۴۳
البرز	۳۰	۳	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲	۳۶
ایلام	۱۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۱
بوشهر	۲۱	۲	-	-	-	۱	۱	-	-	۱	۱	۲۷
تهران	۶۵	۸	۱	۱	-	-	۱	-	۱	-	۶	۸۳
تهران بزرگ	۲۱۳	۳۱	۶	۴	-	۲	۲	-	-	۷	۵۲	۳۱۷
چهارمحال و بختیاری	۶۴	۵	۱	-	-	۲	-	-	-	-	۲	۷۴
خراسان جنوبی	۴۱	۵	-	-	۱	-	-	-	-	-	۱	۴۸
خراسان رضوی	۲۶۱	۳۶	۴	۲	۷	-	-	۴	-	۸	۳۰	۳۵۲
خراسان شمالی	۵۴	۵	-	۱	-	-	-	۱	-	۱	-	۶۲
خوزستان	۹۷	۱۸	-	-	-	-	۱	-	۱	۱	۲۲	۱۴۰
زنجان	۲۱	۵	-	۲	۱	-	-	-	-	۱	۱	۳۱
سمنان	۶۳	۳	-	-	۲	-	-	۱	-	-	۶	۷۵
سیستان و بلوچستان	۲۳	۵	-	-	-	-	-	۱	-	۱	۷	۳۷
فارس	۲۳۶	۲۵	-	-	۱	-	۲	-	-	۴	۱۳	۲۸۱
قزوین	۶۵	۹	-	-	-	-	-	-	-	۵	۳	۸۲
قم	۱۲۳	۲۰	۱	۲	۳	-	۱۱	۱۰	۲	۵	۵۷	۲۳۴
کردستان	۲۰	۴	-	-	-	-	-	-	۱	-	۳۳	۵۸
کرمان	۱۰۶	۱۰	-	۱	۲	۱	۱	-	-	-	۱۰	۱۳۱
کرمانشاه	۲۳	۲۱	۱	-	-	-	-	-	-	۳	۲	۵۰
کهگیلویه و بویراحمد	۳۱	۱	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	۳۴
گلستان	۵۷	۲	-	-	-	-	-	-	-	۳	۵	۶۷
گیلان	۹۸	۱۲	-	۱	۴	۱	۱	۲	-	۳	۱۱	۱۳۳
لرستان	۴۰	۶	-	-	-	-	-	۲	-	-	۵	۵۳
مازندران	۳۱۷	۲۸	۱	۲	۱	-	-	-	-	۹	۱۰	۳۶۸
مرکزی	۵۱	۷	-	۱	-	-	-	-	-	۲	۸	۶۹
هرمزگان	۲۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴	۲۶
همدان	۶۵	۱۵	-	۱	-	۱	-	۱	۱	۵	۷	۹۶
یزد	۱۱۴	۱۰	-	۱	-	-	-	-	-	-	۵	۱۳۰
جمع	۲۹۴۱	۳۸۱	۱۶	۲۷	۳۳	۸	۲۱	۲۲	۶	۶۷	۳۶۵	۳۸۸۷

نمودار آمار شهدای روحانی شاغل در نهادها و سازمان های کشور



آمار شهدای روحانی بر اساس تحصیلات حوزوی

آمار شهدای روحانی بر اساس سطح تحصیلات حوزوی:												استان			
سطح بندی تحصیلی حوزه های اهل تشیع							سطح بندی تحصیلی حوزه های تشیع								
جمع	نامشخص	شمال کشور		غرب کشور			اجتهاد	سطح چهار	سطح سه	سطح دو	سطح یک		مقامات		
		شمال کشور	آخوند	شرف کشور	مولوی	مفتی						مادوسا		مستعد	مبتدی
۱۱۸	-	-	-	-	-	-	۲	۲	۳	۷	۴۴	۶۰	آذربایجان شرقی		
۸۵	-	-	-	۱	۹	۷	۴	۵	-	-	۱	۳	۱۸	۳۸	آذربایجان غربی
۳۶	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۱۰	۲۴	-	-	اردبیل
۵۴۳	۱	-	-	-	-	-	-	۳	۸	۹	۴۴	۱۱۴	۳۶۴	-	اصفهان
۳۶	۲	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	۴	۵	۲۳	-	البرز
۱۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۵	۶	-	ایلام
۲۷	-	-	-	-	-	-	-	-	۴	-	۲	۹	۱۲	-	بوشهر
۸۳	-	-	-	-	-	-	-	-	۶	۱	۴	۲۲	۵۰	-	تهران
۳۱۷	۹	-	-	-	-	-	-	۵	۲۴	۱۰	۱۷	۶۳	۱۸۹	-	تهران بزرگ
۷۴	۱	-	-	-	-	-	-	۱	-	۱	۲	۱۷	۵۲	-	چهارمحال و بختیاری
۴۸	۱	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲	۴	۱۱	۲۹	-	خراسان جنوبی
۳۵۲	۱۸	-	-	-	-	-	-	۱	۱۶	۱۷	۲۷	۷۳	۲۰۰	-	خراسان رضوی
۶۲	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲	۱۵	۴۳	-	خراسان شمالی
۱۴۰	۱	-	-	-	-	-	-	-	۴	۴	۴	۳۸	۸۹	-	خوزستان
۳۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	-	۱۹	۱۰	-	زنجان
۷۵	-	-	-	-	-	-	-	۱	۶	-	۱	۷	۶۰	-	سمنان
۳۷	-	-	-	۲	-	۱	-	-	۲	۱	۳	۱۵	۱۳	-	سیستان و بلوچستان
۲۸۱	-	-	-	-	-	-	-	۲	۱۰	۲	۱۹	۶۱	۱۸۷	-	فارس
۸۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۴	۹	۳۲	۳۶	-	قزوین
۲۳۴	۵	-	-	-	-	-	-	۸	۵۸	۶	۲۰	۴۰	۹۷	-	قم
۵۸	۲	-	-	-	۱۴	۳۳	-	۴	-	-	-	۱	۴	-	کردستان
۱۳۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۳	۷	۵	۲۱	۹۵	-	کرمان
۵۰	-	-	-	-	-	-	۲	۶	۱	۱	-	۱۰	۲۹	-	کرمانشاه
۳۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	۱۲	۲۰	-	کهگیلویه و بویراحمد
۶۷	-	۲	-	-	-	-	-	-	۲	-	۳	۲۴	۳۶	-	گلستان
۱۳۳	-	-	-	-	-	-	-	-	۸	۲	۸	۴۳	۷۲	-	گیلان
۵۳	-	-	-	-	-	-	-	۱	۵	۲	۱	۹	۳۵	-	لرستان
۳۶۸	۶	-	-	-	-	-	-	-	۱۱	۴	۱۹	۸۷	۲۴۱	-	مازندران
۶۹	۳	-	-	-	-	-	-	۲	۲	-	۳	۱۶	۴۳	-	مرکزی
۲۶	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	-	۲۰	۴	-	-	هرمزگان
۹۶	۷	-	-	-	-	-	-	۲	۲	۴	۳	۲۵	۵۳	-	همدان
۱۴۰	۴	-	-	-	-	-	-	۱	۱	۲	۴	۵۲	۶۶	-	یزد
۳۸۸۷	۶۱	۲	۳	۲۳	۴۱	۵	۱۵	۳۰	۱۸۱	۸۸	۲۵۰	۹۳۶	۲۲۵۲	-	جمع

آمار شهدای روحانی ۳۲ رده استانی در یک نگاه

تابعیت	آمار شهدای روحانی ۳۲ رده استانی در یک نگاه										استان
	آمار شهدای مفقود الجسد		جمع	تفصی	شهدای روحانی برون مرزی و مها	در منطقه غیر حملاتی	تصادف، حوادث و سوانح، درگیری خیابانی، یمنان و موشگ باران	مناطق حرم	دفاع مقدس	تور و احیام از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷	
شهدای غیر ایرانی مدفون در مدفون در استان	شهدای غیر ایرانی مدفون در خارج	شهدای تفصی									مفقود الاثر
-	-	۲۵	۴	۱۱۸	۴	-	۷	-	۱۰۵	۲	آذربایجان شرقی
-	-	۱۱	-	۸۵	۱	۲	۶	-	۶۰	۱۶	آذربایجان غربی
-	-	۸	۱	۳۶	-	-	-	-	۳۵	۱	اردبیل
۱	۱	۹۰	۲۴	۵۴۳	۹	۴	۷	۲	۵۰۸	۱۳	اصفهان
-	-	۶	-	۳۶	۱	-	۲	۱	۳۲	-	البرز
-	-	۲	-	۱۱	-	-	-	-	۱۱	-	ایلام
-	-	۴	-	۲۷	-	۱	۱	-	۲۳	۲	بوشهر
-	-	۱۱	۱	۸۳	-	۳	-	۳	۷۴	۳	تهران
-	۳	۲۳	۱۸	۳۱۷	۱۰	۴	۶	۱	۲۸۰	۱۶	تهران بزرگ
-	-	۱۱	-	۷۴	-	-	-	۱	۷۱	۲	چهارمحال و بختیاری
-	-	۹	۱	۴۸	-	-	-	-	۴۷	۱	خراسان جنوبی
-	۱۴	۴۹	۸	۳۵۲	۳	۶	۱۴	۵	۳۱۹	۵	خراسان رضوی
-	-	۱۳	۱	۶۲	-	-	۳	-	۵۹	-	خراسان شمالی
-	۱	۲۳	۱۰	۱۴۰	-	-	۵	۷	۱۲۴	۴	خوزستان
-	-	۴	-	۳۱	۱	۱	-	-	۲۹	-	زنجان
-	-	۱۱	۱	۷۵	-	۲	۱	۲	۷۰	-	سمنان
-	۲	۵	۳	۳۷	-	۲	-	-	۲۸	۷	سیستان و بلوچستان
-	-	۶۵	۴	۲۸۱	-	۲	-	۲	۲۷۱	۶	فارس
-	۱	۱۷	۲	۸۲	-	-	-	۱	۸۰	۱	قزوین
-	۱۸	۱۶	-	۲۳۴	-	۴	۱۵	۱۴	۱۸۸	۱۳	قم
-	۱	-	-	۵۸	-	۱	۱۰	-	۲۵	۲۲	کردستان
-	۱	۲۹	۱	۱۳۱	-	۱	-	۱	۱۲۶	۳	کرمان
-	-	۳	-	۵۰	-	۱	۱	-	۴۷	۱	کرمانشاه
-	-	۴	-	۳۴	۲	-	۲	-	۳۰	-	کهگیلویه و بویراحمد
-	۱	۱۵	-	۶۷	۱	-	۱	-	۶۱	۴	گلستان
-	۱	۳۵	-	۱۳۳	-	۲	۶	۱	۱۱۴	۱۰	گیلان
۱	۱	۶	۸	۵۳	-	۱	۲	-	۴۸	۲	لرستان
-	۲	۸۴	۱	۳۶۸	-	۳	۱۳	۲	۳۴۰	۱۰	مازندران
۱	-	۱	۱	۶۹	-	۱	۲	-	۶۲	۴	مرکزی
-	-	۶	۱	۲۶	-	-	-	-	۲۶	-	هرمزگان
۱	-	۱۵	۳	۹۶	-	۱	۶	-	۸۲	۷	همدان
-	۱	۳۴	-	۱۳۰	-	۱	۲	-	۱۲۶	۱	یزد
۴	۴۸	۶۳۵	۹۳	۳۸۸۷	۳۲	۴۳	۱۱۲	۴۳	۳۵۰۱	۱۵۶	جمع کل آمار

آمار شهدای روحانی از تاریخ ۱۹/۱۲/۱۳۷۵ تا ۰۱/۰۱/۱۳۹۸

آمار شهدای روحانی از تاریخ ۱۹/۱۲/۱۳۷۵ تا ۰۱/۰۱/۱۳۹۸							
استان	شهدای روحانی از دوران مشروطه از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۹	شهدای روحانی دوران سردار سیمای رضا خان و به قدرت رسیدن خاندان سفاک پهلوی از آغاز انقلاب اسلامی	شهدای روحانی دوران انقلاب اسلامی از ۱۳۳۲ ال ۱۳۵۷/۱۱/۲۱	شهدای روحانی دوران فتنه‌ها و شورش‌های داخلی	شهدای دوران دفاع مقدس ۱۳۶۷ تا پایان سال ۱۳۸۶/۰۶/۳۱	شهدای روحانی از ابتدای سال ۱۳۹۸ تا کنون	جمع
آذربایجان شرقی	۱	-	-	۲	۱۱۰	۵	۱۱۸
آذربایجان غربی	-	-	۱	۴	۷۵	۵	۸۵
اردبیل	-	-	-	-	۳۶	-	۳۶
اصفهان	-	۲	۳	۳	۵۲۸	۷	۵۴۳
البرز	-	-	۱	-	۳۲	۳	۳۶
ایلام	-	-	-	-	۱۱	-	۱۱
بوشهر	-	-	۱	-	۲۳	۳	۲۷
تهران	-	۱	-	۱	۷۶	۵	۸۳
تهران بزرگ	۱	۱	۹	۵	۲۹۱	۱۰	۳۱۷
چهارمحال و بختیاری	-	۱	-	-	۷۱	۲	۷۴
خراسان جنوبی	-	-	-	-	۴۷	۱	۴۸
خراسان رضوی	-	۱	۶	۲	۳۲۴	۱۹	۳۵۲
خراسان شمالی	-	-	-	-	۶۲	-	۶۲
خوزستان	-	-	۲	۱	۱۲۹	۸	۱۴۰
زنجان	-	-	-	۱	۲۹	۱	۳۱
سمنان	-	-	-	۱	۷۰	۴	۷۵
سیستان و بلوچستان	-	-	-	-	۲۸	۹	۳۷
فارس	۱	-	۱	۲	۲۷۱	۶	۲۸۱
قزوین	-	-	-	-	۸۱	۱	۸۲
قم	۱	۲	۷	۶	۱۸۸	۳۰	۲۳۴
کردستان	-	۱	۱	۲	۵۰	۴	۵۸
کرمان	-	-	۱	-	۱۲۶	۴	۱۳۱
کرمانشاه	-	-	-	۲	۴۷	۱	۵۰
کهگیلویه و بویراحمد	-	-	۱	-	۳۲	۱	۳۴
گلستان	-	-	۱	۱	۶۵	-	۶۷
گیلان	-	۱	۱	-	۱۲۸	۳	۱۳۳
لرستان	-	-	۱	-	۴۹	۳	۵۳
مازندران	-	-	۱	۴	۳۵۷	۶	۳۶۸
مرکزی	۲	-	۱	۱	۶۲	۳	۶۹
هرمزگان	-	-	-	-	۲۶	-	۲۶
همدان	۱	-	۱	۱	۸۸	۵	۹۶
یزد	-	-	-	۱	۱۲۸	۱	۱۳۰
جمع کل	۷	۱۰	۴۰	۴۰	۳۶۴۰	۱۵۰	۳۸۸۷

فصل نهم

لیست ۱۵۵ عملیات

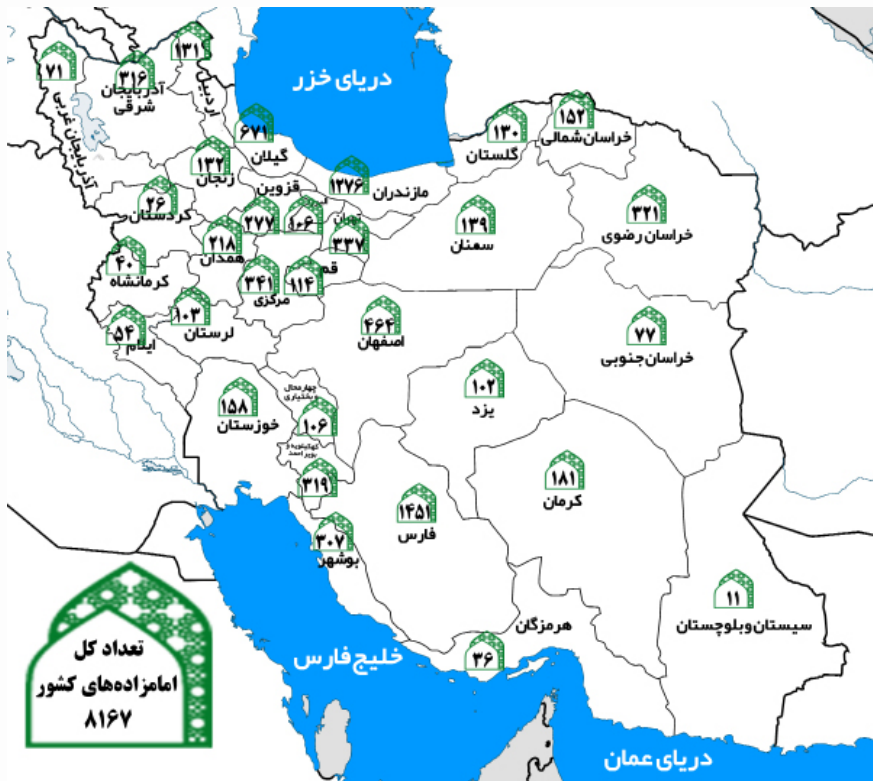
دفاع مقدس

محدوده عملیات	نام	تاریخ عملیات	رج	محدوده عملیات	نام	تاریخ عملیات	رج
دارخوین	فرمانده کل قوا	۱۳۶۰/۰۳/۲۱	۳۱	میمک	محدود	۱۳۵۹/۰۶/۲۸	۱
دزفول	محدود	۱۳۶۰/۰۴/۰۲	۳۲	موسین	محدود	۱۳۵۹/۰۷/۱۳	۲
نوسود	روح‌الله	۱۳۶۰/۰۴/۱۱	۳۳	دزفول	محدود	۱۳۵۹/۰۷/۲۳	۳
جاده ماهشهر	شهید چمران	۱۳۶۰/۰۵/۰۳	۳۴	حمیدیه	شبیخون غیور اصلی	۱۳۵۹/۰۸/۱۵	۴
حمیدیه (طراح)	شهید چمران	۱۳۶۰/۰۵/۰۵	۳۵	سوسنگرد	آزادسازی سوسنگرد	۱۳۵۹/۰۸/۲۶	۵
دشت عباس	محدود	۱۳۶۰/۰۵/۱۲	۳۶	تنگ حاجیان	محدود	۱۳۵۹/۱۰/۱۴	۶
طراح	محدود	۱۳۶۰/۰۶/۱۰	۳۷	هویزه	محدود	۱۳۵۹/۱۰/۱۵	۷
حمیدیه	شهید رجایی و باهنر	۱۳۶۰/۰۶/۱۰	۳۸	ارتفاعات زید	محدود	۱۳۵۹/۱۰/۱۹	۸
تپه غرب الله اکبر	نصر	۱۳۶۰/۰۶/۱۱	۳۹	میمک	ضربت ذوالفقار	۱۳۵۹/۱۰/۱۹	۹
بازی دراز	محدود	۱۳۶۰/۰۶/۱۱	۴۰	آبادان	محدود	۱۳۵۹/۱۰/۱۹	۱۰
غرب سوسنگرد	شهید موسی	۱۳۶۰/۰۶/۲۷	۴۱	ماهشهر	نصر	۱۳۵۹/۱۰/۲۰	۱۱
شمال آبادان	ثامن الائمه <small>علیهم‌السلام</small>	۱۳۶۰/۰۷/۰۵	۴۲	ارتفاعات زید	محدود	۱۳۵۹/۱۱/۱۲	۱۲
گیلان غرب و سرپل ذهاب	مطلع الفجر	۱۳۶۰/۰۹/۲۰	۴۳	سوسنگرد	محدود	۱۳۵۹/۱۱/۱۸	۱۳
بستان	طریق القدس	۱۳۶۰/۰۹/۰۸	۴۴	دهلاویه	محدود	۱۳۵۹/۱۱/۲۱	۱۴
غرب نوسود	محمد رسول الله <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>	۱۳۶۰/۱۰/۱۲	۴۵	ارتفاعات زید	محدود	۱۳۵۹/۱۱/۲۶	۱۵
ریحان	امیرالمؤمنین <small>علیه‌السلام</small>	۱۳۶۰/۱۰/۲۳	۴۶	میمک	محدود	۱۳۵۹/۱۱/۲۶	۱۶
چراغه	مولای متقیان	۱۳۶۰/۱۲/۰۱	۴۷	سرپل ذهاب	محدود	۱۳۵۹/۱۲/۲۴	۱۷
کرخه نور	افر الحسین	۱۳۶۰/۱۲/۲۴	۴۸	گیلانغرب	محدود	۱۳۵۹/۱۲/۲۴	۱۸
غرب دزفول و شوش	فتح المبین	۱۳۶۱/۰۱/۰۱	۴۹	سوسنگرد	حضرت مهدی <small>عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌وآمنه‌وآبوابه‌الرحمة‌الکریمه</small>	۱۳۵۹/۱۲/۲۶	۱۹
غرب کارون و جنوب اهواز	بیت المقدس	۱۳۶۱/۰۲/۱۰	۵۰	میمک	محدود	۱۳۵۹ آبان	۲۰
شرق بصره	رمضان	۱۳۶۱/۰۴/۲۳	۵۱	سومار	عاشورا	۱۳۵۹ آبان	۲۱
قصر شیرین	ثارالله	۱۳۶۱/۰۵/۱۵	۵۲	فوج سلطان	محدود	۱۳۶۰/۰۱/۰۱	۲۲
میمک	حسین بن علی <small>علیه‌السلام</small>	۱۳۶۱/۰۶/۲۶	۵۳	شوش	امام مهدی <small>عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌وآمنه‌وآبوابه‌الرحمة‌الکریمه</small>	۱۳۶۰/۰۱/۲۵	۲۳
سومار	مسلم بن عقیل <small>علیه‌السلام</small>	۱۳۶۱/۰۷/۰۹	۵۴	جاده ماهشهر	محدود	۱۳۶۰/۰۱/۲۵	۲۴
شهرانی زبیدان	محرم	۱۳۶۱/۰۸/۱۰	۵۵	کرخه و دزفول	حضرت مهدی <small>عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌وآمنه‌وآبوابه‌الرحمة‌الکریمه</small>	۱۳۶۰/۰۱/۱۵	۲۵
چراغه فکه	و الفجر مقدماتی	۱۳۶۱/۱۱/۱۸	۵۶	بازی دراز	محدود	۱۳۶۰/۰۲/۰۲	۲۶
شمال فکه	و الفجر ۱	۱۳۶۲/۰۱/۲۰	۵۷	آبادان	شیخ فضالانور نوری	۱۳۶۰/۰۲/۲۵	۲۷
حاج عمران	و الفجر ۲	۱۳۶۲/۰۴/۲۹	۵۸	غرب سوسنگرد	امام علی <small>علیه‌السلام</small>	۱۳۶۰/۰۲/۳۱	۲۸
مهران	و الفجر ۳	۱۳۶۲/۰۵/۰۷	۵۹	نوسود	محدود	۱۳۶۰/۰۳/۱۱	۲۹
				نوسود	محدود	۱۳۶۰/۰۳/۱۵	۳۰

محدوده عملیات	نام	تاریخ عملیات	رج	محدوده عملیات	نام	تاریخ عملیات	رج
کرکوک	فتح ۱	۱۳۶۵/۰۷/۱۹	۹۱	دره شیلوپنجوبین	والفجر ۴	۱۳۶۲/۰۷/۲۷	۶۰
سودوکان	فتح ۲	۱۳۶۵/۰۸/۰۸	۹۲	دربند بخان	تحریر القدس	۱۳۶۲/۱۱/۲۱	۶۱
زاخودهوک	فتح ۳	۱۳۶۵/۰۸/۲۴	۹۳	جنگوله	والفجر ۵	۱۳۶۲/۱۱/۲۷	۶۲
غرب اروند ابوالخصیب	کربلای ۴	۱۳۶۵/۱۰/۰۳	۹۴	جیلات	والفجر ۶	۱۳۶۲/۱۲/۰۲	۶۳
شلمچه و شرق بصره	کربلای ۵	۱۳۶۵/۱۰/۱۹	۹۵	هور الهویزه	خیبر	۱۳۶۲/۱۲/۰۳	۶۴
سومار	کربلای ۶	۱۳۶۵/۱۰/۲۳	۹۶	میمک و عاشورا	میمک	۱۳۶۳/۰۷/۲۵	۶۵
دهوک دولان	نصر	۱۳۶۵/۱۰/۲۸	۹۷	هورالهویزه	بدر	۱۳۶۳/۱۲/۱۹	۶۶
راوندوز دیانا	فتح ۴ مرحله اول	۱۳۶۵/۱۱/۲۲	۹۸	جزیره مینو	ظفر ۱	۱۳۶۴/۰۳/۱۷	۶۷
راوندوز دیانا	فتح ۴ مرحله دوم	۱۳۶۵/۱۲/۰۴	۹۹	کردستان	انصار الله	۱۳۶۴/۰۳/۲۳	۶۸
حاج عمران	کربلای ۷	۱۳۶۵/۱۲/۱۲	۱۰۰	هورالهویزه	قدس ۱	۱۳۶۴/۰۳/۲۴	۶۹
شرق بصره	کربلای ۸	۱۳۶۶/۰۱/۱۸	۱۰۱	هورالهویزه	قدس ۲	۱۳۶۴/۰۴/۰۴	۷۰
قصر شیرین	کربلای ۹	۱۳۶۶/۰۱/۲۰	۱۰۲	پنجوبین	ظفر ۲	۱۳۶۴/۰۵/۱۴	۷۱
چوارته ماووت	فتح ۵	۱۳۶۶/۰۱/۲۵	۱۰۳	شمال غرب کشور	ظفر ۳	۱۳۶۴/۰۴/۰۷	۷۲
هزار قلعه غرب بانه	نصر ۱	۱۳۶۶/۰۱/۲۵	۱۰۴	فکه	ظفر ۴	۱۳۶۴/۰۴/۱۰	۷۳
ماووت	کربلای ۱۰	۱۳۶۶/۰۱/۳۰	۱۰۵	دهلران	قدس ۳	۱۳۶۴/۰۴/۱۹	۷۴
میمک	نصر ۲	۱۳۶۶/۰۳/۱۳	۱۰۶	سیرکان	قادر	۱۳۶۴/۰۴/۲۳	۷۵
زبیدات	نصر ۳	۱۳۶۶/۰۳/۲۷	۱۰۷	هورالهویزه	قدس ۴	۱۳۶۴/۰۵/۰۱	۷۶
شمال اربیل	فتح ۶	۱۳۶۶/۰۳/۲۷	۱۰۸	غرب هورالهویزه	قدس ۵	۱۳۶۴/۰۵/۱۶	۷۷
ماووت	نصر ۴	۱۳۶۶/۰۳/۳۱	۱۰۹	تکایف صائین دز	عاشورای ۱	۱۳۶۴/۰۵/۲۳	۷۸
سردشت	نصر ۵	۱۳۶۶/۰۴/۰۳	۱۱۰	چنگوله	عاشورای ۲	۱۳۶۴/۰۵/۲۴	۷۹
حلبچه شانہ درلاو	فتح ۷	۱۳۶۶/۰۴/۰۷	۱۱۱	فکه	عاشورای ۳	۱۳۶۴/۰۵/۲۵	۸۰
شمال موصل	فتح ۸	۱۳۶۶/۰۴/۲۸	۱۱۲	غرب هورالهویزه	قادر	۱۳۶۴/۰۶/۱۸	۸۱
ایروان	ایذایی	۱۳۶۶/۰۵/۰۱	۱۱۳	هورالهویزه	عاشورای ۴	۱۳۶۴/۰۷/۳۰	۸۲
جوارتا	ایذایی	۱۳۶۶/۰۵/۰۱	۱۱۴	فاو	والفجر ۸	۱۳۶۴/۱۱/۲۰	۸۳
سلیمانیه	ایذایی	۱۳۶۶/۰۵/۰۵	۱۱۵	شرق جورات	والفجر ۹	۱۳۶۴/۱۲/۰۵	۸۴
کلی کدور	ایذایی	۱۳۶۶/۰۵/۰۶	۱۱۶	کارخانه نمک	تکمیلی و انفجار	۱۳۶۵/۰۲/۰۸	۸۵
مرگه سور	ایذایی	۱۳۶۶/۰۵/۱۰	۱۱۷	مهران	کربلای ۱	۱۳۶۵/۰۴/۱۰	۸۶
پاسگاه ترابه	ایذایی	۱۳۶۶/۰۵/۱۰	۱۱۸	هورالعظیم	انصار	۱۳۶۵/۰۶/۰۲	۸۷
میمک	نصر ۶	۱۳۶۶/۰۵/۱۲	۱۱۹	حاج عمران	کربلای ۲	۱۳۶۵/۰۶/۱۰	۸۸
خرمال	فتح ۹	۱۳۶۶/۰۵/۱۸	۱۲۰	اسکله الأمیه	کربلای ۳	۱۳۶۵/۰۶/۱۱	۸۹
				ظفر		۱۳۶۵/۰۷/۱۲	۹۰

محدوده عملیات	نام	تاریخ عملیات	رج	محدوده عملیات	نام	تاریخ عملیات	رج
در بند بخان	ظفر ۳	۱۳۶۶/۰۸/۲۵	۱۳۹	خرمان	ایذایی	۱۳۶۶/۰۵/۱۳	۱۳۱
دهوک دولان	ظفر ۴	۱۳۶۶/۰۸/۲۸	۱۴۰	دویازایافت	نصر ۷	۱۳۶۶/۰۵/۱۴	۱۳۲
ماووت	نصر ۸	۱۳۶۶/۰۸/۲۹	۱۴۱	خرمال	ایذایی	۱۳۶۶/۰۵/۳۰	۱۳۳
منطقه حاج عمران	نصر ۹	۱۳۶۶/۰۹/۰۱	۱۴۲	اربیل، کرکوک	سلسله ایذایی	۱۳۶۶/۰۶/۰۹	۱۳۴
المکروالمیه	ایذایی	۱۳۶۶/۱۰/۱۸	۱۴۳	اربیل	ایذایی	۱۳۶۶/۰۶/۱۲	۱۳۵
کرکوک، دهوک، دیاله	ظفر ۵	۱۳۶۶/۱۰/۲۲	۱۴۴	شمال اربیل	افتح ۱۰	۱۳۶۶/۰۶/۱۳	۱۳۶
ماووت	بیت المقدس ۲	۱۳۶۶/۱۰/۲۵	۱۴۵	سلیمانیه	ایذایی	۱۳۶۶/۰۶/۱۵	۱۳۷
سنگاو	ظفر ۶	۱۳۶۶/۱۲/۰۵	۱۴۶	چچال	ایذایی	۱۳۶۶/۰۶/۱۸	۱۳۸
شرق سلیمانیه	ظفر ۷	۱۳۶۶/۱۲/۲۳	۱۴۷	سید صادق	ایذایی	۱۳۶۶/۰۶/۲۳	۱۳۹
منطقه سلیمانیه	بیت المقدس ۳	۱۳۶۶/۱۲/۲۴	۱۴۸	استان دهوک	ظفر ۱	۱۳۶۶/۰۶/۲۷	۱۴۰
حلبچه شانه درلاو	والفجر ۱۰	۱۳۶۶/۱۲/۲۵	۱۴۹	سلیمانیه	ایذایی	۱۳۶۶/۰۷/۰۸	۱۴۱
در بند بخان	بیت المقدس ۴	۱۳۶۷/۰۱/۰۶	۱۵۰	کرکوک	ایذایی	۱۳۶۶/۰۷/۱۱	۱۴۲
پنجوبین	بیت المقدس ۵	۱۳۶۷/۰۱/۲۳	۱۵۱	کفری استان کرکوک	ظفر ۲	۱۳۶۶/۰۷/۱۲	۱۴۳
منطقه سلیمانیه	بیت المقدس ۶	۱۳۶۷/۰۱/۲۷	۱۵۲	دیگوک	ایذایی	۱۳۶۶/۰۷/۲۲	۱۴۴
شلمچه	بیت المقدس ۷	۱۳۶۷/۰۲/۲۳	۱۵۳	دوکان	ایذایی	۱۳۶۶/۰۸/۰۴	۱۴۵
شلمچه	قدر	۱۳۶۷/۰۵/۰۲	۱۵۴	دوکان	ایذایی	۱۳۶۶/۰۸/۰۸	۱۴۶
اسلام آباد (چهارزیر)	مرصاد	۱۳۶۷/۰۵/۰۳	۱۵۵	در بند بخان	ایذایی	۱۳۶۶/۰۸/۱۱	۱۴۷

امامزاده‌های مدفون در ایران



استان‌های ایران چند امامزاده دارند؟

- ۱- آمار جمعیت کشور در اول دفاع مقدس: ۳۶ میلیون نفر.
- ۲- آمار جمعیت طلاب و روحانیون در زمان دفاع مقدس: ۲۵ هزار نفر.
- ۳- کل شهدای کشور: ۲۱۳۲۵۵ نفر. کل شهدای روحانی: ۳۸۸۸ نفر.
- ۴- روحانی آزاد: بیش از ۱۲۰ نفر.

نام استان	امامزاده	نام استان	امامزاده	نام استان	امامزاده
آذربایجان شرقی	۳۱۶	چهارمحال و بختیاری	۱۰۶	فارس	۱۴۵۱
آذربایجان غربی	۷۱	خراسان جنوبی	۷۷	قزوین	۲۷۷
اردبیل	۱۳۱	خراسان رضوی	۳۲۱	مازندران	۱۲۷۶
اصفهان	۴۶۴	خراسان شمالی	۱۵۲	کردستان	۲۶
ایلام	۵۴	خوزستان	۱۵۸	مرکزی	۳۴۱
البرز	۱۰۶	کرمان	۱۸۱	هرمزگان	۳۶
بوشهر	۳۰۷	کهگیلویه و بویراحمد	۱۰۲	همدان	۲۱۸
تهران	۳۳۷	گلستان	۱۳۰	بوشهر	۳۰۷
		سیستان و بلوچستان	۱۱	جمع کل	۸۱۶۷

آمار کلی شهدای جنگ تحمیلی

تعداد 213255 نفر شهید که در جنگ تحمیلی به شهادت رسیده‌اند تعداد ۱۹ عملیات بزرگ،

تعداد ۱۹ عملیات متوسط و تعداد ۱۲۵ عملیات کوچک توسط رزمندگان انجام شد.

جنگ تحمیلی عراق بر ایران

۲۸۸۷ روز (۹۶ ماه)، ۸ سال طول کشیده است.

در طول نبرد ۸ سال دفاع مقدس

تعداد ۱۰۰۰ روز نبرد فعال،

تعداد ۲۱۳ هزار شهید،

تعداد ۱۴۰ هزار جانباز،

تعداد ۳۲۰ هزار مجروح،

تعداد ۴۰ هزار آزاده داشته‌ایم.

در طول جنگ تحمیلی عراق بر ایران:

تعداد ۷۲۳۶۳ نفر عراقی اسیر،

تعداد ۳۹۵۱۴۸ نفر عراقی کشته،

تعداد ۳۶۶ فروند هواپیما و تعداد ۹۰ فروند هلی کوپتر سرنگون شده است.

در طول ۸ سال دفاع مقدس

تعداد ۷ عملیات با رمز یا الله،

تعداد ۱۳ عملیات با رمز محمد رسول الله ﷺ،

تعداد ۷ عملیات با رمز یا علی علیه السلام،

تعداد ۱۳ عملیات با رمز یا زهرا علیه السلام،

تعداد ۱۱ عملیات با رمز یا حسین علیه السلام،

تعداد ۸ عملیات با رمز یا صاحب الزمان علیه السلام بوده است.

در طول ۸ سال دفاع مقدس

تعداد ۴۵۰۰۰ شهید به نام مبارک (محمد)،

تعداد ۳۰۰۰۰ شهید به نام مبارک (علی)،

تعداد ۴۰۰۰ شهید به نام مبارک (رضا)،

تعداد ۱۳۰۰۰ شهید به نام مبارک (حسین)،

تعداد ۵۴۰۰ شهید به نام مبارک (عباس)،

تعداد ۴۵۰۰ شهید به نام مبارک (اکبر)،

تعداد ۳۵۰۰ شهید به نام مبارک (اصغر)،

تعداد ۲۳۰۰ شهید به نام مبارک (قاسم)،

تعداد ۲۰۰۰۰ شهید به در نامشان کلمه مبارک (الله) داشته‌اند.

ما بقی شهدای نام‌های مطهر دیگری داشته‌اند.

در طول ۸ سال دفاع مقدس و با از تعداد 213 هزار شهید

تعداد ۱۷۱۳۳۵ هزار شهید در خط مقدم، تعداد ۱۶۸۷۰ نفر بر اثر حملات هوایی، توپخانه‌ای و مکان‌های دیگر از جبهه به شهادت رسیده‌اند.

تعداد ۴۴ درصد از شهدا سن آن‌ها از ۱۶ تا ۲۰ سال،

تعداد ۳۰ درصد از شهدا سن آن‌ها ۲۱ تا ۲۶ سال،

تعداد ۸ درصد از شهدا سن آن‌ها ۲۶ تا ۳۰ سال،

تعداد ۱۸ درصد از شهدا سن آن‌ها بالای ۳۰ بوده است.

تعداد ۱۵۵۰۸۱ نفر در درگیری مستقیم با دشمن،

تعداد ۱۶۱۵۴ نفر در حملات دشمن به شهرها،

تعداد ۱۱۸۱۴ نفر در حوادث متفرقه،

و تعداد ۹۸۸۹۵ نفر سایر موارد بوده است.

از این آمار تعداد ۱۵۵۲۵۹ نفر مجرد،

تعداد ۵۵۹۹۶ نفر متأهل،

تعداد ۷۰۵۴ نفر ۱۴ ساله و کمتر،

تعداد ۶۵۵۵۷۵ نفر بین ۱۵ تا ۱۹ ساله،

تعداد ۸۷۱۰۶ نفر بین ۲۰ تا ۲۳ ساله،

تعداد ۲۲۷۳۳ نفر بین ۲۴ تا ۲۹ ساله،

تعداد ۳۰۸۱۷ نفر ۳۰ ساله و بالاتر بوده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تعداد ۲۳۱۹۹ نفر کادر،

تعداد ۱۶۷۳۸ نفر سرباز،

ارتش جمهوری اسلامی

تعداد ۹۰۸۹ نفر کادر،

تعداد ۳۶۹۶۵ نفر سرباز،

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی

تعداد ۲۹۲۶ نفر کادر،

تعداد ۵۶۷۲ نفر سرباز،

سایر شهداء

تعداد ۳۱۶۷۴ نفر شغل آزاد،

تعداد ۳۲۲۷۵ نفر دانش آموز،

تعداد ۲۶۰۸ نفر دانشجو،

تعداد ۳۸۸۸ نفر روحانی،

تعداد ۶۱۲۸ نفر بیگار،

تعداد ۲۶۲۹۳ نفر دولتی،

تعداد ۲۳۲۹ نفر بسیج ویژه،

تعداد ۳۱۳۶ نفر خانه دار،

تعداد ۲۹۰۶ نفر کودک،

تعداد ۴۵۶۴ نفر غیر ایرانی.

جمع کل: ۲۱۳۲۵۵ نفر شهید

شروع جنگ ایران و عراق

از تاریخ ۱۳۵۹/۰۶/۳۱

عراق با ۱۲ لشکر زرهی، مکانیزه، پیاده و ۳۶ تیپ مستقل از سه محور تعداد ۱۷۱۳۳۵ هزار شهید در خط مقدم، تعداد ۱۶۸۷۰ نفر بر اثر حملات (جنوبی، میانی، شمالی) به ایران حمله کرده است.

عراق با ماشین جنگی

تعداد ۵۴۰۰ دستگاه تانک،

تعداد ۴۰۰ قبضه توپ،

تعداد ۳۶۶ فروند هواپیما،

تعداد ۴۰۰ فروند هلی کوپتر،

به سرزمین اسلامی ایران حمله کرده است.

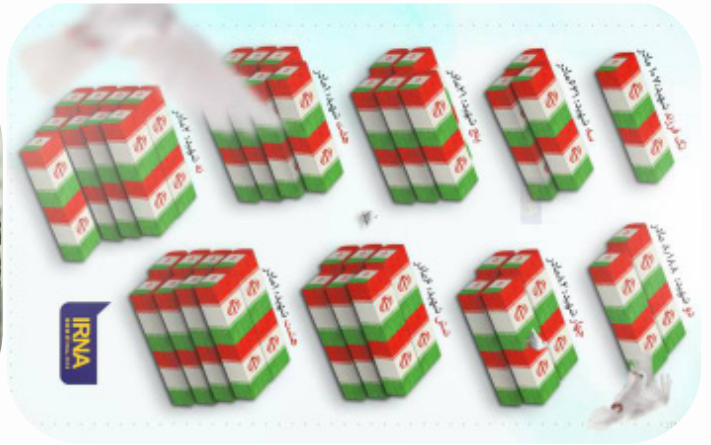
جنگ تحمیلی عراق بر ایران

طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین و وسیع‌ترین جنگ بوده است (۷۵ برابر

جنگ جهانی اول، ۲ برابر جنگ جهانی دوم)

در طول ۸ سال دفاع مقدس

مادران چند شهیدی دفاع مقدس



آیا تاکنون آمار از تعداد شهدای زن در طول انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی دیده‌اید؟ آمار کل شهدای زن در طول انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ۴۶۷ نفر بوده که ۲۳٪ آن‌ها مجرد و ۲۴۶۷ آن‌ها متأهل بوده‌اند. از این تعداد ۱۰۲ شهید در زمان رژیم شاهنشاهی، ۱۲۱ نفر توسط ضد انقلاب اشرار و منافقین، ۴۳۶۳ در جنگ تحمیلی، ۱۶۵ نفر در خارج از کشور و ۱۹ نفر دیگر در سایر موارد به شهادت رسیده‌اند. تعداد شهدای زن شاغل دولتی ۲۰۴ نفر، مشاغل غیر دولتی ۱۲۹ نفر، دانش آموزان ۸۷۱ نفر، دانشجویان ۱۲ نفر، طلبه شهیده حوزه‌های علمیه ۱۴ نفر، خانه دارد ۲۶۶۷ نفر، و مشخص نشده ۸۷۳ نفر بوده‌اند. تعداد شهدای زن بر اساس وضعیت سکونت ۴۰۴۸ شهید شهری، ۷۲۲ شهید روستایی بوده‌اند که از این تعداد حدود یک سوم ۱۵۷۰ نفر از زنان دلیر خوزستان بوده‌اند.



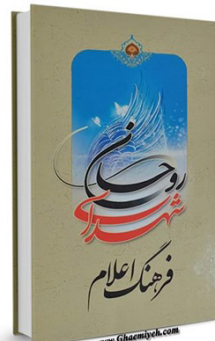
شهیدان راه فضیلت: شرح حال مختصر علمای شهیدان از قرن چهارم هجری تاکنون
مشخصات کتاب:
سرشناسه: امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۴۹.
عنوان و نام پدیدآور: شهیدان راه فضیلت: شرح حال مختصر علمای شهیدان از قرن چهارم هجری تاکنون، مشتمل بر یکصدوسی شهید دانشمند بلند آوازه/ اثر عبدالحسین امینی نجفی؛ ترجمه از ف. ج. مشخصات نشر: تهران: روزبه، ۱۳۶۳.
مشخصات ظاهری: هشت، ۵۶ ص.
شابک: ۷۰۰ ریال

کتاب‌های منتشر شده در مورد شهدای روحانیت

نسخه دیجیتال کتاب فرهنگ اعلام شهدای روحانی
۱۵۵۱۶/WWW.GHBOOK.IR/BOOK



مؤلف: ابراهیم ملکی ناشر: علم
زبان: فارسی رده‌بندی دیویی: ۹۵۵۰۷۵۰۹۲۲
سال چاپ: ۱۳۹۳ نوبت چاپ: ۱
تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه تعداد صفحات: ۱۹۰
قطع و نوع جلد: وزیری (شومیز)
شابک: ۹۶۴۲۲۴۶۳۲۸-۹۷۸
کد کتاب در گیسوم: ۱۹۹۴۲۶۸



این دائرة المعارف که اطلاعات نزدیک به ۴۰۰۰ هزار شهید روحانی را در خود جای داده، توسط حجت الاسلام ساعد نیکبخت گردآوری و تالیف شده است.

تصاویر ماندگار



































ویژه نامه



نقش روحانیت استان کهگیلویه و بویراحمد قبل و بعد از انقلاب اسلامی

پیش از ورود به جایگاه و وظایف روحانیت استان باید متحضر باشیم که استان کهگیلویه و بویراحمد:

یک: استان عشایری و ایلی و طایفه‌ای با مردمانی محروم از امکانات دولتی و رفاهی و متکی به کدیمین و عرق جبین و تلاش وافر در کشاورزی و دامداری بودند.

بعد از جنگ گجستان در بهار ۱۳۴۲ و کشته و زخمی شدن جمعی از نیروهای دولتی به دست عشایر استان فارس، سازمان اطلاعات و امنیت رژیم پهلوی پیشنهاد داد باید در تقسیم بندی منطقه تجدید نظر شود به دلیل این که استان ما که نه جمعیت زیاد و نه وسعت زیاد و برخوردار از ثروت خاصی بود و وابسته به استان فارس و خوزستان بودند به همین جهت فرمانداری کهگیلویه و بویراحمد تصویب شد و در سال ۱۳۵۵ حدود ۲ سال قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی تبدیل به استان گردید. پس استانی که مردمانش در بن بست کامل محروم از هر گونه خدمات دولتی و بره کشی از آن‌ها توسط عوامل رژیم و تقسیم طوایف زیر نظر خوانین کدخداها و ایجاد نزاع‌ها و درگیری‌ها و ... معلوم است تنها قشری که می‌تواند درمانی بر آلام و مصائب این مردم باشد. و آن‌ها را به احکام و معارف دین آشنا نماید و پناهگاه مردم از زور و ستم رژیم و عوامل آن‌ها باشد روحانیت پاک باخته و آزاده‌ای است که در هر کوی و برزن وظیفه الهی و اسلامی خود را انجام می‌دهد.

دو: رسالت روحانیت شیعه و روحانیت استان بر اساس آیات آسمانی و وحیانی این گونه بود که اولاً پایگاه و جایگاه خود را در میان مردم و در کنار مردم و همراه مردم تحکیم می‌کردند و با زبان آن‌ها به آسانی و قابل فهم در بیلاق و قشلاق احکام الهی و معارف دین را به دل‌های پاک و بی‌آلایش آن مردم منتقل کردند «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم - ابراهیم (۴)» هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قومش تا بتواند پیام خدا را برای مردم تبیین کننده بر همین اساس روحانیت استان ما که قبل از انقلاب بیشتر از

سادات بودند همراه مردم در مناطق مختلف رتق و فتق امور آن‌ها مشغول بودند در مناسبت‌های مختلف اعم از شادی و غم به خواندن خطبه عقد و نکاح و با برگزاری نماز میت است و کفن دفن آن‌ها حضور همیشگی و فعال داشتند.

سه: از آن جایی که روحانیت شیعه در همه ادوار تاریخ در میان مردم و همراه مردم بودند، تنها پناهگاه این مردم نیز روحانیت بوده و هست از مشورت و مشاوره گرفتن در عقد و ازدواج بچه‌هایشان، تا صلح و صفا بین اقوام و طایفه، تا حل مشکلات، تا برگزاری جالس وعظ و موعظه، تا بیان حلال و حرام الهی تا مسئله مهم خمس و زکات و حلال نمودن اموالشان تا نجات از دست قطاع الطریق و راهزنان تا نجات از دست عوامل رژیم در اخذ خراج و مالیات‌ها گزاف این‌ها بخشی از فعالیت و ابلاغ رسالت روحانیت استان بوده است.

چهار: همان طوری که در اوایل بحث یادآوری شد استان ما کاملاً در بن بست و محروم از همه خدمات دولتی بود که شنیدها حاکی از این است که رژیم پهلوی بطور عمده این منطقه را در بن بست قرار داده بود که یکی از عوامل رژیم هنگام تدریس درس جغرافیا گفته بود (باید عشایر بویراحمد را در بن بست قرار بدهیم تا همه بمیرند) به همین جهت استان از نظر مراکز علمی و آموزشی چه حوزوی و چه دانشگاهی به طور کامل محروم و غیر برخوردار بودند و هر آنچه الآن داریم و مشهود است بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است به همین خاطر کسانی که علاقمند به تحصیل در مکتب امام صادق علیه السلام بودند یا به فارس و شیراز رفتند و یا به بهبهان و خوزستان می‌رفتند.

اکثر آن‌ها هم از سادات و کسانی که پدر و یا اجدادشان روحانی بوده است از میان غیر سادات به ندرت این فرصت فراهم بوده و به برکت انقلاب اسلامی همان دل‌های پاک و مشتاق و آماده که بخشی نتیجه زحمات همان روحانیون پاک باخته و فداکار بوده است به سمت حوزه‌های علمیه در استان و استان‌های دیگر سرازیر شدند که شهرستان کهگیلویه بیشترین جذب به حوزه‌ها را در سطح کشور داشته است.

پنج: اگر چه مردم استان ما همه مسلمان و شیعه بودند اما نفوذ دشمنان و ترویج خرافات (همانند طلوع نمودن بخشی از مردم که نقشه استعمار پیر انگلیس برای چپاول نفت و منابع این علت بوده است) و همین طور روزهای نحس و ستاره دار و خوش یمن بد یمنی افراد و عطسه و سیزده و زمان کوچ از مسائلی بودند که برای مردم مشکلاتی را به بار می آوردند.

به همین جهت روحانیت آگاه و مطلع مردم را از این خرافات بر حذر می داشتند و به سمت خدا و اهل بیت علیهم السلام و زیارت کربلا و امام رضا علیه السلام و عتبات ارشاد می نمودند که تعداد زیادی از مردم پیاده به زیارت می رفتند. همچن ارتباط با امامزاده های استان و اعتقاد و باور به آن ها و کمک خواستن به ویژه در مواقع سخت از آن ذوات مقدس این ها علاوه بر این اعتقاد دینی و ایمانی مردم نتیجه زحمات و تبلیغ روحانیت بوده است و این نکته و نکات دیگر را در هر جا مکان و منطقه ای که روحانیت حضور پررنگی داشته پرننگتر از دیگر مناطق مشهود بوده است

شش: یکی از مشکلات و معضلات سبک زندگی عشایری وجود نزاع ها و اختلافات درون ایل و طایفه و تیره و حتی خانواده ای بود که گاهی منجر به قتل و غارت و ایجاد ناامنی می شد برای دفع و رفع این مشکل و معضل حضور یک یا چند روحانی صاحب نفوذ و تاثیرگذار آن قدر ضرورت لازم بود که در صورت فقدان آن ها ادامه زندگی و بیلاق و قشلاق امکان پذیر نبود. اولاً سعی می کردند نزاع صورت نپذیرد ثانیاً اگر نزاع و اختلافی پیش می آمد با دخالت به موقع آن را بر طرف و از میان برمی داشتند. ثالثاً اگر در این نزاع کسی آسیب می دید یا کسی کشته می شد، آن ها را به صلح داشتی و پرداخت دیه و خسارت دعوت می نمودند مردم هم بخاطر اعتقادات به روحانیت و سادات پذیرای سخنان آن ها بوده و به آسانی صلح و آشتی را قبول می کردند به دلیل این که می دانستند زندگی بدون امنیت در پذیرش صلح و صفا هست (والصلح خیر - نساء ۱۲۸) می دانستند تنها پناهگاه آن ها روحانیت است چرا که دادگاه و دادگستری وجود نداشت و از طرفی هزینه سفر به

خوزستان و فارس را نداشتند و وسیله نقلیه‌ای موجود نبود. پس نقش روحانیت با صفا و با صداقت و همراهی آن‌ها با مردم و حفظ سلامت جسم و جان و فرزندان و نوامیس آن‌ها غیر قابل انکار و اجتناب ناپذیر بود.

هفت: همانطور که یاد آوری شد روحانیت استان مأمن و پناهگاه و پشتیبان خوبی برای حفظ کرامت و انسانیت و حفظ سلامت و آرامش و حفظ دین و اخلاق و ترویج و توسعه‌ی معارف الهی بود. نقش مرحوم آیت الله ملک حسینی در بویراحمد، حجت الاسلام والمسلمین میراحمد تقوی و حجج الاسلام سیدعلی اصغر حسینی، سید ضیاء وسید غضوان در کهگیلویه بزرگ حاجی آقا در میان سادات امام زاده علی علیه السلام در میان سادات سید محمود و دشمن زیاری و... میر حسین دانش. میری در منطقه لنده، آقامیر مومن رضا توفیقی در میان سادات عواصی سید کرم الله و سید مصطفی در میان سادات میرسالار و حومه غربی دهدشت سید علی متقی کاشانی در گچساران سید یونس هاشمی در باشت با وی مردم آن زمان از حضور این روحانیون و تبلیغ و منبرشان، وعظ موعظه‌شان، نفس گرم و دعوت‌شان و هدایت و همراهی‌شان خاطره‌ها دارند روزه ماه رمضان، تصحیح نماز، ادای خمس و زکات، اجرای صیغه عقد، نماز میت و دفن اموات، صلح و آشتی، دعا و حفظ سلامتی و دفع بلا را مدیون حضور روحانیون می‌دانستند، رمز موفقیت این صنف از روحانیت بخاطر حضور و همراهی با مردم در همه عرصه‌ها در سختی و آسانی در شادی و غم آن‌ها بود و به همین خاطر مورد حمایت مردم بودند و معیشت آن‌ها هم تا حدود زیادی به عهده مردم بود.

هشت: یکی از وظایف و تکالیف علمای اسلام و روحانیت دفاع از مرزهای عقیدتی و ایمانی و حراست و حفاظت از دین و ایمان و اخلاق مردم است، مردمی که به عنوان ایتام آل محمد صلی الله علیه و آله یاد شده‌اند. استان ما که همه شیعه و پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام بوده و هست بیشتر در معرض نفوذ اجانب و دشمنان اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. وظیفه روحانیت برای پاسداری از این نعمت بزرگ الهی و سرمایه عظیم معنوی پیش از پیش باید مورد

توجه باشد. هر گونه بی تفاوتی یا خواب آلودگی یا غفلت و یا تنبلی و خستگی گناهی نابخشودنی است در حالی که دشمنان با هر ترفند و توطئه و فتنه‌ای سعی و تلاش در انحراف افکار عمومی و مردمی داشته است. روحانیت استان به عنوان دژ تسخیر ناپذیر با تبلیغ به موقع و ابلاغ رسالت الهی مردم را در همان صراط مستقیم و طریق وسطی راهنما و رهمون بوده‌اند. دلیل این مطلب مردی که در مقابل رژیم‌های طاغوتی از قاچار تا پهلوی و از رضاخان تا محمدرضا ایستاده و نبرد و مقدس داشته‌اند، با فراخوان حضرت امام و دعوت عشایر به مبارزه با رژیم پهلوی سر تسلیم فرود آورده و تا امروز در همه عرصه‌ها و حوادث از دفاع مقدس تا ناتوی فرهنگی به عنوان یک ذخیره تمام نشدنی بیشترین حضور و بیشترین تبعیت پیروی از نائب الامام را داشته‌اند.

نه : دشمنان اسلام و انقلاب از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا بعد از آن به دنبال نفوذ جریان‌های انحرافی اعم از صوفی‌گری بهانی‌گری، عرفان‌های دروغین گرایش شیطان پرستی، خرافه پرستی گرایش به مسیحیت بوده‌اند. با حضور روحانیت آگاه و بیدار کمترین گرایشی و کمترین یارگیری را در این مسائل داشته‌ایم. تنها جریان انحرافی که تا حدودی در استان ما نمود و ظهوری داشته است مسئله بهائیت وعده‌ای قلیل که در روستا و شهر افکار پلید و نجس خود را تبلیغ می‌کردند. باید از اقدامات روحانیت استان بویژه مرحوم آیت‌الله ملک حسینی یادی کنیم که بطور قاطع و انقلابی با تشر و تبیین و اعزام روحانیون به روستای کتا و سادات محمودی وظیفه خود را به انجام رساند و مصداق این روایت : ان المومنین الفقهاء حصون الاسلام كحصن سور المدينة لنا - فقیهان مؤمن یسان در یک شهر دژهای اسلام‌اند ((کافی ج ۱ ص ۳۸)) امام صادق علیه السلام فرمود: عالمان شیعه مرزداران رخنه‌ای هستند که ابلیس و لشکریان او در کنار آن‌ها در کمین نشسته‌اند و نمی‌گذارند لشکریان و پیروان متعصب ابلیس از آن رخته بر شیعیان ضعیف هجوم آورند و بر آنان مسلط گردند. بدانید هر کس که خود را وقف مرزداری از سرزمین باورهای شیعه سازد هزار

هزار مرتبه با آنکه با روم و ترک و خزر جهادی کند برتر است زیرا چنین شخصی از ادیان دوستان ما دفاع می‌کند و آن (یعنی آن که با روم و ترک و خزر جهادی کند) از بدن‌های شیعیان ما دفاع می‌کند. الاحتجاج جلد ۱ ص ۱۷

ده : نکته دیگری که در شأن و جایگاه روحانیت استان یادآوری کنیم، پیشگامی و پیش‌تازی در مبارزات و مخالفت با رژیم سفاک پهلوی است. حضرت آیت الله حاج شیخ بهاء الدین محلاتی در شیراز می‌خواهد در مورد مخالفت سران عشایر به خصوص بویر احمدی‌ها تحقیقاتی به عمل آورده و آن‌ها با نهضت روحانیت هماهنگ نماید در همین راستا مرحوم محلاتی از حجت الاسلام والمسلمین سید علی اصغر حسینی می‌خواهد به نزد بزرگان عشایر رفته و علت مخالفت آن‌ها با رژیم شاه را جویا شود ایشان به همراه دو تن از دوستانش سید یونس هاشمی و سید فتح الله تقوی روانه باشت با وی می‌شوند و تا منطقه بویر احمد جلساتی با سران و بزرگان عشایر برقرار و آن‌ها را دعوت به همراهی با نهضت حضرت امام رحمته الله علیه می‌نمایند. بنابراین دستگیری مرحوم آیت الله ملک حسینی در مسجد حبیب شیراز و زندانی او در زندان عادل آباد و خط و نشان عشایر بویراحمد برای رژیم پهلوی (برای آزادی او) حاکی از نفوذ روحانی و معنوی ایشان در میان مردم و سران عشایر بوده است. نتیجه این که نقش او در همراهی و همگامی با نهضت امام و اتحاد و همدلی همه مردم عشایر بویژه عشایر استان به عهده روحانیت مبارز و انقلابی بوده است. در کهگیلویه بویژه شهر دهدشت نیز امثال آقا میر احمد تقوی مقدم در هدایت و اتحاد و انسجام مردم و راهپیمایی‌های قبل از انقلاب حضور به موقع و تاثیر گذار داشتند که بخشی از این اقدامات را خود شاهد بوده‌ایم.

یازده: با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نقش روحانیت استان در حفظ آرامش و تثبیت و تحکیم پایه‌های انقلاب و رعایت قانون و تبعیت از فرامین حضرت امام رحمته الله علیه به ایجاد امنیت و مقابله با گروهک‌ها و منافقین و خدمت رسانی جهادی به مردم فقیر و محروم و حضور جوانان در کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران و جلوگیری از هرگونه انحراف

از آرمان‌های انقلاب و حضرت امام و پرهیز از هرگونه هرج و مرج و ناامنی و... غیر قابل انکار است مردم از پیش از انقلاب برای روحانیت احترام ویژه‌ای قائل بودند و همین باورمندی و اعتقاد بیشترین سهم را در تثبیت و تحکیم انقلاب بخشید. در بحبوحه پیروزی انقلاب پیشتازی روحانیت با شهادت یکی از روحانیون مکتبی و انقلابی به نام حجت الاسلام سید علی نورالدینی ظهور و نمود بیشتری پیدا کرد و باور و اعتقاد مردم به روحانیت روزافزون شد.

خاطره ما از تشییع جنازه این روحانی انقلابی به سال ۱۳۵۷ پیش از پیروزی انقلاب برمی‌گردد خبری در سطح شهر پخش شد که رژیم دژخیم پهلوی یکی از روحانیون را در بهبهان شهید نموده و بنا هست در دهدشت تشییع جنازه شود ما که نوجوانی بودیم و شور انقلابی داشتیم هم مانند همه مردم که از شهر و روستاها آمده بودند شهید را تا خروجی آن موقع شهر به سمت امامزاده نورالدین عباس علیه السلام تشییع کردیم در خروجی شهر تابوت شهید و کفن خونین او را آقای نجاری به جمعیت نشان می‌داد و مردم به هیجان آمده و اشک از چشمانشان جاری و اعلان تنفر و انزجار از رژیم پهلوی را از خود نشان می‌دادند بیانیه‌ای چه آقای رشیدی به عنوان معلم انقلابی در کنار تابوت قرائت کردند مردم را به حضور بیشتر در صحنه‌ها و ادامه تظاهرات و مخالفت با رژیم منحوس پهلوی دعوت نمودند خون این شهید که اولین شهید کهگیلویه بود تاثیر به‌سزایی در روحیه انقلابی و مبارزه مردم با رژیم و همراهی با روحانیت داشت.

دوازده: پیروزی انقلاب اسلامی و نفوذ معنوی و نفس گرم و الهی حضرت امام و اعتقاد و باور مردم با صفای عشایر به خدا و قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به فرزندان آن‌ها و از طرفی ظلم و ستم رژیم پهلوی و عوامل دست‌نشانده و محرومیت غیر قابل توصیف مردم موجب شد مردم ما پشت سر روحانیت گوشت به فرمان امام عزیز در همه صحنه‌ها از انقلاب اسلامی حفاظت و پاسداری نمایند. یکی از برکات انقلاب اسلامی تاسیس حوزه‌های علمیه در استان به وسیله بزرگانی هم مانند حجت الاسلام شه‌میری امام جمعه

یاسوج و بعد از او مرحوم آیت الله ملک حسینی و حجت الاسلام متقی کاشانی در گچساران و حجت الاسلام آقا میرحمد تقوی مقدم در دهدشت بود استقبال کم نظیر جوانان استان به ویژه شهرستان کهگیلویه به مکتب امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و سربازی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بر همگان معلوم و مشهود است یکی از آیاتی که بر شوق و ذوق جوانان برای تلمذ در مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و تلبس به لباس روحانیت افزوده بود آیه ۱۲۲ سوره توبه بود «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» شایسته نیست همه مومنان به سوی نبرد با دشمنان کوچ کنند چرا از هر جمعیتی گروهی به سوی پیامبر و امامان عالمان ربانی کوچ نمی کنند تا دین و احکام و معارفش را بشناسد و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان باز می گردند هشدار دهند تا از مخالفت با خدا و پیامبر و فرجام شوم گناه پرهیزند.

حضور طلاب جوان در سال های اول انقلاب در میان مردم به ویژه در روستاها و به بیان احکام شرعی و حلال و حرام الهی یکی از جلوه ها و ابعاد انقلاب اسلامی در توجه به دین و ایمان مردم بود علاوه بر این که به نیروهای انقلابی و جهادی که از جهاد سازندگی به مردم خدمت رسانی می شد همراهی و مساعدت خوبی داشتند در اوایل انقلاب و دهه ۶۰ یک فضای الهی و معنوی بر مردم حاکم بود که هر کس سبقت به کار خیر را وظیفه و تکلیف خود می دانست و بیشترین هره و استفاده را از آیات و روایات در زمینه احسان و کمک به بندگان خدا می بردند. فاستبقوا الخیرات - بقره ۱۴۸

سیزده: بعد از سرنگونی رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی در بیست و دوم بهمن سال ۱۳۵۷ ابرقدرت های شرق و غرب و عوامل مزدور داخلی آن ها است به کار شده و انواع و اقسام توطئه ها و فتنه ها را طراحی و اجرا نمودند قریب به دو سال کشور درگیر ضد انقلاب داخلی از کومله و دموکرات و تجزیه طلب ها و منافقین و توده ای ها و اکثریت و اقلیت ها و امتی ها و .. که در کردستان و خوزستان و آذربایجان و گنبد

و در تمام شهرها و مناطق ر حال مبارزه و ترور بزرگان و توده‌های مردمی و نیروهای حزب الهی همانند شهید مطهری، بهشتی، باهنر، رجایی و شهدای حزب جمهوری اسلامی ائمه جمعه شهید دستغیب، مدنی، صدوقی، اشرفی و... قریب به ۱۷ هزار شهید و ترور و بعد هم آغاز جنگ تحمیلی صدام بعث با حمایت ده‌ها کشور در همه این سال‌های سخت کودتا فتنه‌ها تجزیه طلبی‌ها ترورها و... روحانیت استان هم مانند دیگر روحانیون کشور گوششان به دهان امام عزیز بود و بیشترین نقش را در مقابله با ترفندهای دشمن و فتنه‌های آن‌ها و تبیین آرمان‌های انقلاب و حضور به موقع در صحنه‌های خطر به ویژه دفاع مقدس داشته‌اند ما در آن زمان که توفیق تشریف به حوزه علمی و سربازی امام عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف را داشتیم از هر فرصتی جهت تبلیغ معارف دین و مکتب امام و آرمان‌های انقلاب اسلامی استفاده می‌کردیم.

روحانیت معتقد بوده و هست که کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا بر همین اساس علاوه بر جهاد اکبر خود همگان را به جهاد اصغر و جهاد کبیر «فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا. فرقان - ۵۲» و جهاد تبیین فراخوانده و از فرصت ماه مبارک رمضان، ماه محرم و صفر، دهه مبارکه فجر و دیگر مناسبت‌های ملی و مذهبی بالاترین و بیشترین استفاده را نموده و چهره کریه استکبار جهانی و شیطان بزرگ را آشکار و برملا کردند.

چهارده: آخرین نکته‌ای که نقش روحانیت استان یادآوری می‌کنم حضور زیبا و تحسین برانگیز آن‌ها به ویژه طلاب جوان در دفاع مقدس که نسبت به جمعیت تقدیم بیشترین شهید و جانباز رزمنده هست چه بگوییم و چه بنویسیم در خصوص دفاع مقدس و دهه ۶۰ و حضور و روحانیت و آن فضای معنوی و الهی و آن شب‌های سنگر و خلوت‌های عارفانه و کلاس‌های اخلاق و احکام و اعتقادات و رزم‌ها و رزمایش‌ها و حرارت گرمای خوزستان و ایلام و سوز سرمای کردستان و آذربایجان غربی و برف و یخبندان و اراده‌های قوی و سبقت و سرعت در جهاد و شهادت و تبعیت از فرمان امام و فرماندهان و قیافه‌های نورانی و ده‌های طولانی و اشک‌های سرازیر بر گونه و دعای مرزداران مناجات‌های سحرگهان و نماز جماعت‌های باشکوه و احترام و اکرام برای همدیگر و ایثار و از خود گذشتگی وصف

ناپذیر (آه جبهه کو برادرهای من) بی‌رغبت به دنیام و آن معرفت بالا که گویا غم و غصه تنهایی امیرالمومنین علی علیه السلام و مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام و فرزندانش تمام درون و صفحه جانشان را فرا گرفته و می‌خواهند جبران نمایند و امر و فرمان ولی و امامشان که جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم را زمین نگذارند جوانانی که با طهارت و وضو می‌خوابیدند اهل تهجد و شب زنده‌داری بودند با وضو به میدان نبرد می‌رفتند و ذکر و یاد خدا و آیات روحبخش و آسمانی‌اش لقلقه زبان و جانشان بود زیارت عاشورا سرلوحه حرکت و صبحگاهشان بود آن قطعه زمین سنگر را معبد و محل عروج و روحشان و موت اختیارشان کرده بودند (سنگر خوب و قشنگی داشتیم) مقاومت ایستادگی خستگی ناپذیری موج می‌زد گویا این پیام را به منطقه و اقسا نقاط جهان مخابره می‌کنند که با مقاومت سنگرهای کلیدی دشمن را فتح خواهیم کرد و هر وقتی خستگی و وادادگی در ملت پیدا شود از کانال کمیل رمل‌های فکه و با طلاق‌های طلائی و خاک‌های کوشک به خور و جزیره و ست بسته برمی‌گردند با استخوان پلاک که ما هنوز هستیم کمی صبور باشید چه صبح ظفر نزدیک است آنجا دعوا بود اما نه سر دنیا و مقام و پول و پست و امتیاز و خود بلکه دعوا سر بند یا زهرا؟ ععها؟ یا علی علیه السلام یا حسین علیه السلام و... دعوا سر تو باشی من نباشم سر سبقت به شهادت و دیدار امام حسین علیه السلام سر اگر تو زودتر رفتی شفاعت کنی سر غذا که تو سیر شوی کاری به من نداشته باش. نقش روحانیت انقلابی و مجاهد در تمام جبهه‌ها به ویژه روحانیت استان و طلاب عزیز و شهید هم مانند شهید خیرالله پرواز شهید عباس آزادی، شهید عبدالمحمد تقوی و دیگر شهدا به بزرگانی همچون آقا میراحمد تقوی موعظه‌های او در میان رزمندگان و طلاب فاضلی هم مانند حمید و ساعد نیکبخت و پناهی و غفور و حریری حق جو در ایجاد فضای معنوی و الهی تیپ و گردان غیر قابل انکار است.

الحقیر امرالله اندرزیان

۱۴۰۳/۰۲/۱۵

حجت الاسلام و المسلمین تقوی میراحمد

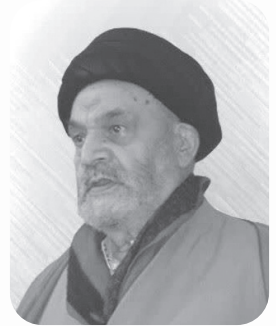


زندگی‌نامه

حجت الاسلام و المسلمین میراحمد تقوی مؤسس نخستین حوزه علمیه کهگیلویه و بویراحمد و از علمای برجسته بود که به پدر معنوی کهگیلویه شهرت داشت که پس از طی مدارج علمی در نجف اشرف تاکنون به مدت ۵۰ سال در کسوت یک عالم دینی منشاء خدمات فراوان و مرجع امور مردم بوده است. سید میراحمد تقوی مقدم سال ۱۳۰۲ در بهبهان دیده به جهان گشود و دو سال بعد به سرزمین پدری اش یعنی کهگیلویه نقل مکان کرد. پدر او میرعلی صفدر تقوی عالم منطقه کهگیلویه بود. میراحمد خواندن، نوشتن و مقدمات عربی و قرآن را نزد پدر آموخت. مقدمات را در بهبهان نزد شیخ عبدالهادی مجتهدی فراگرفت و در سال ۱۳۲۸ عازم نجف اشرف شد. ایشان در نجف اشرف از محضر عالمانی چون شیخ محمدعلی، شیخ علی رشتی، میرزا کاظم تبریزی، سید جلیل یزدی، سید عباس مهری، سید اسدالله مدنی، شیخ علی اصغر اراکی و آیت الله سیستانی استفاده کرد.

در سال ۱۳۳۸ به ایران بازگشت و در وطن خود کهگیلویه که از محرومترین نقاط کشور بود، سکونت گزید و به تبلیغ امور دینی و ارشاد پرداخت. میراحمد تقوی با تاسیس حوزه علمیه دهدشت، شاگردان زیادی را تربیت کرد تا بعد از فراگیری و آشنایی با علوم دینی و مذهبی به ترویج دین مبین اسلام بپردازند. ایام ورود وی به منطقه، مقارن با اجرای سیاست‌های آمریکایی انقلاب سفید و آغاز نهضت حضرت امام خمینی رحمة الله علیه علیه رژیم پهلوی بود. جامعه آن روز کهگیلویه از جهل و بی‌سوادی، ظلم و تعدی و هجمه فرهنگی حکومت پهلوی به باورها و

ارزش‌های دینی رنج می‌برد و این عالم خدمتگزار همواره با همت و اراده مثال زدنی به مبارزه و خدمت به مردم می‌پرداخت. آمیر احمد با حضور در روستاها، ایلات و عشایر همواره در کنار مردم بود و به ترویج معارف دینی و تربیت طلاب علوم دینی همت گمارد. حجت الاسلام و المسلمین آمیر احمد تقوی با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ همه آمال خود را در تحقق اهداف انقلاب می‌دید، لذا همه وجود خود را یک‌سره در خدمت به انقلاب قرارداد. وی با موقعیت و نفوذ اجتماعی که در منطقه کهگیلویه داشت توانست زمینه حضور گسترده مردم را در فعالیت‌های انقلابی فراهم سازد. ایشان با تأسیس مدرسه علمیه ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ دهدشت به تربیت طلاب همت گماشت که حاصل این کار، تربیت ده‌ها طلبه فاضل و متعهد در استان کهگیلویه و بویراحمد است. حجت الاسلام و المسلمین آمیراحمد تقوی به رفع منازعات محلی و رسیدگی به خانواده‌های بی‌بضاعت، مستضعف و توجه به امور فرهنگی منطقه با احداث مساجد و حسینیه‌ها و بازسازی حرم مطهر امامزادگان همواره همت گمارد. ایشان با همه شهرت و نفوذ کلامی که در بین مردم داشت بسیار ساده زیست و بی‌پیرایه زندگی می‌کرد و با آنکه از مراجع بزرگ چون حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، آیت‌الله خویی و آیت‌الله شاهرودی اجازات مبسوطی داشت، اما زندگی شخصی خود را از طریق کشاورزی اداره می‌کرد. سرانجام این عالم ربانی در صبح روز ۲۴ مردادماه ۱۳۹۸ در سن ۹۶ سالگی به علت کهولت سن در بیمارستان امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ دهدشت دار فانی را وداع و به ملکوت اعلی پیوست.



حجت الاسلام و المسلمین متقی کاشانی سید علی

زندگی‌نامه

مرحوم فقید سید علی متقی کاشانی در سال ۱۳۱۷ در شهرستان قمصر از توابع کاشان در خانواده‌ای مذهبی و روحانی دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج سید نصرالله متقی قمصری کاشانی بزرگ و اجداد شریفش از سلسله جلیله روحانیت بودند. وی در خانواده‌ای از تبار رسول الله ﷺ تربیت یافت. تحصیلات دوران ابتدایی خود را در شهر قمصر و دوره متوسطه را در شهرستان کاشان به پایان رسانید. سپس وارد حوزه علمیه حضرت آیت الله یثربی قمصر شد و مقدمات را در حوزه قمصر گذرانید و بعد وارد پایتخت حوزوی ایران، قم شدند. سید علی سالها درس خارج خود را از محضر حضرات آیات عظام آیت الله بهبهانی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله وحید، آیت الله بروجردی و حضرت امام خمینی رحمة الله علیه تلمذ و کسب فیض نمود.

در حوزه از شاگردان برجسته امام خمینی رحمة الله علیه و جزء مبارزین با رژیم منحوس پهلوی بود. جهت تبلیغات دین و نهضت امام خمینی رحمة الله علیه از سال ۴۲ ماموریت می‌یافت تا این که از سال ۱۳۵۱ به همین منظور به گچساران عزیمت و مدتی اقامت یافت و در سال ۱۳۵۴ توسط ساواک رژیم پهلوی دستگیر و به آبادان و خرمشهر تبعید شد. در آبادان و خرمشهر از فعالیت علیه رژیم کوتاهی نکرد، لذا مجدداً وی را به شهر درود در استان لرستان تبعید کردند. در آنجا نیز به فعالیت علیه رژیم پهلوی ادامه داد. بالاخره ساواک تحمل شنیدن بیانات این سید جلیل‌القدر را نداشت و وی را ممنوع‌المنبر نمودند و به شهر قم بازگشت و مدتی وی را خانه

نشین کردند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی رحمة الله علیه به سخنرانی و ارشاد مردم پرداخت تا این که طی حکمی از سوی امام رحمة الله علیه به امامت جمعه شهرستان گچساران در سال ۱۳۵۸ منصوب گردیدند و تا سال ۱۳۸۵ قریب به سه دهه فعالیت نمودند و با خطبه‌های روشنگرانه خود مردم این دیار را بصیرت بخشیدند. وی خدمات شایانی را در شهرستان گچساران ارزانی داشتند از جمله تأسیس حوزه علمیه امام جعفر صادق علیه السلام و بی‌بی حکیمه خاتون علیها السلام، بنای مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و بنای حسینیه مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بنای مصلاي بزرگ امام خمینی رحمة الله علیه و بنای مجتمع مسکونی پنج طبقه طلاب. از ویژگی‌های عالی ایشان ولایت مداری، دینداری، اخلاص، مردم داری، شجاعت، تقوا و محبت اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله بود، به نحوی که فرهنگ روضه خوانی را در منازل ترویج نمود و بالغ بر چهل سال مشغول به انجام تبلیغ، ترویج و ارشاد مردم گچساران بودند. از بدو شروع جنگ تحمیلی جزء یاران ب وفا و بازوان با اخلاص سپاه و بسیج، رزمندگان اسلام و خود پیشتاز جبهه‌های نور علیه ظلمت بود که به شهادت سردار خستگی ناپذیر ۸ سال دفاع مقدس حاج علی فضلی، پدری مهربان برای رزمندگان بود. حجت الاسلام متقی کاشانی در کمک رسانی و تشویق عزیزان و تشکیل ستاد جبهه و جنگ در مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همت والا گمارد و از حمایت فرزندان دلیر رزمنده خود لحظه‌ای آرام ننشست. در پیگیری و احداث مساجد شهرستان مبادرت تام ورزید. مردم را به اهداء موقوفات و احداث مساجد، حسینیه و اماکن مذهبی و امور خیریه دعوت می‌نمود که آثار ما تأخر معظم له باقیات و صالحاتی برای خیرین منطقه شد تا این که یاور صدیق شهداء در ۱۸ اسفند ماه ۱۳۹۲ در جوار شهدای گرانقدر گچساران آرمید.

حجت الاسلام و المسلمین شیخ بیاتی محمد علی



بسم الله الرحمن الرحيم

مروری بر زندگینامه پرافتخار روحانی محبوب و دلسوز حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد علی بیاتی مازندرانی
سید غلام عباس طاهرزاده
حجت الاسلام و المسلمین «محمد علی بیاتی» معروف به «حاج بیاتی» در تاریخ شمسی ۱۳۲۴ در روستای فروجن از توابع شهرستان بهشراستان مازندران در یک خانواده مذهبی و کشاورز به دنیا آمد.

شیخ محمد علی سن ۶ سالگی با از دست پدر را از دستداد و تحت سرپرستی آیت الله کوهستانی از علما و روحانیون برجسته شهرو استان مازندران قرار گرفت.
مرحوم بیاتی پس از تحصیلات ابتدایی در محضر مرحوم آیت الله کوهستانی که از علمای برجسته آن زمان استان مازندران بود در مسیر زندگی عالمانه، خادمانه و خالصانه آن عالم فرهیخته بنحو شایسته تربیت شد مسیر زندگی حجت الاسلام محمد علی بیاتی در محضر آیت الله کوهستانی رنگ معنوی و الهی بخود گرفت و به تلمذ و فراگیری علوم حوزوی روی آورد. در دوران طلبگی حجت الاسلام بیاتی که همزمان بود با دوران ستم شاهی منحوس پهلوی وی همراه با بزرگانی همچون شهید عبدالکریم هاشمی نژاد و حجت الاسلام و المسلمین سید حسن ابطحی از شاگردان مطرح و بنام در کلاس درس آیت الله کوهستانی بودند.
حاج محمد علی بیاتی با اتمام دوره مقدماتی حوزه به مشهد و سپس قم عزیمت می کند.
وی در دوران اقامتش در قم و مشهد همراه با شهید هاشمی نژاد در فعالیت های سیاسی و تبلیغ علیه رژیم شاه شرکت کرد.

مرحوم بیاتی در این دوران و در اوج جوانی تحت سخت ترین شکنجه ها و فشار رژیم شاه و

ساواک قرار می‌گیرد و حتی در حالی که کمتر از ۱۹ سال سن داشت در قم دستگیر و روانه زندان می‌شود.

این روحانی دل سوخته پس از آزادی واز بیم مزاحمت‌های ماموران ساواک با توصیه‌های آیت الله کوهستانی واستعانت از حضرت معصومه ع رهنمون دورترین و محرومترین نقاط کشور یعنی شهرستان یاسوج که در دل کوه‌های سربفلک کشیده زاگرس و در جوار کوه دنا درمیان عشایر بویر احمدی می‌شود تا از تعقیب و گریز رژیم پهلوی در امان بماند.

حجت الاسلام شیخ محمد علی بیاتی بعنوان یک روحانی به یاسوج میرود و بعنوان امام جماعت در انجا به خدمات فرهنگی و تبلیغی کار خود را شروع می‌کند حاج بیات نخستین امام جماعت مسجد صاحب الزمان در شهر یاسوج می‌شود و به مرور زمان خانه‌اش محل رجوع انقلابیون، علما و طلبه‌های اعزامی از قم و مشهد به مناطق محروم استان کهگیلویه و بویراحمد شده بود.

حاج بیاتی بعد از مدتها سکونت در آن شهر و با کسب اعتماد عمومی و داشتن دانش و منش سیاسی و فرهنگی نخستین امام جمعه موقت شهر یاسوج می‌شود.

حاج آقا بیات که پس از انقلاب تمام عمر فکری و اعتقادی‌اش در تقویت ایمان و عشق به مکتب اهل بیت ع سپری شده و با تعهدی که برای اعتلا و تحقق نهضت امام خمینی رحمة الله علیه داشت به پرورش و تربیت نسلی از جوانان انقلابی در منطقه می‌پردازد.

ایشان در سال ۱۳۶۰موفق به تاسیس نخستین مدرسه علیمه در یاسوج می‌شود که بعدها محل پرورش سرمایه‌های بزرگ انسانی در این منطقه شد.

این روحانی برجسته مکتب امام و انقلاب، بزرگمردی که ژرفای دانش را با بلندای اخلاق به هم آمیخته، تعصب دینی را با متانت سیاسی گره زده و سجایای اخلاقی توأم با منش و روش متین سیاسی‌اش زبانزد عام و خاص در خطه محروم کهگیلویه و بویراحمد گردید این روحانی با اخلاص بی‌تکلف اینچنین متواضعانه و با اخلاص در عین گمنامی منشأ خدمات ارزنده‌ای در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌شود. علما و روحانیون ارزشمندی که از مدرسه علمیه ولی عصر ع فارغ التحصیل شدند بعدها منشأ اثر بسیاری از خدمات فرهنگی و سیاسی در سطح کشور و منطقه گردیدند.

قدرت و نفوذ کلام حاج بیات وی را به روحانی شاخص با تعبد دینی و اعتقادی کرده بود، منزلش

مرجع و مروج اندیشه‌های امام راحل ره و انقلاب و مکانی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و تاثیرگذار در رشد و توسعه منطقه شد.

در سال ۱۳۵۳ وقتی تعدادی از علما و طلبه‌های جوان حوزه علمیه قم و با هدف ترویج مبانی انقلاب، اسلام و دفاع از نهضت و آرمان‌های امام خمینی رحمة الله علیه به یاسوج اعزام می‌شوند خانه در ظاهر کوچک این روحانی عارف مسلک مامن محل رجوع این گروه‌ها می‌شود.

آنان در نخستین حضور خود با هدایت و راهبری حاج بیات به منطقه محروم سادات محمودی بویراحمد اعزام و در آنجا ضمن تعلیم مبانی دینی، اخلاقی و اعتقادی مردم منطقه مشغول خدمات عمرانی، امدادی و عام المنفعه در روستاها می‌شوند.

حاج محمد قاسم نصیرپور یکی از روحانیون و طلبه‌های اعزامی از قم بود که پس از مدتی معاشرت با تفکرات فکری و اعتقادی حاج بیات آشنا شده و عاشق و دل‌باخته منش، رفتار و سلوک عارفانه، متواضعانه و دایمانه این روحانی و امام جماعت شهر می‌شود.

او در وصف حجت الاسلام محمد علی بیاتی می‌گوید: زندگی عارفانه و توأم با تواضع وی بچه‌های اعزامی و نیروهای جهادی و دانشجو را همواره عاشق و پیرانگیزه برای خدمت بهتر و صادقانه‌تر به مردم محروم این منطقه می‌کرد.

نصیر پور به دلیل خدمات ارزنده و جهادگرانه‌اش به همراه دانشجویان جهادی و اعزامی از قم و تهران نماینده امام و نخستین مسئول کمیته امداد استان کهگیلویه و بویراحمد البته به اصرار، پیشنهاد و رایزنی حاج بیات می‌شود.

سرکشی از مناطق و روستاهای محروم و دورافتاده از جمله منطقه سادات محمودی، جلیل و سایر مناطق فقیر و عشایر نشین منطقه از نخستین ماموریت‌های ویژه کمیته امداد حضرت امام رحمة الله علیه با هدایت و راهبری حاج بیات بود.

حاج آقا نصیرپور که بعدها به پیشنهاد حاج بیات نخستین مسئول جمعیت هلال احمر در استان نیز معرفی می‌شود و ایشان در این راستا کار محرومیت زدایی و ساخت مسکن روستایی جزء اولویت‌های و ماموریت‌های مهم این نهادهای امدادی، حمایتی و مولود انقلاب در منطقه می‌شود.

حاج بیات علاوه بر نقش راهبری و هدایت نیروهای مخلص و انقلابی برای تبیین اهداف امام خمینی و انقلاب اسلامی، یکی از برجسته‌ترین روحانیون مورد وثوق شهر تبدیل شد. به گونه‌ای که در سالهای اول انقلاب، ایشان فردی مصلح و منادی صلح و سازش در بین مردم و مناطق

مختلف استان با تعصبات سخت عشیره‌ای می‌شود.

البته به گفته برخی همقطاران و روحانیون هم دوره حاج بیات، وی پس از گذراندن دوره‌های سخت و با کوله باری از علم و تجربه و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به این استان با شرایط خاص عشیره‌ای اعزام شده بود متحمل نامهربانی‌ها و برخی بی‌مهری‌ها نیز شد.

حجت الاسلام و المسلمین سید علی صالح موسوی امام جمعه موقت شهر یاسوج و یار دیرین حجت الاسلام بیاتی در همین زمینه می‌گوید: حجت الاسلام بیاتی گرچه نامهربانی‌ها و بی‌مهری‌ها فراوان دید اما حتی برای یکبار هم لب به گلایه نگشود.

حجت الاسلام موسوی اعظم همچنین در وصف و سجایای اخلاقی حاج بیات می‌گوید: این روحانی جلیل‌القدر و غیربومی به پدر معنوی، مورد احترام و وثوق همه طوایف، ایلات و عشایر و مردم منطقه تبدیل شده بود.

حجت الاسلام سید علی صالح موسوی که از روحانیون مخلص و خدمتگزار منطقه است در همین زمینه ابراز داشت:

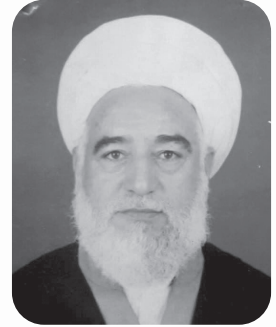
رفتار و منش سیاسی و اخلاقی حاج آقا بیاتی، این عالم وارسته و عارف بارها جلوی بسیاری از مناقشه‌ها و درگیری‌های طایفه‌ای و قومیتی در استان کهگیلویه و بویراحمد را گرفت.

وی در ادامه می‌گوید: مردم و به ویژه مناطق محروم و عشایر قدرشناس این خطه هیچگاه خدمات و نقش ارزنده این روحانی بزرگ، وارسته و در عین حال متواضع در پیشبرد و توسعه این منطقه را فراموش نخواهند کرد.

حجت الاسلام بیاتی سرانجام و پس از یک عمر زندگی شرافتمندانه در تاریخ ۱۰ شهریور سال جاری به دلیل بیماری قلبی در زادگاهش استان مازندران دار فانی را وداع گفت. روحش شاد و یادش جاودانه باد.

سید غلامعباس طاهرزاده، یکی از طلبه‌ها و روحانیون مدرسه ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الکونین یاسوج و از

شاگردان مرحوم مغفور حجت الاسلام شیخ محمد علی بیاتی رحمة الله علیه



آیت الله شمیری قربانعلی

قربانعلی شهمیری در سال ۱۳۱۸ش در روستای مسلم آباد (شاه آباد سابق) نیشابور، در خانواده‌ای کشاورز، مستضعف و مذهبی به دنیا آمد. پدرش به شغل کشاورزی اشتغال داشت و بسیار متدین بود و از زمان اصلاحات ارضی، از کشاورزی کناره گرفت. او تحصیلات ابتدایی و قرآن را در مکتبخانه‌های روستایی فرا گرفت و همزمان در کار کشاورزی به پدرش کمک می‌کرد. در چهارده سالگی به تشویق دایی‌اش ملا عبدالخالق که روحانی و امام جماعت روستا بود و موافقت والدینش برای تحصیلات علوم دینی به مدرسه‌ی گلشن نیشابور رفت و در مدت دو سال در حوزه‌ی مذکور کتاب جامع المقدمات و سیوطی را فرا گرفت. آنگاه در سال ۱۳۳۳ش برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد مقدس مشرف شد. در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد از محضر اساتیدی چون ادیب نیشابوری، حجت و آیت الله صالحی مازندرانی، دروس نحو، منطق و معانی بیان را فرا گرفت. معالم را از محضر یک استاد خصوصی استفاده کرد و جلدین لمعه را از محضر مرحوم حاج میرزا احمد مدرس آموخت و سپس در محضر عالمانی چون مرحوم حاج شیخ غلامحسین ترک، آیت الله وحید خراسانی و فرید نهاوندی، رسائل و مکاسب را فرا گرفت. جلدین کفایه را از محضر آیت الله العظمی حسین وحید خراسانی که آن روزها در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد تدریس می‌کرد، استفاده کرد. سپس به تحصیل دروس خارج فقه و اصول پرداخت و از محضر آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی رحمته الله علیه و آیت الله العظمی وحید خراسانی استفاده کرد و در فلسفه از درس حضرت آیت الله محمدی گیلانی و استاد جعفر سبحانی بهره‌مند شد.

سپس به تدریس دروس دینی پرداخت و کتاب‌های معالم الاصول، شرح لمعه، مکاسب، جلدین کفایة الاصول، بدایة الحکمه و نهایة الحکمه، شرح باب حادی عشر را تدریس کرده و در حال حاضر نیز مشغول تدریس عروة الوثقی در حد مستمسک آیت الله حکیم و تنقیح بحث مرحوم

آیت‌الله خویی می‌باشد. از حوزه‌های محل تدریس ایشان می‌توان حوزه‌های علمیه‌ی زابل، یاسوج، کاشمر و قم را نام برد. او از حضرت امام خمینی ره اجازه‌ی دخالت در امور حسبیه و شرعیه دریافت کرد. وی فعالیت‌های سیاسی‌اش را از سال ۱۳۴۲ ش از طریق پخش اطلاعیه‌های امام و مراجع عالیقدر و همچنین توزیع نوار و تشکیل جلسات سیاسی با دوستان هم‌فکر، برای مبارزه با رژیم شاهنشاهی و پیشبرد نهضت اسلامی حضرت امام خمینی رحمة الله علیه آغاز کرد و به این خاطر یک بار بازداشت شد. پس از آزادی حضرت امام از زندان، به قصد زیارت و دست‌بوسی معظم‌له از مشهد مقدس به قم رفت و با امام خمینی رحمة الله علیه دیدار کرد. پس از آن نیز مبارزات سیاسی خود را از طریق ایراد سخنرانی و پخش اعلامیه‌های امام خمینی ادامه داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طی حکمی از سوی آیت‌الله مؤمن، حدود شش ماه در کمیته‌ی انقلاب اسلامی آستارا مشغول خدمت شد. یک سال نیز به عنوان امام جمعه‌ی زابل انجام وظیفه کرد، ولی سرانجام به دلیل موافقت نکردن خانواده‌اش برای آمدن به زابل، نتوانست به فعالیت خود ادامه دهد. از سال ۱۳۵۹، به عنوان امام جمعه‌ی یاسوج، مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد منصوب شد و مدت هشت سال تا ۱۳۶۷ ش در آن سمت بود. در مدت امامت جمعه در آن استان، در تمام دوران دفاع مقدس در جبهه‌ها حضور می‌یافت. از دیگر مشاغل او در شهر یاسوج می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: رئیس دفتر نمایندگی امام خمینی رحمة الله علیه در بنیاد مسکن، دبیر هیئت مدیره‌ی هلال احمر، رئیس شورای کمیته‌ی امداد امام خمینی رحمة الله علیه، رئیس شورای هماهنگی نهادهای انقلاب اسلامی، رئیس انجمن حمایت از زندانیان، عضویت در ستاد پشتیبانی از جبهه و جنگ، جذب و هدایت کمک‌های مردمی به جبهه‌های جنگ، و... وی در اولین دوره‌ی انتخابات مجلس خبرگان رهبری از استان کهگیلویه و بویراحمد نامزد نمایندگی شد و توانست با کسب اکثریت آرا به آن مجلس راه یابد. در ۱۳۶۷ ش به سمت امامت جمعه‌ی شهرستان کاشمر در استان خراسان منصوب شد و هم‌اکنون نیز در آن سمت می‌باشد. از اقدامات عام‌المنفعه‌ی او می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی ولیعصر و مدیریت آن، احداث مصلا‌ی امام خمینی رحمة الله علیه، احداث مسجد حضرت ابوالفضل، همکاری در تأسیس دانشگاه آزاد و پیام نور در کاشمر، همکاری با سازمان اوقاف و امور خیریه در تجدید بنای مسجد عتیق، تأسیس مدرسه‌ی علمیه‌ی امام خمینی رحمة الله علیه در کوه‌سرخ، تأسیس کانون قرآن، احیا و احداث چندین مسجد دیگر، تشکیل جلسات تفسیر و... این عالم بزرگوار پس از عمری مجاهدت در تاریخ بیست و دوم آبان سال ۱۳۹۹ بر اثر ابتلا به کرونا دارفانی را وداع گفت.